(١٠ سُوال المسكرم ١٠١٠ق)

، معاره نخات كثوره س ب وطن درناجه باشد ؟ مادره ست ،

دورت با دردو گرای ام میدخلیل آغ ا حردم ادری باغ بری می رسدس تا زه مراز تا زه تری وسد، نامةً معود لطف شا بامجلةً وزين (آئينهُ افغانتن عنارة (٤) (ن بن رسّيد - دي سيت رابيام آورد:

ركيكوب كل وزكيطرف سيغام بارائد - من آن ديواندام كزهردورتوى من بكارا مده

درسرنامه تاریخ انگارش ۲۰ و بعت ب عیتوی دشتنی وقری نوشم فراهد کفت حال یک تاریخ کا فی بود جرات آبن دابا دمرديد؟ درجدب عرض ى كم - ادب سرة ماريخ مساب (عثق) اشكارى كردد وس عشق سرا ربدس دولمن عیزم طام - ما الد مفاین عبد می بعدد می رند م ارد و برنقداد علامة مندان عبلم روز بروز افر و دی گرده این موفقت شاست . واقعً درین مراحل حساس دم از مملی ردن ودرراه آزادی میس ممبوب مکموی نی کردن وصوای خود را بکال مراب بگوش هانان را سنون کار شاده وآسانی می باشد - هرکت مرسرد عفایدمین وستنی (صرت خلیع) با شد مین خداتمال

آتى مابروى ككزارمى سازد دهه مشكلاتش را مرفوع كاكرداند ومرت مولوى جائ مي جروش مرفوده أمده غلیل آئ در ملک یعین ک - نوای کا احب الا فلین زن

سينها وا درداه صلى وقضية داه حل سياسي افغانت ك ازهان دردومن سرحيمه م كرد . نظرات عمه دون من واخوانع مر محت در حد طود چرزی معیند ومعقولی نواشد اند ساکفنه مده که ازامان افكار- برق معیّقت جسّمت ی گرد ، بعیری من ملّ میّاسی و رور كارا مان ما معیّق در دنست كر همه هولمنان آداره ومهاجر وجاهد دست بهم داده از اتحاد قرآن استفاده تا يندولفا ق فرالا وجاه طبی را که (درحفیقت جاه طبی) ی ما شدکنا ریگذارند وان سرا خلاص وصدق وصفا بیس آمید تا بارمة كاميان وظفر حساس موفت اين س) ماريك به صبح روش آزادى بتيل كردد - وريد بادي اوضاع فعلى وخودخواهي كم نما تون را • بسرمنزل مقصود برد ، معزت الوالمعانى بدل مصدل

فرموده دند ، (يا دان بوغاق مدم مى كسند - جدي عرب وصف عب مي كسند از فدرت دانن ق غافل نوی - دندان و سنگ را بهم ی کنند.)

برای اینکه دوسی ن هم صحانه گرده جی آیندلان است درس کمیسیون صلح واش وز فو ماندان کم مرم جهاد فصوصاً منهاعتاب احدى ومتعود (بهرمان كهار) جناب امراساعيل حرويا - جناب عبد الحق كابلى - جناب سيد عبرن غزنوك - جناب طلل الدين عقاى - وامثال ك حجد فروند برىقد ددى بىغىزدىد دعوى بعلى تربيد كاليم ميزدلان افغان درين كميكيون حفوربهم رسامين الذافكا روسجارب يمتدارخود رابور كام مغصل تعتم دارند- حرفرد صادق ولمن (باشتنا كا خاسِين تلى كرمود اندهر بسرج وخلى ومولم في باشده وارد كر درين رسمتاخزتى وشراك ورنیه نادیم ندرخدر بیکوش جهایان برس نند- و درین ردبین خاصران دفنان ما میزحی شمولیت را دارند- ما بهنانکه مردن فدرکار و باشها سی داریم خوش بختانه زنان دلادر و میرسیکری هم مات، والافكارلطينه كان مى خواهيم مستفيد شوى _ (رن دفعان ملى بيداردارد _ دماغ ما زه ومركار دارد افغان مالى واربارد مراحد عامة باركارمارد) -حوطمان دانشد ما در تا مه تارخود از بعض شخصت تارعشرین تام برده اند که آبها درامریکا و یا اروم سرس برند- لفف از هولمنان آواره خود که در کابل و دهای و باکت ن و عربشتان متعودی برکی برندنز بالد فردوس نفرايند ، من عم جندس ور وطمدوس ن صادق لادري جاى نواسيم كم دركابل

جناب محمود لطیف ہویل ۔ جنا ب فودالٹر ک جناب داکر خلیل حریشہ ۔ جنا ب عبدالباق

ی باشدارین خلاج رئیباسی واجهای به نفی ترم و سمخود بهره بردوری کند - معرفیه میموامی تنا عد- درصورتیکم کنی کد از وجود خالی توری رکا کئی ت و تر فرید کا رخود انکارداشته با مترس از منين كوروركيم مه ماى توقع و انتظار خواهديود؟ اموزديديم كه مزموده پروركا رما لم على ملام برسي طوريكم ديكر مي بين ت وان العز برور سجليات نوراني خد را در الغش وآنات آشاري سارد -خدادند فرموده (قل جاء الحق وزهق الباطل- ان البالمل كان زهوقاه) مين اى بيغر! مگو كرمق ا مرابعنی سیغبر برحق و دین در اللهم و قرآن بمیان آمد) و با لمل برعبارت در کفرومت پرستی و فرا و بود الزميان رفعت حضائيه باطليع جال دلاداى عفرت سرور كالمنات (ص) (المنكه دربوي بهارش رعب اسكان ريخينند - ترد راهش جوش زد آنار رهيان ريخيند-) كعزوشاق وظلمت نفا في وفي دومين (زجامه رض بربت و بارت علم ترصد وصرق وصفا وعدل و قضا وجود وسخاد با ومدود فا دريسي مكمفر مارديد و بعوض بت : (قرآن مجد) قانون رس سى عرب ومجم مناختم بعول دركر ربال : (مين قراك بنه ومولايكيت _ بوريا وسنه ديبا يكيت .) بررسی کم باطل ارمین و مفتی اس وحی آخر بها ی خود و آری کرد - یعن دیدیم کم رژیم کمون ی درساسم جهان ناكام ومضمل كرديد و باب برلين بررورهان بازرير معسى مر بليدلين ازهرجا فرق ریخت و درخود رویکم کارگردن در حقوق خود در وی کرندوخوده ن استعنا ر زام داران نظا لم خودی با کند . گربه چف کم خودش عن تودند کر به ای دارها رکندیش میکوندی تودند جرانی دا این افغانی مددرای ودشی شکن را دردر خود در ورد از این خیال است معالدس وصون بعدارن هم کغرد الحاد جانب تلقه ط در رخود روان اکت و ایلام که ناموس الهی سب سرتاسرجان را فرای گرد - باید ما متاهای برین جریانات صفانی افغی رکینم و بعراحت مگونم (الحدرلند علی دین الاسلام) مكر حق ما كديم وأدري _ بينواري جومعطفي دري .) حفرت ابوداي فلاب به لمحدين چر خوش مفون عاره كن دارند : (مى بنى اس ما دهر سرطاق صواست - ميكوس عرجه سرت اركما فنا الماسيم هيمت از خود الاهي شدت - اي تورهز ارجيم احرم توكي ست ؟!) ... افغات درهو الم المعنى دوكور مل المراجعي دوكور مل المراديد وهمايان عاملات كا مارد ملا المليس عب كارد فا كرد و فوكران خود را درباس امر مخر بعقر بعقوب فان وري مشجاع براريم مررت ف ليد تادينكم الند تصريت سيدجال الدين دفياني و ما وزير و مداكرهان غازما (قاتل كمناس) وجناب مردار محرالوب 6 ن عارى واخرًا اعتصرت المان الشرفان مرحوم بشول بعن دوريز كان وزن قر فراكار افغاني اميًا ل ده عانها- نارو انا - زرغونه - ملاتا - دلائى منگر عاك . وشمنان كورلام رواد كرده بيرق استقلال لا برفرازسين برافرات تند - ولی مما سفان مبنب رئبته ادفکری و خرور و با نا بختگ بعنی رجال بزرگ - رویک در ومن مجوب ارضه وارد كردوبه بهامهٔ ساختن مرك سالنگ و تعيرسيد ي دركابل ولل خركا و روابط نظامی و فرهنگی و اقتما دی یک شم عنام وطن دوش و درمدل و آن ور د کا و رفعن دخر ال وا المستارة عين كرده برهنائي (تروك خبيت) (حفيظ خاين) كروبان نام ومبار برو حفيظ ودين كردمد ببرك اهمی و د بخیب كاد) و (وطنها روطن فروش) و د قار د فادر) و كشمند مد و اشال كان رش سلفت وبازريم جمهورس قلان على فيرداود لا (كورس دوكتي روس لاخورد) ازمل برد وعروس كار طود لا الذكر على سكابل سوق ط د ، مجعن اشغال كابل _ سبحا وز ، سوقت ، بى ناموسى تعدل وقعال لابرلاه انداخت سرط سه فر معنوی و مادی ما را بنا رب رو سعضی مرارزی و مادق را ماند علی میوندوال بهمید (که مکرنی ادم نود) مرحوم موسی عنی - نار فراحرای ری سانی مخرداود و کا ماکن ، مردان فامل ملل محدد ما و دیگر دا تولان و علماد کرام را برحان ووحیا نه نوسط دادد ترون ، تره کا

نورعكا رون بامريم وكميغورت بياج

لاکت در کابل زخی شرو شاع شوکی و معده اش مورد مده قرارگرونت - فورا توسط میت طیل که محضوی این زن ور عربه برهای آمه و زرغونه در شاخانهٔ علکرر داخراً در شناخانه کنونه تحت عمليا وتعدد واقع تد - اليند غونه عدالت رزم برجي وعلق - آماً ي محود برمالي كه اكنون مجيث معاد ل الل صورت م كثوروظيف داردب بهام بري ري ان رخي - در تفريكاه (بُونه) اِنْدَ احمت دارند - یا للعب! برجال درد الزهین دو - ابرورت و یا ت ابر قدرت عما في است - بعول شاعر با درد كورو دل اكا ٥ : منا يدكن ايكم در كردون مرون مرجو درطوى خلاص يا نده دركا بهنگ دفند. بلی گردای (مرابطان کای کیر) وطوی (امریکی و منگ هین خرس سرخ یا دیوار تنظاری با شد كرنائ آن لا اكنون كريم سرخ بكف دارد. درينا بطور مناجات عرض ى كنه: خدادندا! بریجان نی را فی ریزن / بعران وجراغ صبع غیزان بلب عربائر مار مح عيم الم مكتوريد انوار محسمه کر رحی بردل برخون ماکن ر ورنسی عرفاعی برد ماکن . به شخصیت ظاهران و احزام دارم - کاش فرزندان ش و داه دان نه یکنیز حبزال بست درس درت بای می در در با می در در می در در با می در در می در در بیمان بودن و می در در این در بیمان بودن و می در در این در بیمان بودن و می در در بیمان بیمان بودن و می در در بیمان بی احسًا س مستولیت نکردن درین موقع مساس کنامی است نا بخت دنی . تیکو رمحدگوسف ، شاغی عبدالرحی برواک، ع على دون مرجادى و دشال ف ن از شخصيت عربهمات وطي دند - مشيده اي كر آجار بر ودك رسي كر و مرسي شه اند . برای شان شفای عاجل تمنای کنم ، خرد کرکه در (آئینه افغانتان) خواندم تحضوشت شاخل عبد الحکیم طبیع بحث منا ورکلیدی حکمت یار بلی نعیب کردم . آیا این خبر معزون محقیقت خوا حدود؟ میمونان مروصه كفي مكمعتمان صدقى بالانسيت - اين شخص از دبيه است كار ورزيرة وطن عرزي باكند - س درنم حيرا بسكوت رفت اند - ۹ آذر دكنور معدحامه ، شاغلى عبدالتواب أصنى رسابق وزير مياد ب وصنايع حكومت داودي شاخلى الجيز عبدالتد برك ما ، دكتو رعبدالندعلي ، شاغلى غلام عنى أثين ، شاغلى دكتور لام مبدراج ، دكتور شدم منور رهین ، آماً رحموابراهیم کندهاری ، دکتورعطا محدنور زائی دبرادرموته کرانورزائی مرحدم که از تحضیت کارمتان طبعة نندان كوربودند) وكرمزال مخدند سراج، جناب عبدات رشرت، جناب سلان محود غان، جناب عرن دان واصفی ، شاغل عبدالرحيم ميننزانى ، شاغلى مخدنجيم آديا ، شاغلو دكتوربش اهدزكريا ، وكتورمنين م زكريًا (فرزندان جناب سردارونين محتدزكول) شاغلى محدولى متوى مكوى ، آخاردشنه ، كارطوفان مليار ، الرميموسين كري ، آور محكوري ميون والانزديك ما شناسم ، اميداست درموقع باز كنت بوطي مصدر ضرمام معندو ارزند به میمن ویران شدهٔ خود توند ا ارور من المرورد جواب دندان شكن شابه نجيب مزدوركرين ميكي (جانا! سمن ادزبان ماميكون) أوني به احتات ت وظم مرجزات شا . بتنایک موضوع مای خراج ند کو دهم کم از (سیجمه) در جورب خود مادی کوده البدلیکن از (واق) مای برده فرق - میگونید ببرک خابی دروقت را ست خود جاله وافان را به روتیه نفت کرد و تعدیم کار جمد بطرکترای مردوانیدند نفت کرد و تعدیم کرد به در می مردوانیدند كه درطين اشغال افغا لا ما ن وتعلط برقلب (آسيا) بآب ع ركع عند وخليم فارس نيز شنا ور كرده وخود وا برتركيه ومراكب ن نزديك ماند - اكنون درصندوك يرجم آب راخت غوده مي خوه اهدا مي بكرد ، ولى اینندر این علصی خرشیاست شی داند که عاقبت خارع ریاحی میکم و کلوت را یا دو می سازد . مر امون لفت لاستر دار) ولعض لزارت دمگر در عد جرآئینده توضیاتی عرض خواهم کود . اکنون می ایم مرمسر بخش منفح و ادى ما : (ى دونم شا بر بهنائى الزعمدة بم كارتا برامه من توانيد - ما وسي فرها وعان

مندوق حياء

در شماره پنجم مصاعدت باقای احمد صدیق حیا ٔ را باساس راپوری که از هموطنان مقیم دهلی را جع به پریشان حالی شاعبر گرفته بودیم تجویز نموده بودیم، اغینه افغانستان مسرت دارد که هموطنان با درد و خیرخواه باین صدای خییر لبیك گفته هر کس برابر با توان خود دست خبر باین صندوق اعانه دراز کرد، ائینه افغانستان مطابق بپالیسی نشراتی خود و هم باساس وعیده قبلی اسم مصاعدت کنندگان را با مبلغ اعانه شان ذیلا نشر میکند ، درحالیکه اکثر اعانه دهندگان به تاکید و اصرار سفارش نموده بودند که نام شان نشر نشود اما ما بدو ملحوظ اینکار را میکنیم ، یکی آنکه مطفئی شوند که اعانه شان رسیده و بمرجع ان ا ر سال گردیده ید دوم اینکه ازین علمل خیر و مساعدت شان تشکر و امتنان خود را اظهار نمائیم، اعانه دهندگان به ترتیب وصول اعانه قرار ذیل است ،

		ر حین	الاعال مسادل به طربيب وبصول العادا طرا
يا ددا شت : چك حواله بين المللي	دالر	۲	۱ ۔ محترم ۱ نجنیر نـمرت ملکیا ر
مبلع ٤٠٠ دالر قبل از عيدتوسط	رر	۰۰	۲ ـ پیغله مرال ملکیار
بسته راحستری باقای حیاارسا ل	رر	10	۳ ـ محترم حنرال محمد زکریا ابوی
شده ، خریدا ری حواله ومصرف)	٥٠	٤ ـ فحترم عبدالغفور ظفرى (ازويسكانسن)
را جستری مبلغ ۱۲ دالرشده ۱۰ طعینان	<u> </u>	1	o ۔ فامیل هاشمیان ۔۔۔
وعول چك از دهلى رسيده است .	دا لر	610	جمعا
	دا لىر	۰.	۲ ــ محترمه میرمن رضیه معتمدی
	رد	۰.	۷ ـ محترم اقای عزیز نوری (مها جرافغان)
يادداشت: ابن مبلغ ۳۱۰ دالر	ر ر	١.	۸ ـ محورم اقای گل محمد فقیری ازنیویارك
_	ر ر	۲.	 ۹ محترم اقای محمد حسین فیروز رر
با اعانه های دبگری ک ه تااخیر	رر	١.	۱۰_ محترم اقای سعید فیضی ازالمیدا
حولای بیرسد پیورت دوم انتقال	رد	١.	۱۱ ــمحترم حاجی عزیزا حمدطهما س ا زحا رجیا
·	ر ر	۲.	۱۲ــمحترمه میرمن عزیزه انوری از دینور
داده خواهد شـد .	رر	•	۱۳ محترم اقای سراح وهاج ازکانکورد
			١٤ـ مخترمه ميرمن سلطانه فاروال عثمان
	<u></u>	9.	مستمندی و محترمهصالحه دوله_
٠ ٨.٥	دا لے رہ	٣1.	جمعا تا تاریخ ٦جولای

اعانهما

هموطنان ذیل علاوه بر اشتراك مجله یكمقدار پول بمحله ائینه افغانستان اعانه داده اند،ناشر ائینه افغانستان ازخیرطی فرهنگ پروری این هموطنان کمال امتنان داشته این مساعدت بی قید و شرط را بمثابه سهمگیری در جهاد و مبارزه ملی افغانستان استقبال مینماید :

11			
۲۰ دالر	محترم استاد امانالله حبدرزاد	۲۰ دالر	محترم اقاىمحمد سرور رشحن
۲۰ دالر	محترم جنرالفضل احمد عالحي	۰ ٦ دا لر	محترمه دا ≥ترماری ذوالفقار
۰ ٦ دا لر	محترم محمد خالد سكندر	۱۰ دالر	محترم ظہیرالدین انصاری
ه دالر	محترم محمدیونس ا سکندرزا ده	۱۰ دالر	محترم محمد يوسف
۱۰ دالر	محترم سید سرور ها شمی	۲۰ دالر	محترم محمد کبیر سکندر
۲۰ دالر	محترم اقاى عبدالواسع روشنا	۱۰ دالر	محترم گل محمد فقیری
۱۰ دالر	محترم اقای محمدخالد نوابی	۱۰ دالر	محترمه ميرمن عزيزه انورى

ر هیربرکاراتی ک

برا در محترم آقای دکتور هاشیمیان!

به تعقیب نامهٔ تاریخی ۱۵ فروری ۱۹۹۰ باز هم مراتب خوشی و سرورخود را بشما بحیث ناشر ومسوول به تعقیب نامهٔ تاریخی ۱۵ فروری ۱۹۹۰ باز هم مراتب خوشی و سرورخود را بشما بحیث ناشر ومسوول مجلهٔ وزین " آیینهٔ افغانستان " ابراز نموده و از بارگاهی الهی برای شما توفیق مزید استدعا میکنم و خوشم ازاینکه شما در همچو زمان حساس این وظیفهٔ خطیر و پرمسوولیت را بدوش گرفته و تشنگان و آوارگان هموطن را چه در امریکا و چه در اروپا با مطالب خواندنی ودلچسپ روز ها مصروف میسازید و

من نسبت مریضی های پیهم و کار چاپ وترتیب چند رساله نتوانستم وعده همکاری قلمی خودرا بجا کنم ه امید است معذرت مرا قبول کیند ، دگر اینکه ماشین تایپ هم نداشتم که برای تان مضمون را تایپ شده بفرستم، چه می ترسیدم که با خواندن خطم خداناخواسته دچار مشکلات نشویده حالا چند روز تایپی در اختیارم است وقت را مغتنم دانسته و خواستم وظیفه خودرا انجام بدهم هاین را باید تذکر بدهم که در تایپ کردن مهارت ندارم وبا دو انگشت کار می کنم اگر سهو و خطای سرزد مرا معذور داریده

راستی اول فکرکردم برای شما در رشتهٔ اختصاصی تحصیلم (اقتصاد) مضمونی نوشته و برای نشر بشما ارسال بدارم و باز ساحه اعمار مجدد اقتصاد افغانستان عزير واعنوان قرار بدهم ليكن از دو نگاه خواستم ازين موضوع صرف نظر نمایم: یکبار ازین خاطر با وجود اهمیت این موضوع فعلاً نوشتن بقرار نظر بغضی ها دور از وقت است (خودم بااین نظر اصلا هیچ موافق نیستم) و از طرف دگر چرتی مرا بخود معطوف ساخت و یا دم آمد که هنوز قوای ددمنش روسی در افغانستان بود و اخراج آن هنوز ، آغاز نیافته بود که من مضمونی در شروع سال ۱۹۸۸ دراین باره در سیمینار منعقده شهر ایزرلون آلمان غرب قرائت کردم و آنرا بزبان دری با هزار شوق درآوردم و بیک مجلهٔ وزین خارج کشور فرستادم و خواهش نمودم آنرابشکل اقتراح بنشر برسانند تا اهل خبره درآن باره نظرات خودرا ارئه نمایند تا برای روز موجوطرح و پلان مناسب در دسترسیاشد آن مضمون تا امروز در آن جریده نشر نشده بعدآآنرا در مجلهٔ دیگر در شهر بن فرستادم ، آنها مضمون را چاپ کردند اما شیرینتر اینکه در آن تایپست بقرار گفتهٔ یکی از مسوولین تصرفهای بیجا نموده بود که به آن اساس معنى بعضى جملات را دگرگون كرده بود • با لاخره ناچار شدم و تصميم گنرفتم آن مقاله را راساً به اهل خبره بفرستم بعضيها بشمول دوست صميمي و محترمم مرحوم مير محمد صديق فرهنگ نظرات خودرا ابراز کردلامرحوم فرهنگ صاحب بمن توصیه کرد آنرا بیک مجلهٔ به ایالات متحده برای چاپ بفرستم این کار انجام دادم لیکن از طالع بد ما آن مجله هم سقوط کرد∘شما و خوانندگان شمارا چه درد سر بدهم روی این اصل دربارهٔ پرابلم های اقتصادی افغانستان نوشتن صبر و حوصله زیاد میخواهد وتا راهٔ "اعمار مجدد سیاسی افغانستان "روشن نشود خریدار کم دار د. قصه کوتاه که باز هم طاقتم نیامد و قلم را برداشته خواستم با ترس ولرز موضوع الپروبلم جمع آوری وامحای مینها در افغانستان ازا عنوان قراردهم چون دگر چیز در بساط ندارم که برای خوانندگان آیینهٔ افغانستان عرضه نمایم ° با تقدیم احترام

. كادرقم مقرن تى درعين كاره ترتروب

هموطنی از دهلی حددوستان بنام مستعار ۴۰ ع دفاخته ۴۰مضمونی در باره ۴۰ انتخاب ملکه زیبائی در کابل ۴۰ به تشویق رژیم کابل نامه ئی در دو صفحه ارسال واین کار را درین فرمتیکه مملکت بخون میجوشد در یك مملکت اسلامی یك بدعت خوانده و بر تبصره را دیو بی بی سی که خیر مذکور را نشر و تذکر داده بود که بدوشیزه برنده ۴ مسابقه ۱ پیائی مبلغ یکهزا را فغانی (معادل دو دالرامریکائی) جایزه داده شده شدیدا انتقاد نموده خبر بی بی سی را ناقی و قابل تصحیح خوانده است و اثبنه افغانستان بخاطری از نشر نامه مذکور معذرت میخواهد که بنام مستعار نوشته شده اگر نویسنده محترم شهرت کامل خود را مینوشت و دلیل بکاربردن نام مستعار را نیز اقامه مینمود مشکا رفع میگردید، اما در موضوعی که جنبه سیاسی نداشته و نویسنده هم دور از تسلط رژیم کابل در دهلی نشسته بکار بردن نام مستعار ذهنیتی را خلق کرد که شاید درین نوشته مقاصد شخصی نهفته باشد و پالیسی نشراتی ائینه افغانستان نشر نوشته های درین دویت کامل (اسم و تخلص و ادرس) را مجاز نمیشمارد و

نامه بي امضاء و تايه عر دبصرح

بتاریخ اول جون پاکتی در پسته دریافت نمودیم در پنج صفحهاز ادرس نیل که در صفحات آن یاد مهر دیده میشند اما امضا نداشت «در مهر ۶۰ جبهه استقلال ملی افغانستان ۴۰ خوانده میشود»

13615 Victory Blvd., Suite 237 Van Nuys, CA 91406

(این ادرس دکان فروش موترهای -مستومان است ا

مستعمل است)

ما کاغذ مذکور را بمرجع صدور آن مستردو یا دداشت دیل را ضمیمه کردیم

به آقایانیکه مضمون منضمه را نوشته اند

مراتب آتی احتراما خاطر نشان میگردد :

بقرار پالیسی نشراتی مجله اٹینه افغانستان که در شماره اول ان پشر شده است مفامینی که برای نشبر درین مجله فرستاده میشود باید تاریخ و امفا محداشته باشید ، متاسفانه مفصون شعا فاقد این دو اصبل میباشید، بعد از انکه شخصی یا اشخاصیی این کانحد راامضا مح تاریخ بزنند قابل نشر شمرده میشود ،

تاریخ گیسته بروی یا کت ۲۹ می ۱۹۹۰ را نشان میدهد و با کت شما بتاریخ اول جمن مواصلت ورزیده اینك بتاریخ چارم جون بشما مسترد میشود ، بااحترام هاشمیان ،

بتا ربح ٦ جولای کت دیگری از بلا کرس دیگریافت نمودیم ، اینبا ر نامه هفت مفحه ای بقلم یک هموطن دیگر نوشته شده امضا ٔ نداشته فقط در صفحه اخبر همان مهر سابق نشانی شده استه چوابدآئینه افغانستان همان است که قبلا بعرض رسیده است ، تازمانیکه یک نامه امضا نداشته باشد و نوبسنده آن معلوم نباشد آنرا نشر کرده نمیتوانیم زیرا جواب یک نامه (در صورتیکه جواب طلب و توضیح طلب باشد) بیک مهر یا آدرس یک دکان دا ده شده نمیتواند، نامه را شخص یا اشخاص می نویسند و اینها باید اینقدر شهامت داشته باشند که در مسائل ملی و سباسی از ذکر نام و امضای خود نترسند ، مهر مذکور چنانکه اکثر اعضای موسیس میگویند بخون صلاحت قانونی و اجرائیوی ساخته شده و بصورت غیر قانونی مورد استفاده قرار گرفته است زیر ا تاکنون تشکیلات اجرائیوی جبهه استقلال ملی افغانستان رویکار نیامده و مجلس عمومی و فوق العاده افغانها برای تصویب مرامنامه و اساسنامه و اختاب هیئت اجرائیه بتاریخ هفتم جولای ۱۹۹۰ دعسوت شده است

تا سیس هیئت ا جرائیه مدار اعتبار قرار خوا هد گرفت ه ۱۹۹۰ میشت ا جرائیه

آرسیف ملی

محترم باينده محمد كوشانى

فالمسروا وهمداود و فأيس

آتش کودتای نا میمون ۷ ثور حوالی ۱۲ روز در عقب ارگا شاهی بمشاهده رسید، من شخعا شراره

های آتش و آوازهای مهیب فیر توپ را از منزل سوم عمارت وزارت خارجه از دفتر خود که ارسی آن مشرف بباغ وزارت وارگا بود دیدم و شنیدم ، نیم ساعت بعد آین اوازهای فیر توپ وماشیندار شدت یافت دویدن دویدن وسراسیمگی محافظین ارگا که در باغ دلکشا موضع میگرفتند بخوبی دیده میسشد، حوالی ساعت یك بعد از ظهر یك قطار موتر که در راس آن موتر رئیس جمهور داود خان قرار داشت از دروازه شرقی ارگا خارج و جانب قسمر دلکشا بحرکت افتلاه، بعدا فهمیده داودخان برای آوردن فامیل خود بدا خل ارگا ازطریق دروازه فسرعی خانه اش که بجانب باغ قسمر دلکشا بازشده بود به خانه خود وخانه سردار محمد نعیم خان رفت و بیست دقیقه بعد تر همان قظار موتر با فامیل و مربوطین داود خان از عقب قسمر دلکشا بجانب دروازه شسرقی ارگا بحرکت آمد ، ما مورین وزارت خارجه الی ساعت چها رونیم عصردر دفاتر خود بودنده، رعب و ترس مرگبار همه جا را فراگرفته بود گرچه از شدت آوازهای فیر توپها کاسته شده بود ولی آواز تك تك تفنگ وماشیندار گاه گاهی شنیده میشده

حسوالی عصر دوعددطیاره اکتشافی در فضای کابل بالای ارگا با ستقا مت بالاحفار کابل دیده شد این دوطیاره بدون آتش باری فضای کابل را ترك کرد ، متعاقب ان دوطیاره دیگر از استقامت میدان هوائی کابلیا ارتفاع پائین از فرازارگا بجانب قصر تهه تاج بیگا با حرکت فیمعانه گذشت و چند ثانیه بعدا واز انفجار بمبها در فاصله دور بالای قشله ریشخور شنیده شده در عین حال آواز فیر توپهای بعدا واز انفجار بمبها در فاصله دور بالای قشله ریشخور شنیده شده در عین حال آواز فیر توپهای دافع هوا بسمع رسید ، من از برنده منزل خود در شهر نو دیدم که یکی از همان دو طیاره در حالیکه دقیقه به دقیقه ارتفاع خود را از دست میداد بسمت میدان بگرام از فراز شهر نو عبور نمود، غالبا این طیاره صدمه برداشته بود و امکان دارد در حوالی دشت حاجی یا کوهدا من سقوط کرده با شده فنرز این دو طیاره اولی فضای کابل را ترک نکرده بود که دو طیاره دیگر با همان وضع خصمانه از فراز ارگا بجانب دارلامان عقب کوه شیر دروازه غایب و آواز بمباری مجدد بسمع رسیده این وضع دو مناز ارگا بجانب دارلامان عقب کوه شیر دروازه غایب و آواز بمباری مجدد بسمع رسیده این وضع دو را دیگر تورنده با اینکه تاریکی شب بفضای کابل را در هم شکست وآواز انفجار مهیب در راکت که از هیلیکوپتریا لای ارگه مصور شده پرتاب میشد بگوش رسیده عدای انفجار را کتهای این هیلی دوالی هجر صبح دوام کرد و ازارگا آواز تك وتكتفنگ و ماشیندار گاهگاهی شنیده میشد و معلوم میشد مرگبار برفضای کابل مستولی گردیده

مرحوم محمد دا ودخان با اعضای فامیلش و دونفر از وزیران وفادار او مرحوم سید عبدالاله و مرحوم قدیر نورستانی در سالون بزگ منزل اول ومتباقی وزرا او کارکنان دفتر ریاست جسمبوری در اطاق دیگر جمع شده پودند، مرحوم دا ودخان تا حوالی صبح مقا ومت نموده منتظر رسیدن کملا زکدا م طرف بود، تا وقتیکه جگرن شهید ما حب جان خان قوماندان گارد جمهوری حیات داشت ومقا ومت گارد را رهبری میکرد کودتا چیان موفق به نفوذ بدا ظل ارگانشده بودند ولی با تا سف باید گفت که کمونست ها حتی در گارد جمهوری بحیث ما حب منصبان قابل اعتماد قبلاً جای گرفته بودندو ازقرار معلوم ما حب جان خان مرحوم هم توسط همین خائنین فافلگیر وبقتل رسانیده شده پس از شهادت ما حب جان خان همین خائنین دروازه جنوبی ارگارا بروی زهپوش های کودتا چیان باز وآنها را بدا خل ارگاراه دادنده حتی یکی از همین خائنین بالای درختی مسئرف به ارسی اطاقیکه محمد دا ودخان و اعضای فا میلش قرار داشتند موضع گرفته بود وقرار مسموع وقتیکه محمد عمر پسر ارشد دا ودخان پرده ارسی مذکور را پی میزند تا بیرون را مشاهده کند همین ما حب منصب خائن با فیر تغنگ او را جا بجا شهید میکند، تا این وقت دونفر از پسران مرحوم دا ودخان — خالد دا ود و عمر دا ودس شهید ونعش دوپسر روبروی شمان پدر قرار داشت ه

حوالی فجر صبح که خاشنین دروازه ارگ را بروی کودتا چیان بازمیکند جگتورن اما مالدین مربوط قوای ضربه که از مردم لوگر بود بداخلاطاقیکه دا ودخان وفا میلش محصور بود داخل میشود وبمرحوم دا ودخان فطاب میکند که من برای بردن شما آمده ام، مرحوم دا ودخان میگوید علی بچیم ما را کمجا میبری درینوقت ویس دا ود پسر سومی دا ودخان توسط شفنگچ بشانه راست امام الدین که ماشیندار کلاشینکوف با لای آن آویزان بود فیر میکند، امام الدین ماشیندار را بشانه چپ خود می اندازد وعقب فیلیایه اطاق موضع میگیرد و به آتشباری با لای آن جمعیت محصور آغاز میکند که در اشر آن بانزده نفر بشمول محمد دا ودخان نقش زمین میشود ، چون جا غور تفنگ امام الدین خالی میشود وخوش هم شدیدا جراحت دارد معاون خود را صدامیزند که بکمك بیا، سردار محمد نعیم خان هنوز روی دویا ایستا ده که معاون امام الدین بروی باقیماندگان آتش میکند، این داستان را جناب داکشر محمدمومی مردانزی داکشر معمدمومی مردانزی داکشر معمدمومی مردانزی داکشر معمدمومی مردانزی داکشر معمدمومی مردانزی داکشر معاون از زبان خود امام الدین

شنیده و بمن روایت کرده اس^ت ه

از همه دلچسپ شر اینست که مرحوم محمد داودخان برای دفع این غائله بالای قوای ضربه یا کماندو که دریالاحتمار مرکز داشت حساب میکرد و در طولروز ۷ شور چندین باراز نوکریوال وزارت دفاع که در آن روز محترم جنرال عبدالکریم علی بود تیلفونی پرسیده بود که چرا نبی جان قومندان کوماندو برای نجات کابل رادیو حمله نمیکند در حالیکه نسبسی یکی از کمونستهای سر سپرده باند خلقبود، و جگتورن امامالدین اکنون در جمله شورن جنرالهای رژیم کابل قرار دارد، علاوتا بقرار مشاهده و چشمدید چند نفر جسد مرحوم محمد داودخان را از جمله جسد شهدا جدا کرده برای به روز در منزل تحتانی وزارت دفاع مانده بودند و به صاحب منصبان عالی رتبه کمونست و آنهائیکه رژیم میخواست جذب کند نشان میدادند تا آنکه عفونت پدید آمد وآنرا بجای نا معلومی انتقال دادند ،

اداره آئینه افغانستان از محترمه گلالی عیمرداود (خانم مرحوم شهید عیمر داود) که در حادثه المناك همانروز حاضر و جراحتها برداشته بود و این ماجرا را بچشم خود دیده است احتراما خواهشمند است مشاهدات خود را برای تکمیل ارشیف ملی مربوط باین بخسش برای نشر به ائینه ۶ افغانستان بفرستند ۰

هـکنا از جناب جنرال محمد کریم علی خواهشمند است رویداد صحبت تیلفونی مرحوم محمد داودخان را بدستخط مقبول خود نوشته برای نشر بما بفرستند،

1014 PAIDI

در اخیر بحیث یك انسان افغان و مسلمان بجرشت میتوان گفت که هیچ نوع اشتلاف با کمونستها طرف قبول افغانان واقعی و ملی نمیباشند ، از انجائیکه تاریخ بعقب بر نمیگردد انشا 14له کامیابی نصیب مسلمانان برحق است نه اسلامیون قدرت طلب و سلطه جو و امثال انها،،، فخریه الفی ازکلفورنیا

١ دامه ص

هیچ تفاوتی میان نجیب گاو و شهنواز تنی و دیگر رفقای جنایتکار و وطنفروش شان نیست ۰۰ پسس چه بهتر که شا غلی حکمتیار مستقیما با نجیب و دار و دسته اش که ظاهرا قدرت را بدست دارند متحد شود و حکومت اسلامی افغانستان را تحت رهبری مشترك ۴۶ نجیب ـ گلبدین ۴۶ با پشتیبانی علنی ما سنکو اعلام دارند ۰ که این یکی از آرزوهای نجیب شیاد بوهه وهم شا غلی حکمتیارتشنه ۶ قدرت است ۰ وای بحال ملت مظلوم ما که سرنوشت شان بدست نجیب گلبدین و دار و دسته شان تعین گلردد ۰

و طن ویلزانه از یازاحتیا انجازیا هلزدو؟ ملکیتاز مطمانهاستیا کفاریا هلزد و؟ همه داد وطنفواهی زنتند اما نمیدانیم و طنفواهی بگفتار استیا کرداریا هلزد و؟

حمید انتوری از کالورادو حمورخه ۲۱ می ۱۹۹۰

ا دام ص مع ۹

حکمت حکمتیار با انجام کودتا با کودتاچیان حرفوی خون اشام خلقی نیت و مرام او را برای کسب قدرت ولو با کمونستها هم بوده باشید برملا ساخت وحیثیت ومقام او را در نزد ملت مسلمان و مظلوم افغانستان و افغانان مهاجر و کشورهای دوست و دشمن کوچك و مفتضم ساخت ،

اگرچه کودتای اخیر شهنواز تنی یك مقدار زیاد تلفات جانی و مالی وغیر قابل جبران بریك عده مردم بیگناه ومطمان کشور عاید اورد که سبب تاشر وانزجار هی انسان با احساس است ولی این کودتا مسلم ساخت که ستون فقرات قوای نظامی حکومت دست نشانده که مشتمل بر نیروهای هوائی و پیاده نظام بود از هم پاشید و بیش از این نه تنها قدرت مقاومت عسکری ان فعیف گردیده بلکه اکثریت ما حب منصبان نظامی که از روی مجبوریت شامل خدمت شده بودند دریافتند که تمام این مصیبت ها وبربادی ها در نتیجه دشمنیها ورقابتهای خلقیها و پرچمیها با یکدیگر عاید حال کشور گردیده وبیش از این نمیتوانند با سرنوشت افغانان بازی نمایند ، با حوادث اخیر انشا ۱۰ لله گلیم شان برچیده شده و زمینه ازادی کامل افغانستان از هر وقت دیگر مساعد تر گردیده است ،

ا مر مسلم دیگر این است که هر نظامیکه از طرف مردم افغانستان ازاد برای اداره امور سیاسی نظامی و اقتصادی کشور انتخاب ویذیرفته گردد پیروزی ان بدون همکاری قوماندانان قهرمان وحماسه افرین کشور از قبیل عبدالحق و احمد شاه مسعود که افتخار مقاومت در تاریخ مهاصر افغانستان اند و قسشر منورو مهاجر در اطراف و اکناف عالم امکان پذیر نخواهد بود ،

تذکار باید داد که ارزیابی مطالب قوق بر مبنای افسانه گوشی و شبنامه نویسی که در اشر داشتن هب و بغض شخصی و بدون ارائه ماخذ و اسناد و اسم تهیه کننده بوجود می آیدد تهیه نشده بلکه همه این معلومات بر واقعیت های عینی استوار است که اکثریت قاطع وطنداران با ایمان و با احساس از ان اگاهی دارند ، خاتمه ، لِعَلَم وَحِرْثُ رُئِي - تِرِلاني ١٩٩٠

شاه آغای قلعهٔ قاضی

عنوان فوق مفه في المنت كربقلم تواناي يكي از مردون تا ريخ زنده ا خفالسّان باستيوه بسّار هذّاب مكيسُكلله حقايق را برسّنة المحرير آورده و آنرا به محلّه آنگيذه انغانسّان سنحكس ساخة است من بهم كه در سور درين بير بزرگوار يا دداشتي دارم ، مخدمت خوانندگان عزيز بعرض ميرسانم ،

مردم فغانستان دردورى بإ دشابي المرحبيب لله خان، كلي كبرا ل، را وسي بلفظ ميكردند. من بم بهين ساكبت، اين عوف را درين مفون مرعات سكم ، مجرس عبد ارجيم خان رد ١٩١٢ بحيث جزال ولايت برات مقرر شد، او يكي از مرمدان شاه آغاي قلعه عافي بود. جزال موصوف قبل ازعز بيت الطرف برات بدستهلي خباب أه أغا مُشرّف شدواز مشافرت خود بطرمن برت يادة وبيفد ، جناب أه آغا از سنيدن دين خرىفكر رضت وفاموش ماند ، جزال موصوت دوباره ع فن كر ، وكُفت آزرومندم ازدعاي شم بهره درخوم. خاب بربازهم سكوت بود، حزال درمن النابا بيتا بى ازجا برخاست وركتهاي تُناه أنا دا ما رد گرىومشيد وكَفت التماش دعا دارم، اينبيار شاه آغا بالهجيدُ حزين فرمود؛ من دين كفرترا تاريك ميسنيم بر جنس عبدارهم فان و فركرد . با نفرفرمان اميرصب بايد بردم ، جزال موعوف عين حِلدُ سًاه أينا را بدام حبيب بيتم فان گفت امير با و اطمئان داد كرس نا مرُ حضری بر با با مورسرور خان رناب اکلوم ولات برات نوشته م، که در اموع کری مدا خار کند، با با محرسرور خان ما ما عليا حفرت سنخص كالخوره ببيكيان غفياك ومغووربور اكرة فرامين امرجبيد لله فان را ياره سيكردو با جزالها تنكه بولايت برات مقرد ويمندن بسياد رويه خنن وبنت ، بابا محد سرورخان بعفى ادقات فنيصله هاي مشرى ماض مرعل مرمان ماخى ولايت برات راكربه مذاقس برابرنميبود) الرح ميزد. عبدارجم فان جين رئين رهندر تنويين دات و فرماين حضرت بيرت ه أ غا رورابي رزمل يرك ن غوره بود الم عادية ويكري درين راز نهفة بود ، كه جرس وفانواره بش راتكان دا د. درسفر برات درجعة "دست بكوايه كي از ميران حزال موموث كه دوار د ماك رست، ما كهان به حدام كولفتري رخناً ي معاب شد . خون از دمن وسینی او جاری گشته درس کی دیکاعت جان به جان آفرین کی ار وقوع رين عادف جان دركيان موسود ماريد سد اورومامان كردوير مزركوار راياد كرد . با مرك دين ميتركه نامش مرصدين بود الله أن تلفات دولار كايت بدرون استد درين وقت تنها يك بسيرك بني دبنام عبدراتد « دائت ولي . جنيل مرحوث بمنيك بهرت واصل شد، مرتب ييكرك فودرا توسط برا درخود كفورت وأماغا ي قلعة قاض برا ند. حفرت ا و اداد خلفاي كوم كندم " مك فريط بر برادر حزال مدهند، تا بهرت بغراستد . هنا ما ست داد ، ا من كندم دا نا ن بسیرنده و آن نان را زن وشوس خورندتا مذاوند رج ، اولادی با نیا اردانی فر ماید

مطابق فرالین شاه آغا، زن دستوبراً ن نان را خور دند ولعدار زمرور مکسال خداوند دخری برجس محو^{ون} ارزانی فرمود . نام این دختر را بی بی براتی گذاشتند . از بی بی براتی دع رو دو بیئر بدنیا آ مه ، که رس دخر أو مين الأن مكليغورنيا امرارهات دارند، دوليرومكيخرا وبلاس بارغ وتعب لبر ميرند، جرس سرصوف حيدت ل بعد للا بل مر رحمت كرد وبدئت برش ف اغا مُن ترف شد شاه اغا با و مروداد كه توروندة علال آماد مستى، الما متوجه باشي كه حادثة الس مزري رخ مديد . جيس عبد ارجم غان كه برعظمت روحاني رين بير بزرگوا رعقيده داشنخ درست، نهايت اظهارتشوليش ونكراني كرد. شاه آغا درجيبن اوخوا ندكه وسعت ميرود متلاشي كود . شنا ه آغا با نرمش كلا مي كدفت " سيمة كفت: مورين حا دننه حزري متوج تونسيّت « عبداره مِ فان مجال آمد. دست شاه آغارا دوباره بوسيد و وداع آد، سفة الكذي ت بودكه جبب المناط ١ ورا مدربار حضار كر د وفرمان تقرّر اورا بحيث جزال ولايت مشرقي (منكُره د) برائي تسليم كرد . مرس سرصوت وارد ملال آباد شدوروها درعالم تشوشات بسر ميبرد، بعداز سيرىشدن (١٠٠) سال التربيكية أنا م كلدكوس لغان برشها ده رسيد وبنام در تبهد منبرت فية. دين جريانا تيكه برف رساند وشد ، ند تنها من ملكه صدع نفر از زبان شخص حرس عبد الرفع الشنيده وندكه عظمت واقعي شاه اغاى تلعد قاضى در المينة روعات رُ ن بزرگور دنهند بود. مقارن شهادت امیرهبیب سرخان شهر ده دمان کندخان بلابل اعلان یادشایی کرد. و نامة خفيهي معبد الرصم خان عرسيل فرستا و ، تا از اقدامات نصر المرض خان ما تسبيط في وحيات من خان معين المله جلوگری معبل آرد ، با گرفتن این ما مرکز حضومی جرش موموف حلید و مد حب منعبا ن ار دوی مشرقی دانشکیل دا د وكفت، د مان ديد فان بكابل علان سلطت كرد، منهكا برم كربملك من بركاه ناسك المعكمة و معین استعلنه در رسی اعلان سلفت نایند، افغانستان دوباره دستین برج ومرج میگردد. وظیفرا مِنَى المِرْتَة كَالَّذِينَ مَعِيبَتَ حَلِوَكِرِي كَيْم ، حِرْسِ مومون ب مناحبِ مُعَان بدائة دا د كرمشْ باسْب عِلْكر ابلاغ كنند كه بركاه نامك بلغنة ومعين بشلفنه إدعاى بإداثا مى كنند، عناكرب صوا يكو بند، ميد ما دا منهديكردند. ما دول ميخواميم قاتل «بدرون دراب ناسيم ، تا زما منية قاتل ، دانسا سيم ا بكشي سبيت ني مني ، ميان بودك سننزاد ونعوائد فان ما سب كلفنه كالاي ا مان لهد فان وسنزاد . حيات به فان معيل كلف برادرا ، ل لمكذ فان باالنوب ارزعاً كرولات نظر ؛ رتقاط كردند، ما بالها سیعت نما منید . سباییا ن نعره زدند تا زما نیکه قاتل میدد ما ما سکیرده نتود ، ما به کسی مبعیت نمی کنیم . مقارن دمن جرمانات درهلال آبار، مشهراد ، دما ن لهد بعدار اعلان بإدلتابي در كابل با دوت لرهانيا عظلی اعلان حنب داد. دین اعلان آبی بود کم سرخسار اکتین حبت دا حلی ریخت وجلوانرا گفت. حوامندة عزمز إ اكنون في عدد فود دالعرض ميك نم.

درین سند درج است که ۶۰ عقیده عمومی برین است که تا موقعیکه زمینه انتقال قدرت بدست ملت مجاهد و شهید پرور افغانستان میلسر گردد جهاد مسلحانه ادامه یابد۰۰۰ همچنان یک استراتیژی مشترک بمنظور هم اهنگ ساختی همه امکانات بمقلصد سقوط دادن رژیم کابل و بمیان اوردن دوره انتقالی فراهم شلود ۰ ۶۰ ائینه افغانستان در تائید این عقیده عمومی متوقع است که همه تنظیمهای مجاهدیو در پاکستان و ایران بمنظور طرح و تطبیق چنین یک متراتیژی مشترک ۶۶ دست بهم دهند و همه مهاجرین امریکا اروپا در هر شرایط و سین وسالی قرار دارند در خدمت شان قرار گیرند ۰

پیشنها د کمیسیون مشورتی میگوید که ۴۰ ما اصل انتخابات ازاد را برای دائر شدن شوری لویه جرگه و امثال ان بحیث وسیله سهمگیری مردم افغانستان در حیات سیاسی کشور تائید میی نمائیم ۴۰ و ۴۰ بعیان اوردن تفاهم همه جانبه و ایجاد فضای مصنئون برای دائر نمودن انتخا بات ازاد عمومی و عاری از فشار خارجی تا باین ترتیب با انتقال قدرت بمردم مجاهدافغانستان استقرار و صلح سیاسی کشور میسر گردد ۴۰۰ اثینه افغانستان امیدوار است مجاهدین افغانستان اصل انتخابات آزاد راکه رسم قبول شده جهان امروز و ممالك متمدن و مردم پرور است بپذیرند و بعناقشات پنجساله درین مورد خاتمه بدهند، افغانستان یك مملکت عربی نیست ونخوا هدشد،

سند کمیسیون مشورتی پشا ور با شناخت واقعیتهای عینی افغانستان مشعر است که .

۶۶ مشکل واقعی حالت موجوده درین نهفته است که سازمان سیاسی موجوده از جمان اغاز احتوای مکمل نداشته و تمام عسناصر قابل رعایت جامعه افغانی را طوریکه ملت افغانستان توقع داشت تمثیل نمیکرد ه ۶۰ و بمنظور رفع این وضع لزوم ۶۰ ایجاد یك حالت جدید سیاسی ۶۰ را در چند جای پیشنهاد بتکرار گوشیزد نموده است ، بعقیده اثینه افغانستان موفقیت جهاد و سعادت و آرامی و آزادی مردم افغانستان در همین سفارش نهفته است ، چوکیها و قدرت طلبیها دیر پا نبوده اما مقوله معروف است که قدرت مردم ممثل قدرت خداوند (ج) میباشد ه عرب نبوده اما مقوله معروف است که قدرت مردم ممثل قدرت خداوند (ج) میباشد ه عادت سیاسی جدید ۶۰ مستلزم اشتراك اقشار مختلف و توده های وسیع مردم در یك حکومت ملی میباشد که مبتنی بر اساسات اسلام و عنعنات افغانی باشد ، در چنین یك حکومت برای همه جای وجود داشته و همه را راضی ساخته میتواند بشرطیکه قدرت طلبان از مسابقه انحصار قدرت دست بردارند و باراده مردم احترام گذارند .

و بالاخره كميسيون مشورتى پشاور از اولياى امور حكومت موقت پشاور تقاضا ميكند كه :

** متوقع هستيم سازمان سياسى موجود اين پيشنهاد را بطور مسئولانه با رعايت كامل واقعيتها

و شرايط افغانستان مورد بر رسى عميق قرار داده و نظر خود را در زمينه در مدت كمتر از

يكماه ابراز نمايد ** شرايط افغانستان بعقيده ائينه افغانستان مستلزم سرعت عمل ميباشد

و مدت يكماه وقت كافى است كه زعماى تنظيمها بانديشند و تصميم بگيرند تا ** يك حالت

جديد سياسى ** رويكار بيايد كه ** توسط اشخاص خبير و مخلص با هداف جهاد و غير وابسته به

تنظيمها براه انداخته شـود • **

ائینه افغانستان امید وار است که عقل سلیم بر احساسات غالب شده و زعمای تنظیمهای پاکستان و ایران باین سلای اسلامی و صلی لبیك بگویندگه در آنمورت دون توقع چوکی وصقام صا همه در خدمت جهاد میشتابیم و از میرزائی دفستر گرفته تا خدمات داخل جبهه را تحت امر و ارشاد قوماندانان جهاد اجرا خواهیم کرده در غیر آن چنانچه جناب دکتور محمد یوسف در یك مصاحبه از پاکستان با صدای امریکا گفته است ۶۰ برای رویکار اوردن یك حالت سیاسی جدید محبور خواهیم شد نظر به شناختها و تماسهای بین المللی که داریم بابتکارات منفرد متشبث شویم و ۶۰ و در چنین حالتی که خدا نکند رونما شود جناب دکتور محمد یوسف تنها نمانده بلکه همه صا با تمام امکانات خود برای تامین عین هدف دست اندر کار خواهیم شده و و من الله التوفیق و ۲ جولای ۱۹۹۰

خوانندگان محترم مجله ائینه افغانستان ـ هموطنان عمزیز

شماره ششم مجله بتاریخ ۲۳ جون آمانه چاپ بود که از شروع کار کمیسیون مشو رتی در پشاور خبر شخیم و جریان را تعقیب مینمودیم، لذا تعمیم گرفتیم تا ختم کار کمیسیون مشورتی و بدست اوردن اطلاعات در انباره نشر مجله را به تعویق اندازیم و اکنون که این کار انجام یافته یعنی اطلاعات مستند بدسترس شما قرار گرفته فکر میکنیم بدو هفته انتظار ارزش دارد .

معدرت دیگر ما اینست که نظر بتراکم موضوعات یك سلسله مقالات وارده خصصوصا آنهائیکه دنباله و دوام گذشسته بودند درین شماره از نشر بازماند اما در شماره اینده انشا الله حتما نشـر میشوند ، اداره مجله شـما ،

بردس خدسًاي باشيم وكُفت آينده مملكت برست ثما خابر بود. وقت خدرا خايع نكنيد. تها عبيديّد عان برادد كومك من نعيت وتما ممه برا درون كومك واولادمن تبيد ومن فرق بين براديم شاه آغا وتما ني بينم ومن وعفظ الزينك أن أغاب صنف ما سأ مل شد، منها يت خوشمال شديم. شنزاد باتاه أغايبتر ماهيا ، ما تكين ، خليق وفاموش كور وسرسينت ولالة او شخص نهايت مشريف سام عبد القادر خان برروز بموتر او را بهراهي سكرد ، عليا حضرت ما درتناه آغا بهرس ماه مكرتبه بعبنى لازمع بنفى لا يكناه أغاراكه من مم در الجيارشا ال يودم باقتعرعينيه وعوت ميكرد. و ما مان را مورر نوازمی قرار کوار ، روزی شهراد و ماه ا عالیت عدیمیتر مکتب را ترک داد ، فردای آنروز علت را حريا شدم . من و أنا كفت من وظيفه دارم في مكما ربة ولعد قافي بروم ويست شاه أغاي ولعدد كا في راببوسم. من برسرُدا رعبيدلهُدُما كُغُم . ميدمن وكاكاي من مم ازمرمدال شاه دُغاي قلعا قا خير تند . آرزومنرم من را هم بزارت تان ببريد، عبيد بهرمان كفية ، من از ما درخود ا جازه ميكيرم، بركاه ا جازه داد ترا باخود ميرم. على حفرت ا ما زه داده بود كما نعى ندارد . مكياه بعدمرا نيز بموتر خود به قلط ما خى برد . ديدم تعدا دكير مردم نغرض دسيري د زيارت جع منده رند ومُجوقه وتت ميبوسند، منظره والله ما عدلها در فان سرميركت ومن بركه لفر بنوست دمشت آن بسردالبرنتكيديم ، در منوقت من خود (معرفي كردم وجناب بسرمختعدًا بحق من دعاكر د . سأكفاذ بار دكرً سوفق نشدم، مدِّستَومي آن مزرگوارمرشم. دوري عدرتها درهان محفود ديشت مشهرا ده شاه آغا بما محففي ٤ ي سردارعبدلية بان كُفت و سناه آغا يَ للهُ قاض تسخير كابل را در رئت دارد و علىفرت امان الكذ خان ارزخ رات سكر رين بيرېزد كواربى دئى بى مرتىدەم كەن ، رويداد دخير لمان الله خان دروقت فرار كە برقدك ، اغا دولمه ماغى بوقع سوست كاطأ حقيقت دارد. طوركيه صناب آماى رائده عا دليه را سفعلًا مرجرية أسُونا افعال آ برنش مكرره وندى عبدله قادرها ن عين مطلب را از زبان حدمكريف كان موتروان علحفر المان إلى فان من قعدكرد. بيرمدلها درفاق نيام عبداليكم مم معنفي ما بوده (ويم مريداً ه أغال ملوماً في بود. بعد إلى ورس درازش مودعت مه صوفی علم تره بود ، من در کمنای فرا ، مدن او به خرط ندمینه وسم . درس دو ز مركي ملعدن براوج قدرت بوروصوفي حكيم ارزج دمان اوضاع شك مير كخت وث ه أغاي ملوكة كا هي دايا دمسكرد، شهزار بشاه النفون مبرئهم زيباي مئتا نبول درش عن مجرة مشياه امرارصيات دار در ، دمِن بود شيمهٔ ازعفلت روهاني مېرېزرگوارقلوم تا هي كه روح آن مبارك تا د بدشاد بهت و جان من در آزت، ما زما منكه المنيكون ذوات روهاني تسخيرانات عرزرا درمد قدرت روهاني وموي خود ما دركت داندى زون و وزر از تهاجم لفارمعهون بورو داستبرد ما ميهيانكان طنتي ميشد. درگذشت شاه وكدا به فقرا وادليا والمتعقيدة والمنخ والمنت والم الروزك ملت سطام وتناه أفياتان دراكستان وكرك وزندك قردر دارد الكرور كالكيفود كارا ميشوا مان مذعبى تركيده اند ، جيب كاى سان از دالركاي وليان وعِ مَكْورِع بِرُسْتِهِ وسنى لرْرسِبرى مِيز نند. دين أمرا كه خودكنان بركية بيكانكان خودكادا اسرا خدوند، نزد خدا، مزد ومدان، نزد تا رع وم دنهاه مت در دمندم فواست بررك دارنده من در فداي و دول الماس كم كه بارتاني آنها دابدات فوايد . وب كلم مرتزي

رساكم كارف عمرى سور مدسدد بودندار

دانشند محترم داکتر ماحب

در شماوه چهارم مجلم اثینه افغانستان در مفحه (۱۰۵) بجواب سخترم عبدالحی قدوسی پرداخته بودید، توجه دانشمند عزیل را باین جمله معظوف میدارم که نوشته اند ۶۶ در اوائل سلطنت اعلیحضرت محمد نا درخانکه اساس معارف عصری گذاشته شده.۰۰۰

توضیحا عرض میشود که اساس معارف عصری در افغانستان در عهدا علیحضرت مرحوم امان الله خان گذاشته شده قبل از آندر عبد سلطنت امیر حبیب الله خان شهید یگانه مکتب اساسی که تاسیس گردید مکتب حبیبیه بودکه به ترتیب پروگرام انگلیمی ده صنف داشت ، ۶ صنف ابتدائیه ـ ۶ صنف رشدیه و دو صنف اخیر را تهیه میگفتند ، چون نهضت مشروطیت از آن مکتب نشقت کرد از مدیر تا استا دان نامور ان مکتب حتی بعض از شاگردان منور ان دبستان مثل شاعر دانشمندمحمد آنور بسمل گرفتا رگردیده بعضی به توپ پریدند و برخی در مجبس مشہور و خوفناك غیرپور زندانی شدند که باثر آن سویه مكتب مذکور بسیار بائین اصد مخنانچه در وقت مرحوم آمان الله خان بشکل عصری در قصر شهر آرا عرض اندام نموده همچنان مکاتب عالی جدید با زبانهای زنده و جهان که در مکتب امانی و امانیه وغازی درس دا نه میشد بنیان گذاری گرنید ، مدیر ها ومعلمین آن از المان وفرانسه استخدام شدند، یکتعداد مصلین بالمان فرانسه ایتالیه و ماسکو جهت فراگرفتن تعلیم در شقوق مختلفه اعزام گردیدند . خوشبختانه اولین مکتب مستورات در افغانستان در همین وقت تاسیس گردید که پروگرام تعلیمی ان از هر حيث عالى و تلجب بود ، يك كا و كا دى سر پوشيده اخوش ساخت موظف بود تا دخترها كي كه منازل شأن ا زُ مَكْتَبِ مَصَتُورًا تَ ﴿ دُسُ كُلْسَتَانَ سَوَا يَ ﴾ فأصله داّعُت بمكتب و بعد بخانه هاى شان ميرسانيد. مكاتب ابتدائيه به تعداد زيادي نه تنباً در شهر كابل بلكه در همه ولايات افغانستان هم در مركز ولايت و هم درولسوالیهای آن تاسیسگردید ، باین ترتیب در سرتاس افغانستان برای اولین بار معارف عسمری گسترده شد ، مکاتب استداشیه مذکور پنج صنف داشت اما نصاب تعلیمی ان باندازه عالی و كافى بود كه فارغان ان در دينيات رياض هندسه تاريخ جغرافيه دانش وافى حاصل ميكردند وهم بسوية خوب نويسنده ميشدند چنانچه مصلين همان مكاتب ابتدائيه بودكه دفاتر تعرير و امورمالي حماً بي افغانستان را كه در انوقت شكل نو بان دانه شده و قوانين و تشكيلات جديد رويكار آمد برای مدت می مال پیش بسرد .

مکتبی بنام السنه که زبان فرانسه در ان درس داده میشد تاسیس گردید، فارغان ان میرمحمد حیدر حسینی حابق وزیر مالیه عبدالحکیم نصوری حابق رئیس فابریکه سمنت جبل السراج محمد قصیم نعیم مامور وزارت فارجه و یك تعداد دیگر بودند،

مکتب رسامی در کوتی لندنی دایر گردیده بود ، کوتی مذکور در زاویه بین ماشین خانه و پل هارتل و جاده لب دریای مقابل شفاخانه این سینا بود ، از فارغان این مکتب یکی دوست محمد خان معلم تاریخ مکتب نجات از معلمین معروف بود و دیگری معلم رسامی مکتب حبیبیه عبدالغفورخان نام ، داشت ، در ان مکتب بر علاوه رسامی و نقاشی مجسمه سازی نیز آموخته میشد،

مکتب دارلمعلمین که در همین عصر تا سیس گردید انگاه ۹ صنف داشت ۱۰ ز تحصلیا فسته های ان میا حسین خان مجددی سابق رئیس شرکت برق و برا در بزرگش پوهاند غلام حین مجددی سابق رئیس پوهنجی ادبیات و حبیب الله و میر مسجدی خان بودنده دونفر اخیرالذکر در وقت بچه سقو بهمراه استا د شان قاری دوست محمدکه مخبری شاگرد های متذکره خود را کرده بود بجرم توطئه قتل بچه سقو اعدام گردیدنده

تهداب مدارس عالی چون فاکولته طب و تعلیمگاه حربی دا را لعلوم عربی و نیز مکتب طبی در عصر اعلی عصر اعلی محمدنا درشاه شهید گذاشته شده قابل توجه است که تاسیس فاکولته طب با وجودا حتیاج مبرمی که بان محموس میشد درآنوقت کا رآسانی نبود زیرا جمعیت العلما و که انگاه از نفوذ زیادی برخوردا ر بودند برای افتتاح فاکولته طب مغالفت میکردند زیرا تطیخ را باستنباط خودشان درمذهب اسلام نا روا می پنداشتند و چندین مطبس در حفور اعلیحضرت موصوف راجع بتاسیس فاکولته مذکور دا بر گردید که از یکظرف علمای جمعیت مزبور و از طرف دیگر هیئت وزارت معارف تحت نظر عالم شهیر میر سید قاسم که سعت معینی انوزارت را داشت به جس و بحث های طولانی می پردا ختند تا با لاخره با بینفیمله رسیدند که چون مفمون تطیخ در بروگرام صنف سوم فاکولته طب میبا شد صنف مذکور در هنگام رخصتی نصت نظارت یکنفر استاد آن فاکولته به بهبئی رفته به مطالعه و عملیات تطیخ در آنجا بپردازند ، چنانچه چندین حال صنف سوم فاکولته طب برای آن منظور به بهبئی رفته ،

مکتب طبی برای فرورت ما جل مملکت که مدت تعلیمی ان کوتاه بود تا سیس گردید یعنی متعلمین دوره رشـدیه (بین صنف ۲ ـه) حایر لیحه ها را بمسرفیی خودشان بمکتب طبی شامل میکوند و دوره و تحصیلشان مدت سه حال بود ، داکتر های مستعجل مذکور اکثرا بولایات موظف شـده مـمدر خدمات خوبی گردیدند و مردم را از گزند طبیب های بیسوا د بومی نجات بخشیدند ، با احترام ، حید مسعودپوهنیا ر

دانشمرمحترم جناب پوهنیار صاحب ـ توفیحات شما در باب بنیانگذاری اساس معارف عصری درعبدسلطنت مورم امان الله خان باواقعیت های تاریخ تعلیم وتربیه در افغانستان سازگاراست ، مراد من تحصیلات عالی در عبد سلطنت اعلمضرت محمد نادرشاه بود که باید درنوشته قبلی توفیح میشد و شما آنرا نیز بوجه شایسته ای انجام داده اید ، از همکاری تان متشکریم ،

وتتماع ليشاور

نامه ای گرفتهِ ایم از پخشاِور بعنوان ِفوق مورخ ۷ سرطان ۲۸ ۰ ۲۸ جون ۹۰ بدستخط هم وطنانى موسوم به دگرمن روف دگروال عبدالله جان آنجنير احمد حدران تورن افغان حلین صاحباکافصیل و در ذیل ان نوشته اند ۶۰ به نمایندگی سائر محاهدین بشا ور از باب رود ۱۶۶۰ این نامه توسط کدام هموطن بالمان و از انجابما ارسال شده بتاریخ ۷ جولای رسیده است ، در جمله این هموطنان من حاحی صاحب اکا خیل را شخیصا میشناسم ولی دیر زمانیست که ا مسفای شانرا ندیده ام ، بهر حال درین نامه ائینه آفغانستان و ناشر ان مخاطب قرارگرفته از وی بارتباط دعوت افغانهای امریکا سوالاتی شده است ، علاوتا در چند جا بر یک عبده از هموطنان شامل در کمیسیون مشورتی پشاور با لهن شدید اعترافاتی بعمل آمده و کلمات رکیك و انتهامات حواله شده كه نه تنها نصيتوانيم **أنرا نش كنيم** بلكه با نظِر امضاً ككنندگان محترم ها مه مذکور موافق نیز نعیباشیم ، ولی منباب مستهلیت روزنامه نگاری قسمتهائی آرین نامه را بدست نشر میسیاریم و در حاهائیکه از ما سوال شده توضیحات عرض مینمائیم، البته حـق ردَ با توضیح آن عده هموطنان محترمی که مورد اتهام قرار گرفته اند محـفوظ بوده عندالوصول نسشر خواهد شد.

هموطنان محترم ـ شما مینوبسید که :

۲۱ جول ۱۲۹۰

۷ عربان ۱۳۹۹ ا حِیاع کیشاور بر گردد میشود کرده برای کارلیان تا از این می ارلیان تا از این می ارلیان تا این می ا دارمزم ۲ تای حاشیان به سمای مدرس تام نیاد کرده هیشاند در ارکی کهردان نازگان نیای جنائم اطع وارز عدة از سندين ام بادكر سايعة كاراً بادران ت نهي برضاحت سوم رزار ی اوائل ۱۰ من ۱۹۹۰ بران ا قراع واستورد ریم حفرت مبعد الر فرد در ب ورفور دا بركنه . باكت ن كا مرند . كا ما موده كه بيوشت اراده ما هين وعلت (دلك ن رأ وركت ، كل م شاهات باكت في كا بنم ب ورُ با جاكر بل و معادن كمتندى بي در تحويمور بيت ، با حيلهها وعواموين ها با حكاره حيدتن ,كته وه جوهموا كان ٠٠٠٠٠٠٠ ميداهد بازار ك د محرت تنغور و مردود دست نت نرم یا گت فرها دا بالای مدم ای کت ف تحمون نیز ما حدین دخانت ن کر ما طرد حدال هستند کرد ورددی باکتان ها سلیم کردیده ، در تا كمب ها و و و و و العدن المعاع دا دنه كه علم أون ترطم سنسك طاشوش بأكتان تعي ISI رن بنده او کر ش یادی، دکت دک مورد اعراض ما بند جمان لد که وکسته ۱ و می عدین مشران (قواع - فرمانها) ن وروط سزن درتماع ما مل بن اقدام وترطم فاعمان را عليم كارا دى سه رُسته ل وتراست رمن ان ترن واسته اعلام مؤوند مر جنس اقدام علیم بوجرد کا مدان میل كرك كتف المود ومل من مجدة من ويا كيدل ملت الذكت و بالأجم عدان بالمهمارى موتر تتيب عررست من در ٠٠٠٠٠٠ النوائق مات بالا ن وتغيطاى مردود ي ور بوسمة على من حرف عالى ممثل ازده فك مررا سوا نبركر با أتفايت كراد دركت الل رئة سل احدًا ، بن حفت نو ميسول ميسب ستعدل من مديا ، منا رهكيا ، در از من ما لمر بان ا مدامات سوش ومامنان ۱ رار معدد - روش اسلیم ما جات و خراف حرز را در ش ور مام من در المرت ويكر موز بعد باعث استحكم ويم مميّب دراه م ميروند إلى كما وين احدامات مي

توطئ بن ديس عيس منت اخذت ن ن الح ؟ تم يا بن توطه ها عيد كيان ون واحد يستعك

) را ددهل مذا عے ۶ کاران تعضیعا ا رکستیا رب سرون علیم کارادی

تعنيت راتمن ركي ان ون اراده في است الله يا مدي مر وكوية حواران معد حاجد

ما باین عقبدہ مستیم کہ این مسائل تضها ازراهنوشته ط نمیشود. دریشا ورحدود دو مليين مهاجر دركمها افتاده و مجددی وحکومت خود حافته و تحمیلی او نیز همانجا است حرا شما این شکایات تانرا بامردم تان در کمیها سیر نمیدهید وچرا مردم را برعلیه این حکومت مردود تحریك نمیكتید ؟ ملل منحد وهدي مقام ديگري بشما كمك كردة تمنيواند حتى خدا وند اح) درقران فرموده که تا خودشما اقدام و حركت تكنيد خدا وتدتشما كمك نمیکند ۱۰گر شما لویه حرگه ميخوا ئيد خودهما حركت كنيد مظا مرات ملبونی براه اندازید حکومت اکستان وتنظیمها دم راه شما ایستانه شدهنمیتواند اقدامات واحتجاحا تشما باین شکلی که دوام داردکافی نیست ویجا ئی نمیرسند ، علامه اقبال مبگوبد: نالیدی وتقدیر همان است که بودست ۰ آن حلقه ازنجبر همان است >ه بودست ا نومید مشو ناله کشیدن دگر آموز! هموطنان محترم ـ شما درباره ً اشتراك يكتعدا د مموطنان **د**ر کمیسیون مشورتی انتقاد و

اعتراض نموده اید و ما شخصه ای از اعتراضات شمارانشر

میتوانیم، ولی باین عقیده هستیم که اینها همهافخان

بوده حق دا رند بنوعی که میخوا هنددر راه نجات وطن

. . . .

بدر متری حاکی ن کی سیا سد که هواردن مجاهه داشته ، و صور او بدار فی ۱۱ از ایر در باکت نیرون کرد این و علیه و اصت را د باکت د ها صفره کند کشو کرت موقت باکت فی در باکت نیرون کرد این و علیم این مشوره برید د ا د کی ترب می استوره کند فراید کا استوره کند فراید کا استوره کند فراید کا اعتران کرد از می کند که می می در این که در می می در این که در می می در این که در این که

مشترك مان سعى وتلاشنمايند • اکثر اشخاصیکه از اروبا ـ امریکا دعوت شده بودندمینور ودانشمند بوده در بین انها شخصیت ملی مانند دکتورمحمد يوسفنيز شامل بود و نتيجه ً کار این کمیسیون باوجودیکه انتخاب و دعوت شاملین ان توسط شخص شاغلی مجددی و مشاورین او صورت گرفته بود انقلابی و مفید ازّ کوره برامد که نظر وتطیل اخینه افغانستان را در آنباره در صفحات اول این محله میخوانید، جناب سيد شمس الدين محروح نيز دعوت شده نود ولی اشتراك **نكرد** و در مصاحبه ای با صدای امریکا گفت که زعمای تنظیمهای پش**اور** منشوره پذیر نمیناشند وازین مجالس چیزی بنور نخوا هد شند .

سوال مشخص شما اینست که ایا سه نغرهموطنی که ازامریکا توسط شخص شاغلی مجددی انتخاب ودعوت امریکا نما خیر ؟ امریکا نما یندگی میکنندبا خیر ؟ امریکا نما یندگی میکنندبا خیر ؟ بعرش میرسد که مها جرین امریکا نه از رفتن انها خیبردا شتند و نه بانها علاحیت نما یندگی داده شان و اینها غیر از شخص خود شان از هیحکس دیگر نما یندگی ندا شدند ، دعوتنا مه عابصورت ندا شدند ، دعوتنا مه عابصورت بعد از درکت انها مردم خیرشدند که چنین حریانی در بین بوده

در حورد فصوطنانیکه ازاروبا دعوت شیده بودند ما بخود ملاحیت قضاوت و اظهار نظر را قائل نصبیاشیم، شما میتوانید ازخودانها یا مهاجرین اروبا سیوال کنید ،

هموطنان محترم

ما باین عقیده هستیم که هرچه شد گذشت ولی نتیجه کار کمیسیون مشورتی بسیار مغید بوده ضرب الاجل آنها یکماه است به بتاریخ هشتم اسد خاتمه مییابد ، باید این مگرا انتظار بکشیم و ببینیم که زهبران تحمیلی پشاور بچه فیطه میرسند ـ آیا زمام حکومت مردم را بدست مردم میسپارند یا بهمین شکل امارت ملوك الطوایغی دوام میدهند ؟ اگر اینها با ساس مشوره کمیسیون عمل نکنند آنوقت طوریکه جناب دکتور محمد یوسف اخطار داده است باید تمام افغانها ی وطنپرست دست بهم داده برای افختام حکومت پشاور باقدامات انفرادی ولاسته جمعی قیام کنند و بنا برادران مها جر ومجاهد مقیم یاکستان مهمتر وسنگینتر است باید بسیج شوید بنا بران وظیفه شما برادران مها جر ومجاهد مقیم یاکستان مهمتر وسنگینتر است باید بسیج شوید و جبهه بگیرید وقییام کنید ـ یك زعیم ملی و محبوب را رویكار بیا ورید که حکومت مزدور و جبهه بگیرید وقییام کنید ـ یك زعیم ملی و محبوب را رویكار بیا ورید که حکومت مزدور

ههه درخواب از آنند که بیدار کم

همه مستندو درین میکده هشیار کم ات آن بیمار زیاد است و پرستار کم است. كيست بيد اد كه بيد اد كند مردم ر ا 9 هد و درخواب از آنند که بیدار کماست دزدهشیا راز آنر وست کهدر بان مست است خانه و پران از آنست که معمار کم ۱ ست غيراز أنروست بهما جيره كه يار ازما ليست - غماز آنروی زیاه است، که غمخو ار کم است نه که ویر انه کند با د خزان با غیرا

که دران خار زیادی عمل بیخا رکم! ست قدر داير وز چو دير وز نمي دا نمني

شاهٔ شجاع هسسا در دو قرن اخیر ارسالى حقيرالعباد



مرحوم شاه شجاع انگلیجی که بمقایسیه اعمال شاه شجاع های سلف خود - عفت مرحوم را کما شیکرده ۰



مفرت شلهشجاع باكستاني اولین ملا درتاریخ افغانستان که با استفاده از مذهب درتلاش قدرت سیاسی



ملعون شاه شجاه روسسي که باید ناصفتهای بیشتر بعنوان او اضافه شبود،

مخشر زماره اوسات

منم	<u> </u>	عسنسوان
114	دانشمندی از اروپا	نسقسدا د بسی
114	ا دا ره	بسبطوی البیات ـ تصوضیح الداره ماه اینشد ا
111	د ۱ و د مصوستی محمد عزیز قصرار	شاعبران نحبیر مسلکی شبعبرینک النبهام است
17.	احمد صدیق حیا ۶	تبصره اقای حیاء
171	استاد ع رشید بیشش	ساراینده ماکن هامشیره گاریان
171	استاد محمد جلیدر نلیسان	لسو گسا نسو
171	میہاجیر افیعان	عصيد مهاجر
17F 17F	مرحوم جنها نگیر هنمایسون رهنیا ر	د هیمبیر گیرو قبهرمان قبیرینانسی
174	نـسيم اسير	صحن از افعفانحستان محصی آیکم
170	ن ا نڪارڪر	بسها ر وطسن
174	مصدق	فسرشته مسراد
174	د کـتور شـمع ریــز	وطلبن
17 V 17 A	. ہے و ی ۔ مخلوق سیداگل غریبیا ر	له وران افغانستان خُنخه بیروت صه جنو د بیشتیو میهلونیه
171	3 30	تہوگہ
171	محمد نصعيم عشماني	ضربّ المسئلسهاي د ري
179	ا حصد صدبق حیا ،	بحيام شحا محرانه
17.	سيدخليل الله هاشميان	سنزر گداشت خلیل الله خلیلی
1 m A 1 m A	محمد طاهر هاتیف شمس الدین متین سلجوقی	بمنا سبت سالگرد وفات خلیلی نسیسکسی و بسدی (نشر دری)
141	محمد طاهر هاتف	تمحیح ضروری
		-555
1 E V	سیدر زاد مصاحبه عظیم عنظیمی در در در	مسشعل داران هسنر ساستادامان الله ح گزارش کوتاه از کنسرت اخیر لاس انجلس
	ومعرفي	المحرية
180	مسحمد يسونس فسرييد	افغانستان آزاد در پسرتو اسلام
10 =	سـيد قاسم رشـتيا	سهای آزادی ـ سراژ پدی افغانستان
101	دکتور عبدالحکیم طبیبی ۱داره	تاریخ هرات در عهد شیموریان
107	ا دا ره	ا گـــهی و مــشـوره

برُيوى (دبيت

دانشمندی از اروپا بارتباط بخش زیان و انبیات این نامه را فرحتاده است :

و دارید برای تشویق آنان کورسی دایر کنید و برای شان درس بدهید و آنان را با رموز این کار قدارید برای تشویق آنان کورسی دایر کنید و برای شان درس بدهید و آنان را با رموز این کار آثنا بسازید ولی همینکه چیزی را نشر نمودید مال جامعه وفرهنگا جامعه میشود و مورد داوری قرار میگیرد وبنابراین اگر ارزش هنری این آثارپایان بود بدست رقبای ما در کشورهای هسایه سندمیدهد میگیرد وبنابراین اگر ارزش هنری را بعنوان اینکه یك احتاد با احم و رحم پرهنتون در مجله نسبتا وزین بچاپ سپرده است، می آنخطاط هنری و ادبی معرفی نمایند چنانکه ۱۰۰۰ من هرگز به شعرهائی اثاره نمیکنم که شما از باب تشویق بچاپ میسیارید بلکه در شعرهائیکه بعنوان نمونه های خوب در پشتی چاپ میکنید نیز اشتباهات لفظی عجیب دیده میشود که استادی مانند شمارا کناربگذاریم آدم های خوب در اشتباهات لفظی عجیب دیده میشود که استادی مانند شمار اید از آن اشتباهات قماض میکنید وقسما فراموش شان میکنید ، بگذار مثالی برای تان بدهم ، درپشتی شماره چارم یعنی مارچ اپریل شعری ۱۰۰۰ چاپ کرده اید ، من آن شاعر را نمیشناهم ۱۰۰۰ (قبولیت عام او را بروی من نکشید که عامه مردم سیف الدین و بیلتون را بر سراهنگ وخان جان مقبل کمری را بر بیدل ترجیح میدهند) او در معراع آخر شعر خود میگوید ، ۱۰ کزین جور و تظلم باز بیکا شانه خوره میگوید ، ۱۰ کزین جور و تظلم باز بیکا شانه خوره میرود وهرگز مترانف جور نبوده است ؟ خلاصه اگر من بمانند این اشتباهات اشاره کنم میترس میرود وهرگز مترانف جور نبوده است ؟ خلاصه اگر من بمانند این اشتباهات اشاره کنم میدر میرا شدن اثر باید یك ایدال باشد که مردم تلاس کنند و بعد از نبوشتن ویاره کردن صدها شعر آن را تا صطح نشر برسانند ، اینگونه تشویق های شما بوده است که بطور مثال متشاعری را گل سر سید شعر و ادبیات معاصر حافته است ولی او خودش هنوز (تظلم) را مترادف جور بکار میبرد۰۰۰*

هـموطن دانشمند

ما انتقاد پذیر هستیم واگر انتفاب و روش خود شما که موضوع را در یك نامه خصوصی برای هوشداری این دوستدارمرقوم نموده بودید نمیبود آنرا كلا نشر میکردم ، در شماره گذشته اعتراض قانونی استاد نگارگر نشر شد واینك چند نقد و نظردرین شماره مربوط باین بخش انتشار میبا بده قانونی استاد نگارگر نشر شد واینك چند نقد و نظردرین شماره مربوط باین بخش انتشار میبا بده مطرح میمازم ، اولتر میخواهم شمه ای از صحبت سه هموول پیرامون و اعتراض قانونی و استادنگار گر را گزارش بدهم که توسط تلفون از ایالات مختلف صورت گرفته است ، آنها میخواستند استادنگارگر را خوبتر بشناسند (ومن آنرا بموافقت شخص استاد موکول نموده ام) ولی هر سه شان با نظریات وی موافق نبودند ، یکی نگار گر طاحب را و به بیبلوی ادبیات و خواند واز بابت نشر نامه اوبرمن خورده گرفت و اظهار اندیشه کرد که بخش زبان و ادبیات مجله بعد ازین از ناحیه گریز شاعران نوکار متاثر خواهد شد ، دومی که دوستم میباشد بطایقه رواداری گفت که نامه مذکور بمقصد تخریب نوشته شده (این نظر او را رد و از صمیمیت استاد نگارگر اطمینان دادم)، صومی معتقد بود که درقید معیارهای عروضی قرارگرفتن از مقتفیات قرون گذشته بوده امروزه شعر در جستجوی قالب های نو است معیارهای عروضی قرارگرفتن از مقتفیات قرون گذشته بوده امروزه شعر در جستجوی قالب های نو است و اینقدر خورده گیری مورد ندارد ، البته نظری هم ازمعترم دا ود موسی داریم که معکوس آن میباشده

برای رفع این تشویشها خاطر نشان میسازیم که در حالیکه بالابینی دو استاد همکار خودراقبلا تقاضا نموده بودیم از یکطرف قبولی آنیا تا کنون نرسیده وازجانسبددیگر تا حال آثاری برای ارزیابی آنها ارائه نگردیده واگر هم چنین شود همکاری آنها جنبه رهنمائی و تشویق خواهد داشت ه

و اما پیرامون نکات این هموطن دانشمند بعرض میرسانیم که همین شیوه ایکه در پیش گرفته ایم کمتر از ۱۰ دایر کردن کورسی ۱۰ نیست س شعرای نوکار ازین نقد ها چیزهای مفید می آموزند، هموطن محترم اقای میا نیز همین شیوه را با روش آموزنده ای به بیش گرفته است که در همین شماره نشر شده و امید است در اصلاح و رفع اشتباهات مفید واقع شبود ، آنچه را نویسنده محترم خود ۱۰ اشتباهات ۱۰ خوانده است نمیتوان نمونه های ۱۰ نصطاط هنری و ادبی ۱۰ قلمداد نمود و انگهی در نشرات ایرانی اینجا از قبیل ۱۰ صبح ایران ۱۰ و چند تای دیگر حتی کیبان لندن اگر بیمین دقت نظر اندازیم اشتباهاتی می یابیم که باصطلاح از انسان شاخ در می آید،

در خصوص ۱۰ قبولیت عام ۱۰ در قلمرو خاص دیگری وارد میشویم که مجال بحث آن درینجا میس نیاشد ۱۰ اما ادب و هنر مجبور بارخای ذهنیت عامه میباشند، بنابرآن ذوق های خریدار سیف الدین ها و بیلتون ها و مقبل ها را که تصادفا در کثرت قرار دارند نمیتوان نادیده گرفت، تاحف کافی نیست که بگوئیم «ارزشرِای کلاسیك ۱۰ هنوز در هیچ مملکت ۱۰ قبولیت عام ۱۰ نیافته است ۰ در باب کلمه ** تظلم *دونکته قابل تامل است ، اولی از نظر زبانشناسی که بحثی دارد به عنوان ** وام گیری **(Borrowing) ویقرار آن این کلمه در جمله فلط های معروف است (وقتی فلط میگوئیم معنی کلمه در زبان بومی آن که عربی میباشد معیار قرار دارد) ، زباتها در برخورد با یکدیگر وام میگیرند و در مرور ایام بکلمات وامی اجنبی تابعیت میدهند وانها رابمثابه اجزای زبان خود و تابع دستور خود قرار میدهند و این بچند قسم است ، (الف) کلما تیکه با عینتلفظ و معنی تابعیت یافته اند مانند معلم ' مکتب 'حج ' دکوه ٔ کمونزم ' گول کیبر ' شیك و غیره (ب)کلما تی که با تفاوت تلفظ و عین معنی (در زبان بومی) تابعیت یافته اند مانند دلیور (Tiver) که اشتوپ (Stove) مابون (Savon) تمباکو (Tobac) خرصَت (بمعنی فُرصَت) مساوات (بمعنی مُساوات) فَقَرَه (بمعنی فَرصَت) مساوات (بمعنی تابعیت یافته اند از قبیل تمکین (بمعنی عامیانه اعتباءو التفات) مین تلفظ اما تفاوت معنی تابعیت یافته اند از قبیل تمکین (بمعنی عامیانه اعتباءو التفات) تعدیل (بمعنی عامیانه تغیر) و ** تظلم **از باب تفعل بمعنی ** داد خواهی **(در زبان بومی) که در زبان عامیانه دری بمعنی جور و ظلم استعمال میشود ، په (د) تغیر معنی کلمات یکزبان در مرور ایام مانند شوخ (بمعنی چرك) و افسوس (بمعنی تبسم) و صد ها کلمه قرن چارم هبری و دوره *غزنوی ،

باساس جزّ (ج) تعامل زبانشناسی این احتمال موجود است که شاعر مورد بحث کلمه ۱۰ تظلم ۱۰ را بمعنی ظلم و بیداد مترادف کلمه به بور استعمال کرده باشند و اما احتمال دیگر اینست که شاعر مذکور کلمه ۱۰ تظلم ۱۰ از باب تفعل را بمعنی ۱۰ داد خواهی ۱۰ نه بقسم مترادف کلمه ۱۰ جور بلکه مکنمل آن (دادخواهی در اثر جنور) استعمال نموده باشند که اگرچه غریب باشند اما ارتباط معانی از هم نگسسته است ۰

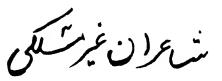
هموطن دانشمند درست تشخیص فرموده اند که نوشتن شعر بلید برای هدفی و ایدیالی باشد و ما باین عقیده هستیم که شعر نشر شده در پشتی شماره چارم هدف و ایدیال عالی دارد وبهمین ملحوظ بهمان ترتیب نشر شده است ، ما باین عقیده هستیم که شکلیات و چوکاتهای لفظی و عروضی راباید بخاطر ایدیالهای عالی ملی 'بشری و اخلاقی تا حدودیکه قباحت بار نیاورد سهل بگیریم ، شاعر مورد بحث دارای قرید مرغوب استعداد سرشار و اشعاریست که بصحه ۱۰ قبولیت عامه ۱۰ رسیده و در اکثر جراید جهادی جا گرفته است ، بنا بران دور از انعاف خواهد بود اگر او را در جمله ۱۰ منشا عران ۱۰ بسخماریم ۱ آنهم بخاطر ادعای یك اشتیاه لفظی که بمسند شبوت قرارنگرفته است ،

اجازه میخواهم بعرض برمانم که علم زبانشناسی مجاز نمیشمارد تا معیارها ودستوریکزبان را بالای زبان دیگر تطبیق نمائیم ، متاحفانه این روش تا چهل سال قبل در افغانستان (که زبانشناسی معاصر هنوز بطور علمی در ان راه نیافته است) رایج بود که دستور زبان دری را باحاس معیار های زبان عربی مینوشتند (نگاه کنید به تالیفات مرحوم ملك الشعرا ۱ استاد عبدالحق بیتاب در باره ۱ دستور زبان فارمی و همچنین ۱۹ عروض و قافیه ۱۹ او) ، شعر عربی ما در شعر فارمی نیست ، دوخواهر زبان دری ویشتو خاله زاده زبانهای روسی همپاشو ی انگلیمی یونانی حانمگرت فرانسوی الماشی ودیگر زبانهای فامیل ۱۹ اندو اروپائی۱۰ میباشند و کلمات مشترك و وجوه دستوری مقابه دارند اما زبان عربی که از مادر زبان سامی (کالاسمالی است هیچنوع قرابت ندارفره ز بسان عربی هیچنوع با زبان عربی توصیف شده و از لحاظ مذهبی قدسیت دارد اما از نظر علم زبانشناسی هیچنوع بیتری و برتری بر یك زبان دیگر ندارد بلکه تصور عامیانه ۱۹ زبان برتر۱۰ را علم زبانشناسی رد کرده ولی تشخیم بین زبانهای ۱۹ منکشف ۱۹ و ۱۹ غیرمنکشفه و را که وجوه فرهنگی دارد می پذیرد، وام گیری زبانهای دری و پشتو از زبان عربی به غنای زبانهای ملی ما افزوده اما تطبیق دستورعربی برده نمیتواند،

پروفیسر چامسکی خدای زیانشناسی معاص که یك سمستر استاد ما بود میگفت ۱۰ زیانشناسی انسانرا بیسودا میسازد۱۰ و این بخاطریست که علم زیانشناسی مبتنی بر ارزشهای زیان ملغوظ (گفتار) بوده زیان مکتوب (نوشته) را تعهیر نادرست گفتار میداند و از جانب دیگر وجوه جهانی و مشترك زیانها را با حاس خطلت مشترك بشری آنها و وجوه خاص هرزیان را با حاس ختمان هریك مطالعه میکنده بنابران هموطنان حق دارند مرا بیسواد بخوانند در حالیکه من آرزو میکنم آنها مبادی زبانشناسی را مرور نماینده

فعلی رژیم کابل اکنون وزیر احت ه

پ یا دداشتی هم مبتنی بر تجربه و مفاهده درین خصوص بخاطر دارم که اینجا فرصت بازگوی آن میباشد، در سنه ۱۹۷۰ استاد قیام الدین را می برای تحصیلات عالی رونده خارج گردید و مغمون زبان دری صنف در سنه ۱۹۷۰ استاد قیام الدین را می برای تحصیلات عالی رونده خارج گردید و مغمون زبان دری صنف بمنظور آشنا چارم ژورنالزم که وی دو ماه تدریس گرده بود بمن سپرده شد، در نما بدری فهرست حدود پنجصد کلمه ساختن ژورنالستان جوان با کلمات عربی شامل (تابعیت یافته) زبان دری فهرست حدود پنجصد کلمه شامل بود که یکی ان همین کلمه ۱۰ تظلم ۱۰ بود، خوب بیاد دارم که در پارچه امتحان سالانه فو صه نفر از شاگردان خشره صنف که همانا حزبیها بودند و یادداشتها و مواد درسی را نمیخواندند معنی این کلمه را ۱۰۰ ظلم ۱۰ و ۱۰۰ بیداد ۱۰ نوشته بودند ، یکی از ان خشره ها در کابینه



در نشریهٔ ماه ثور این مجله نوشته ای زیر محنوان (اعتراض قانونی) بقلم محترم آقای نگارگر بنظر میخورد که حقیقتاً «سخن را از دهنم گرفت»، از مدتی دلم جوغو می زد تا همچو اعتراضی بنماید لیکن خودم اینقدر عرضه نداشتم که نام اعتراض قانونی را بر آن بگذارم، بحمدلله که نویسندهٔ محترم در سخن را تا این اندازه باز کردند تاماهیم به اغتنام موقع پارا میان در گذشته و بنام همدردی با این بیت شاعصر اردو زبسان آفاز کنیم :

تنها تیری ماتم می نفین شام سیه پوش رهتا هی سدا چاك گریبان سحر بهی

یعنی تنها از ماتم تو شام سیه پوش نیست بلکه چاکی گریبان سحر نیز از غم توسته ما هم این ادب موزون کهنه و نو را هر چه در ذهن خود تا و بالا میکنیم نه از قافیه وبد یع و بیان اثری می یابیم و نه ابحار آن پیمانهٔ مفاعیلن فاعلات را پرمیکند، جهاد دوازده سالهٔ افغانستان همانطوریکه ملیونها مجاهد و مرد کارزار بوجود اورد یك عدهٔ زیاد بیاستمدار، شاعر و نویسندهٔ غیر مسلکی (از جمله خودم) را هم اجازهٔ هــرض وجود داد، چون سفن از شاعر غیر مسلکی بوده صحبت را از همین موضوع دنبال میکنیم،

شعر در زمرهٔ دیگر منایع مستظرفه یکنوع هنر پشمار میرود و تمام کوشش و تقلای شاهستر پرای آنستکه هنرش موجب قبول همگانی واقع گردد، برای نیل باین منظور شاعران اکثراً به نیرنگ های مختلفی دست میزنندکه چند نمونهٔ آنرا در آتی ذکر میکنیم،

وقتی راجع به یك پارچهٔ هنری چه شعر باشد چهنقاشی؛ مجسمه سازی یا موسیقی قفاوت سی کنیم در حقیقت قفاوت ما از دو نگاه نظر میباشد، یکی از نگاه محتوی و دیگـــرش نگاه موضوع، از نگاه محتوی بر مهارت و استادی هنر مند قفاوت میکنیم لیکن از نگاه موضوع بصورت ناخودآگاه تحت تأثیر واقعات و حقائقی میآییم که هیبت آنها از دیرزماــ نی در ذهن ما تلقین شده و دیدن آن هنر ما را بیاد واقعات و حقایق مذکور می اندازد، پس هنر مند خوب باید یا هنر خوب تحویل بدهد که کار آصانی نیحت و یا موضوع هنر خود را طوری انتخاب کندکه بیننده و یا شنونده از پذیرفتن آن چاره نداشته باشد،

اگر به تاریخ هنری اروپا نظری باندازیم میبینیم که هنر مندان قرن شانزدهم و عصس رنمانساز ((خدعات) نوع اخیرالذکر برای جلب توجه بیننده و شنونده به هنر شانبسیار بکار برده اند، مثلاً اکثراً موفوع آرت و نوشتهٔ آن برهه را واقعات دینی تشکیل میداد، بدیهیست که صرف ذکر واقعهٔ مطوب شدن میسی مسیح (ع) هر میسوی ایمان دار را برقت می آورد و یا اگر هنرمند صورت حلول روح را در جسم آدم توسط خدا وند (از نظر خود شان) ترسیم نماید هیچکس را جرات عدم تقدیس آن نخواهد بود چنانچه شنیدن نام واقعهٔ کربلا قلب هر شیعی متدین را بدرد میآورد، طرز انتخاب موضوع بهمین منوال بموسیقی و نظم و نشر آن زمان نیز سرایت نموده و موضوعات و مناوین این نوع هنر نمایی ها را نسیز واقعات و نامهای مشهور تاریخی تشکیل میداد، در طی یکی دو قرن اخیر هنر مندان و نوستدگان غربی از موضوع به فن هنر و نوشته توجه بیشترمبذول داشته و پدیده هسای نویسندگان غربی از موضوع به فن هنر و نوشته توجه بیشترمبذول داشته و پدیده هسای میوه موضوع آرت را تشکیل میدهد، مثالهای این شیوهٔ کسیار آثار کافکا ، وان آسور میرانت و غیره میباشند و خریدا ران امروزی هم مبالغ ۵۰ ملیون و ۷۰ ملیون دا لر را فدای همین آثار میکنند،

در شعر (نظم) فارسی و مادر آن که شعر عربی میباشد هم بهورت عنفنوی همین دو اصل مهارت شاعر و موضوع شعر وجود داشته و موضوع را اکثراً اصول مثبت و تلقبن شده درجا معهاز قبیل مناحبات زن و مرد (عشق وصال فراق) ، زیبایی طبیعت (بهار، جوانی، بلبل کل) ، مصائل دینی (حمدها ، نعوت مناقب) ، اخلاقیات (تواضع ، حلم ، کبر و غیره) و قصصص اصاطیر (جام جم ، آب حیات ، حیمرغ و غیره) شکیل میدهد ،

طوریکه در بالا گفته شد نصبالعین شاعر استقبال خوب همگانی از شعرش میباشد و بسرای دسترسیه آن که بهتر ازآنکه موضوع شعر خودرا از میان همین واقعات قبول شده که هیبت آن عادتاً بر جامعه مستولیست انتخاب نماید زیرا در حقیقت با انتخاب همچو موضوعسات شاعر نعف جنگ را فتح کرده میباشد، ذکر نام ایام جوانی هر پیر گهنسال را بی مطبا بگریه می اندازد چه رسد بانکه شاعر بنویسد که جوانی کمایی که یادت بخیر،

با تجاوز قوای شوروی بر افغانستان درین ۱۲ سال اخیر جای موضوعات ممدهٔ شعریرا کسه در بالا ذکر یافت همین تجاوز و واقعات ناشی ازان اشغال نعوده و توقع از ما اینست که هر اثریرا که حاوی این مطالب باشد کورکررانه بیسندیم و واه واه بگوییم،

بر گردیم به شاعر یورپی (اگرچه فارحی زبانان به این نظر هستند که هنر شعر و ادب در زبان ما ختم شده و در تمامی دنیا هیچ زبانی نزاکت شعر فارحی را ندارد) دلیل آن واضعت ـ ما زبان دیگران را بآن خوبیکه زبان خودرا میدانیم نمی فهمیم و از ادبیات دیگران هم همان حظ را برده نمیتوانیم بس بجای اینکه انگشت ملامت را مشار بر جهلخود مازیم بر ادب دیگران حواله میکنیم، القمه شاعر غربی بعضاً برای ابراز چبرگی خسود در فن شاعری بر یك موضوع بسیار عادی مثلاً یك لنگ بوت کهنه شعر میگوید و الحسق کم پیروزمندانه از عهده بدر میاید،

میخواهم که اگر ممکن باشد حربهٔ طلابت موضوع را برای یکبار از دست شاعر وطنی بگیسرم و برای شان چلنج بدهم که با دست خالی در میدان سخن چکار میکنند، آیا برای یك لنگ بوت کهنه شعر سروده میتوانند؟ این گز و اینهم میدان، قدر مسلم همینست که دیسگر حوطهٔ آن نمانده که هر که قلم بردارد و بنویسد که (وطن ارغوانت به نیل توتیاماند) ما هم سر را بر سنگ بکوبیم و های های گریه کنیم،

ولأفونسك

شعريك الهاكا

محترم محمد عبزيز قبرار

صبوفی نیشود صافیی تا سرنکیشد جامیی صد سال سفر باید تا پخته شبود خامی

بهنام خداوند

استاد گرامی معترم هاشمیان صاحب

شماره پنجم مجلم وزین اثینه افغانستان را بدقت تمام مطالعهنمودم که واقعا دلچسپ بوده و روزهای متواتر بمصروفیت ما افزود و در این ایام مهاجرت اخبار وطن را بگوش مان زمزمه کرد،

استاد محترم در لابلای مفامین دلچسپ و پر محتوای ان چشعمیمفصون عنوانی ۶۶ اعتراض قانونی، و ا افتاد کهنوشته محترم نگارگر صاحب است هم خوانا و هم پر مقهوم بود،

مطلبیراکه نگار گر صاحب مورد بحث قرار دانه واقعا قابل دقت است ، زیرانگارگرها حب بالای مفامین انبی و یا واضعتر بگویم بالای اشعار یکتعداد خواهران و برادران مان انتقاد نمونه اند و انها را پشك گویا توهین نمونه اند که خارج از سویه استادی است ، در صورتیکه خود شان شاعر هستند و اینرا میدانند که شعر یك الهام است و پختگی ان وقت و زمان کار دارد و در این دیار مهاجرت که نه کدام مکتب وجود دارد و نه کدام منبع دیگر ، باز نگار گر طاحب فراموش نمونه اند اولین باریکه مفمون نوشته و یا اولین شعر را که سروده است بچه سویه است و ایا تحت همچو انتقاد قرار گرفته بود یا خیر ؟ واین بسیار از ناد را تاست که اولین مفمون و یا نبشته هر انسان مورد تائید همه قرار گیرد و خالی از اشتباه یاشد، و بازهم همین حالایک کتاب که نویسنده ۱ ان محترم علید الله رفیع ۱۰ است نگار گر طاحب آنرا از پشتو بانگلیسی ترجمه شموده که اگر شما آنرا مطالعه کرده با شید معلوم میشود که بچه اندازه ابتدائی با غلطی های گرامریک ترجمه شده اما کسی زبان بانتقاد نکشود زیرا شهایط مهاجرت است فی انسان خالی از اشتباه نیست ، و این ترجمه را با لقب بانتقاد نگشود زیرا شهایط مهاجرت است فی انصان خالی از اشتباه نیست ، و این ترجمه را با لقب استادی محترم نگار گر مقایسه کنید باور تان نمی اید که یک استاد مترجم آن باشده

بهر صورت خواهشم از نگارگر صاحب اینست که اگر امکان داشته باشند اولین مغمون را که نوشته و یا شعری را که سروده برای شما بفرستد تا شعا اًنرا بچاپ برسانید وبعدا مفامین واشعار امروزی وی را با انزمان مقایسه کنید تا فرق آن معلوم شود ه

بهر صورت اگر در الفاظ گستاخی صورت گرفته باشند معذرت میخواهم وخداکند که نگارگر صاحب از این واقعیت ها متالم نگردند وازشما مدیر صاحب مجله خواهشمندم که نظر بپالیسی تان نامام را بهمین شکل بچاپ برسانید که البته بعید از لطف تان نخواهد بوده در اخیر از خداوند (ح) موفقیت بیشتر برایتان استدعا مینمایم ، با احترام محمد عزیر قسرار از نیویارك

نوت ـ خودم نه نویسنده هستم و نه شاعر مگر تا اندازه ٔ حروف را خوانده میتوانم ، این بیت بیدل ما حب است که اگر به پشتی مجله تان چاپ کنید بزیبائی ان خواهد افسزودهٔ صورت نسبسست در دل ما کسینه کسی آئیسنه هسرچه دید فرامسوش مسیکند ،

بسرامون عرلامبه بإوشاه سرابن

معترمه فخریه الفی ازآرنج کونتی



از اعلامیه پادشاه چنین بر می آید که از ابتدای رویکا ر آمدن حکومت کمونستی د رکابل و اشغال قشون سرخ شوروی تا پخش این اعلامیه لحظه ۱۰ز فـکر وطـن و وطنداران خود دور نبود و همیشه بحیث یکفرد افغان و مصلمان در راه حل قضیه سیاسی افغانستان در تلاش بوده و میباشـد ، چنانچه ایشان فرموده اند ۱۶۶

۶۰ جریاناتناشی از بعد میطقوی وبین المللی قفیه کشور ما نمایانگر چنان خطری است که اگر ابتکاری از طرف خود افغانها گرفته نشود ممکن است مسمالح مللی حتی بقای افغانستان تابع منافع بینالمللی گردد، ۶۰

پادشاه بصراحت اظهار فرموده اند که هر افغان ملی وطنخواه نقشی رابرای رفع این بحرانات ایفا نماید وبرای تامین استقلال کامل افغانستان و تمامیت ارضی ایجاد نظام سیاسی بحرانات ایفا نماید وبرای تامین استقلال کامل افغانستان در امور سیاسی و اجتماعی کشور بمنظور تامین صلح وثبات در افغانستان از طریق ایجاد تفاهم و همبستگی میان مراجع تنظیم شده مربوط بجهاد و میان عناصر موثر جامعه افغانی خواهان همکاری همه جانبه هموطنان شده و از همه جوانب ذیعلاقه توقع دارد تا مصالح ملی افغانستان و ثبات و استقرار منطقه را مقدم تردانند که اینهمه خود نمایندگی از علائق بی شائعه جناب پادشاه برای نجات افغانستان در منطقه و جبهان صیباشد ه

پادشاخه بحیث یک سمبول وحدت ملی در تشکیل خارهاندهی یک دولت ۱۴۶ نتقالی یا غبوری گ که آرزو و تمنیات ملی و واقعی اکثریت مردم افغانختان احت حبم بارزدارد، او یگانه شخصیتی خواهد بود که با احتفاده از تجارب چهل حال و تلخیهای ۱۷ حال دوری از وطن صلح وامنیت را در افغانختان تامین و از پختیبانی قاطبه مردم افغانختان برخوردارخواهد بخود، زیرا منسجم حاختن افغانها تحت لیدرشپ جناب شان وهم با داشتن روابط نیک و حسنه با همحایگان و ممالک دوست به بحرانهای مرگبار و رقت بال ۱۲ حاله افغانختان خاتمه خواهد داد،

بامید صلح و ارامیش هرچه زودتی در افغانیستان ۰

محترم هاشميان صاحب:

بدست اوردن نظریات زنان افغان در مورد اعلامیه اخیر پادشاه سابق افغانستان در یك مملکت وسیعی مانند امریکا کار اساننیست خصوعا گرفتن امغا ها در یك قطعناهه نسبت بسعد مسافه ایا لات مختلف و پراگندگی افغانها در یك فرصت کم ناممکن میباشد ، ولی من بحیث یك زن تصمیم گرفتم این کار را اگر مکتوبی میسر نباشدعطالتا توسط تلفون انجام دهم، بنابران با یکعده خانمهای افغان تماس تلفونی صورت گرفت و همه شان با کمال خشنودی پشتیبانی کامل خود را بطرف داری جناب اعلمضرت پادشاه سابق برای نجات افغانستان عبزیز باذکر نام و نام فامیل شان ابراز کردند و قطعنامه فوق رابهنمایندگی زنان مسلمان و مبارز افغان در امریکا که از روی مجبوریت با فامیلهای خود باین کشور مهاجرت کوه اند تائید نمودند، اسم انها قرار ذیل بوده نمره تلفون شان نیز تقدیم است که در صورت لزوم مستقیم تماس بگیرید :

```
۱ - پروین معصوم افسار
 ٢١ عفورا معصوم ٣١ سهيلامعصوم
                                        11 - فرزانه فرهت
              ۲۲ - ذکیه بصیرکبیر
                                       ۱۲ ـ شـهناز صـديق
 نورستا نی
                                                              ٢ ـ شيما معصوم پاينده
۲۳ - لیلا بمیر کبیر ۳۲ زرپانه الغی
                                      ۱۳ ـ راحله نـميري
                                                                ٣ ـ قـمر خامد فـرهـاد
  ۲۶ ـ خدیجه نورستانی ۳۳ ـ زرناز
                                      ۱۶ ـ ماریا نخسیری
                                                                    ٤ ـ آصحه فحرهاد
 السفسي
                                      ١٥ ـ حليمه غفوري
             ۲۵ ـ نسرین نورستانی
                                                                  ه ـ برشكى وها ب سا
                                       ۱۷ ـ فریده غفوری
                                                                   ٦ ـ زهــره لطيفي
  ۲۱ - سیمین نورستانی ۳۴ - رحیمه
            ۲۷ _ مریم نووستانی
                                                                     ٧ ـ مسريم لطبيفي
 السفى
                                        ۱۷ ـ وجيهه غفوري
  ۲۸ - لیلا نورستانی ۳۵- فخریه
                                      ۱۸ - حمیده حسینی
                                                                   ٨ ـ حميرا لطيفي
                                                                   ۹ ـ نـسريـن مسعود
 معصوم الفي
            ١٩ - عاقله نورستانی خیرزا د۲۹ - خیر یه معصوم
             ۲۰ - حميرا خوزجتاني معموم ۳۰ - نوريده معموم
وغيره وغيره
                                                                 ١٠ - پلوشه فرهت
```

در پارم شر (بهار مجف خفتگان) واگر معرم شخم آن چنن خوانده شود موزون تری آمد : (زوشت مجرخ شغله بش زبون است) رنیوا کلی (سخنت) شکتگ باری آرد و شخت عیب دست، بهجنان معج هفتم: د جرد نے لاد درس ورون) تاکنزی باشر بهای آن بار گفت (جراغ لاد 5 درس ورونان) ... در شر (استد داد بنجده) معرع سوم : (سال ، درگوش من نغر الفت بخواند) سانگی دارد . بادر صنین تعديل كردد (سال ع دركوش بنده نغر الفت بخوانه) بهني ن معرج بنجم (أو زشرق وفرب كتور دستة مزدور كما ننت) اين ارتجريل است _ نقطيع أن جين م تودرا: فاعلان - فاعلاق - فاعلن - فاعلن . بنا بران در تقطیع (منت) زاید میاندو تعروات نمه مازد وعلای بدیع وبیان اینگومزات ا لا نا قص ى شا رند بنابران اين معرع بها كن گرفته شود : (بهرا مزدور صندى دروطن آماده شد) درمع عصمة گفته نعه : (آ تش افزور خارد عرمبرك واخگر كنم) اخگر دانشناخيتم - اگر داكر) يا (خيبر) كغنه سود مرتر خواحد بعى را تن افروز خار عربرك واكركنى - اكنون درمورد بيت ينج المها رنظر مى كتم ، (أي م مِنكُرْكرد براى خدايان بدير - كر منك يارى كندى از اوكمركم) اول شاعرفود لا در قطار (بی خدایان) معرمی کرده - خد دنگند که امای سون بی خداباند. دوم اینکه (معرع دوم) سکتگی دارد. بالدهني اصلح مردد (مر فلک يا ري نايد كي از او كمتركم) محرص باحنگر وهلاكوس بين بورن كارخو بي نیتت مهدد اکاتی سیون را موفق ی خواهی - در باب معرع یا زده (گر خد اخواهد بگرم استفام آن دیار) این معرع را بستری دانم: ﴿ كُلُ خداخوا حد بكری انتهام درروسیم) ریوا (آن دیار) شر را سكنة سى خنه وشا وي كم تكفي شروا احتاس مكندى ترسم روزى خودش بسكسكي ديورنتور وبيت هفتم كمكفنة شعه : (ببخده لا بازگرم با كم وبيش دگرى جهد دييان را ز آموان و تركنم .-نختت موقعیت شاعروا دراسترداد سجنره وواخان وکرورکی از رونگیمتمنا کرده معری جاردهم را چنی بهرومورون تر مى درنم : ﴿ عِمد دبيان ما فرآمو قورى آنسور كم) اكنون سكتكي عراصل كرديد. الرج شعر د گرد غرب) در فاخل محرم م ۱۰ فارگر جاب ومورون دست ، خودم شدم آمای نگارگر سراد بردهٔ (م ام) كثيره خود لا بم سرفى سازند ما اين نكارت خنورخود لان الله ورمورد شير آماى دكتور داور عمت عنوان (ان منيت كما ثلث ؟) ى خواج لطفًا ابن بيت خود لا تعليل فركاميْد: -(ا خدای کنّی دت لاسرروند - یس بگو آخر خددیا نت کجا سنت؟) چون مخاطب (ولمن) ی باند ۲ یا وطن ا دردای چند خدای با رُد که خدایان خود را به ت عرفرج معرفی ناید . رنیوا ولمن مشکل ن فقط کیم خدال می سنا تعد نه خدایان را. در متس نظریات آمآی شاه ولی (ولی) مر درصغهٔ (۱۰۱) آئینه افغان منعکس شره وخوای ن لُرُّ ودنتی ب آئاردالشدان وسمنوران کرای ، لطیعهٔ ۵ وحیکیتان ۵ وحلقات تاریخی لر الد الميد وارم به توفيق الى دراكينه درين را و هكارى حود را دداع بدهم ، (كرمتول افتد زهى عزوش) خلل گرای اگر عمدام سکل کتاب را بخود گرفته عفوم کنید ، با احرام - دوست آواره مم ر باندع زيزه - بر دوري م داساً مز فراق جاک يده ا هرصدني (حيا) از دهلي .

وربرديم عذره بدير / اي الارد كوفاى نده. اداره آئینه این تبصره را بعیث یك نمونه انتقاد طیم ومزاح و شوخی بین شعراً که معمول بوده است نشر مینماید، ولی در مواردیکه اقای حیالاً از نظر میعانی تعدیلاتی پیشنها د کرده باید بعرض بسرسند که طرز افاده از یك شخص تا شخص دیگر فرق میکند و شعرا در انتخاب کلمات و ترکیبات و

می کشنا تشد به ضربیان <u>دا</u>.

ر نرانیه و کمن سیره گان)

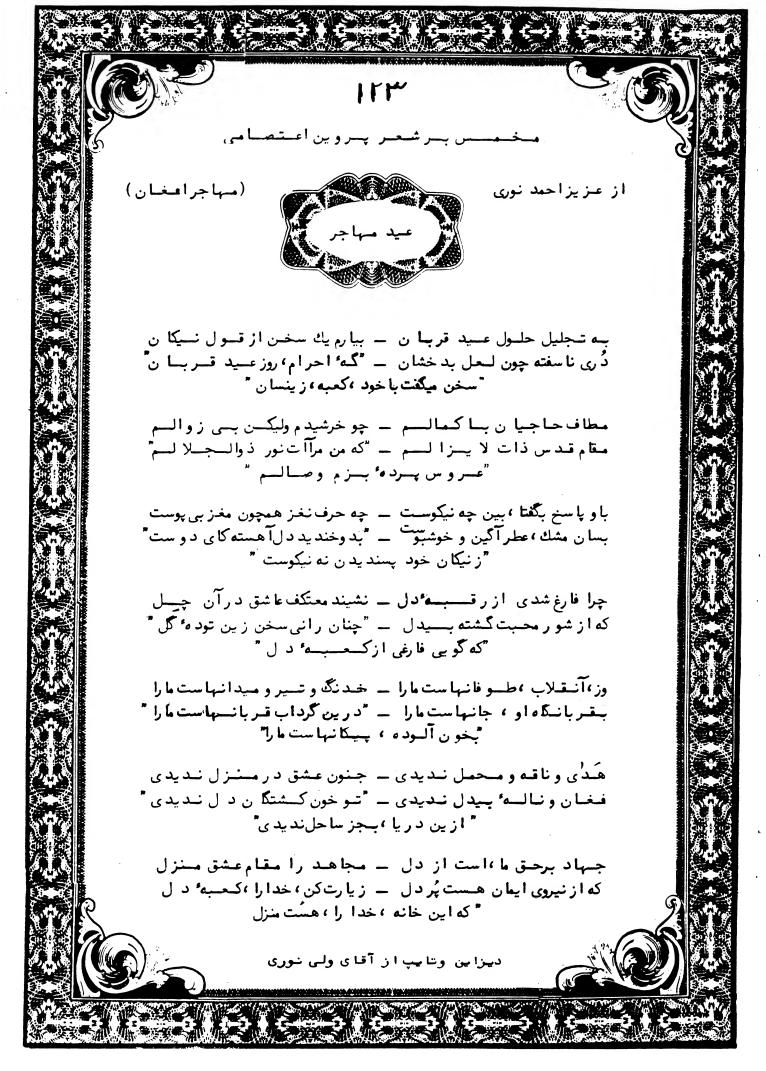
Con Color

Service Servic

ر روغ غیرا زادی منتقل یہ سطن برست ختن اری کن

زین د بخدی چون نشورت به مبنیم ساماو آلاب کنون سرفیهٔ سؤ جان از سال نمیس در در اوان میگل زلوگانو درگل حجان داولین با بربری در سیست و در اساب نون زجرمن هم زروه و زباریس الهی ب سامه سام در اساب سود می از در این با بربری در سام در می سامه در اساب می در اساب سود می سامه در سامه در اساب سود می سود می سامه در سود می سامه در اساب سود می سو بهرعال - فكرمن برواز فاكرد خلامه الحوث برغاب تست زبرعا وسته برسته دارد زلوگانو» بروز راز ا کرد ولی گلدسته دربورب بوکن بینهای خووش گلدستاد

ار مانی آن دان کردن از مانی



از مرحوم عبدالرحمن جهانگیر

پسخپله هیشخ یم دغازیاتو ثنا خوان یصبه زه ستر قلیرمان یکه زها د همبرگلسرو د تسوری شسرنگ د توپك ډر نسه گريزانيمه زه سختر قخصهرمسان یسمه زهد همهمرگرو كه ملك اسبير دى شه پسروا ده خپل واڭ لرمه لا سكسى هسسات داگا لسسسسسسرمسه غییرت مین نیسشته خبو پنهاریه پیهاروانیمه زه سنتر قسيهرمان ينمه زه د هنمينرگسترو چیغی و هسمه چنه خدمت زه دخپل اولسن کومه ليسيكسن بسيسزنسس كسسسو مسسه پسیسسی می ډیسری دی را وړی خوپریشان یمه زه ســـتر قـــهرمسان يسمه زه ـ دهمبرگسرو حسقسگو افسفان او پسوه افغان دخُان دشمن سولمه خـــر وار يــي مــن بـــولـــمه خلیل مستشقسال پوهی ته خوشخال مین په کُان یمه ژه لـــوی قــهـرمـان یـمه زهـ د همبرگــرو وطسنوا لان مسى ايسر ويسلى تسهمتونه كسوم رازراز چـــونــه کـــوم خبوی د افغان نظرم تسش په نسوم افغانيمه ژه لــوی قـــهرمــان یــمه زه ـ د همبرگــرو ءً جهانگیری ءً پوه کېږم عالمه نور دستره شهریم ملا می تنے لیی خُنم جنہاد تەمنطمان یعهزه لسوی قسهسرمسان یعه زه ـ د تسسودسنگسرو

همه جا فتنه وجاسوسی وبیدا د گسری نیست آسوده نن وپیر وجوانمیآیم

ريخته بال وپر بلبل آزادی ر ا شنده خاموش زبانها بدهان مسيآيم از دیاری که شد ۹ بیخته باقتل وقتال

بی خبر ازا شرش گوش جهان مسیآیم دیگر ازنام ونشان من آواره مپرس

بسيوطن گستم وبي نام ونشان ميآيم

(اقتباس ازمجموعه فریاد)

محترم هـمايون رهـيار مربال

روز علیدم کلرد پرسلش نا زنین فرزند می شبهجراغ پییریم آن نسوگل دلیبند مین تحفه ئی خواهم به حق روزگاران کین گل كند از آرزويسش غنچه و لبخند من گفتمش جشمى است برخون وكف دستى تهى آن يستسيم بسيكس رزمسنده و مسيونسد من د یسده بسرهسم زد به آهنگی که رخسیراب شد بسعت بسرهم ابروائسش تسلخ شداز پندمن گفت از رزم وطن ما را تو آوردی کسنار با ادائی کان صخن شد آتـش احــپند من شحع سان بر آتش و آبم زد از شرمخدگی گفتم ای خاك سر راهت هنزاران چند سن گسته امقربانی تیفت درین روز مسعسید یا رباز فیخشرهاند میین در بندمی

انتخاب وارسالی محترم دکتورسیدعبدالعزیز نجسیبی از المان

من از افغانستان میی آییم

مین از آماجگیه قبهی زمان می آیم از سهاری که شده زردوخزان میآیم

از بهشتی که به ازخلدبرین است وکنون

جا گرفته است درو اهربمان میآیم

سرزمینی که زباران حوادث آنجا سيل خون گشته بهرگوشه روان ميآيم

گلستانیکه برا زنده گل رنگینش

شده پامالجفاهایخسان میآیم

از محیطی که دگرهیچکسی راحتنیست

گرگ را ساخته دررصه شبانمیآیم

ا زنظا میکه همه صلح وَمَغا میگوید

مگر آزاین دودرونیست نشان میآیم دست ها بسته به زنجیر اسارت آنجیا

رخت بر بسته ازو امن وامان میآیم همه جا آتش وخونريزيونا مطمئني

مادران درغم فرزند سیه پوشیده پـدرانکـشته ٔ داغ پـسران مـیآیم

بایسها بند بنید دگران مسایم

اثر معترم محمد نـسیم اسیر که در محفل افتتاح ۴۰ رادیو صدای افغانستان آزاد ۱۰ بتاریخ

۲۲ ابریل ۱۹۸۵ قرائت شده است ه

بماروحن

حديث واجب و مستكر كسين شد و اينك حسرام جامه به سن كرده است زاستحلال (1.)

نمانسته است کسمالی بسجز زر اندوزی ز بسسکه مضحکه گردید سعسسی اسستکمال (11)

چـه ذوق مـیزنـد از فـکر رهـبری واعظ بـه صود انـدك فـود مـت میشـود بقال

کنون که از همه جا رشته امنید گست (۱۲) كنون كه عارف و عامى كنند أحتجها ل

کنون که زاهند هشیار فارغ از محسقباست مصرا تلو مستكن ويبيثنم ازغم اعمال درین بنهار ز آبازلال منتم کننستی و تنا به خشر ننگیدار بنن هنمان منتوال ر سیان به صدعیی از قبول مین سلام ویگو که آسیای جهان گر بستسایدم فیشعا ل جبین به درگیهی نیا کیس نیمایم وهبرگیز فسريسب من تسدهد شبوق شبوكت والجبلا ل

غسرور خویش بهای فلك نسیسندا زم (۱۳) کے در جہان نہود غیر نقبش اضمحالال

کجا ست آن که سرش را نیکوفیت سنگ جیفا کیجا ست آن که ورا مینقلب نیستد اقیسیال زنند درون دلم آرزوی شنسیرین نیسش کے کسرد پنای حوادث صرا اگرپاما ل ہےار میرسد و کاروان شبوق رُ وَ۔ د ہے۔۔۔وی کیشور خود شاد و مستوفارفیالہ

شب ۱۵ مسی ۱۹۹۰ مطابق ۲۱ شور ۱۳۹۹

(۱) قتال (بەفتح قاف) چ بحیار کشنده

(۲) شاء = زمستان

(٣) محال (به ضم میم) = نا مسمکن

(ُ٤) عناً ۗ = حفتی و رنج

(ٰه) دوال = گيرنده - تحميل شده

(٦) كال = ميوه نارسيده و خام

(٧) لال = گنگه _ خا موش

(٨) استعجال = شتاب كرَّننَ الزعجلة كارگرفتو

(٩) اشتكال = ترسيدن ياروگشتاندن ازدشفن

(١٠) استحلال ح حلال ساختن يا شمرين

(۱۱) استکمال = هرچیز وهمه چیز را طلب کردن

(١٢) استجهال الدان شمرين خودرابنا داني

(۱۳) اضمحلال = نیست شمن منابودی ه

معنی کلمات (۱) تا (۱۳) توسط اداره فراهم شده اسه

بهار آمد وچنگی به دل نسزد اسسال که دسّت لطف بهاران پرستوی خوشعا ل بسهار آمد و درسقف کلبه ام افسحو س دوتا "پسرستوی عاشق نزد دمی پروبال کجاست آن که بهار آمدی و ما را بسود ر لطف مأقى تر دست جيام منا لا مال دلـم ز غـمـه پـر وجامـم ازشراب تـهی حـدیث خـالی و پـر منقلب نمود احوا ل

ریسود کلیچه نسو روزی ام جهای سسیههر کمه سموخت بام ودرم را ز آتش قسمتال (۱) مسرا که بود دیساری چنو در بستهارچمن مرا که بود دلنی چنون شنگوفه دارنسیال کستون چنو برگا خنزان دیسته میر رضم ازخویش كــه خوانده است به شقدير من ضمي رهال

سر سپید بگوشم همیشه گوید' نیست دگیر شبتای ترا نبو بنهار در د نیسبال (۲)

میهاد میرگ فیراز آیند و غیریب ر و م هیوای تیریت میادر شیبود خیال مُسخال (۳)

بهار بود و زیك لحظه غفلتم بر دوش فـتاد رنج و عـنا هـمچو آفـتِدُ وّال (٤–٥)

بخویش مژده اگنگی همی دهم هسیها ت که مردممهه خود آید ز فستنگ داخسال

نفاق و سنگدلی جلوه ایست از خسامی كه سخت و سُفت بسود مسيوه تا كه با شدكال (١)

معیبت است که سرکردگان قوم هستمه چو کنور جانب چه میروند ومردُم لا ل. (۲)

رهـت درا ز و تـو در خواب ودزد فُرمت جو زمـانه برتـو زنـد هـی نهیب اسـتعـجـال (۸)

وطن جهنم سوزان شد و تو در فُسربت تنسیدی از هنوس هنرزه رشنسته ۱۰ آما ل

بدیبی احت بقای وطن ولنی اکسسنون ز بخت بند تنوکنی بنر بدیبهی استدلا ل

گیرفستم از تو شبود هبرچه درجیهان مطلوب چنه میکنی اگر از دست رفست احسستقلال

اراده استنشانی ز زندگــــی آ ر ی اسـیر را نـبـود هیچ فیر احــتنکـال (۹)

چہ حصیلہ مصیرتی ای تاجر تفنگ فروش کہ صیکنی تصو ز آھن ھمہ زر استھعال

گـدا شـدند ۱۰ امیران ۱۰ چنانکه پــنداری

همه مسمادر شان گشت باب استستفسعال (+)

⁽⁺⁾ مسما در باب استفعال در زبان مسربی خاصیت طلب را مسیرهاند ه

وطن

تعربه از آسمان که این تیره ابر را عسمری نگهدارد و دارد روا ستم بسر ما و ما صمنم مانخد سال پار مانخد سالهای دگر کاین حجاب سیه چندان تیره ساخت آن مسهد بسیکران تا هارچه بود مسهتر وکسهتر گریست خون،

ای آحمان بندان دیریست که میردمنم دیریست که میپنم نبه نبور آفستاب نبه اشعه ٔ ز ماه نبه رنگ نیلگون ترا دیده اند بچشم ،

•••••

ای آسیمان بیدان ز ر پین محقابیها کیز قبله های شامیخ پامیرخاسته اند بسی ترس و بی امان چون بیادهای تبند بیا تیره ابیر ها

با هرچه هت سیاه با هرچه هت ظلمت شبهای تارتو انبدر ستیز انبده

•••••

د ا نی ای آ سمان ؟
فیرشسته صراد '
ز ر بین محقابها '
بیا بیاد بنی اصان '
که این تیره این را
از تو زداید و بندمند اشعه اصید '
کیران تیا کیران ،
از مصدق ،

رطان خا کت د گر پسر فسون مسیسسا د ۱ تـــرا خونيــن چنيــن هـا مـون مـبا دا نهــال سركــشراز ادى تــو به کلـزار جهـــا ن وا ژون مــباد ا مادا خصصم ، جا گیسرت درا غیوش زبــــر فـــرزند تــو بـيـرونمبادا عنا ن دا نسسس فاستان دا ناما نت به کف، بازیچـــهٔ مجـنون مباد ا دگـــرنوروزهــایـتبا د پروجد دكــــر عـيــد تونا ميمـون مبادا مـــا دا خيبــــوپـر شراره چسئیس پسرخون ، تسسرا "جیحون" مبادا خيــال مـردم آزاده تــــو اســـر فــنــه أافـــون مبـا دا د گــــر شب هـــا ی تـــواز شعله چو نروز د گــــر روز ت ز غــــم شـبئـون مباد ا کسی کے ویرد ، امنے ترا به تے را ج زآ شـــوب جهــا ن ما صون ما دا عقسسا بسركش آزاد كوهست به چنگ دا میسهای دون مهاد ا مبادا نسسادا نسسادا ستمسكر برتر از تسسا نسسو ن مبا د ا دگـــر، آزادی تــوم غیــر، آزادی تــو زلطف ايـــز د بيچــون مبادا

(دوکتور شمسعریز)

کله چه شاع د رالدگالو خذاوربدلی دی ، چه په ا مغالستان در په جنگوند حتی دی، پودمجاهد ينو دروسالنو سره جنگ، بل د مها حد بينو د كابل داوسني كمونسى حكومت حنگ ، او دريم د مجاحد بينو په خپلوسنو كي حبك ، ل زنداع دد غدهبتك بدباب حيل احساسات داس سانوى:

ضنتاوايماندارونتكيالوسلمانانوا حسرهاوربدحتك كى بريالوقعمانانوا بُرَى موسبارك سد، غيرتمنوا نغانالوا دسربلامُووا خلم دجماد عَلَم داكرا لو! احتياطكوئ لمملكه تشي كالبوت مدمجُريّدوَيْ

لدوران افغالستانه خد بيروت مدمجوري

ید دے اصغر جمادی ستاسی برخہ لوی بڑی دلوی الله به فضل دد سمی لصیب لَرَی سو دخدای کرلازم دی چرم رودورت شیک ملت دابراهیم یاست بدرشیا بت کیانو

خويام كوئ لدخپلدلفسه بوت مداجُو برَوَيُ له وران افغالستا مه خد ببروت مه جُورَوَكُ

بيرغ دآزادى بدلاس، بدوياروركي دان پدوينود جمادد شعبيدانوسره كلفن ته دىنىن دىلك سادىن ي پىنغاق تاسى غازيالۇ په اوښکو د مظلوموا وبهسوی ښارچې ته

ميلے داهرمن اود طاعوست سه جُورُوَيْ له وران انعالستانه خه بهرونت سه مُورَوَىٰ

مین کو به فرشوندهواریزی، ساسی لپنوند د لپنوبد موکر دوند وی نوتیا خود ولهموت له خاه دخود بيني خيه خان زغوري پريساي كانو وبا پروید به شجد چکوی داستاسی وَشَعَلُو

قصید دے بابل کی دھاروت مدمور روی له وران افغالستانه خد بهروت مد جُورَوَيُ

پُناکِه سَیْ وَزَخُوت دخیل ملک فَمُحْیلو در مَل سَیْ وَرَنحُوت دولمن دَ رَنجُیه الُو أُوبَدِسَى وَمَلْقُومَة، دملت دَجَلُة تَعَلُّو كُو اللَّهُ الوُّن بَام، حِد باعادَ لَي حُوانا لو

يدخيل لاس وُفُوَّت مان نه الوت مدجُورَوَيْ له وران افغالبتا مدخه بيروت مدجور وي

بدس ، لُورُ وچکوس چى د جادَى مبنى ميل سِبْتِي د حوصلے دى د چنگر بداتار ماتى دری و سی دا دروی تراسمو پدنتو اتی دخدای دو بوندنیسی وانی اے دملک جوانالو

داوښکولددانوڅخه يا قوت سمجُورَوَيُ روران افغالستانه څه بهروت مه جُوړَوَيُ

جار بدی یو توبل، زروندلخدو فخد پاک کی نود ہے سی یو و بلت، یوموز بار یومونیاک کی ا به زور داتماق به زر تولاسد ملك واكري لاس واحلى له د ب خپلوخان خانبو محك كبانو

له باره دنفاق د أور، بارُوت مدجُورَوَى له وران انغالساندخه بالردت مد جُور دى

مخلوق ـ دخلکو په نمایندگی ه

متلونه

پښتو متلونه ضرب المثلهای د ری

ملوړ د اوژی د حاله حشه خبر دی ۰ د تش ټوپك نه دوه تنه ويريزي ٠ که غیر لوی دی په سو ئی لار ده ، د پردی زوی نه خپله لور به ده ۰ غے ائی جی دی ہے اخور لوی شو غا سٹونہ ئی مهگورہ خـيله لاحـه _ گل لاحـه ٠ د پیلانسو جنگ وو بیخ په کې د تهانستهو وخوت ه سپور د پياده دحاله خته خبر دی ۰ چی کی کی ، ادیازوته به را کی ، هرچاته خپل مازی م<mark>رغا</mark>لین دی ه د پروت خمری نه گرزنده گلیدر شه دی ه موجی شه هغه کی چی پیشی سوزی ، چې پاوزه کې د ملوچي اغلابله نله کئي دکوچېي ه ئىي خىو ئىي خو ارمان ھىھ ينگە رويىي ئىشتىھ، زما نده مسنی او دخیره مسنی ه ته ئی د خاوند نه هم هوشیار شی ، محتنگه ئی حد غرا هفسی محتاور . خانیه کیه سیخیته در بانیدی را نجله خو زه به نه بم ۰ چه اوبه وی تیمم شه حاجب نخشه . ے یہ یہو گل نہ پیسرلی کیپڑی و وسله هغه جنی پنه لا سادرغلنه ٠٠٠ ہے جنگ کی آ سونے نے زین کیزی ہ

کلوز بار تر منزله نه رسیږی ه

وړی چې په تړی څملاست د دوا ړو ساه وخته ٠

بقگه

یسو سهری د گیده پیوستکی چیه انجوستی وو جا ورته ویلی وو چه کاکا دا بوستین دی په چیه انجوستی دی ، داپوستین خلک په راسته انجوندی ، هخه ورته وویلی چی شه خو ئی د خاونده ه پیر هو، بیار شه ئیی ، شولونکی : سیدا گل نجریبیار .

(نوربيا)

آزموده را می ازمائیم ۰ آباز روی کاست خورده میشود . آفتاب بدو انگشت بنهان نمیشود . آب رفته بجوی باز نمیگردد، آبرا نادیده موزه را ازپای مسکش ۰ آب را خت و ما هی میگیرد ، آب تا گلو بچه زیر بای ۰ آدم بد زخ بلوط است ، آب که از سر برید چه یك نیزه چه صدنیزه، آدم بیکاریا غیر شبودیا بیمار، آغاجی خود را نگهدار از یکدست صندا نمی براید، آئینه اترا گم کرده ای ۰ ا ز زیر چکك برخاست بزبر ناوه نشست . آب رفته بجوی باز آید ۰ ا ز دل غریب نمی اید، از هستی میشه مستی ه از خوردها لفزيدن ال كلانها بخشيدن ، از ریزه بلا خیزه ۰ از دیوار شکسته و از زن شلیته بترس ۰ از کا سه شکسته هیچوقت صدانمی براید، از سنگ صبدا برامد و از او نه ۰ امانت را خاك خيانت نميكنده انتظار صبد دیگران را مکسش ۰ بهشت زیر پای ما دران است ، بامانشینی ما شوی بادیگ نشینی ساه شوی ۰ بیك سیلی هزار روی افگار میشود . برگ سبز و تحفه درویش ۰ بیا درش را ببنی خوا هرش را بگسی ۰ به جوئی که آب رفته بود باز آید ، بیکاری مایه **فصاد** است ه آشتا بام کاچی تاکام ، این خیال است ومحال است وجنون ،

این گیز و این مبدان ه

گـرد اورنـده : مـحمد نـعیم عثـمانی ٠

(با تىدارد)

كرده روا الأسرحس صير سرد و فعاد اگرجوی کشیر ر رست میرین مجور نوش جان وي خون ارتيك توكرروان محرم توهرم دبرس تسعت این و طنت دبرائرس سن فلع وقمع وفحسن مان مى كنى عيى خون اكنون تورون في كني م حكدازهام توجى مشير ترمه تورين تملم دليرنس خا دم قررک وتدین منعا بت کل عو تدن شر تينهٔ اوزود شور تابناك حركه تودخام قرتن ياك رزند (بخیب) ابترور کوانده خامة توخنج راعدائده بوده جدابت هه دندان تکن - فرق هه دسمن ایمان کن هيع خلانست بمنوب و - خوش د نامم وغوب و آ فرمن ای هدم دررمن من سرفلت باعث تكيي من ن طبعت هم کرار باد- روج (خلیل) یاورد عموار باد بى برمن فق مركنداي راك مای بغرق هرگی درشنان حصل جريد - 11 تور ۱۳۹۹ش مطابق (1ولاي 199ع) -

ر هیربرکارای)

تهرير إشتراك

باتقدیم شماره ششم از عمر
ائینه افغانستان اینك شش
ماه سبری شده استه ،
برای هموطخانیگه سه ماه یا
ششماهه اشتراك نموده بودند
فرمت شمدید اشتراك رسیده است ،
ائینه افغانستان برای دوام خود
بمساعدت شما هموطنان نیاز دارد
اگر اشتراك تان ششماهه باشد
مشكلات دفترداریكمتر خواهد بوده

بيام سنا عسي (الله الله)

جانب دمر مكيه الما يك كوز بعد شلام بازیمام رسان كرده بيا بازم منكام عالمى دركور زهنگاس اس « نا رخلیل سبت کل آرد به بار » بين زهرسط عنس م جيكد غرقته (فها رسماست منود بلكه خروكا وزروى بهتراست ، کوراو دلر و د لرارا دست مظررانوار الص بود آ نام بود معمد ومفاوس ما آنکه کان داده کام جما خدام در فی در کارش دانب صركتم وكلم وجناميت نمود كرده خراب كور آباد ك سرقت دموال كهن كرد ورمت كال وكوشفند ونمدة كالم خاک وطن فرئیسدان می کودک کی برر وخوارسکر

کنته ه طفل وجوانان ما بیره که و درخم زاروستی در بدر و ابتر و بیماره که درهه کها رطید از وفا عرف وطی کرده چنی قانعش نرفتغش کرده چنی قانعش عاقبت غانی و هجود باد عاقبت غانی و هجود باد ما کوی از حال وطی با صر یاک کند از دغلی متکینه لا ما کنید و دو د لارامود

با دصبا سازلانیجا سعز سی د دخلیل) وض سکام ر مَ نَكُم رَفِم نُرده عجب نامَتُ بعنی شرری کدارخاس موروشرى كرده كنون آسكار دردولس ارز فلمس ما مكد مراكبينهاس فالابحرس مود هر که ولهندوست بنا ندخرا ای خوت آنگی که وطی مالاآد عنی ولمن عشیٰ ضر رئی بود سكت وطي مادرمحبوب ما كوراكنورة زددكان ا نام زوی توروی روائیم *دزر*ه بیرا دخیانت نمود تحلنمود مردم لزّاد کا جوروحيا ول بوطن كردورفت برده هم ال وسندة كا باغ ورني طعمه عاوال كناه مير وجوال دربررو زارك

جان می - آقای خلیل! تا دماش نیشه بکف گر وجو فرها د مانش

از غلم هلجر ملكن خلله وفرياد كه دوش ازده ام فالي وفريا درسلي مي آيلد

ما یکتعداد مهاجرین اقفان مقصیم ویرجینیا بارتباط اعلامیه شاه سابق افغانسدان نظر حود را چخنین ابراز میداریم ب

رئىسوس تنظیل اوغاع وطن درین اعلامیه که ما با ان همنوائیم :

۱ ـ فداکاری و جانبازی ملت افغانستان در پیکار شنجاعانه با یك ابر قدرت عظیم شیطانی عصر موجب نهبوض و آزادی بسا کشور های تحت یوغ کمونزم منجمله اروپای شنرقی گردید، اما افسوس که در اثر تفرقه اندازی منفرضین وجاه طلبی یکعده نا عاقبت اندینش و مدا خیلات خارجی در امور کشور ما خود ملت مجاهند افغان از شمر آن برخوردار نشند وهنوز در تحت چکمه ظلم وستم نمیر مستقیم این نمرودان عنصر بسر میبرد و رنج و ستم میکشند و قربانی میدهد ،

۲ ـ براستی حکات منافی وحدت ملی یکعده اشخاص جاه طلب و تحریکات شان دائر بر تعرفه خواهی مذهب زبان قوم و عشیره خدا نا خواسته مو عجد تجزیه کشبور خواهد گردیده

٣ ـ واقعا ملت افغان مع الاسف در مقابل پرتگاهی قرار گرفته که اگر خود مردم ابتکاری بخرچ ندهند خطر کلی متعمور میباشد .

٤ ـ متاسفانه همين دعوى زعامت سياسى رهبران تنظيمهاست كه موجب تفرقه و نفاق و بدبختى ومانع رسيدن مردم به ثمره جهاد ايشان گرديده است ، لذا در شرايط كنونى يگانه راه حل اينست كه اين حضرات از دعبوى خود كامگى و قدرت طلببى بگذرند و بخواست اكثريت مردم خود تن در داده و موقع دهند كه ملت به پاى خود وراى خو د باينستد و از منافع مللى و تماميت ارضى خوددفاع كند ،

ه ـ براستی امروز باردگر در مقابل ازمون تاریخ قرار داریم ، لذا وظیفه هرفرد ماست که نقش اساسی را در ر فع این بحران نگبت زا ٔ بازی کنیم و این نقش نخست با ایجاد تفاهم و اتحاد با همی و رفع خود کامنگی و جاه طلبی مینسر بوده که هر یك از راه قندم قلم و هرگونه امکانات خود در آن سنهیم گردند و در قندم دوم باید باینجاد یك مرکزیت واحد سیاسی که طرف پندیرش و احترام هنمه اقتشار ملت باشد همت گنمارنده

با ذکر رئوس مطالب ما مردم از اینکه در ورای اعلامیه اخرین شاه سابق یك تسحرك عسملی را احساس میکنیم که در عین حال ضروری و مسهم است چنانچه هرگاه مسنجر بایجاد همان مرکزیت و هسته مطلوب گردد در روشنی ان راه نسجاتی سراغ خواهد گشت خشنود و موافقیم برینکه هرچه زودتر این طرح و پروگرام نجات بخش ملی روی صحفه آید تا در سایه آن استقلال کامل و تما میت ارضی کشور تامین و زمینه ایجاد نسظام سیاحی قائم بر مبادی واقعی اسلام مساعد و اشتراك آزادانه و بدون تبعیض کافه ملت افغان در تسعین سرنوشت خود میسر گردد ،

ظلم بیدادگیران گیر به نهایت بیرسید دست قیدرت زاپی داد رستی می آیید ،

Hossay 1/2 Anis of the state of

بنرار كداشت خليلي

سه حال قبل استاد ظیلی در پاکستان برحمت حتی پیوست، حال پار چند تن از شاگردان و ارادتمندان او بمجاهدت آقای طبه کوشان محفلی به تقریب دومین حالگرد وفات استاد در لاس انبطیس منعقد حافتند که اقای صفی الله ثبات یکی از برگذارکنندگان آن بود، این مقاله وهم مرثیه منظوم آقای محمدطاهرها تف درآن محفل قرائت شده بود واینك به تقریب سومین سالگرد وفات استاد خلیلی در مجله آئینه افغانستان نثر میشوند ،

يستم الله السرحتين السرحيتم

دكتور سيدخليل الله هاشميان

خليلي نمونه ١٠ عليها تريا تنزم افغاني

وقتی از خلیلی حرف بزنیم گویا عشق سرشار اورا بوطنش بازگو مینمائیم ودر حالیکه نورایمان واحساس وطندوستی هردو در تمام اشعار وآثارخلیلی همانند پُندکهایی درنمنچه گلاب بهم آمیخته اند/معهذا برگیهای وطندوستی در محیط این نمنچه بکثرت شگوفاتر بوده ورایحه آن مشام هر وطندوست مومین را معیطر میسازده

افتخار دارم درین محفِل وطندوستی خلیلی را که نمونه اعملی پاتریاتزم افغانی میباشد بتوجه هموطنان میرسانم، ولی لازم می افتد اولتر درباره پاتریاتزم وبازتابی که ازین احساس کاملا بشری در بعضی طقه ها بارتباط دین مبین اسلام صورت گرفته مختصر صحبت نمایم ،

پاتریاتزم (Patriotism) ماخوذ از کلمه لاتین patri " patri " patri بمعنی پدر که در فرهنگ اقوام آریائی منشا ایپدایش پنداشته میشود، عین کلمه در خواهر زبانهای دیگر آریایی در فرهنگ اقوام آریائی منشا ایپدایش پنداشته میشود، عین کلمه در خواهر زبانهای دیگر آریایی padre با اندلک تغیر تلفظ بقسم padre (هسپانوی) – pere (فرانسوی) patriot (انگلیسی) – پدر(فارسی) و پلار (پشتو) محفوظ است، کلمه پاتریات (patriot) ازهمان ریشه در زبانهای لاتین بمعنی پدردوست و وطندوست و باتریاتزم (patriotism) بمعنی وطندوستی مستعمل است کنانکه در السنه آریایی بطور عموم وطن را پدر میخوانند واصطلاحات پدروطن وما در وطن رانیز بکارمیبرند، در ادبیات فرانسوی هنوزهم کسانیکه با سلوب با ستان مینویسند وطن را (patri) میخوانند، درزبان عربی نیز وطن را مادرمیخوانند که بهترین ثبوت آن حدیث حضرت سرور کاینات (ص) میبا شد که فرموده و الیوطنی آم الانسان مینویسند در منظومه های مختلف این اصطلاح را بکاربرده است و

هم فدایش تن من باد هم اُمنی واُبنی تنوای پیشت وپناه ما زمینواسمان ما

گفتم ایدل که بُود صوطئ من مادرمن وطن ای مادرما صائمنما آشیان مصا

پاتریاتنوم و اسلام:

پاتریاتزم جزاساختمان فیطری انسان بوده و دین مقدس اسلام که بهترین و مکملترین دینها و علیهٔ خداوندی است برای مسلمین (۱) در خصوص فطرت در رابطه انسان با خیدا ازطریق دین ارشاداتی دارد (۲)، و همچنین الله تعالی(ج) در بسا موارد انسان رانواخته اورا اشرف مخلوقا توخلیفه زمین خوانده اما البته حساب وعدالت با بندگان خود را با ساس تقوی واعمال شان مبتنی ساخته است ، خلیلی در منظومه راز آفرینش گوید :

سیر شهم بهر ادای امینتنا ن آن همایون مستد اعلی چه شد ؟ گلرشندم پیدا که نزد این وآن پیس زفرقم تاج کلرمنتاچه شند؟

⁽۱) ءء رُخِسيت لکم الإسلام ديسناً ءه(مائده /۳) ـ و پسند کرديم برای شما اسلام رابحيث دين ،

⁽٢) عَ فَأَقَم وَجِهَٰكَ لِسَلَدْصِنَ حَنيفًا و فِسطرتُ اللهِ اَلتِي فَسطَرَالناسَ عَلَيها (الخ) ُ ُ الحروم (٣٠) – پيس مستقيم رو بجانب آئين خيدا آور که پروردگار فظرت مردم رابردين خدا ميداند،

بنا بران هرنهغ احسا سیکه با فطرت انسان سازگاریا شد درعورتیکه قران آنرا مذموم نکرده با شد روا و میشروغ دانسته میپیود، وطندوستی یکچنین احسا س فطری است که در مردم مومن افغانستان باقتمای محیط زیستوفرهنگ آنها بهشتر تبارز کرده است ، ظلیلی که عاشق وطن است در سه دیوان خود تخم وطندوستی را چنان بذر کرده که هیچ غزل و مثنوی وقصیده ٔ اوعاری ازین احسا سنمیبا شد :

آ ستان شو بوسه گاه من است در ودیوار تو گسواه من است مسعبد عشق جزهریم شو نیست خاك پای تو سجده گاه من است

خلیلی نام وهستی خودرا بی ناموطن منحو وزندگی را بی عنشق وطن حرام میخواندهٔ

جز کوی توسرپناه مین کیسو ؟ جیز پای تو تکیهگاه مین کو ؟ بیهنام تو مجلوباد نامیم یکی جرامم

و چنانکه رودکی در فراق وطن بیادجموی مولیان افتاده بود خلیلی در کنار رود هندسی (نیوجرسی ا امریکا) بیاد نیلاب کوهستان افتانه ازین فراق خاك بسر میریزد :

> خاکی که پرورده مرا دوستانکجاستگ مین خاك دیگران چیكنم خاك برسرم امواج (هدستم) نبرد دل زکف که مین دیوانه ٔ نوازش دریای دیسسیگرم نبیلاب من کجاست که هر روزمی گذشت خصوفا کنان چصو سیمینه اژدر م

بعضى طقه ها پاترياتزم را مترادف ناسيونالزم واخبرالذكر راواجمد مفكوره برترى قوم و ملتى بر ديگران تعبير كرده وگويابدون تا فمل آنرا معادل نازيزم وفاشيزم خوانده انده در بعضينوشته ها به آيه عمارك: ١٠ يا آيها النّاسُ إنّا خُلقنا كُم مِن ذَكْرِ وَ اُنثَى وَجُعلنا كُم شُعُوباً وقَبائِلُ لِـتَعارِفُو اِنْ اَكَرَمَكُم عِندَاللهِ اُتعقا كُم (الخ) ١٠ (الحجرات ١٣/١) ـ ما آفريديم شما را ازيك مرد ويك نن و گردانيديم شما را ملت ها و قبيله ها تا همديگر را بسشناسيد ، همانا گرامى ترين شما نزدخدا وند شما پرهيزگارترين شما است ٠٠٠

اســتناد شده و چنانکه می بینیم درین آیسه مبارك اشاره ای در رد یا تائید وطندوستی وجود ندارد ا بلکه خالق کاینات (ج) درین آیه علم قدیم خود را در باره جنبه های صهم زندگی انسان بیان صیدارد ا (یك) جنبه بیولوجبکی خلقت انسان در اشر مزاوجت مرد وزن که هدف آن تولید نصل است (دو) جنبه زندگی اجتما عی انسان که با تشکیل ملت و تبیله میسر مبشود (سه) شناخت با همی و تعاون و تساند اجتما عی انسانها که اززندگی اجتما عی پدید می آید (چهار) اخلاق نیك و کردار نیك درزندگی اجتما عی که باشر تقوی تبارزمیکند و یا داشی که برای آن مقرر است و (پنج) رابط انسان با خداوشناخت الله تعالی از طریق دین و تطبیق اوامرونواهی دین بحیث یك شرورت اجتماعی ه

مسلمانان واقف ازتاریخ اسلام میدانند که بعد ازدوقرن مناقشا تطویل در اوائل اسلام بین فرق مختلف مسلمین فیصله شد که قران وآیات آنرا قدیم و ازلی بسپذیرند، بنابران کلمات قران همه ناشی ازعلم قدیم وبیکران اوتعالی (ج) میباشد که هر آئینه خالق زبان وکلمات نیز هست ، درآیه ، فوق الذکر نزول کلمات محصوب و و و و قبائل و با فعل ساختن یا گرداندن بصیغه فاعلی و گرداندیم و نمودار اراده اوتعالی است در تشکیل نظام اجتماعی بستر در چوکات ملت و قبیله و اشاره است به انتشار بشر به سر زمینها و وطنهای مختلف در روی زمین (۱) با داشتن السنه مختلف که دلالت میکند به تشکیل و ش مستقل دارای زبان وفرهنگ مشخص و اگر چنین نمیبود در علم قدیم (۱) سطاری دریتآیت نی بلکه درآیات دیگرنیزنا زلشده و البقره ۱۸۶۲/۱۸۹ عمران ۱۹۸/۱۷۲/۷۱ (۱) مطاری دریتآیت نی بلکه درآیات دیگرنیزنا زلشده و البقره ۱۸۶۹ و عمران ۱۹۸/۱۷۲/۷۱ و یکی ازقدرتهای خداوند اینست که بشر را ازخاک خلق کرد تا در روی زمین منتشر شویده

(٣) وَمَعِن آیْبِتِم خَلْقُ السَّمُواتِوَالْارْضُ وَ اخِتِلافِ الِسَانِكِم وَالوانِكُم إِنَّفِي ذَالِكُ لِایاتِ لِلَّالَمِیْنَ وَهُ وَ از آیتهای شما وَرنگهای شَماست و از آیتهای پروردگار آفرینش آسمانها وزمین وگونه گون بودن زبانهای شما وَرنگهای شَماست همانا درینست آیتهایی برای دانشمندان ۰ الروم/ ۲۲ ۰

و بیکران اوتفالی هر اُئینه کلمات وترکیبات ۶۰ ملت واحد اسلامی ۴۰٪ و ایا ۱۰٪ ایالات متحده اسلامی ۶۰٪ وجود داشت و علوض ۱۰ لتعارفو ۱۰ مبتوانست اراده فرماید که مثلا ۱۰۰ گردانیدیم شما را ملتها و قبيله ها تا (ايالات متحده اسلامي را تشكيل دهبيد) ١٠٠٠ ولي بروردگار عز وجل با شناخت قديمان فسطرت و خصیلت بیش همانا ملبیهای جداگانه را برای اینا بیش ازاده فرموده که اساس ملیت را ب وجود آورده و پیروی از آن ملیت ها و مملکت ها را تشکیل داده است ، متاسفانه تا کنون درتا ریخ اسلام اء الله والمعاملة الله المعاملة المعامل که آخرین خلافت عنجمی اسلامی بود ملیتهای عربی نیزسهم گرفتند آنهم بنحویکه بهمدستی دشمنان اسلام بمقابل خلافت اسلامی قسد علم نمودند و بعد از قبول دوقرن استعمار جهان مسیحیت باز هم هفت مملکت عمربی عرض اندام نصود و مساعی بعضی از زعمای عربی برای رویکار آوردن ۱۰ ایالات مستحده عبربی ۱۰ نقش بر آب گردیده است ۰

بنا برآنچه گفته شد تعلق داشتن بیك وطن مشخص برای ابنا مجبشر از مشیتهای خدا وندی بوده و وطندوستی که ناشی ازین تعلق است با اساسات اسلام تفاد ومباینت ندارد، از همینجاست که شعرای افغانی از رحمن بابا وخوشحال ختك گرفته تا سنایی و عنصری و انوری و جامی و مشغنی و قاری و بیتاب و خلیلی و پژواك و مجروح و غیمخور كه همه مسلمانان راستین بوده و هستند وطندوستان نامی میباشخند ، ظیلی به بوی خاك وطن از لحد میخبزد :

> رقص رقصان از لسحد خیزم اگر آرد کسی ای وطندار مبارك پی، اگر اینجا رسی

و مجبروح بياد آغوش وطبق نسوحه ميسرايد :

مسرا بسمان همان طفلك قصفا زده كي مرا ربسود زا غنوش ما در وطسنم

جدا نسمود حوادث زدامن ما ع مسن

مسشت خاکی از دیار مین برسیم ارمخان

جنز خدا و جنز وطن حنرفي ميا وربرزبان

نصصود دامین او را رها زینجه مین

و پیژواك در ورای عشق خدا ووطن از فرزانگیی فاصله میگیرد :

ديوانگيست عشق خدا و وطن اگــــسر ء اسر اندرون شبد و با جان بدرشود ا

یا رب مکن حساب ز فسر زا نسسگان مسرا عحشقی که سحرمحد است به افغان ستان مرا

وطندوستی معیار شابت و همه قبول ندارد و مفهوم آن در چوکات هر فرهنگ قالب میگیرد مرحوم علامه سلجوقی در تقریظی که بالای دیوان اول خلیلی (باهتمام صحمد هاشم امبدوار هراتی حطبعایران۱۳۶۱) نوشته ۶۶حسیات عمیق وطندوستی ۶۶ او را ستوده و این احساس را در چند بخش تشخیص نموده است 🕯 ء دوستی مصحیط طبیعی وطن ، از کوهها وضهرها وباغها وراغها ، و دوستی محیط اجتماعی آن ، از بزرگان گذشته ومعاصروطن ، وهم پشتیبانی ضمودن از سیاستهای ملی وطن : از قبیل بیطرفی و غیرجانبداری مثبت وحمایت از نهضتهای استقلال طلبانه اقوام آزادی طلب ۴۶۰۰۰ اینك این جنبهها را در آثا رخلیلی با ختصار بررسی میکنیم تا چهرهٔ درخشانوطندوستی شاعر منحیث مثالی از پاتریاتزمافغانی باشده المنه ترسيم شده باشده

دو ستى محيط طبيعى وطن : عشق بولمن ومحيط آن و طبيعت و كوه و دريا و باغ و ميوه ها وخوراكه های آن را آنچنانکه خلیلی عاشقانه و واقعبینانه پروردهدر آثار شاعران دیگر کمتر باین شور و صمیمیت دیده میشود .

خلیلی بیا د جلال آبا د گوید:

بوی یار آورد باخود ازجلال آباد باد چشم نرگس با د روشن خاظر شمشا د شاد

و در وصف نورستان گوید :

روزی بدست عشق سپر عقل را عسسنا ن وزكا مديش كام دل خويسش را ستان گاهی به عنورگل عشو وگاهی به عوای گلعه هرجا که گل نگارندآنرا توگل بخوان

و بيا د هيرمند وهندوكش گويد :

نفزجان را بگداختم در آتسش عشق وطن ملوجهای هیرمسند از من نوا آملوختند تا گذا رم تاج کیهانی بغرق کیقسباد

تا هزاران شمع بهر شیخ وشاب آورده ام من چنان آنرابشور وپیچوتاب آور ده ام. از فراز کوه هندوکسش عُسقاب آورده ام

و در عظمت وجلال ِبا ستانِ غزنه گوید :

گهی مسهرجهانتابی گهینجم دل افزایی خوشا غزنه كزان اقليم دانش سالها تابيد نه تخت عصرش تمثالی نه کاخ آسمانسایی کنون بنگر کزان حشمت نبینیدر حریم وی

خلیلی کهبا دخصتر رز معاشر بوده است باید انگور شناس باشد:

المرغاء وحسيني و منقع ءء خلیلیءء کوزه ای از شهدنا ب است شخيدم أبجلوشأبستنلى وار بهم آميخته السوان انسگور

فروزان گشسته چون شاخ مسرصع خدا داند ملایمستر ز آب است ورم آورده و زرد است وبيمار سسپید و زرد وسرخوابلق وبور

و در وصف خربوزه های وطن گوید:

خبوشا خربوزه های تبرد وشبیرین طلاقابل ا مسيرى استقلاني

که از وضعش قلم شد شکرآگین حساب گرمه و سرده تو دانی

و زمستان و برگ ریزان کا بل عزیز را چنین بیاد آورد :

بكابل موسم كچرى قشروت است بگوش آید صداها از سیر چوك میان مندوی شبور و جبدال است به پغمان لشکر سیرما رسسیده

بساط پسته وبادام وتوت است که اینك ، در سبد توت پرکوك جدل ها بر سر چوب وذغالا ست خروشان آبها يهش آرميده

و در وصف مرغان وطنیو موسم شکار گفته :

شده شادان که مسترغان خسزانی اقار ولك ولك وچيلان بيايد کیران سیونه) قبو و قاز وقیشقل جوانان روزها را شام سازند

فرود آیند زآنجا نا گهانی كلنك مست جان افشان بسيايد قستان و چوچلی و قسرچه وجل که بهر صید کسردن دام سازند

خلیلی حتی گلدان وطن را که تمثال خاك آن میباشد بجان خود برابر میخوانّد :

از كجا خاك ترا بسيخته انسد نه توگلدان که توچون جان سنی

که چو سُرمه به نظر جا کرد ی تحفه ع کشور ویسران مسنسی

(توت **خشك)**

دوستی صحیط اجتماعی وطنی ندر اشعار خلیلی عیشی وعلاقه عمیی بمردم افغانستان ! به نظام اجتماعی وطنش ؛ بتاریخ و افتخارات گذشته افغانستان / به آزادی و استقلال مملکت ابه دانشمندان و معارف و شاگردان و معلمان وطن او به آزادی و کرامت انسانی و اعلاحات اجتماعی در وطن ابچنان پیمانه ای تبارز یافته که اگر خاطرات شخصیو مناسبات بین العللی را از آن مجنزا کنیم دیگر همه اش وطن است و وطندوستی ، و این در مورد المات د عیجب نیست ، شاعر ما در بهار هفتم ما درش و بسال یازدهم والدش را از دست داده و بعد از آن در دامن وطن افتیده است :

مادر چاو زجان بارید پایوند این جار دا من جاو مسارا بیفگاند

ظیلی تبعید ها وتوقیف ها را گذشتانده اشکها ریخته ارنجها برده و نبوحه ها سرداده و در کوچه ها و شهر های وطن در بندر گنشته تا افنتخار منقام بزرگ ۴۰ فنرزند افغانستان ۴۰ را حاصل کرده استهٔ

یا د ایام گذشته یك بیك آرد بساز رنجهای زندگی را پیش چشسمه پرده وار پسرده یی كز اشك وخون و داغبودش نقشها پرده یی كز درد ورنجویاس بودش پودوتار

این فرزند فرزانه افغانستان در مخاطبه هندو کش با هیر مند میگوید :

ازگرامی خاك منبرخاست شاهنشاه شرق صیرابوالقاسم یمین الدوله ضخر روزگار از در ری تا درچین شهرها درشهرها خصروانش پای بوس وخوا جگانش بنده و ا ر كشور یعقوبیانم خانه ابدالیان شیر گیران جهان باشند از من یا دگا ر بست ویران شد خوابگاه صور و صا ر

خلیلی که بهمت خود از کوچه گردی مجبوری بمقام استادی دانشگاه رسید و قدر عملم وتعلیم ومعلم را دروطمن فقیرخود خوبتر درك نموده و در تجلیل مقام معلم گفته است:

سرزمین مقام اوستادان بوده است برسنایی بین که برتررفته درسیر معاد بلح بامی بوعلی دارد که (قانونش)هنوز میولوی در خانقاه عشق شمعی برفروخت میوجها دارد چو دریا طبع خوشحال ختك نفعه رحمن سرود دوق میخواند بگوش هست تعظیم معلم آیت عیز وشیر ف

بازبین ازبلخ با می تا باقصای هسری
با عروج معنوی از پایسگاه مشتری
با (اشارات)شفا بخشا کنند جانپرو ری
کنزفروغش مقتبس گردید(شمس)خاور ی
مینماید پیش طبع وی (اباسین)فرغری
میکند همچون پندرمارابه عرفانرهبری
زانکه باشد پایه وی از پنی پیغمبری

و در اهمیت علم و هنر ودانش بهموطنان خود گوشزد مینماید :

چه خوش گفت آن ارسطوی زمانسه که نبسودعظمت قوم از تسجار ت نباشد مملکت را افسستخار ی ولی آنقصوم باشد آبسرو مسسند

حکیم وقت و استاد یگانسسه نه ازخاك وسیع ونسی زراعت اگر دارد نفوس بسیشماری که دارد صحرد کاری وهنرمند،

در نوشت ای خواندم که همموطنی ستایش افتخارات گذشته را بباد انتقاد داده وآنانیرا که * بتاریخ پنجهزار ساله افغانستان می نازند * بجرم وطندوستی نا مسلمان خوانده است ،ولی همموطن دانشمند ما ' استاد خلیلی ' ستاره ٔ درخشان ادب دری و مورخ معروف مملکت ُباستان کشور خود را باین نسظر می بیند :

خاصه این کشور که مهد دین وکانون وفاست خاصه این کشور که مردان بخرگیش درجمهان از جلال لدین بلخی روم می بخالصد بخود خاصه این کشور که تاریخیش بخونگردیدسرخ

مسهر وآئین در نهاد مردمانش مضمراست بسهر اصلاح اُمام ازقارنها نام آوراست وز جمال الدین افغان افستخار خاوراست تا هنوز از فستنه چنگیزخاکش احمراست

وانگهی استاد ما در مقام حکیم و مستفکر سیرتاریخ وطن و ارتباط امروز ودیروزآنرا چنین میبیند: قصدرت فصردای مابر همت امسروز ماست همچنان کا مروزما آورده یی دیروز ماست ماضیما مظهر صدپرده ساز وسوزماست سیر تاریخ وطن استاد پندآمور ماست

زیحی کلمین استاد باید داستان آموخلتی زیمین دبستان عبرت سود وزیان آ موخلتی

خلیلی با همیت زن در جا معه ٔ خود و بحرمت نا موس زن سخت معتقد است :

مصرد نسطامی و زن همو شمخت بر رخ اعمدای وطعن در سستیز آ تصیه جمامصحه زیصباکنند جامعه باشد زردو تی سر بلند مرد نظامی بِکَشد تیغ تصلیبز لیک زنسان خدمت فصردا کسنند

معنیش یك حصرف با شد والعصلام آنکه دلرا جان وجانرا ما محمناست -

آنیچه را مردان شرف کیردند نیام این شیرف تعظیم نامیوس زن است جمعوهر شیمشیر مرد است این شیرف

آزمون صد نـبرداستاين شـرف .

حکیم خلیلی دردهای اجتماعی وطن خود را درست تشخیص و تُرت بیان کرده است :

کرده اجمعزای شان بسهم محقرون این یکی دور وآن دگر نسسزدیك چخند بساشد به صغیز ما مرقوم از چخه در اصل و فصرع شك داریم بهتر از صحد وزیر رشماوتفوار وای از ملستی که د سست قسرون شسود آن ازبك ایندگر تاجیك این دو سسه خسط باطل ومسوهوم ما که تاریخ مسترك د ا ریام آن هسزاره که میبرد یك بسار

بعضی طقه ها خلیلی را ملامت میکنند که در مورد پادشاه وقت زیاده از حد وصف و صدح گفته است ۱۰ گر واقعبینانه قفاوت شود پادشاه سابق جنبه های قابل وصف داشت و وانگهی همان پادشاه بود که در حتی خلیلی لطفها و رواداریها کرد و او را شاعر درباری ساخت و باین ترتیب استعداد سرشار و ادب و حکمت شاعر افغان از چوکات سرحدات ملی بممالك منطقه و سپس بما ورای ابحار پراگنده شد ، معهدا خلیلی در هر صدحیه خودپادشاه را بطرف عبدالت مردم داری معارف پروری و آبادانی کشور دعوت کرده است :

از لب سند شود تا لب جیحون سرسبز شود از تربیت شاه بکشور هسر روز

از در صرو شود تا خط خیبر آ باد د ستگاه دگـر از علموصنایع ایجاد

> شهان دا دگیر در کییشور خیویش شیهانی سایه پییسر وردگارند خیدا بیزار صیبا شید ازآنشاه

بسنای عسدل را منسعمار باشسند که نسسیکو خوی و نسیکو کار باشند که خسلق از دیدنش بسیزارباشند . و اینهم منظبومه ایست که استاد خلیلی در عمد سلطنت همین پادشاه بوزیر مطبوعات وقت نوشته است :

باو جانم چه داری در جراید ؟

صباحی خوانده ام در یك جریده

بریده کیسه یلی بلازارگانی

گلرفتند و به دیوانی سپردند

وللی یك روز در اخبار دولت

که این آقای افلخم این اولسوال

چرا این جمع رشوتخوار قلاش

یکی روز دگر خواندم دراخبار

گناهش اینکه نسرخ ارزان نکرده

درست است اینکه قمابان بازار

ز قلمابان با قلدرت چه گویلی ؟

مصفرات است آنجا یا فواید ؟

که بک دخصتر خدیجه یا فریده

که شام آرد فصراهیم نیم نانی

اصولا تین به زندانسش سپردند

نخواندم ما جحرای اهل شروت

چه سان چاپیده ازخلقاینهمه مال فا

نشد در یک جریده راز شان فاش ؟

که شد قصاب بد بختی گرفتار

مگس را دور از دُکان نکرده

به این تقصیر می بینند آزار

ز جلادان این ملت چه گویی ؟

خلیلی زادهٔ کوهستان نیلاب و پرورش یافتهٔ دامان آزاد هندوکش و سفید کوه بوده دیوانهای او آراسته به قطعات منظومه ها و پارچه های نهایت عالی وظریف است در وصیف وحمایت از آزادی و آزادگی مردمان و استقلال وطیشش ، این دو بیتی از اوست :

طبیعت هرچه باشحد نف**ز وزیبا** جـهان در پرتو آزادی و **مـ**هر

چو آزادی نباشد سخت زشت است اگر زشت است وگر زیبا بهشت است ۰

جهان بسینی ۴۶ جهان خدایی ۴۶ و ۴۶ جهان وطنی ۶۴۰

دین بر حق اسلام ٔ جهان بینی ۴۰ جهان خـدایی ۴۰ دارد یعنی خدا را در هرجا میبیند وهر سرزمین را ملك خـدا میداند، و هجـرت جز۱۰ این جهان بینی است، این فلسفه را اقبال لاهـوری از زبان سـپه سالار عـرب بهنگام فتح اندلس (هسپانیه امروز) به بهترین نهج افاده کرده است:

طارق چو برکناره اندلس سفینه سوخت گفتند: کار تو بنگاه خصود خطا ست دوریم از سواد وطن بازچون رسیم؟ تصرك سبب ز روی شریعت کیجا روا ست! خیندید و دست خویش به شمیشیربردوگفت: هیر مُلك مُلك مُلك ماست که مُلكخدا یماست .

نکتهٔ باریک این افاده درینست که از زبان سپه سالار فاتح عرب بهنگام پخش دین در مرز بیگانه روایت شده است، باین حساب جسد ده ها هیزار راد مرد سبر سپرده و شبهید افغان برای پخش و نسش دیبی مبین اسلام از لاهیور گرفته تا دهلی بزیر خاکهای نیمقارهٔ همند مدفیون است، ملت افغان بحیث پیروان راستین اسلام در حالیکه پیرو جهان بینی جهان خدایی بوده وهستند معهذا بحیث یک ملت دارای فرهنگ مسخص متمایل به جهان بینی ۶۰ جهان وطنی ۶۰ نیز میباشند، افغان بهرجا باشد آرزودارد جسد خودرا بخاک خود بسیارد، واگر بخاک بیگانه دفین شبود وصیت ۶۰ امانت بودن ۶۰ با آن تیوام است

تا در صورت امکان بوطنش ببرنده خلیلی مرحوم سی سال قبل قصیده ای بعنوان ۱۰ وصیت سردار محمد ایوبخان نخازی فاتح میوند ۱۰ حدود ۴۰ سال بعد از وفات سردار از زبان او سروده و خوف سردار را از دفن شدن در پونه بیان داشته که این چند بیت نعودار جهان بینی ۱۰ جهان وطنی ۱۰ است:

ولی ترسماز آن مصرگی که بسپارند جسما را در اقلیمی که باشد دشمن منکشور آرایسش مصرا باید پخشاور بصرد کانجا نصور آزا د ی فصروزانست در برق نگاه پلیر و بصرنایسش بصود آنجا که رنگ و بصوی گلزار وطن دارد بخاکم گلر بیفخشاند صبا گلهایبویانش

گـویا مرحوم خلیلی در تحت الشعور خود برای فاتح میوند چیزی میخواسته که سـی سال بعد سرانجام بـخودش رسـیده است ، آری ، آرامگاه خلیلی نیز پشاور قرار گرفت ، استاد میفرماید :

دین و آزادیست در ذرات خون ما نهان ما و این پیمان ما تا جان شود از تن برون مرگ خاموشم نسازد در لـحددورازوطن باشد از هر ذره ٔ خاکمتا ابد شیون بـر ون

ملت خدا پرست افغان در ورای عیشق بوطی خیدا و همه زیبائیهای جهان را در وطین خود میی بیند و این جهان بینی با شریعت اسلام در تیفاد نیست بشوطیکه میتن قران مجید مدار اعتبار قصرار داده شود نه تفاسیر مختلف ، خلیلی عیشق وطن رابجایی میرساند که ذرات هستی خودرا صولود آن دانسته و در مقام تقدس بعد از خدا برای وطن پرستش قایل میشود ،

داند خیدا که بیعد خدا صیپرستمت هان ای وطن مپرس چرا صیپرستمت درات هستیم زنبو بگرفته است جان چین بر تری زمان همه جا میپرستمت

پسس جما دارد در مورد ملت مسلمان و وطعنفدای افغان اصطعلاحات وطندوست و وطعندوستی به وطعنفیدا و وطعنفدایی تبعویض شیونید، همین وطنفدایی وایمان استوار اسلامی ملت افغان بود که ابرخرس روسی را بزانو درآورد،

درختم مقال باید بعرض برسانم که این مثالهاراازدودیوان استادخلیلی که قبل از تهاجم وحشیان روستی طبع شده بودبرچیده ام، استفاده از دیوان سبوم استاد وبسا اشعار دیگرش که در دهـه جهاد طبع ونشر شده واز نمخاهم ادب دری شمرده میشود بلکه صفحه جدیدی در وطخفدایی استادگشوده است بمنظور جلوگیری از طول مقال صبرف نظرشـد، از آقای صفی الله ثبات **یکتنازشا گردان** استاد که این دواویـن را بدسترس من گذا شـتند تشکر مینمایم ،

شاد باد ارواح خليل الله خليلي ، و رحمت الله عليه ، و انا لله وانا اليه راجعون ،

دکستور سید خیلیل الله هاشسیان استاد پوهنتون کابل در میها جرت مانگلیر – کلفورنیا – ۲۱ می ۱۹۸۹

> این مقاله بمناسبت دومین سالگرد وفات استا د ظیل الله ظیلی در تالار پوهنتون کلفورنیا در لاس انجلس قرائت شده است ، مورخ ۲۱ می ۱۹۸۹

مورخ ۱۹ مسی ۱۹۸۹

نسقش این معنی بسعرش ولوح وکرسی خوشتراست وین جنهان گسر وی نبا شند مهملست وابتراست

هادی راه نیجات و صاحبی فسق و شیسراست آ نیکه در طبغیان فسرعبونان عنمایش ازدراست ان صلیمان جسن وانیمش تابیع انگیشستراست

س بسكف در آشش وخون چون سنهند و مجمرا ست

غنالب ومغلوب رافسرمانته و فرمنانسين احسنت

خلق مالم نحبته نحته يبيروان رهبير احببت

هاشاالله در صفوف رزم جویسان خنجراست و ر بسرسم یسادگاری شبت با آب ز ر است در هیولای سخن شکل خموشی منسسمسر است

رتسبست مسرد حسخن پرور از آن بسالا تسر احست

احتمانرا استواری ہیں صفیٰ نا ہاور اے

يثيرو دينن خيدآ منتقاد شبرغ انسور اسَ

محترم محمد طاهر هاتیف ایسروایسن ـ کلفورنیا

بمناسب دون الروفات بت وتن خليل المدخليل

جـز صـخن نبود بگـیتی انچه قدرش بـر تر احت رونـق هـحتی هـمین حـرف وسفن باشــد تـما م گفته های ایسزدی آندر صحیفاً ت و کسستسب حضرت صوصی کلیم الله گردید از سسسفی يك صخن اندر نگينش بيش نتوان يسسا فيستن از كالمست أينكه بهر رستكاري مومسنان مسومسن السفان بسحكم (جاهيدوا) باروسيها ایسن صخن انسدر سیاست عامل طحمت وجشک از سخن بالا احت هنرجا نسام حنزب وپنارتن بسارك الله وي بسيسزم مسيرورزان مساقسراست دِ ر طلسمشگر نویسسندی بمنگه منبر است گرچه نسبندی هم خموشی راصفت گفتندلیك چنون زمین را بسرقسراری از مسخن باشد یقین السَعْرِضُ هَـرِكُهُ صَـَّىٰ وَأَ مُسْتِرَلَّتَ بِـاَشَـدَ بِـلَــنَدُ شَـا عَرِ افْسِعَانَ خَـلَيْلَ الله خَـلَيْلِيّ از صَــخَـنَ مین چّه گویم از باندیهای نیظم ونشر وی گرچه خود خفته استآن گینج معانی زیرخاك ملك دلها داشت در تسغير بأ شيغ قسلم ابس نسيسان گولسيا از طبعوی بردا شت فيش از مسنا مت گاه در زنسدان و در شبعبید بسود هم نوای رزمیش اندر ورای ۱۹ اشک و خون ۱۹ (۱) آ نچه از راز شبهادت شرح کنردی در جبهاد قبوت قلب منجاهد در شکست دیستو سسر خ زان حلاوتها که در آشار و در اشعار اوست گه صفیسر که صورخ گاه صوفی که دبیر از کسال خلم و حسزم و هست و مسیر وشکیب شاعبر روشنفمبیر با خسدا و با نبیاز عبارف عبرفان بسيدل نسيستسوا ز مستولستوى در فسراقسش جای اشک ار خسون دل ریسزم رواست منسسش بسرجا که باسا در رشای آن فقید زانكه مبهرشها صغندانان ايسران ببيشهبود هرچه در فنفل وکنمال و دانششگویم بنیش ای دریسفا ۱ن شبهنشاه صفی قلساری کجامت (۵) از من و اصحاب منظل بن روان او . د ر و د در پنشاور آن منجاهند منزد شند تطیم خناك رحلتشادر خنمين ماه صنوم وتاريسنغ وفنات

رخلستش در خصیص ماه صوم و تاریسنغ وفسا ت (صر ز خـوانـد در لاس انسطـس هـا تـف بروز سالگرد (یـاد

(۱) ۱۰ ایک و خون ۱۰ اثر استاد خلیلی

(۲) ۲۰ کاروان اغلام در در در

(٢) و سايه هاي خيبروور رد رد

(٤) * اشك رماني * اشاره بشعر عباس خوش عمل شاعرايراني است كه در رشاى استاد خليلي نوشته بود، (٥) * قساري * شاعر شهير افغان مرحوم قارئ عسيدالله ملك السشعرا * .

در دبیرستان فیفل و معرفت سیر دفیرا ست ملك معنی را برفعت اسمان دیسیگر است نظم های آبدارش آبدروی کشیدراست دانیه های در میشورش صبر اورا لیکراست کاین صدف ها را بدل از نظم خوبش گوهراست گاه از پرماییگی مصعوب شاه وقیهر است فیازیان را کبی کیجا پیروای صدومنگراست فیازیان را کبی کیجا پیروای صدومنگراست فیازیان الگاه او در ۱۰ سایه های خیبرهاست طبوطیان البحق ز کلیکشریسزه خوار شکراست افستاب علم وعرفان رابلاشیك محبور است او همین بیر کشتی بیجر حوادت لینگراست در صدریسرش لا و نیجوا و تبولا بی میراست در صدریسرش لا و نیجوا و تبولا بی میراست نخمه پرداز سنائی میرد صاحب معفر است نانکه اورا دیده خون بالا و دل خونپروراست

(صبر زمین آریسا بی او همای بسی قبر است) ۱۶۰۷ هه ق ۰ (یساد بسود او بسود بسریای تامهوفسوراست) ۱۹۸۹ عیسوی

دوستان هند وها کعتان و ایسران ضمضوراست

در فیمش دامان کان از لیعل رمانی تبیر است

بیگمان در نسزد اربهاب فیفیلت کیمتراست شا ورا بسرجا گذارد آنسچه شا انش درخوراست زانکه استدعای فیفران سنت بهیفمبر است

مسرقسدش جسنسب شسهيدان جسهاد اكسسبر است

ندی و بری

شمر ادم تی ای آی ۱۹۹۰ می ۱۹۹۰ ۱نبوی بحث ۱ د دردهندی کمششش

ررف بی رست و درولی میزا شینین و مرت برگی به در در هندی بی نیز از و دروم نی می در برای می دار بیسی کفتی و دوی جمود بی در در برای می از در برای به از می می در برای می در برای می می در برای در برای

وگفتند بود رسنور رینهرا مردی بود فرخمند دُدیتر کل و شبت یکی نینیکک « نامیده می شدو رنگر کاندک » می گفتند

م تیک به هدید ، مرد مرا ما مرد می کود ، به در ار خوش بور در آبرک »

دم بی آز در در به و بدر در می برسن می کرد ، از علی بی بر برای می برای می

م کرد. الله و برد م مخرفه ی در فرا شرنگات به بر برکت ۱۱ مید و امتیان کوی دور الله می کرد الله می در در امتیان کوی دور می در در الله در الله می در در برد در در الله در الله در الله می کرد در برد در در الله در الله

رد ترخی کو گفت مردت ایراحت که دور بدی دید تروز و مرد ترکی این مردی کو نیکی محکند اف وی ایراحت که دان بدی در بروز و مردی مالی مردی کو نیکی محکند اف وی به افغی برون می در بروز کو براحت مالی ایران می در بروز کو برای مرزی کو برای می در بروز کا بروز

برا ا ا دِنتی کد دعام کِنم البُما خَنْدِی میگوئی و معدد کریان وایاد می کُنم کان در کرد معول مهند مان ۱ در کردن کور احت ن نوائی که اکنون آمان در بان می کم : - جلور ؟

۱۱ به مخور حمث ها من ۱۰ مان طور شد ۱- ۱ به مخور زخره کبنم ا دریا هستفردیا مرستده عرفی و شد دفتی ا مانشته دزخیرو ا را بازکشند درمیب دخرارند نررک ازار چنی تورد تزمترت رتول نفیه که می از کاری و می می است.

۳- هت هر مو عرشیره میورنات هلی نیزهزی رفانعدا بهای و کهایی و و هر ای مشت که در رسی این ترای بیشتری می نشارد ۲۰ 4/17/199. مندانو د انشىندگرامى دكتورها شهيان ، رز وصول ممبُ وزين شاره بنجم " كَيْنِ مَتَّالْتَ ان " جِنُوسُيد لَمِنْيان سيعيم ؛ با مردر وسطاعه اوراق خواندني ودجهان برزه يا فتم كدوركم ، رز وشتركين خواست بوديد تا درباره موسيه بمراناه ت بي المعيزت وركل برخان ، تطريعيم ، ما برا دران سمولمن شا ، مقیم درشهرماندیا ۱ ویا لت کا بیزنیا " که به چیج میدگروه شیاشی دابشته نیشتم ورزبدوا هجرت یا ا ندم برعار کزدادی میهن کهایی خود خب و روز میکندانیم ، منظر حرکت و نویری بوده ومیها شیم تا بغض خداوند ما درسمال نورایم سرختد کرز سرختی ۶ نبات و دوباره ماکب وطر . گردیم رز آنانک من و تمام و منوادن کرامی الحق دارند که درین ۱۲ سال وطن و و منداران عزیز ما به جدیدی کره من کست کا، ساجی کو د دا غهار التيام ناينرم رزطوف بسكان و بيروون نا بكار شان وجدر زنفاق ديم اكندگي كاي خودي كديدنجنان بعدرزخوج عاكرمتماوز بِنَا ذَكُرِيا بَكُرُهُ مَرَدُهُ وَمِلْ وَرَوْلِمِنَ وَوَاحِدُ وَمَا أَمُ مِنْ وَالْمُ مِنْ وَمَا أَ مِيد ون النان امروز - رهبرساس ايكرروبشيتان أكزيت ولمنداران بهره سندباشد، حتيج دردك اين رمبر بايدرز لحريق، راًی تری کرزاد انتاب کردد درین گوشهٔ آورزگی نجار کیم آامروز بارسیده ومیرسد ، اکرٔت مردم ما چه در داخل کشور و چه درکمب کا مرحها جرین وجه آوارمان مقع خارج رد كرر در روف ف سابق محر ظاهر ف وبنتياني كرده و مستد . جِن بدف بنا شی حدً ما علولیری رزبرادر کشی و نفاق که خدری ناخورسته روزی منجر به تجزیه و لمن عربه ما خدم میباند، ظهر ما خذن نستم شانرا گو در زن امررز رأی اکریت مردم خود جا شداری و عمل مید شاه شای را شتنبال کرده و ناشید سینائیم ورزخدا دندستعال ایجا دسکینم تا برج زوه تر دای گیری مبطرنا نه صورت گیرد که مردم شتمدیدهٔ فهنان مبرون ترش ومعاخلهٔ دین و آن دربارهٔ رهبروشكل عكوست كريزه ولمن اظهار تكوكرده متورت، وسن بنوتوشي : عنع مرتسر: clu (10)

ربیت بتت کی: رتولی اسر فیلیم می بود: مین دل علی میرونگانی میرون کی برید از این است کی در آنده روز این برید الله شرار ایکالی میران می در آنده روز این می وقعله و عا وی وز می برید الله شرار ایکالی میران می در آنده روز این می وقعله و عا وی وز می برید از این می است که در است که د رستره خواری انسرارنوشی به حنیت به افزا رجمتهای دکه فر خبایت کاحد و به رطی تیم کوه اعال فيك در في في حقرت محرص توفيد كت ورنوره در: -ر مدرب کدرم درزان اوسف عدی جود نونیرا عدل سباآ ما دم » کا رخوب کرده و تخن خوکیتی ، عدات موده ، حکفتی تبلیغ کرده در در ایستان ا عدمات در روء وله ت در ده دما شد ر مهديا درس دار د چراكم على شكت أو مرداه میک ومردان راهی موردنرون دردلهاي مردم در در وال ال کا مرزاني كرستوي ازمون أ عليك الدين يمني ويا عدد ارهن طامي وإعكيم او الحريمة و ريا از حورت ما فط در تعدی ديا از بسرو ب خواه خواه کا م عد اصر الفازی زم و مرفود د ويتحنى وزهاتم لهاتي وهدكت نومنيه والورشياعت وبإيروى مي وزير فيراكط لا وترهما و محدود و انخ معود و منهدری موان و اندای که در کوه در زن ایم آل دو ومِيروك و وَعَلَى آج وَ مُتَهاك وَتَنْف وَعِياه آمرون ولال موجود آج وا دارمد محقال خوری زین مینسند چواک آج می مردای نیک بوده دخود درارلهای ا مای لعدازوة ك ترب ادرزمي مجوي ديسنية كيمرار عارف مرارا چه و د گورت و گذرکنی فیورن ۶ و در دران در وای رعا، وسمد او دی

المناه كمماه الرزاه ورنش المنيع كالمكيري ملتانه كلاه مداررتر كحدالا بعن آنج مدادندج ضوكر أفحده عن كي در برد برد برام روي در دنيا مراتبي ماك:" داق الما غِزا دا حكم تستنيُّ المعِمِّجا م تعالی ارش داده شیود ۱۱ سرای موم مراونر کفته شی میواد بنیا وا سالمینوی با الالله منيىء ينوسه در وزت بربن ربن مركب يداج بلك مناتيه فالآمرة ومُعِبَّنَهُ برمّا ه در مراسر طبخش در نباری دوزی در بر فیالدینا علی طاعتیا می از تبل به مرد كفة شدى بهل بي ويع بهروالله و محت ل بي محرد قد ل سبل بالعابي بوالله منهور روز المن لليكر وي الزجل سوارفه في مروجيد المنهد الي المنظيلية وقوي المالي علمالون رته لهرم نهر عيد يود كانته تريك فرتسند كوينيك مال مروية كالمعلى المالي المالي المالي المالي المالي المالي الم و كموي كيليك ويني ي اندرزه لاغ وي مورد: - بِبَطنية معك ، الْفَعَ لَلْهِ عِلْمَا الْمُعَالَمُ الْمُعَالِمُوا البها مُوَا از خداد خدرهٔ بر مربری طربایان بی برای تبرئسم نا یکوهای و کلونهاهای از خداد در الدواود بر الدواود ب فبلي وتبت براتج متوار تويد د بحوي وطريقه اى ارست را ن الراد تجوامده مجيده

اکنون دیوننا را کیند درن موی مطوف میدورم: -راند در در در معود مقدن عروالفاری دری بن وعق این معود عقیله به عمروا

ك ، بيسرمل المرطير و المرزو و المستماك في المحاليف مليات عليه مكل الله المراد المراد و المراد

س ک رکیا رخیر دخانی کند مرای دو اندم

هر والخام وهنوس و دا ده می تود.

اجْرِماعِلَهِ ١٠ مواها لمسلم ،،

نيكى چەمدى ، نېمن كۇنگيارگۇ

مهابر بری کردی و دبری تمرض را

ز میکومینی راه بران و مو و در در برز در در خورمیتران بنکی مثان و تلوک دا

م التيند وبرگذشت آق آنوش ديرد ج آق آنوشي بخريط كي د مرادي (

" ا زمذه ایم ۱ می تو اینم احت ۵ عنو ده کا رخب انخام دهیم .

ادامه مغمه (۱۱۹)

اقای عزیز نوری (مهاجر افغان) درنامه مورخ ۲۰ جون خود نوشته است:

** ۰۰۰ و درباره * ون اشعار شاید انتقادات در صورد برخی صدق کند، اما بعقده من که نمیتوان حافظ و بیدل و ۰۰۰۰ را زنده کرد یا مانند انان پیدا کرد ، در شرایط فعلی اشعار رزمی وانتقادی در باره بحران وطن بیر سویه ای که باشد یك غنیمت است و کسانیکه بسیار سخت میگیرند و همیشه در غندی خیرنشسته جیز خرده گیری و تماشا چی گری کاری ندارند این عمل شان درین شرایط و احوال نه تنها ظالمانه است بلکه به نفع وطن نمیباشد و در حقیقت باین دسته صردم باید بنظر شك نگریست و خود آنان و عمل شانرا مورد انتقاد قرار داد، خداوند همه را هدایت کیند ، **

تعجيح ضرورى

در شماره پنجم صفحه ۱۰۰ ۴۰ مخمس ها تف بر غزل واقلف ۴۰ در بلند سلوم سلطر ۸ کلمه ۴ ۴۰ خندیدم ۴۰ بله (ملیخنند م) تصحیح شلود ،

ا ظهار تسشكر

دوستان زیادی تلفونی و مکتوبی نسبت وفات مرحوم دکتور سیدعبیدالله روغ (پسر عم وشوهر همیشیره ٔ اینجانب) تطبیت رسانیده اند، از غمیشریکی دوستان محترم کمال امتنان را داشیته تشکرات خود را تقدیم مینمائیم ،

سيد خليل الله هاشميان



مردی از تبار احساس ٔ صورتگر و بت شکن ٔ خوش برخورد وبا حوصله ⁾ چابك وپرکار با عرض تشکر از استاد امانالله حـیدرزاد با احساس همکاری که با هـمه دارد ُبا حانی توانستم وقتی برای مصاحبه بگیرم وساعت پنج عصردر اپارتمانش در نیویارك ملاقات کردم ،

حیدر زاد مرد بسیار با احساس و خوش برخورد است ، صهمان نوازی برسم افغانی راخیلی دوست دارد ، موهایش نقره مانند است و قـد متوسط دارد و چـست و چابك است ، سالون اپارتمانش را با نوق هنری خورقـشنگ آراسته و از دستگاه پخش موزیك ترنم یك سمفونی موزارت گوش را نوازش میداد ،

استاد حیدرزاد وطین و مردمشرا دیوانه وار دوست دارد و بعلیت خود سخت افتخار میکند و منتظر روز آزادی وطنش است تا بسرزمین اجدادی اش بر گردد و بخدمت ادامه دهـد و آرزو دارد منارهٔ یاد لبود شـهدای راه آزادی وطین عزیز را اعـمار نماید ، او فرد تحصیل کرده است و سالهای عمر خود را در رشته هنر تا درجه استادی از ایتالیه صـرف کرده ، ببینیم استاد حیدر زاه برای خوانندگان مجله آئینه افغانستان چـه گفتنی دارد و چه درد دل میـکند :

س ـ استاد حيدرزاد شما چند حال داريد بكجا متولد شده ايد وچند فرزند داريد ؟

ج ـ می چنجاه و یکساله هستم و در کلیل متولد شده ام و ساحب جهار فرزند هستم ه سـ شما در افغانستان چه شغل داشتید ؟

ج ـ زمانیکهٔ من از تحصیلات در ایتالیابوطن عودت کردم علاقه زیاد داشتم تا دپارتمنت هنرهای زیبارا در پوهنتون کابلمجیث یك مرکز علمی در قسمت آرت و هنرافتتا ح کنمو از آنجائیکه مشکلات زیاد در حصه آرت و هنر وجود داشت و دارد بازهم با حعی زیاد توانستم دپارتمنت هنرهای زیبا را در پوهنتون کابل روی کار بیاورم و بعد از رویکار آمدن اولین جمهوری اشانستان بوش پست ریاست موسسه سکوك و ضرابخانه محول شد تا اینکه کمونستهای عنان گسیخته بوطن ما آمده و همه چیز را در هم کوبیدند .

س ـ فعلا شما برای پیشبرد زندگی تان د ر امریکا چه مصاروفیتی دارید ؟

ج _ زمانیکه هموطنان ما ازخاك عزیز خود دور شدند در یك مرحلهٔ قرار گرفتند که در قدم اول مشکلات اقتصادی بود ، من خودم از آرت و هنر خود استفاده کردم و در سال سه تا چهار نمایش دابر میکنم البته گروپی _ وهم فرمایشاتی میگیرم و از راه هنر خود زندگی میکنم با جودیکه یك هنر مند بمشکل میتواند از راه هنر زندگی کند چون در رشته هنر درین مملکت مسابقه عجیبی جریان دارد ،

س ـ شما چه مدتی است که *پک*ار های هنری اشتغال دارید ؟

ج ـ من از سن پنجصالگی به هنر علاقمند بودم و در مصابقات خزانی اشتراك میکردم تا اینکه مقامات دولتی مرا برای تحصیل هنر بایتالیا فرستادند ، البته در آنوقت مجسمه سازی درافغان ستان نبود وجالباست که یك اخبار ایتالوی از من سوال کرد که چطور شند در مملکتی که همه بت شنکن است تو بنت تراش شندی ؟

س ـ ا جازهٔ میخوا هم بپرسم این هنر قشنگ را نزد کی و در کجا آموخته اید ؟

ج - باید بگویم در افغانستان مجسمه حاز نبود و کسی هم نمیدانست که چطور از گیج قالب گرفته میبشود ، من برای یکحال در پیروجیا ایتالیا زبان را فراگرفتم بعدا بشهر روم به اکادمی (دبلاریتزوما) شامل شدم ، در ایتالیا معمول است که اول باید از مکتب آرت و هنر فارغ التحصیل شد و بعدا شامل اکادمی میشوند ، چون من مکتب آرت و هنر ندیده بودم باید یک امتحان را حسی گذراندم ، بعن از مجسمه (ژولیس سزار) قسمت کله آنرا دادند که باید بسازم وبعد از امتحان مستحق صنف دوم شدم ولی بسبب اصرار خودم خواستم از صنف اول شروع کنم ، یکی از مشهورترین مجسمه سازان ایدالست بنام پروفیسور (میکل گرویزی) که در آنوقت ۷۸ سال داشت و ازپیکا سو و آرت مودرن فوق العاده بد میبرد مدت سه سال استاد من بود و سال آخر را با پروفیسور

(کروچیتی) و پروفیسور (فتیسنی) کار کردم چون بورس من تمام شده بود از دولت وقت برای یك سال بورس مجدد تقافا کردم که میخواستم روی تراش مر مر و تخنیك آن مطالعه کنم وبعد ازبدست آوردن بورس مذکورمدت یکسال در مشهورترین مرکز مر مر دنیا (کرارا) آنجائی که (میکائیل انجلو) درین شهر سنگهای خود را انتخاب میکرد رفتم بعد از بازگشت بوطن در سال ۱۹۷۰ اسکالر شپ (جان را کفلر) را دریافت کردم وبنا بدعوت (جان را کفلر فوندیگین) من با همسرم برای تحقیقات و مطالعات آرت جدید با مریکا آمدم ، چون من وظیفه معلمی داشتم تقافا کردم که ماستری خود را در قسمت تعلیم و تربیه آرت بگیرم وبعد از یکسال تحصیل درین رشته بوطن باز گشتم ، سبتوانید توفیح بدهید آیا سبك بخصوصی دارید این سبك چه نام دارد ؟

ح ـ من هم ریالستیك كار میكنم و هم آرت مدرن ولی میتوانم بگویم كه زیادتر (فیگوراتیف) كار میكنم و آنچه كار میكنم از فكر و احساس خودم است .

س ـ آیا در افغانستان کسان دیگری هم پیرو سبك شما هستند ؟

ح ـ بلی در قسمت مجسمه سازی شاگردان من هستند ولی ایدریغ اولین دوره فارغ التحصیلان درین رشسته را من ندیدم چون رژیم غیر مردمی و کمونیست سبب شد که ترك وطن کنم چون نمیخواستم هنرم در خدمت سیاست پوچ آنها قرار گیرد ،

سـاولین اثـر شما چـه بود ؟

ج ـ اولین اثرم را بیاد ندارم ولی اثر هنری زیاد دارم که در سفارتخانه ها ارگ شاهی نغلوو هوتال انترکانتینانتل موجود است ،

سَلَا اللهِ أَروى دَيوار ها يَ هُوتَل التركانتينانتل ساخته شده شما فقط ديزاين كرده ايد يا در ساختمان أن حاضر بوديد ؟

ج ـ در همه موارد آن خودم حاض بودم وساخته ام ، من باستالف رفتم و با کلالها صحبت کردم و کل تبیه کرده کابل آوردم و با تکنیاهوزائیك بشکل چهار کنج ساختم وبعد تمام مجسمه بودا و مُغاره ها وغیره را دوباره باستالف برده پخته کردم و در یك قسمت هم از سنگ هائی که در افغانستان یافت میشد از قبیل مرمر لاجورد وغیره استفاده کردم ،

س ـ شما در كارهاى هنرى تان در افغانستان چه محدوديت هائى دا شتيد ؟

ح ـ محدودیتها بسیار زیاد بود ، اولا من استیدیو نداشتم و زمانیکه صاحب استیدیو شدم مجبور بترك وطن شدم ، من هنر خود را در خدمت شاگردان خود گذاشته بودم حون معتقدم بك استاد باید تمام قوه خلاقه خود را بشاگردان بدهد و باین سبب برای استاد وقت زیاد نمی ماند و ازطرفی ≥ارهای دولتی هموقت فارغ برایم نمیگذاشت ،

سـ شما رن کارهای هنری تان از هنر باستانهم الهام میگیرید ؟

ح ـ البته كارهاى زياد دارم كه از گذشته الهام ميگيرم وكارهاى نو كه سبك بسيار مدرن دارد پيش ميبرم بنام (كليگرافى) يا مشاقى قديمى است كه از كتب قديمى بصورت محسمه آورده ام كه اين خود الهام از گذشته است ـ از مشاقى كه در هرات و بلخ بروى كاشيها نقش بسته الهام مى گييرم و خطوط را بصورت زنده در مياورم ،

س ـ بنظر شما بهترین اشار کلاسیك در جهان در کجا وجود دارد ؟

ح - اشار کلاسیك در هر مملکت از خود خصوصیات دارد، در قسمت مجسمه سازی (میکلائث نوبونروتی و برنینی) در دوره بروك بهترین آشار بوجود آوردند وبصورت ریالستیك (رودرن) و در قسفت آرت مودرن (هنری مور) و (زکیم) کسانی هستند که آشارجا ودان بوجود آوردند وبانها زیادعلاقمندم، س - مدبیرا که در خارج افغانستان بسر بردید چه آشاری بوجود آوردید وچه نمایشگاهاشی داشته اید؟ در وقتی وطن عزیز را اجباراً ترككردم بیاکستان آمدم و در اولین کشور اروپاشی که اقامت کردم جرمنی بود و در هوتلی که اقامت داشتم مجسمه میساختم و یك نمایشگاه در شهر فرانکفورت دایر کردم که خود شما آنرا دیدید و عکاسی کوید ، در نیوبارك در سال دو سه مرتبه در نمایشات شامل

- وقتی وطن عزیز را اجباراً ترككردم بپاكستان آمدم و در اولین کشور اروپائی که اقامت کردم جرمنی بود و در هوتلی که اقامت داشتم مجسمه میساختم و یك نمایشگاه در شهر فرانکفورت دایر کردم که خود شما آنرا دیدید وعکاسی کوید ، در نیویارك در سال دو سه مرتبه در نمایشات شامل میشوم ، در سال ۱۹۸۹ یك مجسمه برونز من جیزهٔ اول را نصیب شد، در اوائل مشکلات زیاد داشتم وزیاد نقاشی میکردم و از نقشها مجسمه میساختم و هنوز هم میسازم و هم برای ساختن مجسمه ها اول بشکل کوچك از موم کار میکنم و بعد آنرا بریخته گری میفرستم و آنها برایم آنرا ازبرونز میسازند و صاف کاری آنرا خودم میکنم ،

س ـ ایا عضو کدام کمیته هنری هستید و میخواهید بکارتان ادامه دهید ؟

ج ـ بلی تا آنجائیکه برایم مقدور است و توان و انرژی دارم بکارم ادامه مبدهم ، من محضو (انجمن ملی هنرمندان امریکا) پذیرفته شده ام و این انجمن شکیل مهمی است وبرای من جای خوشی است که درین جمع قبول شده ام ، چون عضویت باین انجمن باسانی میسر نیست ، و درچهارم ابریل در یك نمایشگاه بزرگ در نیویارك شرکت کردم وسه اثر من درآنجاگذاشته شده بود ،

م س ـ ایا شما آثاری دارید که ممثل جهاد ویدبختیهای مردم افغانستان باشد ؟

ج ـ بلی ، من لحظه ای نیست که از یاد مردم و وطنم غافل باشم ، من در سال ۱۹۸۲ مدالیون را طرح کردم که ممثل زخمیهای جهاد و پیروزی افغانان بر انگلیس و پیروزی یك مجاهد که علامه داس و چکش زیر پایش قرار دارد و طبیعت افغانستان و پیروزی جهاد را که با بیرق مزین بنوشته الله اکبر بود ، این مدالیون را در سال ۱۹۸۲ خواستم بصورت کوچك تهیه وبه هموطنانم تقدیم کنم ولی از ترس اینکه مبادا محکوم شوم که از این وسیله استفاده مادی کرده ام که برای افغانستان کمك مالی فرستادم و بصورت تبلیغات جهاد افغانستان بعضا برای کسان تحفه همداده ام، در سال ۱۹۸۹ در هوتل پلازا که هوتل بزرگی در نیویارك است روی مسائل افغانستان مجلسی بزرگی ترتیب شده بود و یکی از مجسمه هایم را بانها تصفه دادم چون انها به هزاران دالر ادویه بمجاهدین کمك کرده بودند که اسناد آن را با خود دارم ،

س ـ میتوانید بگوئید خانمها در افغانستان بهنر مجسمه سازی اشتغال داشتند ؟

ج ـ بلی در افغانستان خانمها از جمله ٔ شاگردان من بودند و خیلی هم با استعداد بودند اینکه در شرایط فعلی بکجا رسیده اند اطلاعی ندارم ۰

س ـ بنظر شما درین ده سال ویرانگری و غارتگری در افغانستان کار هنر مجسمه سازی بکجا کشیده باشد؟

ج ـ آنزمان که من بکابل بودم دولت دست نشانده میخواست هنر را در خدمت سیاست نابکا رخودبگما رد مثلا صحنه هائی ازبا مطلاح پیکار لینن مارکس و استاللبن وغیره که دیدنش برای من غم انگیز بود میخواستند محل میتنگ و سخنرانی تره کی را با تمثیل مجسمه ها بسازند حتی گهواره ساختگی برایش پیدا کرده بودند، چون از افغانستان خارج شدم اطلاعی ندارم فکر میکنم شاگردانم را وا دار باین کار کرده باشند ،

س ـ شما از اثر و سبك كدام يكى از نقاشان كشور خوش تان مىآيد ؟

ج _ باید بگویم که هنر نقاشی بخود سبك بخصوص دارد و هر سبك کیفیت خاص خود را دارد ، هخنر میناتور قرن ۱۳ و ۱۶ افغانستان از کارهای استاد کمال الدین بهزاد که هنر مندمکتب هرات است خیلی مورد علاقه منست و هم از آثار استاد برشنا که تابلوهای با رنگ آبی یعنی نمیر روغنی است د غوث الدین خان ـ بعضی اثار پروفیصور غلام محمد خان که شکل رنسانس پورپ را تعقیب میکرد اگرچه زیاد زندگی داخل افغانستان را تعثیل نمیکند ولی از نگاه تکنیك عالی بود و هم کارهای مرحوم خیر محمد خان قابل یادآوری است ،

س_ میتوانید بگوئید از آثار کدام مجسمه سازان خوشستان می آید ؟

ج ـ از (ما يكل انطو) (برنيني) و (رودرن) ٠

س ـ منبع الهام شما در بوجود آوردن آثارتان چیس^{ت ؟}

ح ـ آنچه را در اطراف خود می بینم آنچه در باره افغانستان از تلویزیون پخش میشود کسیکه از جهاد برایم قلمه بگوید ، خاطرات گذشته همه منبع الهام منست ، من آنها رابا پنحل ترسیم کرده بعد با احساس خود پیوند میدهم وبالاخره بشکل مجلسمه در می آورم ،

س ـ آیا شما بهنر موسیقی هم علاقه دارید و کی را زیاد می شنوید ؟

ج .. بلی بموسیقی خیلی علاقمندم وهنگام کار هنری آثار کلاسیك غرب زیادتر موزارت را میشنوم و از هنرمندان افغانستان استاد سراهنگ بهترین شخصیت هنری افغانستان است وهم استاد خیال شخصیت عالی در رشته موسیقی و معلم خوب و آهنگساز خوب است وبموسیقی افغانستان خیلی خدمت کرده اند و بایشان خیلی علاقمندم ۰

سـ شما بسیاحت علاقمند هستید و هم منحیث یکفردافغان حق مصلم تان احت که باستناد حق آزادی بیان بگوئید در آینده بوای افغانستان چه رژیمی مفید و مطلوب است ؟

بنظر من هیچ هنرمند از سیاست دورمانده نمیتواند ، شما آثار مرا می بینید متوجه میشوید که حتما شمه ٔ سیاسی در آن استه شما خود میدانید هنرمندان احساساتی تر و دل نازک ترند تا خرابی یک گوشه وطنم را می شنوم بیتابی بمن دست میدهد و من احساسم را که از سیاست بدور نیست خلق میکنم ، در مورد رژیم آینده افغانستان برایم مشکل است نظر بدهم وپیش ازوقت است اما باید بگویم مردم مجاهد افغانستان و سران مجاهدین درین ده سال جنگیدند سیاست کردند خسته شدند حالا موقع آنست که بیک نتیجه مطلوب برسند ، دنیا منتظر پیروزی نهائی مردم مجاهد افغانستان هستند بخصوص بعد از اخراج قوای خون اشام روس توسط قوای مجاهدین وحالا مربوط ملت افغانستان است که کی را میخواهد ، رای ملت نباید نا دیده گرفته شود ، من شخصا آمدن محمدظا هر خان را بحیث یک ریش سفید و کلان قوم که اعتیار بین المللی هم دارد ضروری میدانم گرچه بعضی احزاب و اشخاص و گروه ها برای بهره برداری سیاسی پروپا گندها میکنند اما ملت افغانستان در یک مرطه بسیار واقعیت را دیدند، امروز راه حل اتحاد است وباید بوجود بیاید، افظنستان در یک مرطه بسیار

حساس تا ریخی قرار دارد و زعیمی ضروری است که قدرت پیوند اقوام را داشته باشد ودر ضمین اگر افغانستان بیطرفی خود را حفظ کنند بکمك شرق و غرب نیازمند است • پس شعار خشك مرگ بر شرق وغرب هم اضافی بنظر میرسد • پس دول غربی و شرقی و هم پاکستان وایران و اعراب بگذارند که ملت افغانستان خود تعین سرنوشت کند • من فعلا را ه حل عاجل را قبول زعامت آرطرف محمدظا هر خان میدانم و تدوین یك قانون اساسی وانتخابات آزاد • و آنگاه مردم افغانستان هر≥ی را خواستند رای خواهند داد • دول خارجی واشخاص نباید که بوای کشور مایك زعیم یا سیستم سیاسی انتخاب کنند یا اشخاص خود را بزور بر مردم بحیث یك زعیم تحمیل کنند •

س ـ شما برای دوستداران هنر خود و خوانندگان مجله اثینه افغانستان چه پیامی دارید ؟

ج ـ ما در هر جائی که هستیم وظیفه ایمانی و گهانی داریم که بیندیشیم در آینده برای افغان ستان چه کرده میتوانیم بخصوص در قسمت تعلیم و تربیه لازم است همه بخصوص استا دان پوهنتون باید همیشه باهم به تماس باشند و با اندیشه ابرای اینده افغانستان تفاهمات برقرا رگردد و در اخر با تمجید از خدمات داکتر هاشمیان و مجله پر محتوی ائینه افغانستان عرض سلام ومحبت خود را بمردم کشورم و همه هموطنانم ابراز کرده از بارگاه حق تعالی برایشان آرزوی سرفرازی میکنم ، ختم مها حبه ،

نامه ۱۰ انجمن ملی مجسمه سازی امریکا ۱۰ در باب اعطای عضویت باستا د حیدرزا د که برای هنرمندان خارجی بسهولت میسسر نمیشود،



NATIONAL SCULPTURE SOCIETY

15 EAST 26m STREET

EDWARD FENING HOFFMAN III IST VICE PRESIDENT

PETER PAUL MULLER 2ND VICE PRESIDENT

> MARION ROLLER SECRETARY

> > LEONDA FINKE TONG SECRETARY COUNCIL GANCARLO BAG

LEGAL ADVISER ERC MALM ADVISORS TO THE COUNCIL DAVIS FAN

JOSEPH VEACH NOBLE

ADMSORY BOARD OF PAST PRESIDENTS

> RARY PRESIDENT ADLA'S HARDIN FRANK EUSCU

NEW YORK, N. Y. 10010

(212) 889-6960

May 12, 1989

Mr. Amanullah Haiderzad 38-25 Parsons Boulevard, Apt. 5-C Flushing, NY 11354

Dear Mr. Haiderzad;

It gives me great pleasure to inform you that at the General Meeting of May 9, you were elected a Member of National Sculpture Society.

We look forward to meeting you at your first attendance هنرى استاد حسيدرزاد.

At a meeting. You will be sent notices regularly. You will also receive a Membership certificate and under separate cover, the By-Laws, a Membership book, and a silver membership pin.

It is customary to ask new members if we may keep the photographs submitted so that they can be added to the Society's files. We also keep slide files and ask that you send them as soon as they are available. Slides in horizontal format are especially desired as they can be used in the Society's videotapes. All photos and slides should be marked with your name, title of work, material and size. Each member has a separate file in which is kept photos, news notices, and biographies. Please send new work as it becomes available.

Your photos are used for the <u>Sculpture Review</u> magazine and other news media, as well as for selection for commissions. Art historians and other researchers use the Society for reference material, so it is important to keep your biographical and photographic file up to date.

Congratulations on your election to Membership.

Sincerely,

years Thudans

ZENOS FRUDAKIS, Chairman Membership Committee.



تعویر بالا: نمونه های کارهای هنری استاد حبیدرزا

تصویر پایان – استاف حیدرزاد و و اقای عظیمی





الرابي لوماه ارلسرت المبر همكار بخش هنرى مطه

بتاریخ ۲۳ جمین ۱۹۹۰ کنسرتی توسط هنرمندان چیره دست و معروف رادیو تلویزیون افغان ستان ـ سلما رحیم جمهانی و حمیدر سلیم ـ در تالار بزرگ (لیسه هالیوود) واقع شمهر لاس انجلس احمرا شد که حمید هنرمند جوان در نواختن طبله همراهی میکرد ،

کنسرت که قرار بود از ساعت ۸ شب تا ۱۲ شب ادامه یابد بعلت ترافیك سر سام اور بخاطر فـستیوال بزرگی در نزدیکی محل کانسرت یکسا عت بتاخیر افتاد تا هموطنان عزیز بتوانند بکنسرت برسند ولی در پایان کنسرت یکسا عت جبران نگردید که تعدادی از مدعبوین در مورد شاکیهودند،

در ختم کنسرت با چند تین هموطنان در باره کنسرت طالب نظریات شان گردیدم تا اگرکمبودی هائی در کنسرت محسبوس شده با شد یادداشت و در اینده مرفوع گردد وباعث خشنودی هنرمند و شینونده شبود ه

سوالهای من از هموطنان گرامی که در کنسرت تشریف اورده بودند شکل متحدالمال داشت مثلا از کنسرت امشبراضی هستید ؟ در کنسرت امشب چه کمبود های هنری و تخنیکی وجود داشیت ؟ نیظر تان در باره بهتر شیدن کنسرت ها در اینده چیست ؟ و از هر کدام خواهش شد نام یا تخلص خود را معرفی بدارد .

دوشیزه مومند ـ کنسرت خوبی بود ولی برای سلما کمتر موقع میسر میشه اواز بخوانده و در بین رحیم جهانی و حیدر سلیم تقریبا مسابقه خواندن بود ،

اقای عیمر ـ کنسرتی بود دلچسپ ولی در مورد الات موسیقی افغانی کمتر اتفاق میافت.د تحولی بوجود بیاید و همان ارمونیه وطبله قرار دادی است ه

یك خانم مسین ـ کنسرت خوب بود و توانستیم یکتعداد دوستان خود را دیر بعد درین جا ببینیم ولی سلما کم آواز خسواند ،

اقای سمعیی ـ از کنسرت راضی هستیم ولی ما از راه دور امدیم برای امدن وبرگشت باید سمه ساعت وقت داشته باشیم ولی وقت کنسرت کم بود ۰

خانم ایوبی کنسرت خوبی بود ولی وسائل و الات موسیقی کم بود اگر چند اله مهسقی زیاد تر میبود خیلی بهتر بود ولی اهنگهائی که بطور کورس و دسته جمعی خوانده شد خیلی دلیسب و ابتکاری بود .

خانیم نعیمی ـ برای سلما موقع خواندن داده نمیشند و وقت کنسرت هم کم بود .

اقای کردیزی ـ اگر بالات موسیقی افزوده شود هم برای نوازندگان زمینه تشویق بوجود میالد و هم برایشان کمك اقتصادی میشود و از طرفی کنسرت شکل بهتر و دلیسپ تر بخود میگیرد.

دوشیره اکبر ـ بخاطر رقابت خواندن بین رحیم حلهانی و حیدر سلیم برای سلما موقع خواندن دانه نمیشد و سلما یك كاست باواز خواندن دانه نمیشد و سلما یك كاست باواز خود برای دوستداران خود ثبت كند خیلی خوب میشود ،

دوشیزه توفیق ـ وقت کنسرت کم بود ولی رویهمرفته کنسرت خوبی بود .

برای اطلاع بیشتر بارما تماس بگیرید

مسهدی فسدا کی و همکا ران

از تسرینا طفلك خورد سال پرسیدم از كنسرت خوشت امد ؟ گفت بلی ، پرسیدم چه زیاد خوشست اصد ؟ گفت از بین ۶۰ زنگ زده بیا ۶۰۰

PRINCE INC.

PRINCE, INC. 18981 Ventura Blvd. =: Suite 100

TARZANA , CA 91356

برای اطلاع در مورد در گونه وام ملکی با ماتماس بگیرید 1064-708 (818) خدمات مالی برنس ارز انترین و ام ملکی را در گوتا هترین مدت در اختیار شما قرار میدهد.

خدماتمالی پرنس

- و واممسكن
- د وام آبارتمان بیلدینگ
- **د** وامهروژههایساختمالی
 - وامشابینگسنتر
 - و وام آفیس بیلدینگ
 - و وامتعميراتساختماني

ويخرنن لمعرومعرفي المهار

ا فعانستان آزاد وربرتو رسلام ماده معد - ١١٤ منده

محر ترفريد يوس ١٣٦٨

آدرس مولف جهت دستیا ہی اشر ہ M. Farid Yonus

M.Farid Yonus 1060 Oak Grove#78, Concord CA 94518

هـموطن محترم آقای محمد فرید یسونس باقبول زحمات و تتنع فراوان اثر مغتنمی تحت عنوان فوق فراهم آورده یك نسخه آنرا برای نقد به آئینه افغانستان ارسال داشته است که از حین نظر واعتماد شان سپاسگذاریم ، مولف محترم در بند اخیر مقدمه اثر خود مینویسید ۴۰ بنده درطول زندگی از انتقاد آموخته ام وانتقاد سالم یك رکن اصلام استه ۴۰۰۰ ما این اخلاق اسلامی آقای یونس را تقدیر نموده بمنظور همکاری در تصحیح و تکمیل نسخه های بعدی این رساله مغتنم نظریات خویش را نیلا بعرض میرسانیم ۰

در پیشگفتار(صفحه اول) خوانده میشود که ۰۰۰۰۰۰ ویگانه راه رستگاری برای افغانستان همانا احلام است، روشزندگی که ۹۹ درصد مردم ازدل وجان به ان ایمان دارند اما هیچ وقت در طول تاریخ دسترس واقعی به آن نداشته اندهٔ

بنظر ما مردم افغانستان ازان زمان که دین مبین اسلام باین سرزمین قدم گذاشته همیشه باسلام دسترس واقعی داشته و دارند وهمیشه مسلمانان خوب بوده اند، همین افغانان مسلمان بودند که اسلام را به نیم قاره هند بت پرست معرفی ومستقر ساختند ـ چنگیزیان را باسلام آشنانمودند ـ در پناه اسلام وبقوت ملیت افغانی با ابر قدرت انگلیس جنگیدند و فاتح شدند و با همان ایمان محکم اسلامی و وطندوستی افغانی ابر خرس روس را مغلوب ساختند، باستثنی دوره و کمونستی (۱۹۷۸ تا امروز) هیچ حکومتی در افغانستان مانع دسترس یافتی صردم افغانستان باسلام و منابع اسلامی نگردیده است و حتی در دوره و منعوس کمونستی که یکنیم ملیون مسلمان خون پاك خود رانشار راه اسلام آزادی وطن نمودند این ایشار موجبات تقویت مبانی اسلام رافراهم اورد به نحوی که شیرازه کمونزم (الحاد) بین المللی بریخت و کمونستان افغان نادم وپشیمان شده اکنون دوباره باسلام رو آورده اند، بنابر آن این ادعا که مردم افغانستان و هیچ وقت در طول تاریخ دسترس واقعی به آن (اسلام) نداشته اند و با واقعیت های تاریخ دوره اطلامی افغانستان سازگار نیست مگر آنکه مشالهائی در زمینه ارائه شود،

ما با این نظر مولف معترم موافقیم که ۱۰ تدریس مذهب در کشور ما بطور بسیا ر ابتدائی وگاهی فعیف وغیر علمی در مکاتب جریان داشته ۱۰ وطرفدار اصلاح این نقیمه مهم تربیتی در سیستم نوین تعلیم وتربیه افغانستان میباشیم بلکه پیشنها داتی نیز در زمینه قبلا ارائه کرده ایم (نگاکنید مجله خراصان شماره)، ولی باید خاطر نشان ساخت که در افغانستان ۱۰ مکاتب ۱۰ یگانه مرجع اموزش مبانی مذهب نبوده بلکه با درنظرداشتن این واقعیت که حدود ۹۰ فیمد مردم افغانستان بیمواد بوده و دسترسی به ۱۰ مکاتب ۱۰ نداشته اند باید باین نتیجه برسیم که مساجد و محیط فامیل در حفظ وبقای مذهب رول مهم بازی کرده اند باید باین نتیجه برسیم که مساجد و محیط فامیل در ولایات مملکت و پرهندی شرعیات) مذهب بطور علمی واختما مینیز تدریس میشده اگرچه از نظرکمیت تعداد این نوع موسات با ضروریات مملکت قابل مقایسه نبوده است ۱۰

در زیر عنوان ۱۰ اساس کار۱۰ (صح) صیخوانیم که ۱۰ این رساله بزبان بسیار عام فیم نوشته شده است و از استفاده لفات علمی و یا تیوری ها و غیره علوم اجتماعی حتیه دینی که برای خواننده مانوس نیست جلوگیری بعمل امده است ۱۰۰۰ ولی در صفحه اول رساله زیر عنوان ۱۰ جامعه شناسی اسلامی ۱۰خوانده میشود که ۱۰ بسیار ضرورت است تا در اول این رساله در قسمت جامعه اسلامی بطور عمومی صحبت مختصری صورت گیرد ۱۰۰ انچه بوضاحت فیمیده نمیشود اینست که ایا بمنظور ۱۰ جامعه شناسی اسلامی ۱۰ استفاده کردن از ۱۰ تیوری های علوم اجتماعی حتی دینی ۱۰۶غیر مفید و بیلزوم است یا خیر ۲ وانگیی یازده صفحه ایکه زیر همان عنوان در باره اساست جامعه اسلامی و ۱۰ جامعه شناسی اسلامی ۱۰ (ص۳) صحبت بمیان امده در واقعیت سعیی است از طرف مولف معترم در تفسیر ایات قران و فلسفه اسلام از زاویه دید خودشان ، بطور مثال بنظر مولف کتاب ۱۰ در اسلام از نگاه اجتماعی سه قشر طبقاتی وجود دارد، اول مومنین دوم منافقین سوم کافرین و مشرکین ۱۰ در حالیکه باساس آیه مبارك ۱۰ انما المومنون اخوا ۱۰ اطلام نظام طبقاتی را مردود شعرده ولی در بین مسلم و مسئرك تشخیم نموده است ۱۰

مولف معترم در تعریف منافقین چنین آورده است ۶۰ منافقین انواع مختلف دارند ودرهرقدمت جامعه پیدا میشوند ومیباشند، منافقین دلهای ناپاك دارند و در دل به صلاح احلام قطعا نمی اندیشند وهمیشه کوشن میکنند که آبرا تیره کنند و ازآن ماهی بگیرند، ۱۰ (ص ه) فیم عامه احلام چنین احت که وقتی صخن از ۱۰ دل ۱۰ بر میان می آید فیم راز درون دل در اختیار بندگان او شالی چنین احت که وقتی صخن از ۱۰ دل ۱۰ با الغیب عبندالله ۱۰ از انجائیکه تعریف مذکور مبنای عندی نی بلکه تنها در ید قدرت اوست ۱۰ الغیب عبندالله ۱۰ از انجائیکه تعریف مذکور مبنای عندی دارد آنهائیکه ۱۰ منافقین ۱۰ خوانده شده اند بکارپیرند، احلام طوك قابل مشاهده (زبان وعمل)را معیار قفاوت قرارمیدهد ویاطاس همین معیار احت که میتوان مدعیات احلام گرائی کمونستهای کابل را تکذیب نمود — انبائیکه در منزل تره کی ملعون قران مطمین — این کتاب آسمانی ومقدس برای مردم افغانستان — انبائی و وزیریا کرده ولینن ملعون را ناجی بشر قبول کرده بودند ودربیست حال گذشته این طوك در زبان وعمل شان دیده شده اگر اکنون تعت فشار جبر حیاحت آیات قران را حفظ و تفصیر کنند هرائینه منافق پنداشته میشونده کتاب بیشتر شیاهت دارد،

در صفعه نهم میخوانیم که ۱۰ گرچه الحمدالله مردم شریف افغانستان همه مسلمانند اما احلامی که بتوفیق خداوند فردا وارد جامعه افغانستان خواهد شد از احلامی که در سابق بود فرق خواهد داشت ۱۰۰۰ ما باین عقیده هستیم که احلام کهنه ونو و قدیم وجدید ندارد، احلام همان است که توسط پیغمبر آخرین وبرگزیده ترین محمد مصطفی (صلی الله وصلم) در قران آمده احت واحلام افغانستان همیشه احلام اصلی یعنی مبتنی برتعلیمات قران مجید بوده وخواهد بود، احلام جدید حاخته کمپهای پشاور ودیگر دیار در افغانستان رونق نخواهد گرفت واگر احلام نو وارد که بقرار نوشته مولف محترم با احلام حابق ۱۰ فرق خواهد داشت ۱۰ در افغانستان راه داده شود در آنصورت راه ورود مذاهب جدید حتی ایدیالوجی های غیر احلامی در افغانستان با زخواهد شد که قانون احاسمی و احلام گرائی مردم مسلمان افغانستان هرگزیاین، سدعت در کشور احلامی افغانستان اجازه نخواهند داده

در بخش حكومت اسلامی (صفحات ۱۲س۲۲) مولف محترم طرفدا ر مهرقرا رشدن دولت اسلامی است مع که البته غیر آن در افغانستان بوده نمیتواند، اما مولف نظام پادشاهی را مع زاده معتقدات عواصلان نمیداند حتی مدعی است که عو درزمان معاصر جمهوری تقلید از غربه، اساسا به نفع اسلام واسلامیت نبوده است و استخابات و کاندید کردن را یك عمل غیر اسلامی بلکه و عام طلبی وقدرت خواهی و خوانده و احزاب سیاسی را مضر جامعه افغانی می پندارد و ولی شوری را یك امر اسلامی و لازمی می شمارد و بالای تاسیس و شوری اسلامی و لازمی می ایم امور دولت داری در افغانستان طوری بر رسی شده که تطبیق اصول اسلامی بالای افغانستان بشکل عندی آن مثلیکه افغانستان یك مملکت عبربی باشد تجویز گردیده است در حالیکه بعد از خلفای را شدین در معالک عربی نیز چنین مثالی سراغ نداریم، ولی خوشبختانه در صفحه ۲۲ بواقعیت های زندگی اجتماعی افغانستان علف توجه شده و سطور ذیل باین اشر وزن واقعینی می بخشد و

ا مردم افغانستان مسلمان هستیم وهم باید فرا موش نکنیم که مشخصات فکری و رسم ورواج وطرز فکری خود را داریم، قبول دارم که اسلامیت اول است وایکاش اینطور میبود، درا فخانستان یکی عرف و رواج است ویکی دیبن ، بعفی از رواج های ما مردم با دین حازش ندارندو آنرا آنا نمیتوانیم محو کنیم، درین وقت است که مقابله ناگهانی با رسم و رواج ها کاری است نا درسته چاره جوشی باید به تدریج صورت گیرد واعمال را حکومت تشویقو ترغیب نکند که در عرف ما نیست ونکردن آن کدام گناه هم نیسته درین مورد یك مثال خدمت شما تقدیم میدارم، یکی از مردان جهاد بایالات متحده امریکا امده بود ودریك مسجد افغانان خطابه ایراد میکرد ، همه مردم با حکوت تام به حخنان آن میمان گوش فوا داده بودند که یکبار از کنج مسجد صدا برآمد نعره تکبیر تکبیر ، شما باور کنید که حتی ده نفر هم تکبیر نگفت برای اینکه این عرف وحرکات اسلامی امروزی در عرف ما نیست ، در همان مسجد بیادم آمد که در کابل حکومت کمونستی به زور سر مردم هورا میگفت ، ما مردم تکبیر را قبل از نماز عید و یا بعد از نماز در اوقات نماز می گوشیم، من ادعا نمیکنم که کارآن جوانان نا درست است اما هنوز در عرف ما نیست ، ۶۶

بخش ۱۰ ازادی بیان و مطبوعاته (صفحات ۳۰ ۳۰) از ازادیهای اطاسی در جامعه اسلامی افغان ستان حسایت نموده در زمینه نظریات وسفارشات معقول ومفید دارد، بخشهای دیگر این اشر عبارتند از ۱۰ افغانستان اسلامی در روابط بین الصللی ۱۰ ۱۰ افغانستان وجهان اسلام ۱۰۰ ۱۰ حقوق زنان ۱۰۰ ۱۰ روش اقتصادی ۱۰۰ ۱۰۰ ۱۰۰ معهم مسلمان در رابطه باگروه های مختلف نژادی و مذهبی ۱۰۰ ۱۰ ۱۰ ازادی حرکت و مسافرت (ازنگاه اسلام) ۱۰۰ - ۱۰ حسقوق بشر ۱۰۰ ۱۰ تعلیم و تربیت ۱۰ و ۱۰ تکنالوژی و فرهنگ ۱۰ در هر بخش آیاتی از قران مجید با ترجمه و تفسیر آن بارتباط همان بخش ارائه گردیده است ۱۰

چنین بنظر میرحد که مولف معترم در تهیه این اشر تتبع فراوان کرده باشد اما در هیچ بخش این اثر (ونه در ختم آن که معمول است) ماخذ احلامی و غیر احلامی فهرست نشده واحتنتاج ها بارتباط اصول و احاسات احسلامی از طرز دید مولف صورت گرفته احت ، قیمت ومرجع فروش! شریا دداشت نشده در آدرس اقای یونس قرار تول احت شاید مجانی دستیاب شده بتواند زیرا در صفحه اول خوانده می شود ۱۰ هدیه به برا دران وخواهران که زنده مانده اند تا به توفیق خداوند وطن احلامی را آبادکنند ۱۰ خرمات برا در معدفریدیونس در تهیه این اثر قابل تقدیر بوده خواندن آن برای هرافخان مفید احست و درین کتاب نمایح و تومیه های سودمندی وجود داردکه اگر علما مقشری و ماییان بان توجه کنندوا عترام بگذارند

اعلاسر تاری ۱۲ می ۱۹۹۵ مه دراء ساق افغانسان

ا عدد مسر فوق که قبق کر دادنوی صدای آبرلط محت و ررسار معم عمله آمسه اف لنان منظم الركا عفالعدي ، در الكريا وك سابق افنا ندن بار اول به ورات و با جسس عطفیت ایما آل و ملی (طرح و لطبیق سرد ترامی) وا مب هماری هم طلق ت مردم افيا لَنَانَ مِرُونَ تَدْعِيفُ مِ مِنظُورِ تَحْلُمُ وَحَرِثَ عَلَى وَالْمِنْوَارِ صَلِيعٍ مِرْدِ لَ يَعْجِنْع عَلَوْظً مستحفی و القرمار خاص خرمت عمر افتاران مرتبها د موره است مای فرا افراد ماست ا فنا في ن مر اداد فود زمر كالي كور دا تنظيم و زعامت من عول در انتاب و ما توصر و دفت به نفاط فرق ارسی بن و رفق و دوسان مباعراف فی دردمی حديد اعدامية فوق را در لطبق ميروران معلوص كد حاص حديد ملي داكت باث تاكد ر



The price of liberty

Sayed Qassem

The tragedy of Afghanistan

Reshtia

Reshtia

این اثر در ۱۶۱ صفحه بانگلیسی روان نوشته شده سه فعل و ده بخش دارد، فعل اول آن تاریخ بیا ستان ومعاصر افغانستان راباختمار معرفی وپیرا مون موقعیت جغرافیائی واهمیت سوق الجیشی افغانستان معلومات مفید ازائه مینماید، مولف محترج درهمیزفیل پیرا مون حکومات سالهای اخیردوره الفغانستان معمد ظاهرشاه کودتای محمد داودخان وکودتای کمونستی ۱۹۷۸ و واقعات دوره اتحمیلی تره کی ومناقشات بین تره کی وحفیظالله امین روشنی انداخته قتل تره کی را بدست امین یك شب قبل ازاعلام ریاست جمهوری امین گزارش میدهد (ص ۶۸) درحالیکه عامه مردم از مرگ تره کی حدود دوهفته بعد از اعلام ریاست جمهوری امین خون آشام اطلاع حاصل نمودند، در قسمت اخیر این فسط (بخش چارم و پنجم) واقعات مربوط به تها جم نظامی شوروی بالای افغانستان ورویکار امدن رژیم دست نشانده ببرك کارمل اطلاعات جالب با تطیل ژورنالیستی درج شده است ه

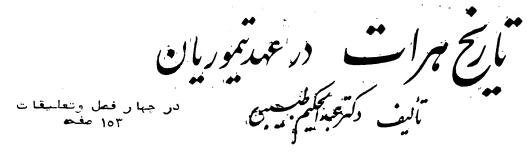
فیمل دوم کتاب در باب و مقاومت ملی افغانها و با یک جمله لارد لارنس وایسرای سابق انگلیس در هندوستان شروع میشود که در آغاز دومین جنگ انگلیس افغان (۱۸۲۰–۱۸۷۸)نوشته بود و افغان با فیقر حتی خطر زندگی میسازد اما تسلط وحکمرانی بیگانه را هرگزنمی پذیرد، و آقای رشتیا سپس چگونگی تهاجم عساکر شوروی با فغانستان و قیام و دفاع ملت افغانستان را به پیروی از عنعنات اسلامی و افغانی تشریح و اطلاعات دست اول و احصائیه های جالب از واقعات پنجسال اول تهاجم نظامی شوروی با لای افغانستان ارائه مینماید، مولف محترم مدعی استکه قوای مهاجم شوروی مشتمل برزایداز یکمدوسیهزارعسکر هشت هزار تانك و عراده جات زرهدار و یکپزار طیاره مختلف النوع نظامی بوده است بکمدوسیهزارعسکر هشت هزار تانك و عراده جات زرهدار و یکپزار طیاره مختلف النوع نظامی بوده است جرگ ها و لشکرهای مطبی گرفته تا تاسیس مقاومت منظم توسط تنظیمهای خارج مملکت (پاکستان وایران) تشریح مینماید،

در بخش هفتم کتاب اقای رشتیا مساعی بین المللی برای نجات افغانستان را از اولین قطعنا مه شورای امنیت ملل متحد در ماه جنوری ۱۹۸۰ تا موافقات ۱۹۸۸ ژنیو بررمی نموده موجبات زوال سیاست خارجی روسیه شوروی وبی حیثیت شدن آنرا در نظر ملل جهان سوم وجهان غرب گزارش میدهد و در بخش هشتم تخلفات حقوق بشر توسط قوای شوروی در افغانستان را از بمباردمان قریه جات بیدفاع گرفته تا سلب آزا دیهای قانونی وعنعنی مردم شکنجه ها اعدام ها استعمال گازهای زهردار وبمبهاینا یالم واسلحه کیمیاوی یادداشت نموده است ، بخش نهم و دهم اهداف سیاسی ونظامی اتحاد شوروی را درمنطقه وافغانستان بررسی و اطلاعات جالب گزارش میدهده

فیمل سوم کتاب مقا ولات و اسنا د مهم بین المللی از قبیل معاهده تحمیلی مورخ ۵ دسا مبر ۱۹۷۸ تره کی ببرژنف و قطعنا مه های ملل متحد با لای افغانستان را در بر دارد که برای ریسرچ وتتبع رویدا دهای بعدی کار آمد و مفید میباشند ۰

وابهای آزادی ـ تراژیدی افغانستان و با مهارت ژورنالستی و وقوف از ذهنیت خواننده و غربی با سلوبی نوشته شده که واقعات اسف انگیز تها جم شوروی در افغانستان را در مخیله خواننده و کم آگاه انگلیسی زبان ذهن نشین میسازد ، برای افغانهائیکه در امریکا برای اصریکا ئیان پیرا مون تها جم نظامی شوروی و رویدادهای مربوط بان وقتا فوقتا معلومات میدهند این کتاب بسیار مفید وکارآمد تمام میشود زیرا توسط یك افغان خبیر نوشته شده و ازطرز دید افغانها نمایندگی میکند، آئینه افغانستان مطالعه این کتاب دارای قطع و صحافت زیبا را باطرز تطیل آقای دکتور سید قام رشتیا که (از از January افغانستان مطالعه این کتاب دارای قطع و صحافت زیبا را باطرز تحیل آقای دکتور سید قام رشتیا که ایک را در شته دیلوماسی بین المللی را حاصل نموده و از نخبه نویسندگان و مورخین افغانستان میباشد حفارش مینماید،

مرجع دستیا ہی ڈ ادارہ آئینہ افغانستان چك شخصی پذیرفتہ میشود ہ قیمت کتاب بشمول م<mark>مارف پستی</mark> در ۱مسریکا ده (۱۰)دالر ۰



دوره ۱۲۰ سال سلطنت گورگانی اهال تایمور در تاریخ افغانستان بعنوان دوره تیموریان هرات و عصر احیای ادب و هنر شناخته شده بخول مورخ شهیر مرحوم غبار مردم افغانستان درین دوره ۶۰ زندگی جدیدی آغاز کردند و بسرعت هرات مروارید شهرهای آسیای وسطی و مرجع علما و هنرمندان گردید (م ۲۲۷) ۰۰۰ حتی بقول یکی از دانشمندان فرانسه ریشه فرهنگ ترکیه عثمانی را بایستی در مدنیت تیموریه یافت (م۲۷۲) ۰۰۰ فرهنگ افغانستان درین دوره گرجه ازنظرفلسفی را بایستی در مدنیت تیموریه یافت (م۲۷۲) ۰۰۰ فرهنگ افغانستان درین دوره گرجه ازنظرفلسفی جامد بود وبیایه دوره اقبل از هجوم مغل نمیرسید معهذا بعد از تخریبات مغل بجائی رسید که مرکز فرهنگی آسیای وسطی شمرده میشد و استادان کلما شعرا و هنروران از ماورالنهر ایران و هندوستان در شهر هرات جمع میشدند و مکتب هرات نمونهٔ مثال فرهنگی این کشور ها محسوب بود که مدارس عالیه پایتخت با استادان دانشمند و موقوفات گزاف یازده هزار نفر شاگرد را از هر دستی تدریبس مینمود ۰۰۰ (ص ۲۷۷) ۶۰

یا دداشت نکا تبالا از تاریخ غبار بارتباط اثر نفیس جناب دا کتر طبیبی (درجهارفیصل ۱۰۲ صفحه متن و ۵۱ صفحه ماخذ تعلیقات و تصاویر) بخاطر کزارش یافت که گزارش است تاریخ هرات الاحدرین دوره افغنا و اعتلا فرهنگ خراسان ولیو تنها منحسر به هنر باشد به ده ها کتاب قسطور خواهد انجامیده معهذا سعی دانشمند دکتور طبیبی قابل تعجید است که درین دهیه فرهنگ زدائی ناشی از استیلای کمونزم باین فکر بکر و عمل نیك پرداخته کنانچه مینویسد ف هدف اعلی از نوشتن این کتاب آنست که بصورتی جامع و مختصر خصوصیات و شگوفانی این دوره ارنسانس و ترقی آسیا معرفی شود ۵۰۰ خصوصا دوره اعروج تیموریان در زمانی بود که اولاد تیمور همه خراسانی افغانی هراتی و کابلی شده بودند و با فرهنگ و تمدن ما آمیخته بودنده مانند شاهرخ بایستقر ابوالقاسم بابر سلطان ابو سعید وسلطان میرزا و ظهیرالدین محمد بابر و اولاد او در هند که همه آنها دوره و عصر طلائی هنر ادب شعر کتصوف و دانش را ایجاد کردند و مشوق آن شدند ه ۱۰ (ص ۱)

این اثر جهار فصل دارد وفصل اول آن مروریست برگلستان ادب ودبستان فیضل ودانش این دوره به نحوی که مولف دانشمند از هر چیعن گلی چیده و در اوراق اثر ربخته است ، بطور مثال در ذکر روابط سیاسی و تبادلات فرهنگی هرات با خان بالغ زمامدار چین آمرده اس^{ت که} :

وه شنیدیم که مانی به صورتگری ز کری سوی چین شد به بیغصبری در بیدو بگرویبدند و ارژنبگ ا و

از سخر مانی به چین و مغولستان اخیراً از صحرای گوبی و ترکستان خیطا اوراقی که نمونیه ٔ کار مانی و شاگردان او مجالس تدریس موسیقی است ٔ پارچه هائی بدست آمده است ، ۴۰ (ص۹)

و در بودن بحتی در قحضدهار در حالهای قصیل پخسیار از سنائی و فردوسی جنین نقصل غول شخه است:

صانعی باید حکیم و قادر و قایم بخات اثا پدید آید زصنع وی بان قصندهار (سنائی)

نباشد چون آن بت بکابل نبگار نه در چین ستان و نه در قندها ر (فردوسی) (ص ۹)

در وصف هنر میناتور و نقاشی دوره غزنوی بحیث پیش آهنگ هنر دوره تیموریان خشتخانهٔ هرات را مثال آورده است که سلطان مسعود ۶۰ در زمان حکمرانی بر هرات در خفا و پنهان از پدر خود سلطان محمود خشتخانه را بنا کرده بود ۶۰ و خمولیات آنرا ابوالفضل بیهقی چنین شبت کرده است .

ا این خانه رااز سقف تا بپای زمین صورت کردند٬ صورتهای الفیه از انواع گردآمدن مردان با زنان٬ همه برهنه٬ چنانچه جمله آن کتاب را صورت و حکایت و سخن نقش کردند و بیرون این صورتها نگاشتند فراخور این صحورت ها٬ امیر بوقت قیلوله آنجا رفتی و خواب آنجا کردی و جوانان را شرط است که چنین و مانند این بکنند ۰۰۰(ص۱۰) دانشیمند طبیبی راجع پسبك نقاشی و استادان ماهر دوره تیموری از میرك نقاش و شاگرد او کمال الدین بلهزاد یاد آور شده ابنها را صانع ۴۰ تابلههای ژنبده انسانی وطبیعی ۴۰ ملیداند که ۴۰ برای مجسم ساختن اشعار و داستانها به تشویق امیر علی شیر وزیر هنرمند سلطان حسین و مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و عارف آن زمان صورت میگرفت ۴۰ (ص۱۰)

مولف محترم از توجه سلطان حسین به حسبورت و موسیقی تذکار داده صیگوید ۴۰ ۰۰۰ و مقام بهلوان محتمد و پهلوان ابو سعید در مقام ورزشکاران حیرف ای به نیزد سلطان حسین گیرامی و فیرخنده بود ، همچنین موسیقی دانان جون خواجه رضوان شاه و حسین نجوری نخواجه قبل محمد و شیخ نایبی مقامی والا داشتند، ۴۰ حتی از شعرجنگی پهلوان محمد با سلطان حسین و بخششهای او مثالهائی فراهم نموده که نمودار تشویق سلطان در انکشاف ادب است ، (ص ۱۲)

فیصل دوم اثر بعنوان ۶۰ تیموربان کیه بودند ۶۰۰ (ص ۱۹ ـ ۲۱) وقیف سیجره کم خانه جنگیها کم جنگها وفتوحات تیمور او اولاده ۱۰ و شیده جنابخا از هنرمندان کتاب نویسان و نقاشان و هنر و فرهنگ این دوره بیطور ضیمنی اشاره شیده است ،

فیصل سبوم ۱۰ شکیوه و عظیمت هرات در عیصر تیموریان ۱۰۰ (ص۲۱ – ۵۳) با این دو سیت زیر آغیاز میشیود :

گس کسی پسرسند زمو کسن شسهرها خوشتر کدام؟ گرجواب را ست خواهی دا د او را گو: هری ایسن جهان چونبحردان در وی خراسانچونصدف در میان آن صدف شهر هسری چون گوهسری

که نمودار آبادانی هرات در علید تیموری میباشد و مولف مثالهائی از مدنیت و بناهای این دوره بشمول دکانها کسرای ها محدارس ممبا غلها ، قلبور ومساجد بزرگ فراهم آورده کسبت قیلدر وصلف چارسلوی هرات در خاشیه صفحه ۶۸ درج است :

مانند چار سویلش در چارسوی عالم نله دیله دیله هرگز که گوش کس شنیده ۰

فصط دیمارم ۱۰ سبه ستاره درخشان عصر تبعیری ۱۰ (ص ۱۰۰ ۱۰۰) یعنی ا میردلی شیر خوایی / مولانا عبدالرحمن جامی و استاد کمال الدین بهزاد ٔ وقصف بر رسیی ا حوال وآثار و فصفل و تصوف و هنبر اینها و اشرات آن بر این دوره و دوره های مابعد گردیده / درین فصفل و هم در فصفل سوم د ه ها فصا ضل ۲ شا عبر ۲ صوفی و نقا شاین دوره با آثار واندیشته های شمان مصعرفی شده است ۰

مولف خوش ذوق در اخیر کتاب ۱۵ تابلوی نغیس نقاشان معروف هرات را از موزه های معروف جهان ابحیث نمونه ها کی هختر نقاشحی این دوره فراهم آورده که در ربیائی اثر افزوده است ۰

آ ئینه افغانستان مطالعه این اثیر نفیس و صفید را خصوصاً برای مهاحرین اروپا – امریکا که از وطین وفیرهنگ دور مانده اند سفارش مینماید، این کتابیاید در طاق خانه هر افغان باشید ، قیمت کتاب در اصریکا تعین نشیه به از جناب دکتور طبیبی تقاضا میکنیم در صورت امکان بیست جلد آنرا با قیمت مناسب توسط آئینه افغانستان بدسترس هموطنان امریکا بگذارند ، البته وجبوه حیاصله بعد وضع مصارف بایشان مسترد خواهد شید ،

سركسي وسوره

جهار همموطی خواستار کتاب ۱۶۰ افغانستان در مسیر تاریخ ۱۶۰ اثر مرحوم میر غلام محمد غیبار مورخ شمهیر کشور و بهترین تاریخ مستند افغانستان بلوده از دفتر ائینه افغانستان در تهیه و تدارک آن استعانت جمسته اند ۰

ا حتراماً باطلاع آنها و سائر علاقمندان تاریخ نحبار میرسانیم که بعد از مذاکره مقدماتی با مصطبعه مربوطه باین نتیجه رسیدیم که تاریخ مرحوم نحبار (۸۵۰ عفحه) بقیمت ۶۵ دالر بشمول ممارف پستی بداخل اصریکا تهیه و ارسال شده میتواند ، اصا شر ط مطبعه اینست که حد اقلل ۱۰ جلد فرمایش داده شود زیرا طبع کمتر از آن برای مطبعه اقتمادی تمام نمیشود ، بنا بران اگر مجموع فرمایشات هموطنان علاقمند به ۱۰ جلد بسرسد تاریخ مذکور را برایتان تجدید چاپ و ارسال خواهیم کرد، چک شما بابت ۶۵ دالر باید بنام داکتر هاشمیان باشد، برای معلومات مزید به تلفون ۱۳۱۶ (۷۱۶) تماس بگیرید ،

ر میربد الی)



نامه أجمن فغانهاي سأن مقيرهند جنامجيت م تحرظار ناه، إدنا مابق انغانستان!

اكزيت قاطم؛ ممت مُجابه نفانستان چه درد فهل وچه درخارج كنور بداین تیجه رسیده اند كرم رزیم رست نشانده روسیه وم مكومت مؤقت كسران تنظيم كا درنيا دربا برخفا تخصار قدرت ونكبدارى منافع سرنتار در أدوم وخول ريزى وويرانى وطي ني خوابند باطري موفقت نايند تا باعث خاتره جنگ وكتار در ملكت گردد ، از طرف مير قدرتها ي نظامي بعفي ط خوابهای ستعاری کبرمی برورانند تا از کینت پرده نمور فنانتان را توسط عال دست برورده برنفع مالک خود اداره وكنترول نايد فلهذاني لذارند ، انفانها برائ أمين وحدت ملى وببنظور ايجاد كم مكوت سل مى وافغانى عبورى وست بهار شوند ، این مداخلات اجبنی قدرت طبی وسطیره جونی برخی از رهبران جهاد مقیم پاکستان و ایران را تشویش منوده و انع تحقق کمی مراز دا حدجها د در کخت رمبری مگ زمامت می د چه گردیده خت .

با توجه به رويداد ٤ ي ا جنجار نوق معالح على ومنافع على نونانستان شخت بخطر مواجه كرديده وجنك وديرا كرى درولن

نوزا شعاره رياشد

انجبر انفان ۱۶ مرس تقیم عند با جس سرمسلوولیت و لهنخوا ۶ منه ابراز میدار د که موضوع زعامت آنیدهٔ نوفات ن بحیث انجبر انفان ۱۶ مرس تقیم عند با جس سرمسلوولیت و لهنخوا ۶ منه ابراز میدار د که موضوع زعامت آنیدهٔ نوفات ن بحیث کیے بخوب رحمدہ و تعین کزندہ در حفظ وصرت ملی و *تامیت ارخی افغانت*ان اجمیت سازنرہ دارد وہم در

ئىيات بىن ئىلى جايز ئېتىار جى تى كەت

در حال حاخر رویکار آمدن کید زعامت ملی و و حد کدار قوای تقاوم یا و منافع مت زنونشه آن نانیدگی سبّواند بچنے کیے خرورت جیآتی تبارز نموره کہت تا از رقاب^عی زات البینی تنظیم کا ی جیادی ومبارز کی قبر آلود آنها برا ک احراز قدرت جلوگری شده بتواند ، دموکراشی جهان آزاد بشمول دوکستان افغانستان ، رویکار آمدن این جنین زعامت رانتمطار دارندتا تقاومت می را برگمیت شناخته و برای فایتی خدن درمیدان مبارزهٔ کی کتبین اللی

حرکا انجہن ہردین با ورکہت کہ جابنا میتوانید - رول مثبت وعمدہ و مسئودلیت بزرگ را درین مرحلا



Finternational Afghan Elder's Association

- طاطرمه و رات ان ان این موز برعه و بگرم ، زرا درایت حفاوته دل نیروی ی سیایی و می در زا و نکهداری توازن تبات بین اسلی کشور را ، ملت مجابد از نما نوخ دارند ، خواسش و تواخای بین سست که نما بیشت زعم بی گای به بسینت مهاده و درجریان مشائل و رویداد عی کنونی - نفت در موزانه و سازنده تا نرا در ندویر بویه جرگه منتل برای ملت خوکش تحقق مخشید ٧- ورالرزمي در ١١ - مالحه أكافيل - 17 يوصا مر دركر أ ولي اراكورس دام فرداع كم ععددلها دى ۲۲ سے کھر امن ال المعداق لعدى

كائر براعلاميد اخبر المحفرت وميطاهر ساه

ا علامیه ا علحضرت پادشاه سابق ا فغانستان وقتی با طلاع هموطنان میرسد کی منت ا فغانستان اعم از مجاهدین و مهاجرین با تحول سریع واقعات سیاسی جهان انتظار شنیدن همچو یك مژده نیك و امیدوار کننده را داشتند ، در این ا علامیه وزین که واقعا شایستگی ستایش را دارد یا دشاه سابق ا فغانستان با احساس عالی روی دردها وجراحات ملت مجاهد ا فغانستان با مراحم وهمدردی مرعم گذاشته با درك سالم و دانشمندی تدابیر واقع ببنانه برای رفع مشكلات مردم ما هدایت فرموده اند ، وضع ا فغانستان در طول دوازده سال طی تجاوزات ، ویرانگریها خونربزیها مخالفتها بی ا تفانها سرقتها ترورها خودسریها وخودخواهیها بحدی رسیده است که اصلا فیرصت و محال تبیموه برای افغانها باقی نمانده است ه

ا زکجا آغاز شود وبکجا خاصه بیابد ؟ رژیم کمونزم در افغانستان چه کرد ؟ تنظیمهای پشاور در پاکستان چه کردند ؟ همسایگان ما با مداخلات صبریح و بد بینانه با استفاده های سوعَّچه ها نبود که نکردند ؟ روسهای روسیه ملك ما را ویرآن وبخاك وخون کشیدند ـ دستگاه آی اس آی پاکستان با گلودی های کوکی خود نیروهای مهاهدین رابباد تمسخر واستهزا گرفتند، درحالیکه ملت مجاهد افغانستان فا تحانه قوای متجاوز شوروی / از کشور با افتخار بیرون راندند دستگاه پاکستان باکمال بیرحمی بوسیله امیران فروخته شده کوشید تا حیثیت و وقا رمجا هدین افغان را پائین آورد که موقق هم شدند و افتخاراتجهاد مجاهدین سر سپرده ما راقسمایامالینمودند، مجاهدین شریف که محض لسلهٔ بخاطر ناموس دیس و وطین بها د کرده و قربانیها داده اند با چشمان مایوس ۱ بنهمه افتخارات ملی را مینگریستند که زیریا میشد و حیران بودند و سوال میکردند که فردا مایوس ۱ بنهمه افتخارات ملی را مینگریستند که فردا چیطور خواهد شد و دشمنانچه نیرنگهای دیگری خواهد ریخت و زیرا رژیم نجیب در اثر مداخله آی، اس،آی، وبی تعمیمی و بی هدفی تنظیمها روزبروز تقوبه منگردید وقوماندازانشریف وسرسپرده ما جسبراً با تعهدات تحمیلی با حفظ آزادی محلی اما موقت از جهاد دست میکشیدند زبرا برای اعاشه و اباطبه مجاهدین و عایله شان باید از طرفیکمك دربافت مینمودند وتنظیمهای پشاور در . حالیکه سالها بنام مجاهدین صدها ملیون دالر دریافت کرده ولی حقوقی مجاهدین را فروخته و به جیب های خود اندافت کمک قیود سیاسی و شخصی جیب های خود اندافت کمک قیود سیاسی و شخصی گذاشتند لهذا مجاهدین از داخل افغانستان وسیله ای پیدا کرده بعد از نا امیدی ازتنظیمها روز بروز بطرف کمکهای داخل آفغانستان میلان پیدا کردنده اعلیحضرت محمد ظاهرشاه که آزاغاز جهاد از نیروهای مقاومت افغان علیه تجاوزگران حمایت داشته ودرزمینه سهم فعال بازی میکردند بالاخره برای جلوگیری از تباهی افغانستان و خونریزی ملیونها مردم بیگناه ما و همچنان بمنظور جلوگیری از خطر تجزیه کشور عزیزما اعلام داشتند که مانند سابق مصمم اند تا با همکاری ملت غیور افغانستان هرچه زودتر برای استقرار صلح و امنیت کارادی و حفظ تمامیت ارضی اقدام نمآیند ، پادشآه سابق آفغآنستان علی آلرَغم مخالفتهای محشور همسایه وابرقدرتهآدر گذشته نیز چنین اقداماتنموده اند اما در اثر عدم امکانات پیوندهای ملی نمیتوانست به نتیجه مثبت برسسد، اینک با اعلامیه نوین آمید های استقلال وآزادی واستقرار صلح عمفا بوضاحت بمشاهده میرسد،

جهان و کشورهای منطقه و بالاخره ملت مجاهد افغانستان میدانستند ومیدانند که بدون شخصیت ملی و شناخته شده ای مانند اعلحضرت پادشاه سابق افغانستان رسیدن باین هدف ملی و نهائی غیر ممکن مبیاشد وزیرا عدم کفایت زعامت مخصوصا در گدا ز دوازده سال مبارزات ملی بهمه نشان داد کهنه تنها اهلیت زعامت و رهبری در امیر صاحبان پشا ور سراغ نمیشود بلکه مدعیات احساس وطن دوستی و عشق بهم میهنان در انها بقدرت طلبی و چوکی خواهی مبدل گردیده است خاصتا که انها در گرو نفوذ حلقه های خارجی در آمده و پول وشروت را بر حق ملت ترجیح داده اند و فکر می کنند که ملت افغانستان این واقعیت را نمیدانند (بنابراین درحالیکه این اعلامیه وامیدوار کننده را فرخنده میدانم تمنا می نمایم که ملت غیور و مسلمان افغانستان در هر کجا که هستند با ایمان و وجدان سلیم با اتحاد و هم نظری با شجاعت و دلاوری با تائیدات خدا وندی (ج) مطابق بدسا تیر دین مبین اسلام اعلامیه اعلامیه و عدفرت را با یك حرکت واحد و آواز واحد بمنظور نجات کشور تائید نموده و از گردهم آئی لویه جرگه بزرگ ملی بشمول پادشاه سابق افغانستان دمایت نمایند.

یقین دارم آنچه آرزومندی مردم ما میباشد با تحقق اهداف اعلامیه فوق برآورده میشود وملت افغانستان در پرتو حق عدالت اتحاد و هماهنگی گذشته پر افنتفار خود را تما حب مینماید و خود ما حب سرنوشت خود میگردد ، با تقدیم احترام ، ع حمید صدیق ،

آنچرشنده ام معتم مماع دماع وچیسرکی اوراک کرده ام ...

بعراحت بایگفت که آگریت قاطع مرده کشوره بارشارسانی لا (سخیت ریبر) بریکس دگر ترجیج میدنبد واپ نزانجیش اطامیه تغییر بغرنج و داقعیانه نجرشان کرمنم ب نکات جالب و قالانه ب میریج و داقعیانه نجرشان کرمنم ب نکات جالب و قالانه طرح و تعیین یک بروگرام جامع را برای تا بین صلح وثبات و تحکیم د صدت کمی دیکشور دازی دانسته از مراکز تریج که خوالان افاک آن ترزاد بشرقی د بالمرف بهتند ، بیشتر جذب کرده بهت .

البئه كت ني سب وجود دارند كر مطر برعوامل مخلف فعلى داخل ما مكر ار گذشته دارند ، خود را درجیع این اکثریت دارد نمب زند . سیامت کر ایناخ (ہانگونہ کر جناب دائز ایشعباخ ہٹ رہ کررہٹ) ریرزمنیٹ إر ونات ملى بارن مرابق مونى فليد ، ولى بشتر رزآن م دارند كر مبادا في يخ باربنه بحمرار ، خوان المليع كذشته باي ، دوباره مهوار ، ومغمات تابيب وكدر دعجر برنعول زاينت بضاعي ، آن كار محرده! وليل امنزا كه مردم جرا إدوكر به ن، مابق بناه برز ، مدام مرورخوريم كرد ، ولى دلال كسنك نمي فوايند وجرد ين مابي راميدة تحیث رببرنی کسند ، تغربا واضح دردشن ست . میگوند ، - درجند دید کر معیوت کوبرت برمسند مدرت بودند ، کربزی . م تیضاری رم نریکی د جامی مورث محرنت وافات عرز می ر مِن كُسُور فِي كُمْرُ بِكُنْ مُنْ فِيهُ نَمِرُ ورود بِفِ خِر قرار وبث . سكوبذا مامركه رزنوع كومت نبرد مكرفنذ وك نكح إنبليغ ونت بخوش مفاسكو ترومردم فدست واثث وبنجعبت وحروه والنود سيكرونه ومداكر والدحوك خوان مردم لحلوم اسجليدند بعنی درمانکو این زانو بای کلیراً نرم دودم ولی آزایخترمفیی برن حودً مرسندی جب نره بودند که نرد مردم سمبول وحدت و قابل تکرم بود ، اً انکهای ازه اند نسمت مُلوی میکرهٔ سنورخوات بورت میزاند امیدیژ. سکوید ،سسیستم دربس وطول دعه سال تغییر بکرد گذشته آنک مور ملی حوارخ روزبروز کران نرول خود را میسود ، ورنگ ف زمنی محسدین در لمرین سینم ای معول ومونق چا مرقی محمی برویته ن. مسکوند ، فراد۱ رز دورسیسی ولمنے کمرحجوشیسی لاج حل مغل مرسد ، زدا مداکر ؛ تردسنی دبهار دملقیم ا خدمشد .

تشجوند؛ مكبرمات دنشدات كرز لفر المهيت ، ما بين فوا ريت

تقسیم زفته بن ، ریلول ده ۶ سال مال مکوست و مرکز تبیعا نے دری

رو وتلزنان مکومتی م ساله ی لحولانی جیره خواران و دلیک محوران و

کومت بودند . بعنی دکه ای رستگاه و سیکه بهایت فراده و دکورها دامخشر ونشر کند ، زیرهمکمنان کومت قرار داشت و آنکی خود کوزه و خود کوزه گر دخورگی کوزه بودند ، خوب میدنه سنند که کهام دکه را درم خرمتی با پیاف ر داد ...

برمام طوسی برجورد دیمرورژیند باشد ، برمی از ماد، ت از دا سیج بدیم (دلی اگر مخرم باشمیام نشراز بلزدم بلند، میتراند به درآ را مذب کند) باد دارم که در بکی از برگراهه ی منری دارد ، درستان تمثلی نرشد کرموژه درایت دافت بشد جعد وقتی داست از درمال شیم مترم شدم کرمش طعم آن قطع شده ، بلورکی مفهره دسی درمان رف بت . دورشید نقدی مادید بوخت تغیر بافته بود . وقتی -بزر طابع (لطبیت معلی) جاشت آزوز در صدر برآن میرس کرد بزر من می مرد . و . گرشر پرد ، بود وصالیش خون در شد درمن می مرد . و . گرشر پرد ، بود وصالیش خون در شد درمان می مورد . و . گرشر پرد ، بود و معالیش خون در شد به بهن می مدد ، و ماش برد ، معد به درمین مورث تام درخط با مورث قطع دقیع فیده درستان شو برد ، معند ، مرضوع مرک فرکنی زمیت دارد و داسته برای درخد ، ما فتید ، مرضوع مرک فرکنی مرکزی درآن داستان باین دخاص کرمیگوید ، نبود ، ا

بادم نمست مرخونهی ،فوشاند دددیل شرکه مول گفت ، من ، بحال چندن ۱، درخال نعید و درکر دیگر شحل که بندد پرسی ترا نداشت دمنواست کسره یکی را مجای تومفرکند ، در تودنامی کردای

نیوا مافست کادا میدیستم وجیسی هم چین هجواست .

کیک مورملبرهات سرکاری م در کرسی بایین نشسته بود به این میکل میتوانست و در کرسی بایین نشسته بود به میرا و در کنس با در تحصیل و دکیت مرسودل خود نسویر خودش بدر به بود به بود به میرا میران از بر نسب در به بود به به برایان و در نسودل به بود به با با دفت و کشی در میلاد تا بخیر از موزی به باید در ترسید در این به برایان در آم باشد و در تجریب در میرود تا با در تجریب در میرود تا با در تخریب در تا در است و میران در تا به باید در تا به باید در تا باید و میران در تا به باید در تا به باید در تا باید و میران در تا به باید در تا باید و میران در

فران برامرن شوم ... دَهَی بشبرمِن موفهای مرا (شام محمی مدتر) و در رئ ند و دوز دیم بافران صدارت مرفوف و شره بودم . واكر نومن در قدم اول فران طرد فازمت مرا ترمب داره بود ، دلی صدارت عبارة سرخ تصويب خنب آكوه را نبذرفت و فرمان مرتوفی سن انزل البين والمحث الموسطر النف والمناوسة بدرزیکا و خانشینی ، برزات جمعار ندم ، واکر نون در ماکوخودا به مذای دوی مز معرب فت بود محلف، فیصد ردام شور کورمزای مرقباً بحیث مرملیوت فاراب بفرستم و و تمسی اخزوه ۱۰ تا بری دیگر ماموین حبرت بخمز باشد و بخفتم ۱۰ بعنی اُموبرُ مطرق المرتهجاه استدكهم نظربه دوال معوى از انجام كدام ولميد ا تتحسیلی سسراز زند ، انظر ، فرار که ، فرشوند - گفت ، بلی ! رز ما برفاست معنم ، قبول دارم . وقل درآ ما خفت سانسور را م این بیونه وسیع نخواهم داشت ... معالمه معد معد

. ۲۷ سال قبل برسکردم . آگاه که میرمی البنبون نط مودم د بنجر بمحدد دکر رشتم ، تصر مکردم تعربخرم داکز محروبت بحث مدرمخنس ، درواقع سعنی بتقال فدرت میمردم را دارد واین نصورک مرا بیمانی س خذ بود سب گردد که سسرتفال ممد را بیک مفرون بُرد بده جهر خود تحت صوار ، رز م یکی بروسنی ، خصاص بیم ۱۰۰ بدرز نوزيع مميد ، مخرم ردنبان بعبن وزارت لموت رحمنور مرت سنام مدارت را بمن ب ندكر ابنت فل ند درفان عت مدار

رشخصیت برا بزامخرم داکر برسف خرب دّف بودم . در سار قبل استاد فركس مود ، نباقه رزترس نمي لرزمرم ، ولي حضر بنره والم ولمينه كومك ديني ورآر مقام نامع كرحن سنونه وسفوش بناتي بن

بری خودم حرت مجر کود . وننی دارد آن صوالب شدم ، ایک تکی ، جهر استیسی وفاخ منس ده رفار رو ، ميه ممطرات رامياخ فيت ، مزوح في مراي فنن والمنتم الأجاب واكر والمن بالمادة محفت المن خوس بغيم مِنكُرْسَكِنَى وَجِمَا ﴿ ثَارَهُ مِدِيدُ مِحِدُ لِبَعِن يَغَ ﴿ لِمَا رَدَى مِرْمَنَكُرُوا) ابن مقاله را نوشندای ...

مِن مراسم وقعة بادم مبت ، دلى رجمع مرفا و ندبيج ثان ورن نتجد بسيدم كر جذب شء مبنوز تحت أشر عموات فبي مبنيد ومنوز رزمسدار داذه مشوره وجاب اخرسكند ، باران انتث بإخ مغمون وجنين شرايط المشد انكر والملوب بودا مرسكردم مرف جهن ما فائمه في بت . ولى دوم كرس بحيث امور مطبوق سركاري و جاى تسترازادا و فعامد دافكام الدمنية آزادستم وبتعال مدرت رزحلفه زوجحواس بمردم ومبوز مفهوم فارد وكر مبيي (نمِسُ داديوي وقت) مُوطِف فِيهُ مُا مَعْرِيعُ مِنْهُ أَا مَعْرِيعُ مِنْهُ إِنَّ را كه (مداكر دروش ره ومحر) ومعله ابنيتون زغ نهن رمي ايم ، رزنظر مجذرانه ودربردرق نشني وامضاه كمنه وزبرا وحبدهباله ورتجر يمكالان والأخرت مردار دارور جنن منحواستند ... ومفامن شاره موم منوز در ملبد بور کرمن و مرتوب و شدم .

امازه دسبر معتب تر بروم ، زه تبکه آزه واردجان مطبرهات شده بودم دمنوز انگزیده نبودم ک حتی در ه ریشهای مترسم . ، شردخ مجام نَا صودى سُيره مُحكارِش مرا مى بسند يرند و فالبّ وكلبيد مبدا دند أ رز فالتِبُّ يُرِسان مخلف مرارش ورابور نهيد كنم .

محسنين دابورمن وزج ، ب كارتعرات كارز المحرب بود . ابن رابور، زنب فاقد مزاری مزارشیهای سمول و مادم بدند. و مرا مبرد ین زنبا ماری در تولعید دتوصید عی ی ما دمبالی آمیز بود (برای یکم بنوز از کذم کو محرک بند مخرفه بوده) مجد دانمیه ۱ چره کدر د -ناملبغ آن در ما بوششره ایشکار شده بود .

مخرم رسب انك تعمرانى الآنك شخر دانا ورتسم سكرده اى امري يو ر المالعُ دابورة ر بقدى عصباني شد كمعموا كويات بهم خرده به جرخ فالبعمبينية كمشده منطق بت وتميكا لان شان درمدد فما در ، (بي مرد معفول و گذيب دلل) نويسنده رامنهم به رثوت سناني ا نابند وجزات راهی برای تبریه خوبیش نیافتند . جرنر یکن از افوام مین اِنک رزدیستان مدرم وفت بود ، استفاده رز آرز مدرت ارت مستقل مطبرهات! بایک معوم عادی وادارس فشد ، حبه فرون مدر آکشه مصبنها دابررز را بدرن تحنیق (منی درمز نعن) در مرا رسجیت رشو بحر، ایک و بستفاد ، جرمعرفی دست بهرکند . دوز میگر راست متنق مكبرمات دراكر نشربه وكر لاممال سجينه معرمكم منجوره من در دابو دورجمد راجع بضبن وفيانت ورشوت غورى دابورتر ملالب نبثث رداد ك بنات فردك نده من بك يك ما برتر ل تجرب فوفاخ بود ... رفعاً مبكفسد ، أول باله وأرد!!

بده لمی وبیندی بهام رابست بستقل . نرشنم ؛ لله بیات . بصوبني رانعبين فرايد احرون واتمنبى كذ ممر دروي رزحنينت درین انهام مرجود باشد و مدا سرزوسکنم بنده را درحری راست مطبوق ا عدام مُنند تا بند بزرگ اشد به دیجران ... (موم اشمیان ، خداد زراد است كرمين مفينت الميوليم!)

. چرنر متوه شدندک من (دابورترخون گرم) خیبی جدی سنم · میدارد و رفت ریمی رزمین ، باتوخره میانی را نحت راست سوره با یش د نىيىن كردند ، موضع ك (البنه بدرزنشېرىد، بحث بحث كرايشكر-رُوتِوَار) تَحْدَقُ كَنْدِ ... وبعدرزسُسْ أ ، بس رز موسكا في ٤ وخرُ بال ننو بخنین مایت درددارا نهب منشرت ، دم مغرن که زمای راست انك تعمراني حقيقت نداست بت الله ما واه :

، ـ نيره نخيفات بيات ، بدرشنگي نزند ، آنا ، رميع رز مانظرة برون شده بود

ر به بکنیمران (زمب انبایک حضفت درشت) کومکزن اظاريم دارونشد

- - دیکی در داوکهای دورجمه (جد فای نیم و گذشت) حرف دیم مورد کندند . درمایک تخارمرفت نبع و نود کر بری در موست بای رایرو تبت المبندند ...

و درآفرن ملور فنو بخفيات منا والورز نوميسو بودك (شة) بدادين درسمت نهيا دابرد محمد بعبوه إشد - مبى مزم ب كرشن دراس تؤست مكن فرسنند وإياى شاع جغر فوست

ا و الله المخر من المنظم المراكز المنظم المنطق المنظم المن سطرح مسيت ، كبش ابن تشكيلات بُر حرم في لول وزارت لموه ت وكلتورجيد ودومبخور ؟ كرا براى تبيغات فود اجراب وسنبيح فعالبتهاى وزارتی: ٤ درس ندم باب دار آلهای مکومت مردم ، تها ب -ذِمْرِ كُومِيَاك ونتِثْ رجندرب له النشريا موقوت مونی نعبت ^{و ال} ا ابن بودم برک برای دوام کار توسسه که من محم کو مکی درا ، توبر صحیح وجولی مردم (من بسیار کوره جن تابر ذراشند بت ، محل ينكر فرب واخال كشوراى فيب ، برسال بعرف مرث ؟ وب بنی در نوشد ؛ و ترجه ؛ ی بادنگ دی بوی و بی فاست (چذیر: بار درجندم نیاره) و ترحهٔ مفاین کی اددیجار از دری بهشتره مکسمه وگرفتن حق الرحو کای دبل (د ترمیل) میشان مدارگانه بی دارد که درخرمت سامدىوض فوارد يسسد

ا بك ترم : جندان عمين مم الحصار درك ب عال بنيان ، جنبه دیره ، بها درهند ای کومی ، آخت کردیا دای فرفت ۱۰ حادثهای اجوانمردارز و مجانبها .. بسهولت مبسرمیشد . در بخی موارد مىيارد*انس ائنى مىيك* براى ولى يغر سنگين د*يگه حرفت ميت ده* در ردی روم نفتراها و رکله بیاره واستکمهاب مراسات فال تحرم تام مدرسيده بت اسخده منه.

سيعة دربردزاري . انظرجين احرا المجسم سخرد ولمبي طركه. وسنكا وايك ناسس مينزي ومردم داست الممكام السنود آدرد إدا دین تکی میت که شخصیای مامل درانسسد در برونسسد فرادان راشتیم کوفر ا کورٹ م ، مددی م آنگا ، بود ، ولی بحث ا سرابول فعاینبه ورزخورگذربهای آفنده رز نب از نیک ارزیس و امران خرخواه و ا وحلام ، وطرز برت رکاروان که وجور شان ایا افتحار بود ، فیت ا زیا بزه دینج مرت بت لی اث در میکنم کر برخی در برطفان سخرامی ا چه بحربشر وانفاد رز ددره بای گذشت به آنه انکا، میکنند د بنوه نیز نا صدوی با این عده مهمنوالی دارم ، ولی درفعه دت شاخ شریک یم زيا اولر ابد وامير سوال إسخ وارك محنها كسيت ! ولا بده . مِرم مِدا ، سنحب برزه على ابن جرح مرك بفوعي ، ويسرعت إ نُمُذى وبِا علىات آر: نَعْتُ إِنْ رَمْسُولِيتِ مُشْتَرِكُ رَبِيْتُمْ ، ابْرَكُ ردرم ادل نور القعرب نيم . سحنان دون ابسام نيم قرن المركش را بوشس كي دونفر آنگندخ ، نزد دره ب مبنش ي نف في تمقي منود دین ایک انبه را ۱ برمحدول عوام مخلف سیسی وافغیدی نیبت که دست بیم داده ، دورگار ۱ داست کرده بود.

باد دارم که دیس بهای اخر ساطنت العیمرت طایرت و باسای کے دموکراسی دافعی بنحوی تمرین شد و آزادی بان بیمهای بسید ك شارد تكرآن حنى وجهان مترقى معام كمتر دمره ميشد ، ولى جنين مِيره ٤ وابداق مداكر ، خواص وعادات بِجَاعِي ، تطابق مانت أرانت أكرُ ابخادات نغشس براب منجردر و داشهای افرادمجرب نحسیکرده و كارداخ ، إلى إثر سوند و البعدة نايج معكوسس مداد .



(नियाने विकासी के

و از اوی افعالی از اوی افعالی از او می افعالی از او می ا

مفحه	نويــــنده	عـــــوان
۲ ٥ ٩	اداره راداره اداره	تا کی چشم ما نگران فیمله ادیگران باشد ؟ تلاشهای پشاور برای مشروعیت دا دن حکومت غیرقانونی انسکیشاف بنزرگ روزنه ا مسید
11	فخريه الضفى	پیرامون اعلامیه پادشاه سابق افغانستان
17 17	ا فغانها ی وبرجینیا امضا ^و کنندگان	بینام خیداوند داد گیر (بارتباط اعلامیه شاه سابق) نیخش افغانهای سانندیاگیو ازر ازار از
18	امضا محکنندگان امضا ۰ کنندگان	قسطعنامه یکعده افغانهای مقیسم دهلی رر رر قسطعنامه انجمن افغانهای مسسن مقیم دهلی رر رر
۱۲	انجنير حميد صحيق	تائيد اعلاميه اخير اعلحضرت محمد ظاهر شا ه
1.4	سراج وهاج	آ نیچه شخیده ام و چیزیکه ادارك کرده ام
7] 77	عبیدالرحیم چنزائی نیک محمد امیری	مـکتوب سـر کــشاده (بارتباط اعلامیه بادشاه سابق) بـیـراصـون اعـلامـیه پـادشـاه سـابـق
77 75 70 77 77	استاد سعندر غبوریانی محمد سعید فیفی احسد فسواد ارسیلا حاجی عزیزاحمد طهماس دکتورشاهی با یمستمندی و	
77	ن دارلانشای حییه	قصطعنامه اعتماى موسحس جبهه استقلال ملى افغانستا
7.8	محمد عالم حليمي	پیرامون اعلامیه بادشاه سابق
۲۹	ا حمدشا ه کریم علومی	بسابسای مسلست
٣1 ٣7	استا دعبدالرحمن پژواك دكتور عبدالولى نكسى	ا نـــخـابـاتاً زا د طــرح لـي <u>گ جــهانـی</u>
٣ο ٣Υ ٤ ξ	استاد محمدعشمان صدقی پوهانددکتورمحمدحسن کاکر اداره	د ر فصحکر آ یخته ه نصامت جوابیته (نجیبالله) تصوضیح کارتون ۶۰ دول چی مصیگه بسته چی ۶۶۰۰۰
٤٥	دكتو ر اما ن الله رسول	نویسشدگان و احسساس مسئولیت
٤٨	اداره	عــيد مـبارك
89 0 T	دیستور وحسمت ظسفس وتتورمندعه لخیرنمجیمی	مسشكلات دوره و انتقال
016	المده	بروبهلی جیسج آوری وامخای مین ؟ دراهاستمان کشیف سکرسند

عاد مردم ، مبدر دادم کم ونیم طور قرابی و تحل ادف ، از انتخا وقبول منکات شدمه آوار کی وقتر وجاری ، وقتی می میشد که ازم وفتان کد جسسری مواه مستذ ، می مید که خرج شدم روس فوتوار اروام که مجمت مجابدت و سروای حواه م بخان صورت مرفت ، نبز رد بی وکن ت نزا رمان نوانت وسایل ساسی و جمامی کشور و طول این آ مل ت و من طبحه بشور میز رقابت شدمه وحتی رو وفورد و مدار دارد ، آگا . بوگر چروا آن ی سابل ، چروا مرد نک ازب که فافدرومیهٔ رقاب وخورخورهی ۶ ست ، فیافهٔ مرد که رارهٔ الت را فوق مدررد و میداد و تیاف شخصتیه مرکم شبهای مسندشهی دارد و مرف کادهٔ فرمنزاری حادفات برای مردم دردسیده کورست. دیفره نحيميند .

نره با مکره کرسه زمین خیک دخابی افغات به بیان مبت کرمره ولی مردم دفانستان دیگر جانهای کربودند انبیستند . دومال جنگ خونرزی ، ده مال دربری دمفیفه یی قبصادی ، ده مال دفت دملاند ونفكر وحيان مبني ، بردايت مردم وهبا رهِ فرزده نهت ، ابان رنجر بترمتواند خوب ومفود التخص كنه و دونت درشن لا رزم بعكك تانع مرده فراد منکشند ، ا دمجر دیکاتوری ! بهرتکلی تباد کند ، نی پذرم منجوبذاء الغوذ واراده ميج كفورئ درامو محكت نحوش قبول لايم میکوند ، دین و کو کندر و مدت جانبازی مبارین و ماکویها مهارین درشرف آزاد شدم بهت ، میابد میک مل می بشوه دفیق سُطِيق ۽ روضع وڄوال خام خياعي وروحيهُ سوامي ا - اِنوم عمين: سنن و عادات مروم ، - عالما مذ بی ریزی شود و مرای تطبیق آن در شرابه فعلی «میجزش، مابق شخص دیجری بقرنی رسد. البته دیران مختر منطبهای منعنگانه ، با آنکه درانر مدم انکاد دنوافق و مرا با ت ربكر، نتوانسة اند ، فود كان نؤس القائسة يرا جب كنند ، نزده مبث أب كربهتند . كان موبهن منب تكر د دخول دوسال ربری و بهارت مِمون مبک بنیج کردند . منکنه نوزیج مِمیم بخوا وطول وعي كذشت بودش واستشد وكم مي م شحف ويمكي سعيم شؤه والنيم مين ؛ زمية تدنر . نشور مودن مرخ محشر، ! ترك ينه... بنا وجروش خنبت وارزش بت والبه در إزمان كشور (المتجرة ومالا كرواره) مهم فعال خورند كرفت ميمجداريسوان تليمها بارشام وبنده، بالمر ما دمت دبائي رسام ، واب موست مخدام وبالراداد خل اندر شاخ برای آزادی کشور ، برایش ما سفرستیم .

ر میتربد ارای ک

ر مین مال سیمی در آرزی کیسنحول شبت بودند . جرم سرخ محمّ بود مجيدام ، نميدُ نبم نحون مكر درمام آلادمت ، مكوز ايد مررت كرد ولأمكس إبر نهك داشت تغييرى درجرخ عيات جنوعي ا وارد ساز . آ و درافع این فوره میستم که ایمنت مولد یک تول إنغير دمنده ويعجبو كنذه سيستهاى فرسوده والملوب إرنه بشم إ ہنتباہ (اِ مارٹ اخرش) ا مردم بنیٹر درمین مکنہ نہفتہ ہے کہ ا (برفعان دنای مترنی) را شخر اول معکت و با مداکر رز صدیکم واصف کا انتكار وتعامه دادم ، درماتيكه خورا يقوانين لا جمّام دلكبيق كمنيم وخورا إم وربرسامه وبرمنام ودربروكمينه ي كرسنيم ، مشكرو مؤلد ومبنع بشم و مِنوانم بهائ تخرب مرکز ، مد دیمکار وسنوف م بنم .

ريرم ، من مك سرك مروم سردار داود كورة كرد فرسب برجره ا بده آه و تغرباً اکریت وان تغیر رسده بود که تغیر ام ، نامی . ب مجهوری معلل مرا منگلات خوام بود وشخص اول نقیم جهوری ، سعادت را ایجا وخوارمکرد .. واهٔ طورکه میدانم این نظم نیز نها صوره و را حل نوانت ، بكه صدا مر ، برمشكات كذشته افزود ، مجد كم من از كب مرد کم مواد (دن ایجسس) شنیم کرمیکفت : بخدا مه امروز بعدار ناز مع جذار سجدهٔ رف فی کرده ، النی نوره که : خلام چیکنبش دگر ... ردمناع وتحول م کرده بود و کمونساخ بهستفاده رزآن تحول مننی ۱ بندی درستکا ۱۰ی دونی فرز کردند که ماشق و کلم با دمی چشین فاتع نَا بِارْكُرُ جِدِيْسَ لَمُوافَكَ . حَدَاكُرُ زَرْزَمَ سَكِرَدُ : بِازْمِمُوارَهُ ، بِمُولَّهُ فِيَّ مزار وربتر يو ١٠٠٠

ما فبت مدای توب وفرش لمه رات درنسای کابل ، سامور مده زبای رز مردم ۱ ا نوازش کرد که رز امیت آن واز زمیدمازید برای برادی

ولطر ومردم کای نبودند و مرتب متحال، مینوبستند ، در برنیع آن کر وشد ... وطور کی بعدات ما مربوریم ، بردر کان وا مان نظر محبوری مردار داده آخ کلخوا منعسدو. را با نامیشس بلونجیع نابود کردند وخود بر کرسی جرت استبلای و دموکرانیک و معن و ایوایی روسید و کمیه زوند . مردم جهاره کام در آرزی و تحول برک و بودند و فهمیده و تعمید روی جاده و -رخند ديگام مدم! بسنعبال كردر .. اين مردم مكسوم فغا ديجري سنوبسند که ایم بسوی ملاح و رماه مجت بر ۱۰ وعده ای جرب وگرم وسنبرب ، ان ، فاز رئیس ، و بعوب برکشت اذیر زهنگ : علیفا برابقان نحول ایک بیردمرز کومزم واربیع اب ان کنده یک نحت تسكيط دمنز نكام زنمه بودنه و ملائها ت ممدودی دبشتند و فرنغیه خصت. بالأخره مبر ديدند كراتان ديجيهُ معاه استخرخ هيونها أثب ز شريف ولهنر، فرمزند و راس بسوی مرحق دسیهٔ دوزی کشود!

تمديد اشتراك

باتقدیم شماره شخصم از علمر ائينه افغانستان اينك شش ماه سبوی شده استه ،

برای هموطنانیگه سه ماه یا ششماهم اشتراك نموده بودند فخرضت تحديد اشتراك رسخيدهاست ه ائسينه افغانستان براى دوام خود بسمسا عدت شما هموطنان نياز دارد اگر اشتراك تان ششماهه باشد مشكلات دفيردا ريكمتر خوا هد بود،

ب مدارهن اورم ظ

آیا درشت که ما تام جناس ودلای حدرا دردارون تفدای برختی مها مین باشت ما تغزیا بهاصرن دردا مدو خوا تحزیه نفانستان ریریا گذارع ریرای رسیدن به مدرت سارده میم ؟!! به ل دار حود ضده میم دیا گری ؟

میگرد اند گیاد نده اند دویکوکشت دات نوانج مترت اند دورربون گوی مترت از مخفادان کرکشهایت شیر عامان میمکی مرکد، توزیع بول میساع میاد حران ارکلچ دره اند) نه دفکرخون ۱۵۰ و تجزیه نیا کسکان ند دندنیکو رنع برخی مردم با ۱ آب، دری حصول مرابهای خود خود مرکز در مورن اند .

اگری فرخانه و بردن ت موزنهٔ مدّرت علی مراه چذ نوره ی میترک می رشد که مهات علی ، عمق ، درتعی و مردری رست عمق ما الد مورد که مرسوت رغامت کون المدری از رخوا تکه آن ال آن را رد توره الذ رخوا تکه آن ال آن را رد توره الذ و خوا تکه آن و مردری به مرت که در الله و تورد الذ .

۲- در مورد طرح هجیت : ربری هعت بروت از می مهجرین درون کی رخی زده از اماد علی رمری هیت غراز نند برای موری می مری هیت غراز نند برای موری در می مارای کوه و در تر وهواد سرخی را دواد اری کود. از ، ما زوفت لا برتر ، فانه ، دفتر ، ایر کنور شود کا برای فرد و در الر دار برای خود و مربولین ، درستان در دمیز خواش خواش داده (نز چرد گری میم جرین علما کوده (نز برای می جذبر از عدرت و فی رسری هجیت را نزار مرح .

مرامون (علاميريا وشراه سمايق

بيانيه اعلىحضرت محمد ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان را كه بدون تاريخ در صفحه ٨ شماره ينجم مجله وزين ائينه افغانستان نشر شده مطالعه وازآمتنان چنين اشتنّباط شعدكه ا علىقفرت موضوف با دَرَنظُردا شت ا علاميه هاى قبلنّى ا ش ا دعاى مقّا مى ندا شته ارزومند خدمت بوطن ا ز ظریق خِلقه اَتْهال بین تُنظیمهای جهادی و سائر نیروهای موثر وَشناخته شده در ایجاد تفاهم و همبستگی انهاست تا زَمینه های مساعدی قراهم گردد که در ورای ان ملت مبارز وقهرمان افغان ستان که در جنگ یا آبر قدرت روس بزرگترین صدمه دیده خود سرنوشت خویشرا در فیفای برا دری وبرا بری بدون هرگونه تبعیض زورگوئی۔ جنگ وبرا درکشی ها۔ تعین نماید۔ ،

اراده نیك موصوف در خور تقدیر وحمایت است اما برای تحقق این حرکت خیر اندیشانه محض صدور اعلامیه ها کافی نیست ، بلکه ایجاب ارائه طرزالعملی را مینماید تامرد م ستمدیده ٔ مابتوانندباطمینان خاطر در باره پالیسی های معین ابراز نظر ورای گیری روی سیتسم معین پیشنهٔ د شده شان مورت گیرد .

غرض برا ورده شدن این خواسته بایست عملا دست بکار شد، هرگاه ما افغانها خود دورهم جمع نشویم وپرابلمهای ملی خود را خود با صفای نیت حل نکنیم مشکل است که کشور های غیر بمفاد وطن و وطنداران ما كاركند ، چنانچه بوضاحت مشاهده ميكنيم همان ملحوظات سياسي ابرقدرت ها و کشورهای مجاور است که افغان را در پی کشتن وبستن افغان دیگر میکشاند ورنه موضوع تکیه زدن بر آریکه قدرت بحیث زما مدار سیاسی آنقدر اهمیت ندارد که با زهم افغانستان وطن همه ما وشما چندین سال دیگر در پی اتش خانمانسوز روسها باز هم در جند های داخلی دیگری کشانیده شود و بناحق خون فرزندانش در جدل مسلحانه بمنظور کست قدرت ویا تحمیل آن ریختانده شود . هرگاه مشکل ومانعی در راه اقدام عملی اعلیحضرت موصوف موجود باشد لازم است تا ازطریق نشرات با هموطنان ما در میان گذاشته شود ، با احترام ، نیك محمد امیری ، المیدا کلفورنیا ۱۲۰جون

محترم استاد سمندر غوريانى

برا در فاضل و دانشمند اقای داکتر سید خلیل هاشمیان

بنا برتقاضای که شما در شمارهٔ پنجم ۱۶۰ آئینهٔ افغانستان۱۱۰ ز کافه هموطنان خود بیرا مون نظر خواهی راجع باعلامیه پادشاه سابق افغانستان کرده اید باختصار مینگارم که ،

در اعلامیه میخوانیم که ۶۰ و و و مجال مراجعه به ارای مردم افغانستان که شرط اساسی کسب زعامت سیاسی است تا هنوز مساعد نگردیده است ۶۶ و باز میخوانیم که

ءء درین مرطه حساس تاریخی ۰۰۰ زندگانی سیاسی آینده کشور شانرا باراده ، خود تنظیم کنند و زعامت ملي شاخرا خود اختخاب خمايند ۴۶۰۰۰

تسوید گران محترم این اعلامیه پاك از یاد برده اند که زعامت ملی مانند زعامت سیاسی از طریق مراجعه بارای مردم بدست می اید و باز اگر مراجعه بارا ۶ مردم که شرط اساسی بسا زعامت سیاسی است تا هنوز مساعد نگردیده است چگونه واز کجا برای کسب زعامت ملی اما ده ساخته شده است ؟ و در اخیر این نوع تفکیك میان زعامت سیاسی و زعامت ملی مطحت اندیشانه است و انگیزه سیاسی دارد چونکه در اعلامیه بزعامت سیاسی که مردم دلخوشی از آن ندارند کم بها داده شده که گفته آمده :

۶۶۰۰۰ و خود خواهان زعامت سیاسی نبوده اند وظیفه دارند ۴۶۰۰۰

حالانکه میتوانیم در مقایسه با زعیم ملی و زعیم سیاسی از تسویدگران محترم بپرسیم که ایا امام خمینی دارای قدرت بیشتر بود ویا ابوالحسن بنی صدر ویا که گاندهی قدرت بیشتر داشت و با اندبرا گاندی ؟ و در حقیقت واقع قدرت سیاسی جزئی از قدرت ملی عو تولواك عو است و عاقلان دانند که کیل په جَرْء فزوشی دّارد ّه بامید پایان یافتن بحران افغانستان ه برادر شما ، سمخدر نحوریانی ،

د هیریکارای ک

محمد سعيد فيضي

د انشمند گرامی د کتورها شمیان !

قبل ا زوصول مجله وزین آئینه افغانستان ، تحلیل مفصلی برموضو بنگاشته وبه نشریه دیگری فرستا ده بود ، وچون شما نيزطالب اظها رنظرشد ه ايد براى اينكه سواتفا همى ايجاد نشود قسمت هايى از آنرا بصورت فشرد ه بشما نيزتقد يميكنم وچون این تحلیل فاقد هرگونه عقده واغراض شخصی بوده وباحفظ کامل احترام شخصیت پادشاه سابی نگارش یافته وانعكاس فكرواند يشه م شخص نگارنده است لهذا امضاى اشخاص درآن گرفته نشده درنشريا عدم آن شما مختاريد ٠ د راین اعلامیه ابتکارتازه و سمازنده بچشم نمیخورد وبایك ابلاغه دولتی بیشترشباهت دارد که بااعلامیههای قبلى مغايرت داشته وچرخشى درموقف فعلى رانشان ميدهد • مطلب اصلى اين اعلاميه راكه رفع بحران و خسروج ا زبن بست موجود ه وجلوگیری ا زخطرات ناشی از آنراا حتوا میکند خوا هان گرفتن ابتکاری توسط خود افغانها سبت و عمده ترین قسمت این ابتکارهم چنین ارائه شده است "عاصرتنظیم شده درجهاد" که مفهوم آن بسیاروا ضــح است نباید اد عای زعامت سیاسی نمایند • چرا ؟ جواب این چرا د را علامیه چنین ارائه شد ه است" چه مجال مراجعه به آرای کافه مردم افغانستان که شرط اساسی کسب زعامت سیاسی است تا هنوزمساعد نگردیده است • " اما با وجود یکه این استد لال به هیچ یك از بهادی حقوقی استوارنیست بسیاریك جانبه است زیرا اگراین استد لال را كلــــی تعبیرنماییم پس هیچ شخص و گروه دیگرنیزنمیتواند بموجب آن ادعای زعامت سیاسی نماید واگرمنظورا زآن صرف (عاصر تنظیم شده درجهآد) است بنابرآن سعی درجهت تجرید آنها است بدون آنکه حقوق مردم وآزادیهای فردی و اجتماعی درنظر گرفته شده باشد زیرا ادعای زعامت سیاسی ویااقد ام بهرگونه فعالیت سیاسی ازاراده و شخصیی افراد ناشی گردیده وحق مسلم وانکارنا پذیرآنست ولی کسب زعامت یارسیدن به زعامت ازاراده و ملت نشاوت میکند که بعد ازمراجعه به آرای علمه نتایج آن به ظهور میرسد ، پسهیچ مرجع وشخصی نمیتواند بدون مجوز شرعی و قانونی افراد را ازد اشتن چنین حقی محروم سازد کمااینکه جناب پادشاه سابق درحال حاضر درموقعیتی قسرار دارند که صدورچنین اعلامیم برایشان قبل ازوقت است و ازسوی دیگرشاید سالهای دیگرچنین مجالی میسر نشود ولى نبايد جامعه به انجماد مواجم گرد دوبايد به حيات و مبارزات خود براي رهايي ازارسارت فكري وانديشه ادامه داده ورُمینه مراجعه به آرای علمه را مساعدگرداندنه اینکه مستبدان خود آنرا مساعدگردانند • به ادامه اخذ ابتكارازافغانهاى وطنخواه مخصوصاً (آنهاييكه بهاراده مردم احترام دارندولي خود خواهان زعامت سياسي نیستند) وظیفه داده میشود تادر مساعد نمودن زمینه های تفاهم اقدام مقتضی نمایندیعنی آن افغانهاییکسه وطنخوا هی خود را د رعد م اد عای زعامت سیاسی به ثبوتبرسانند وظیفه دارند بحیث میانجی زمینه های بقسد رت رساندن آنهاییراکه ادعای زهامت سیاسی را دارند مهیاسازندواین داستانیست بس مفصل که درین مختصرنمی گنجد • د ریراگراف بعدی جناب ایشان از سهمگیری خود د رجها دیا د آوری نموده میفرمایند (درگذشته هانیزا حترا با راده ملت افغانستان را اساس زندگانی آن ملت دانسته ام) باعرض پوزش درین دومورد بایدنگاشت که نظریه استد لال این اعلامیه در صورتیکه عاصرتنظیم شده درجها دنباید ادعای زعامت سیاسی نمایند آیا آنهاییکه درصف قرارد اشته وهمكار جهاد بودند ميتوانند چنين ادعايي داشته باشند فايع جواب آن باشد كه ايشان به صراحتوهميشه اظهار داشته اندکه مدعی هیچ امتیازی نیستندواین خود موجد مشکلات دیگراست زیراد رحالیکه آن عاصرنبایداد عای زعامت سیاسی نمایند وخود شان هم چنین اد عایی ند ارند پس قد رات کشورچه میشود و شخص یا گروپ سوم کی ود رکجا هستند تاملت دست بدامان آنها شود • مورد دوم اینکه تاچه اندازه به اراده و ملت درگذشته ها احترام بعمل آمده است آیندگان وتاریخ قضاوت خواهد کردولی دراین دوران یاد دهانی این موضوع غیرقابل اغماض است که عدم توشیح قوانین مخصوصا ٔ قانون احزاب مصوبه شورایملی که مظهرا را ده ملتبود چه توجیه میتواند داشته باشد •

آهداف جهاد درسه مورد درین اعلامیه تثبیت گردیده است که نه تنها تازگی ندارد بلکه انعکاس اهداف اصلی که جها دبخاطرآن آغزیافت نیست زیراطوریکه معلوم است جها دبرای انقراض واضمحلال رژیم کمونست درافغانستان آغازیافت وبا وجود اخراج قوای متجاوز شوروی ازافغانستان هنوزهم آنها قدرت سیاسی رابدست دارند ولهذا ادامه جها دوبازره باوجود افزایش آلام و مصائب مردم کشورناگزیر ساخته است و چون این حقیقت انکارنا پذیر اوضاع

کشورماست ، طفره رفتن ازآن به منزله نادیده گرفتن همه واقعیات است بنابرآن بایست درین اعلامیه بصورت مشخص ازاین اصل مهم که مهره اصلی منازعات است بحث بعمل می آمد ۰

همچنان دراعلامیه جملات دیل قابل غوراست (به منظورتامین صلح وثبات در افغانستان بهمکاری هموطنانم به طرح و تطبیق پروگرامی اقدام نمایم • • •) یعنو، تاحال چنین طرحی وجودندارد وبا درنظرد اشت تجـــولات سریع مسایل جهانی تااقدام به آن طرح دیوار این میخانه خواهد ریخت • ختم را محمد عیم فرضی لرمکورسا)

(______ اود مسهرسان و بخسساینده))

مسناب معد ظلسنا هسسسر

سپاس از اعلام دوباره ای آمادگی تان در راه خدمت به وطن و نقشه ای علی که اخیرا پخش کرده اید ۱۰ اینك بر اساس مواد آن اعلامه که شما حقوق و خواسته های هموطنان تان را احترام کرده اید ـ یك هموطن با استفاده از حق سد آزادی بیان نکاتی چند در مورد اعلامه اخیرتان متذکر میکردد :

وكرامت و حتوق بشرى ملت مسلمان افغانستان تا مين كشته است ؟؟ ملت مسلمان با غيرت و وطند وست افغانستان و مجاهدین قهرمان آن از همان آغاز به این عقیده بوده اند که در جریان این یازده شال جهاد برای دفاع از عقیده و و ایمان و برای بدست آوردن استقلال وطن و برای بوجود آوردن حکومت اسلامی جها د کرده اند و میکنند و زمانی این اهداف برآورد ، خواهد گردید که استقلالکامل بدست بیاید و حکوت اسلامی بوجود بیاید ۱۰ آنگاه است که عقیده اسلامی ما کاملا از خطر شوروی و کمونیست ما محفوظ و کراست و حقوق بشری ما تا مین خواهد گردید ، بنا بر آن دفاع از عقیده و کرامت و حقوق بشری با بدست آوردن استقلال کامل و ایجاد جکومت اسلامی اجزای تفکیک ناپذیر آنمر وأكربرمني همين طرزتفكر لمت سلمان ومجاهدين راء خدا واستقلال افغانستان سائلوا ببينيم سئله "بن بست " و بقای رژم کنونیست کابل هم واضع و معلم است ۰ جزنکه این دولت عنوز هم تحمیلی است و هزار نیصد ـــ واسته به شوروی و تحت هدایت مستقیم شوروی و هنوز هم همان عقیده درست عدق میکند که اگر این دولت یك روز هم به وسیله شوروی هدایت و حبایت نگردن قبل از همه به وسیله. همان شهریان ریج کشیده و متنفرکا بل از بین 🗕 خواهد رنت چه رسد به مجاهدین تهرمانی که حماسه های شجاعت ثبان ثبت تاریخ دنیا گشته است ۰ که البته در مقابل دولت شوروی و کمونیست های کابلی و معامله گران غربی در این روز بما اسعی دارند از "استحکام " ؟؟؟ رثم کابل سخن بزنند و بدین وسیله دوام آنها را تضین کند و یا جانی برای آن و بانفروشان جنایتکار در آینده افغانستان بيدا كنداء وهبين ادامنان لمتاهستندكم اسعى دراغزته افكى نبوده ومسايل تومن ومذهبي ولسابي رفیره را براه میاندازند که ما خوب میدانیم این توطئه ها و امروز تهدید های تجزیه شدق افغانستان سلاح کهنه استعمارگران و دولت های مستبد بوده و است و ملت مسلمان افغانستان از هرگوشه وکنار چه تاجك چه ازبك چه ترکین چه بشتون چه نورستانی و چه هزاره همه با هم در راه دین و استقلال وطن برادر وار مهاد کرده اند و هیچ مثالی از برخورد تومی و مذهبی به گوشگر نرسیده است ۰ و البته امروز هم این وظیفه تمام مسلمانان وطندوست است که این توطئه ها را انشا و برخد آن موضعگیری نمایند و واما در مورد مسئله اتحاد و زمامت سیاسی این واضح است که هیچ خرکتی الهید واتع نمیگرداد انگر آینکه اندایی از تمام شاطن آافغانستان نماید و پشتیبانی آمبا هدین را که نود قیصد افغانستان را آداره میکنند بدست نیارد ۱۰ اینکه قیما در پیهلوی مجاهدین از ((عناصر موثر)) جامعه افغانی صعبت کرده اید مسئله را محکه مسازد و جونکه تمام ملت در جهاد شریك هستند دیگر معلم نیست غیر از حلقه های جهادی کدام عناصر موثر در افغانستان موجود هستند ؟ اگر خیال طرف ترار دادن نجیب و ... کیزیست های کابلی را دراین جریاب دارند که ملت سلمان افغانستان، هیجگاهی این قاتلین یك ملین انسان و تارا جگران افغانستان را که امروزهم از کرده بشیمان نیستند طرف معاطه قبیل ندارند و تنبها حرکتی که مورد قبیل سلمانان افغانستان است کنار رفتن بی قید و شرطآنها و شامل بودن سرداران غازی مهاد مثل احمد شاه مسم و استاعیل خان و سید جگون و توشدان عبدالحق و مولوی جلاالدین حقائی و دیگر قبیرمانان در آن است ۰ البته اگر تعاميم ((مراجع بين الطلق)) در بين است ميشود كه از نجيب و حسن شرق در بك جبت و واصفى و زابلي در جبت

دیگر مناصر موشری ساخت که در آنصورت شما را راهتان و ما را راه ما م احمد نسسواد ارست سسسلا مسئول نشریه فریاد همیسستگی جاپ ویرجینیا ۱۲ ماه می سال ۱۹۹۰ مطابق به گ ۳ جوزای سال ۱۳۱۱ هجری شمسی

عسزيزالسقدر محترم دكتور هاشميان

بعد از تقدیم سلام ازخداوند پاک (ج) صحت با عافیت برای شما وهمکاران تان وتما مابرا دران افغان در هی متقطع عجهان باشند تمنا میکنم ه

در قدم اول بایدعرض شود که اسلام از بهترین انیان وخداوند (ج) برای ما سملمانان چنین مژده داده است ۳۰ کنتم خیر اصته اخرجتاناس تامرون بالمعروف و تنهون بحن المنکرو نومنونهالله ۳۰ (هستید شما بهترین امتی که برون او رد ه شد برایمردمان میغرمائید بکار پسندیده ومنع میکنید از ناپسندیده ویاورمیدارید خیدا را) ، بنابرانمبرهن است وقتی شناخته شده میتوانیم که پیرو احکام قران عظیمالگان بوده و به هدایاتش خود را مقید ساخته هر لحظه ازاندك وبسیارش الهام و بند بگیریم، ورنه صوفقیت دارین را از دست خواهیم داد ،

معجزه همان بعد که به شبوت رسید، مجاهدین افغانستان مانند صدر احلام اندك ولی در نظر منکرین دین لله الحمد بسیار معلوم شده ویه عزم راسمخ دینداران احلام پی برده و خجالت زده شرمنده سر افگنده اقرار به سپویت خود نموده خاك افغانستان را ترك گفتند ، حالا ما مسلمانان ببینیم که ...، اشارتا کنایتا و عملا چه نیکی و خیر به هم نوع وبرا دران احلامی خود نموده ایم ، فکر میکنم هیچ کمی بی وجدان نیست قفا وت کرده میتواند ، چون موظف با مر معروف و نبی از منکریم بنا ۶ علیه بنده عرض میدارم که اکثرا دیده شده بقلم وزیان طرف مقابل را توهین و رنجانیده اند که حکایه از زبان نیز دارد ، شاعری میگوید ،

جراحات تیغ از بسدن دور شد بسدل زخم زبان نا صور شد ه

امید وارم من بعد بکلمات زشت بقلم وزیان طرف مقابل را نرنجانیده انچ میخواهند به طمیفیمانند تا جانبین بمنازعه برنخواسته رضای خداوند (ج) و رسولش (صلعم) و مومنین حاصل و مرام اصلی بسه دست بیایسده

اینك به طلطه نظریه گذشته د ر جستجوی شخصیت مناسب میروم که از عهده وزعامت ملت رنجدیده افغانستان بدر امده بتواند ، البته بخاطر باید داشت که رای دهی هم حق فرد است ولی جنبه های مثبت و منفی منتخب در اول وهله بحدتوان دقت و سنجش بکار دارد زیرا اگر بیك رای بیشتر شخصی کا میاب شودعمل خوب و خراب او رادر اجتماع هر فرد متقبل خواهد شد ،

د ر مو ر د شخصیت ها

- (۱)قراریکه بملاحظه میرسدگفتگو راجع بمحمدظا هرشاه پادشاه سابق افغانستان بسیاراست منامبرده ۱۳ سال را بنابرمجبوریت سکوت ولی به عیش و ده سال رابحال دیمرکراسی شاهی مشروطه بمفکوره آزادی ملت گذشتانده است ، خوبست چندی باستراحت و سکوت مجدد سپری وبلاخره بخود آمده ملتفت جبران دوره ۱ تلف شده ماضیه شده حاضر خدمت بدون دار ودسته اقاربیکه با لاخره بلای جانش شدند گردید، از ابلاغیه منتشره فعلی اشاستنباط میشود که شخصا میخواهد التیام زخمهای مردم ستمدیده وطن شود ، الله (ج) میفرماید ۱۰ وکل علی الله و کفی با الله وکیلا ۱۰ یعنی کسیکه توکل بخدا میکند بس است اورا خداوند مازگار، نجات دوره ماضیه را ازفیض کلمه ۱۰ المتوکل علی الله ۱۰ بداند که بنده خدا را هم در اخیر آن زیاد نموده بود، اگر از حیث تجربه و شخصیت شناخته شده باری در جمله کاندیدان سپیم و اکثریت آرا ۱مردم را بدست بیاورد موقع خدمت را پیدا و در این مراتبه زندگی را وقف راه حق کرده
 - (۲) شخصیت های دیگری اگر خودشان بخواهند در طبله کاندیدان شامل و در خدمت خلق قرارگیرند اقایون داکتر محمد یوسف خان داکتر عبدالحکیم طبیبی اقای روان فرها دی و دکتور عبدالعمد حامد و امثالیم خواهد بود، انهم در صورتیکه سوانح عمری خودها را بغرض اطلاع عامه بنویسند وبقنا عت مردم بپردازند، اگر اکثریت آراء شورای فعلی مجاهدین را حاصل کنند اشخاص معروفند ممکن شایسته اینکار و از عهده اش برآمده بتوانندتا دفعتا رفع مشکلات موجود شده استحکام دولت موقت و وحدت ملی و امن عامه بمیان بیاید، البته در آنصورت زمینه برای ساختی قوانین فرعی بوجود خواهد آمد،

هدف اصلی پروپلم خل بحران افغانستان و آتش پس دوطرف متخاصم و وحدت مسلمین است تا در بین یکدیگر کشت وخون نکنند ، نمیخواهم بیشتر درد سر را خلق کنم همه دردها از بی اتفاقی وعدم تعمق در ما هیت موضوع است (ازادی افغانستان عزیز و رفع خونریزی بیشتر) ، امید وارم خداوند (ج) اتفاق و اتحاد و افغانستان مستقل نصیب مان گردانیده اولاد وطن را سرفراز دوجهان در پرتو دین مبین اسلام گرداند به حرمت شهوی راه حق ، آمین یا رب العالمین ، بااحترام حاجی عزیزا صدطهماس ، مکرراینکه بی مناسبت نخواهد بود این شعر صعدی (ع) را نیز بخاطر بسیاریم ،

مرا شیخ دانای مرشد شهاب دو اندرز فسرمود برروی آ ب یسکی انکه در نفس خود بینمهاش دگر آنکه در جمع بدبین مهاش،

هموطن معترم جناب طاجی صاحب طیماس ۱ از شما دوخواهش داریم (۱) هرگاه آیات قران مجیدرا مینویسید شما ره آیه وسوره را بنگارید تا جنن وتوجعه مقابله شود و (۲) لطفا کلمات وسطرها را کلانتر بنویسید تا مخکلات خطفن مروع و بعدن غللی تایپ منود ، چانچ چنر کلم را فرایزه نتو کیمی .

برا در محترم دا کتر ها شمیان

اعلامیه پادشاه سابق افغانستان را که در شماره پنجم مجله ائینه افغانستان نشر کرده بودید با علاقه و دلچسپی زیاد خواندم و نیاتنیك پادشاه سابق در خور ستایش است ،

بعنوان یکفرد افغان فکر میکنم که پروگرام احیا تمجدد افغانستان تنها وتنها تحت سرپرستی شخص پادشاه امکان پذیر احت زیرا اکثریت ملت مجاهد وقهرمان ما بجزبپادشاه بفرد دیگر اعتماد ندارند ، برای عملی شدن این بروگرام باید حکومت مزدور کابل و هم امیران پشاور شاه را که سمبول وحذت افغانستان میباشد موقع بدهند تاباهمکاری ملت قانون اساحی را تسوید و انتخابات اواد و دموکراتیك را دائر سازند، در خاتمه از بارگاه خالق بی نیاز النجاه میکنم که این پروگرام عملی شود و افغانستان یارچه پارچه نجات پیدا کند، سانته مونیکا حکلفورنیا سوم جون ۱۹۹۰ ، دا ≿تر شاهی بای مصحتمندی و فامیل ،

ا عمای وسی جید بعلل می ای آن دو کورینا روار کاری ۱۰ کون ۱۹۹۰ کو ر سر مرکسر ۱۲ ی ۱۹۹۰ خیاب فرطاهرت ، یا دف مان ان تان دا مورد وارداده معرصیه مادت، مان را بنیلند حتی راه طرفقیه ای مآن وظم خد مراسا مران جبه مراق عافته آنرا ما شد وهوما فيا-

خو محدار مندستده می لواسم از است با بر آمد ن قشون شرح توروی اشجاد می دارند. روعا بداریم احدادنداد) ایران با رو اتحاد را نصب شان گیرداند د ا بهانی سه در تشوید نمدن این بی آنناقی ما سی و تداش می در زند مه خرای ا کال ستوم شان برساند، و آمیند نبغی ها می تویید دخیر با نمی نوب اند آسر این ذخیرد نشان جهت ساخه سرم بیمار ، رغیور معادید میکست بنایش بر آ وعما در ممكت مناسند سلين دستم خدادندورو) خراى زى لت نزا ميدهد ، ما جراى زى ل ت ن مراست مزرودالت خداد منى رايت الفراد آیا هین شاشانق درست نشا نده های او سور سه در زمان شان تموستهٔ پیرورش بانت رجهت بنای آن در میبه لا به بند به ساز در سال او سور سه در زمان شان تموستهٔ پیرورش بانت رجهت بنای آن ار مین لوی خدمت شاد مای کرده حتی جهت خشوری فرسا نروا بان حذین شام سرمین درعت فی سیرها جا یا خشر ۱۷ مرب تند مرب یل صتی ما با رو تن عام مردمان بی دفاع وعلمای دین در بع نداست و متنافی راهم مرندان انداختند ررای مدت ۱۲ سال مدون افزان ر معالند برای مردم داخل دخل ستان مینت به صدا آمد، موسوت الماشاسابق يد جدي سدران دي رزاع ل منايات كاريام منوروي عضرا مند ادارسوا يشى مىدم ي سند كم درمقوت كا يده تفين بسد ر رفتن در دف دستان برايس خوستحركا داده الله الود. وطن خارج و نرجها بیا نام سوا ساخته درد. دمتر دران آن هم درجال نالودی دند به نوکل خداوند (۲۰۶۰) » ندا سامان اعلامیه فی صارمی لند وهدر از قبل راصف می اهدین اشا ر محد د ما مند اسلاف حدر به حدوقی می الدین اسلام می ا ا عن كا ندمد ديكران را هم ساس على الرسروي هداهد ما بنداسوا م هزر با كردن بعثى ار مردم مرج ديد. سستور يكرنتن المنبار « لويه جرك ت عقيما » - المسى ديكرى - كرسى مدرت رسيده د منا عى را مم برست خور سنتار بود تا طرا المتى سعرومی لهی « هذر حرد « را مه را در است و مه در مان » مصداق پیدا بخد رسی مسرون مان سعود و در مان » مصداق پیدا بخد رسی مسرون مان سعود و معرون مان سعود و معرون مان می از مد اولتر تالول و را نست را میطنت را به سن بود در مرای نشل آنید خود خدمتی بود با نشید مرای تخریب ها دمندی امرون ۱۹ لود فیه سال تند برای به قدرت رسایندن شنا شانی و برای تخریب ها دمندی امرون ۱۹ لود فیه سال تند برای به قدرت رسایندن شنا تا به در یعم و عدم در مردم امرون ۱۹ لود فیه سال تا در در می از مان تا تا به در یعم و عدم در ترم مردم امرون ۱۹ لود فیه سال تا در در می در مدرم امرون ۱۹ لود فیه سال می در می يه يروياً للذما وتبينات سؤدست مي زمند بن ساني بندسته درزمان ت تربق در جنع لوعد علم ومم برمودم ا خداستان ربع کرد ونتیجه ن خوشی عذمتی انها سه دوشت ن منتودوی شن نورسی که محد بنزم در تحلیمت را دیا عد و حد السنان مدر رسيد رباعت قش بيش از يكم ميلون و آور مي رضاف ازيم ميلون المندند . مال ج حدادمند « ، ، زهان أيش با شدره فاع سند» و در تلاش با قدرت رسيدن منا سابق دستند باید دوستان نزبز وهیده ن ستریب د نحیب دا دره د برخ دید به می الم جذا از منفقت ما سنجی عزردیت بل برا دران داغ، به عدد كدريم . روست بدست ما بهم رر ما يعد زكر دانما مردم مع دوست جهان سعى ارهم می نونند دانرهدن رسری در داخل افت استان عبوری سد ارند بخت نظرت ن و مل متحد با را هل ستد عسا ار ملات کد حكومت مزدور بركس دست طرما در ستود. و مرحور مردمان داحل مطل وقدًا ندامًا ل مجاعدي داحل وطي عق جم ا سددرهم جهد سنده ارایند در ان دران در ان در اسال معدیس را حرب میشناشند ، رئیس عور ارا تا بتوانند بسیارمدی درد های عودرا ایدکی حرفان ما فراموش برارند و در به جران می ازید جند ن چرا کبویم این عکوست مرد و غی توانند ۱۱ شل بازمرد رئ سد برقوای ترو عزر به جران می ازید جند ن و د عداد را باصلامتنت مین در در ناختند در وس را رسوا جهان سخت دار وطی خدرج تورند. انساء الله در تنظم علامت مداره آن معم مؤخی و کاسیاب عی ستی ند ما احترام ر بن مكر ن قوران مرافع حدوا مي اردوي شاهي النائميّا أن

جوالمتيان 199. 8 Tr

وطن ما را توك گفتند وقتآن بود كه جوضوع فرامات جنك - پلانعاى مدبرانه "

سر دست گرفته میشده خانه جنگی خانمانسوز در بین مردم ما بشد تاروان شد

اقتصادي _احتماعي _ صحى -زراعتي _سياسي _اعمار مجدد وغميره _

واين براى آز وجاه طليي مرمزتر وخوشئودى ديكران است كه يكديكر خسود

رامي بلمسيم .

زیاده از یك سال فی شود که قشون متجاوز شوروی با شکستو مر افکدگی

اكرلارم بندائسك شود به نشر سيارسد . از بارگاه المي موفقيت آئينسه . افغانسستان را با صحتنما مستدعي ام عين ادر راهراء دانشمند محستم داكستر هاشعسان این ناه را با قطعه شسعریکه جند سال قبل نوشته ام تخسدیم فی کم احمد شاه كسويم علومها

این ناه سرخودرا بعدرد نیاورند ۰) رازآنمائيكه احساس افغانى ندارند محترمانه خواهش فی کم که با مطالعه

یافسه در هر خانواده پسدر مقام ریاست را داشسته تمام تمامسیم مهم بسسهٔ و در کشور ما اکر سرو یا بزرگ نباشـــد بسوی تبنیه و تباهی خواهیم رفت. کائرد در خانواده * که پدرو یا ریش مفید وجود نلداشت باشحه براگده و باشان روان است . مردم افغانســـــتان آنقدرها مهم نیستکه اعتباراتخانوادگی متشخصاست. ____ کارد به استخوان رسیده وکشور فاتع و سر افرازما بسوی تجزیه و بریادی ـــ كرفع است خودماكه ملت افغانسستان را تنكيل ميدهسيم وبايد اصل ما باشيم اساس جامعه * افغائس بر مبناي خانواده -قوم و قبيله بنا * دوازده سال استکه اجانب سرنوشت وطن ما را بدست باباي لما

رضايت واستثناره * او عمل في شود . منصب – مقام – ثروت وضيره نزد مـــا للله مخروبه كننه و اكتريت مردم ما آواره شده اند . دل كس هنوز يخ نشده است را در این میبینسند که وضم بعمین منوال دوام کشد. را همچو دویی میکویند به ما چسی) یکسنیم ملیون شعسید داده ایم بیشاز یك ملسیون زخمی و معیوب افغانستان حل شود . (مخصوصا" باكستان نعي خواهد در همسايكي اش در داخلو یکمده مزدوران باکستان –اعرابو امریکا منافع خود و حامیان خود داريم بيست هزار قريه و قصبه ۱۰ بخاك يكمان شده و تمام شهرهای ما افغانستان شربلند -قوی و آزاد دوباره بوجود آید ،) یکمده اجیران روس ابر قدرتما و كتورهاي همجوار ذينفع نمس خواهند مسالـــــه •

- محتوم ترو بزرکستو از بدر است در تاریخ جسند هزار سالهٔ افغانسستان تعا جند نفر بسيار محدود بابا شده اند همچون ميرويس با با -احمد شاه بابا وامروز ظاهمرشاه بابا کلمه و بابا در قاموس ملسي ما افغان ها بالا تو کرامی تو

روی سختم با همین بسابسا است

در سرنوشتخود بول ندائست بييون مانده ايم .

ما رك فينمان خبر نگار لاس انطس تا يمز در دهلي كه از كثرت مما فرت بكابل وتماسهاي نزديك بارژیم سرکار تواریش نجیب گوئی طرز تفکر یك پرچمی را پیدا کرده است (شاید بخاطر استقبال گرم و دعوتهای مجللی که از او در کابل میشود) از زبان یك دپلومات روسی نقل قول کرده است که ت

ءً وقتى امريكائيها ميگويند نا ممكن است بالاى مجاهدين اعمال نفوذ · When the Americans say ' کنیم این ادعا تا اندازه ای حقیقت دارد ، و عین ادعا در مورد ما (يعنى روسها) صدق ميكند ، اكنون مربوط بخود افغانهاست كه بايد بسخنان یکدیگر گوشبدهخده۴۰

it is impossible to influence the moujahedeen, to some it's up to the Afghans themselves to listen to each other.'

A SOVIET DIPLOMAT

extent it is true. And the بنظر ائینه افغانستان دیلومات روسی در مدعیات خود صادق نی بلکه same is true for us. Now, خائن است زیراهمه میدانیم که رژیم نجیب تا اندازه ای نی بلکه کا ملا در دست روس است یعنی خونیکه در شا هرگ حیاتی آن دور میزند از ما سکو پمپ میشود ، پس اگر روسیه خواسته با شد کور ریش نجیب را بسیار آسانتر از خفیظ الله آمین از بین برده میتواندولی روسیه بحمایت این مزدور تا زمانی دوام میدهد که اگر بتواند او را بحیث ایجنت و حافظ منافع خود بالای ملت مجاهد افغانستان از طریق فشار بین المللی بقبولاندو این ستراتیژی سیاسی ازجمله اخیر دپلومات

روستی که بطور کنایه افانه شبده هویدا است که تلقین میکند که مجاهدین و مها جرین افغان باید رژیم تواریش نجیب را بینیرند و با او از در سازش پیش آیند، این سترا تیژی خاینانه روسی چیز نوی نیست که ملت مجاهد افغان از آن واقف نباشد ، حدوددوقرن پیش انگلیس همین سترا تیژی را در موق شاه شجاع براه انداخته بود ، در آن وقت ملت مسلمان و استعمار شبکن الحفان شبّاه شجاع را لاتسی خبطاب میکردند ودولت انگلیس توسیّط ملاها و مولوّی های زرخرید هر قدر سعی کرد شاه شجاع را مسلمان و آولوالاَمر جملوه دهند فائده نکرد زیرا تا چه لاتی تا روز قتل شاه شجاع به پیشانی او خوانده مینشد ه

> مارك فينمان مينويسد كه نجيب گفت ۴۰ ما (يعنى حزب . كشيفوكرا تيك خلق) بعد ازاينكمونست نيستيم ٥٠٠ و اكنون فقط صلح میخوا هیم ۴۶۰ جمله ۱ اول از نظر علم معانی چنین معنی دارّد که حزب کثیفوکرا تیك خلق قبل برین تا ایندم کمونست بود ولي قول ميدهد كه بعد ازاين كممنست نخواهد بود انهم بارتباط

جمله دوم تواریشنجیب بخاطریکه اکنون مجبور است صلح را رویکاربیا ورد صلحیکه شرایط آنرا جناب جنرال تواریش نجیب توسط تانك روسیه میخواهد دیكته كسند ه

اکنون ائینه افغانستان ثبوت رسیمی بدست دارد که مدعیات تواریش جنرال نجیب در باره ۶ استقرار صلح درافقانستان مقرون بواقعیت نیست ۰ ششماه قبیل در شماره دوم ماه جنوری ۱۹۹۰ مجله ائینه آففانستان طرح ۴۰ راه حلل قصفیه افغانستان۱۰۰ بزیر چتر موسسه ملل متحد بداخل سه مرطه پیشنها د کرده بودیم و مرطه اول آن تجویز رفتن یك هیئت آه خقیقت جوئی عمیکا بل بود ـ نسه بدعوت رژیم کابل یا برای مذا کره با آن بلکه بزیر چتر ملل متحد بمنظور مشاهده ا وضاع و حالات داخلٌ افغانستان و تبادل نظر با مردم كابل وطقه هاى سياسى غير كمونستى دركابل كم بداخل شرایطی که در طرح مذکور درج است ۰

با مسرت باطلاع هموطنان میرسانیم که موسسه ملل متحد با ساس مکتوب مورخ ۲۹ می ۱۹۹۰ که متن آنرا در صفحة بعد ملاحظه میفرمایند طرح صلح ائینه افغانستان را رسما تحت مداقه قرار داده است ولى رژيم تواريش جنرال نجيب كه بمنظور تبليغات سياسي و دروغي سخن از ملح میزندتا کنون بان جواب نگفته است ، اگر مدعیات صلحجوئی تواریش نجیب حقیقت میداشت چرا درین شـشـماه موا فقت خود را برفـتـرْيك هيئت ژورنالـيستى مستقل و غبر وابسته بكابل ـ بـداخل شرايط مجوزه ـ اعلان خکرده است ؟ درحالیکه این طرح ازطرف هموطنان محک ازمایش مدعیات نجیب خوانده ش**ده ژ**

تواریش جنرال نجیب که جرئت و تحمل ویزه دا دن بیك گروه كوچك ژورنالستان افغان رابراى بازدید از وطن شان ندارد بکدام اساس و بچه مقصصد از شخصیت های برجسته افغانی مانند جناب دکتور محمد یوسف /جناب دکتور عبدالعمد حامد ا جناب دکتور عبدالحکیم طبیبی/ جناب استاد عبداً لرحمن برُّواك / جنابِ سيد قاسم رشتيا / جناب سيد شمس الدين مجروح / جناب عبدالله ملكيار ؟ جنا ب عبدالستار شالیزی ، جنا ب عزیزالله واصفی ، جنا ب دکتور روان فرها دی و امثالهم دعوت مينمايد كه برآى مشاهده اوضاع بكابل بيايند (نِكَاه - خطابه مورخ ٢٨ مي تواريش نجيب مندرج در نیوز بیولت مورخ ۲۹ می ۱۹۹۰ نمایندگی در ملل متحد)

"We are not Communists any more," the president declared of his traditionally Marxist ruling

party, "Now, we want only peace."

دردا که آنسیانه • مینا حراب شد آمال و آرزو همه نقنی بر آب نسد

در جای بلبلان هسه زاغوزض نشست شمع آنجسنان بموختگ یك قطره آب شد

تخستیما به باد فـنارفتـوتاج او در زیر پای فیر شکستو خــراب شــد

حماسه آفرین همه در زیر خاك رفست محسود بتشکن تو گـوش بخواب شــد

این خاك مرد خسيز و سلحشورراجه شد كين سان شكسسه كشته خرابو ترابشد

واحسرتا که عشرت دیروز شد بر آب آن کلش امید به یکسه مراب شسد بعق ناخسدا سفسينه به ساحل نهي رسد آن پاسسبان ملك جرا رفتو خواب شــد ؟ دوشم سروض غیب بصسد شوق مسؤده داد رو غم حخور کسریم که دعما مستجاب شد

تمو بابای صدها هزار زن بیوه هستی که شوهر – جوانسی و زندگسی خود ها را فدای وطن کرده انـد . تمو بابای هیون ها طـفل یتــم دربدر هستی که پدران خودها را از

دست داده و از آن رنج و محرومیت ی کتسند . یو با بای مردمان معیوب –زخمی و هردم شهید هستی که بعد از خدا

وهدمان بابا فيكويند .

تو بابای آن اطال – زن ها وپیر مردهای نیجاره هستی که در داخل نج شده نه جای قرار دارند و نه بای فرار و از هر طرف برسر شان آتس

تـو بــابـــای اینمـه آوارگان بــی وطن و بــی خانه هستی که بـشا تخم ارزن به اطراف و اکناف-بهـان باشان شده از خود قبرســـتانی ندارند و بــه یـادگ^{ان} تالان و سرگرد ان اند . همنوز نه هنوز استمردم بييچاره و بدبخت افغانسستان باتمام اللام و هييتهائيك برسرنمان آمسده وشم به راه تو دارند وكوش به آواز تو . بيچاره ها در تمام اين مدت خودرا تسلى داده و ميدهمند كه بمابما هي آيد . آنما فكر في كنند كه به مثل هسيم تو ميوانسي غم ها ودردهيئمان راچاره كخن بمابما فكر ينخود آنغدر تعلق ندارى كه به ملتافنمان دارى در اين مرحله • حساس و تاريخي افغانستان به حمايت مودم بيجاره برنخواستن و در كوشه • انزوا قرار كرفتن و شاهد بربادى و تجزيه • وطن خود بودن دور از انصاف است • والملام على من التيم المصدى

دانسجایات یگاند راه طرسیاس افنانستان به مست. هدن مبآرزین ملی شهابه شوال سیاس از پرغ سلط دننوز از احبنهیان نست و حاکمیت مل و تمامیت خاک پزرز رائمیس ندمی ندر ازین رو همد حتوق و آزاد بهای به اس هر فرو د زن ، مرد ، مغیل ، درم اس عوالت وسیاوات بده هیچگردند تبعیض تا میین شود و دننه مملایه ستنمی و مردم اسیم واحد ماید ، متبیاوز در چهل سیل بیشش درسیا فرت به حناسبت میشن استوال شمری نوشته بودم که در نرتانی به نام کلبای امایت در کابل نشرنده بیملت این و ای از آردییار مرا یاد میدهد امروز

تنها انتابات آزاد می تزاند بستقل کامل را از نگاه سیاسی، قیتهادی، همیامی و ذهنگی تامین ند. با تامید نظریهٔ نزوم و خردت خبرم انتقابات میخواهم پیشنهای را در به منظر بموض کردز نمفیگرهای ترود نقد مجاکرده بودم که می خواهم ایرارا به خاطرهموان ز خریت ایساس سیاس در مل متحد مسلوم بود تقد مجاکرده بودم که می خواهم ایرارا به خاطرهموان ز ازم بود در آنر صورت گرفته بست برادره و اندل تعدید من برای تامین و تعمین حنا مخ می نایدنی حمیاند، آمیدات جاهدین و مبازین علی واحل نظر باز توجوموده و آزا تمدیل خرایدن

ال : هر اعضای دایم شودی امست علامه.

. مر احزاب اخضای در داخل و خارج اخشات از به تحول خلق و پرچم کمیت یک در ب و برجم مورت ند مبه حیث یک خلومت .

ج : ناییزه صورت ند مبه حیث یک خلومت .
ج : ناییزه ک زمان اسلامک کا نفرنس د کاخترانش اسلامی مجیث مشاهد .

د: پاکتان دیران بحیث هما پیرگاز امنانستان .

استاد عبدالرمن پژواك بدستخط خودشنان یامق ! انقابات آزاد

وقت سمن در امر جاره جوئی و جاره سازی برای حل شکلات کشور، رخ کران متم جنگ وخوریزی بینتر — داقعیت های گذشته و هال دار ریشی کی

عتیت بسندی بسیم.

در حالمید در متابل اجنبی می ستجادر دمحیل جنگ برخود ازجانب آنز برای دفاع در میسیس مشتری که مادی و ملی خوریش حرگز نمیتزار ششیر ا در میام گذاشتن تا در توامی بندات د مبارده را تالزیردوام بایدواد به حوازی با جنگ بایدرگی و فرق علی میلی مادادی به توسیل تصوره تحل بنداشت د مبارده را تاریدوام بایدواد به موازی با جنگ بایدرگی دود در در ام میدهند به بیجه وجه نمیتوان تدخیری در افغات از نفط نظی دکلی مادامدی به خود را در دام میدهند به بیتوان تستول جگتری دسیل و طرق جگری از خوزین بیشتر در نشر حدود با جشتر در شرعی به میران میران بیشتر و قریب الوقوع تر میگود دعوات د

تایج آر جاجت به بیاز ندارد. دین اداخریکی از پیشوایاز رشننگر جاهدین که در مکومت عبویی مشکلی از احزاب هفتگاند در پاکستان مسلاحیت و مستودیت مربوط به امر انتقابات را دارد میخ جنا سید احد کمیدی انتخابات را پیشنبهاد د بر مردرت مبرم آنز تاکمید کرده بست که به طلاع مرد آنزا بنوبت خود تاکمید میکنم و آمیدوارم حمد افغا بها در حمد نتا ط دنیا آزا بستشال د تاکید د تو ممید فرها بیند.

> آ مِم رِيزان آ

میر کرد. تطبیق حق تعین سردرشت و سلف دیترمنش با ارادهٔ آزاد مردم و

طرح ليكا جهائي معتم دكتور عبدا لولي ذكس

ندا به لت مجاهد و بارز انغسسان سام النه الزمعن الزميم

عواقب وخيم حالت جنگ ويا ستاير كو atatu quo در انغانستان

خواحوان وبوادوان كوامي

عوليكه إمود افغاستان را به جنين بد بخش بيرك كثانيده است بين از بيست سال قبل شغعر وانشارآن محسوس بود عده معدود از اعتفاص بودند که این حالت جنگ و خون برزی را در افغا۔ نستان بيشيين مينبودند و تشويشع نكران خويشهرا ابراز ميكودند متااسفانه كاربجائي كشيده بيل كه جلوكيرة ازآن توسط اين عده معدول وغير شسيم تا مكن بيل رجنين حالت وكيل وتعمل

تكيك براى بقاى كويستى در افغانستان و رقع سقوليت ها و خوالت خيين طور و معلى نبود . بسا كياني و منجله بعض از بران كشورهاى بزرك اين موافقت نابه را سطحي باز رمي نبوده و بدون نشاخت واقعيت ها جنين فكر بيكونند كه نظفوت جاهدين حتى و مقوط حكوت كويستي حجور سازند • د ولت شورور بوانف نامه جينوا را كه بين باكستان و حكوس كابل عقد كوزيده شعيت کابل بیشازیك مفته بقت نخواهد گرفت قابل یاد آدرست که در آنیرنازهدی از افغان های اریا این قوای سعوك بدیخش د دکشود با منبو به بداخله و بالاخوه تعاجم تواه شودوی گودید . مودم افغانستان به اساس پرنسیب های اسلامی عنصوی و اجتماعی خویش طوریکه تاویخ سجلل شان نشان د اده است برطبه د شمن راه مبارزه را پیش گرفته و با قربای بیش از یك طبون وهده کثیری از معيويين و معاجرت بنج طيون از هميطنان بخارج توانستند دولت شووي را به اخراج توای مسکری با تعيق اين يوانقت نابه را باز رس و تحليل وآكاهم خويشهرا از امزار و ريكارآ بدن حالت فعلَم

اكتونباز وتسأن رسيده كه يكبار ديكر اشخامرا استعداد و وطندوست كرد هم جمع كردند و در بازرس حالت تعلى وآينه ه اتغانستان و د رجستجوى راه حل و تيقعات مودم افغآنستان غيرو پیشبین نبوده پودند که شائمنانه از آن هیچ استفاده بدسل نیاند ۰

حمق خوده و راه على را در پيش كيزيد .

شعب بك نود به شظور خدست حادثاته وي ريا خواستم تا نظر خود را در اين زييته ابراز و از حسمتواهران وبوادران خواهشكم كه از اين حالت دكود وجاعد خود را شكان داده در داه نجات

انغانستان جدیت پیشترازآنجه درگذشته آنجام داده اند بخوج دهند . دراین مرحله لان است بدانیم کدام مواطل اند که این حالت جنگ ویا ستایوکو را بارآوده است . و جه تجویه درطول این بدت از جعات پختاف بدستآوده بایم و با نتیجه گیری از این پونوطات چه پیشنهاد مطل بیودم آفغانستان موضه کرده بیتوانیم ؟

عوالميكه اين حالت جنگه وستا توكو را سبب كرديده است مختصرا به عوضورسائيده بيشود :

۱ ساتویه و پشتیبان دولت شوروی به پیمانه وسیماز حکومت نعمل کابل و بالطابل و ستاسب به آن کاهش کتك های نظامی و سیاسی یك هده از سالك ارویاش و امریکا . ٦ - تعول درطرزسیاست خارجی شوری بطورعیم و خاصتا به ارتباط به سالك اروبای شرقی

از طرف ایشان حرکت سر زند تا باعث تضعید مویان او گرد د - به این جورت از بین رفتن حالت حنگه ۲ ــ شوروی با اخراج توای خویشاز افغانستان توانست ذهنیت جعابی را تغیر دهد که شبعد یوشو و تغییه افغانستان بیارزه با یك دولت اشغالگر (شوروی)تبود ه یکه جنگه داخلی بین خود مودم افغانستان كورجداموكا واروبا را بداين نكدفانع ساخت كدوام سياست وي بطاد امويكا واروبا بوده ونبايد سرد وگزایشیه روابط دوستانه بین شرق وفویدهایل عنده در بوجود آوردن وضمامیلی در انغانستان

است از تائین وتبلیق حق غیر تابل انکارحلت اضائستان بدحق تعین کهزوشت خویش از طریق انقابات آزاد و دیموکرائیک · اجذبى لنؤانس بايد بطومقط محددد بريك حوضوع وايتم ، باشد، اين ايتماعبارت

سازمان ملل متلا مؤظف گردد که بیون تامغیر برترتیب فرسستادن :

انتظابات 7زاد باید از طرف حمد اعضای دایمی شودای امنیت سیازمان حلل خیمانت شود الف : كِيْ تَوَائَ صَلَّحَ مَلَ مِتَمَّةً بِ سَنَظُورُ حَفَاظُ اصْلِيتَ وَجِلُولِيُ ازْ تَصَادَماتَ ندبعنس ازاتها دیز باشعولسادمان کنزائس اسلحق • امنا سـتان بايد درقواي مسلح علل مقد وهياً ت عرا قبت ونظاءت انتهابات سبع تكيريز . نيخه م ب : كيا حيات بدمنطورمراقيت استمايات آزاد اقدام كند. هيچ يكي از هسايهاي

مل انسماد لنزائب

عل انسقاد كنزامي دمز ادوبائي ازمان ملامقد درسويت ويا مركز سازمان علوتمه

در میویارک ، امریکا برگزیده شود. میتودایی که درتیخ امتفایات آزاد بوجودی آید با پدفودا به شکیل میک حکومت مبری پیشکه و به تمید کردز مسسوده تمانون بهامی پیردادد و برای تعمویب قانونز بهامی زمیند را برای دایرکونز میک لویده کیر آعاده ومتستعدها زد .

معيد امعان سام سيسيد ب يتم يتم المناشر شوندايين قميد لاينمل نيست. لمحتم . اما اثر اغزمن اجانب و آقارب يك سمو لذاشد شوندايين قميد لاينمل نيست. لمحتم . قفيه امناسساز ازبيعيده ترين فغيابين بيناللل بت وراه على أنهميم دجه ماده وأسازيت حدمسايل ديگر ، بلا بسستن ، بايداز لحرف لويدجگر فيعمل نخود دريايان مي خواهم پتراف كن كر

11 -گرحهای سی امغانها از یاد شاه سایق اطبیعضوت محمد ظاهر چشم انتظار دارند کشور بیکم که شرایط نعلل طوری ایجاد شده است که ایشان زمینه را سیاعد نبی بینند و از شداخله خود داری بیکنند . سج آزادی خواهن جسهوریت های اسلامی که هم سرحد افغانستان آند به تشویشهزیک مواجه گودیده و به هیچ رجه حاضر نخواهد بود که حکوست فعلی کابل را شها بگذارد ـ به جزآنکه حکومتی رینگار آید ۱۲ - امروز د ولت شوروی پسراز شکست خویش د را تعانستان و با تحول سیاسی د رآن کشور و بیدایش

که مفاد دولت موروی را در خطر نیاندازد . ١٠ - اموز موم افعانستان با تجارب که آموختند به این نتیجه رسیده اند که حه در داخل و چه در خارج به هيئ يك قد رب استبدادي كه تعايلات ملكوره وي وعقيدوي خويس را بالاي مودم تحميل نعايد سر

سلب واظاعت لام نكند .

۱۰ ـ در شرایط امرزی و تحول دهنی مردم انغانستان آن بروسوسها و یا وسایل که در تاریخ از عنعنات وكلتور انغانستان بوده و د ربسا وقايع مل و خانه جنگ و د ر شافشات توص و تبيلوی زير اسم . جرگ و لوی جرگه استفاده بدمل آمده اموز به اثر سؤ استعمال لوی جرگه ها جه توسط حکومت های سابق وجه در حکومت های کنونیستی در شرایط سلطه شوروی وجه در شورای حکومت مبوری مودم از طرز و پروسوس لیزی جرگه و شورا به شک و تردید افتاد ماند .

11 - بر روی عشق و علایق شدهبی بود که مودم افغانستان در مجاد له برطیه شوروی دست بدست داد ند و راه مبارزه را بیشکرفتند و به هیچ وجه حاضر نخواهند بود به آنانیکه شدهب و دین هدس اسلام را به ۱۷ - یك حقیقت است که امروز حالت پراگندگی اوضاع- رهبوان مجاهدین بشاور و سائر مجاهدین د اخل حيث وسيله و تبليغات خويش يقصد استفاده و رسيدن به قدرت استعمال ميكنند موقع دهند .

و خان کشور را به تشویش انداخته است و اموز هیچ کس نبداند کدام طرف روان گردد و بکدام وسیله دستازند تا بطن را از این حالت وخم نجات دهند .

۱۸ - با یأس و تا امید ی یك عد دار افغانها فكر ميكند كه شاید طل متحد و سران دول بزرگ در مورد به سفعت افغانستان نخواهد بود. وبايد باد آورشوم كه خاكوات جينوا از شالهايست كه خير مودم سر نوشت ما تصميم گيزند - بعقيده من د ر شرايط نعلي د اد ن استكار و اخذ تصميم به قدرت های خارجی

که بایست حالت حمله وی را اختیار بیکرد نظر به کاهش کنك ها و وسایل حرب نیستوانند کوچکترین حرکت انجام د هند ۱۹ک شرایط زندگی از نظر آقاشه در کابل به هنیقه مواجه است در یاکستان نیزشرایط مهاجرین با درك مطالب نوق درمورد حالت جنگ يا ستا توكومودم چه در داخل و چه در خارج افغانستان احساس سکند که حالت جنگ بین مجاهدین و حکوست فعلی کابل در توازن آمده است توای حکوش کابل که حالت مدافعوی را اختیار نموده از طرف شودوی با وسایل حرص موثر تقیه گزدیده و بالمقابل توای مجاهدین افغانستان درآن درنظرگوفته نشده است.

د رجنین حالت سوالهای طرح میشود که جواباآن غور و تعمق زیاد بکار دارد . الذر_آیا این حالت جنگ چند سال به همین شکل دوام میکند و نتائیج آن چه خواهد بود ؟ ب ساز بین رفتن این توازن و یا هوفقیق یکی از طرفین چه نتیجه بار خواهد آورد ؛ روز به روز مشکل تر شده ميرود . ب ـ عائير تحولات جهاني در مورد آينده افغانستان چه نقش خواهد داشت ا ے ۔ مردم انعانستان یکدام راہ حل برای نجات کشور شان کہ ہر طبق آروزو شان باعد موافقت خواهند

این نه تنها دولت شوروی را در ساحه ریفور، های اقتصادی، در شکلات بواجه ساخته یکه در ساحه سیاس در بورد آزادی سالك اروپای شرقی از یکطرف و چی آزادی خواهی جمهوریت های که به آن کشور جبراً العاق گزدیده از دیگر طرف و علا دیا جازه بیش گویب سافطه کار و ریفوریاتور آنقد ر شدید گزدیده تنها موفرگه نهایت قابل همیت بوده و پیشهین شده میتواند آنست که آموزیک از قاطین محته جنگ آفغانستان یعنی دولت شوروی که در طول این یازده سال اخیر با از بین رفین رهبوانسایق و روی کار آمدن كورببف وتحول كنوق در سياست داخلق وخارجي بيك آينده تاريك ونا معلج مواجه كوديده است جواب تتام این سوالات مذلقیت قضیه افغانستان را تشکیل داده است. وبحث طویل را ایجاب میکند . اما

از این فرصت شرایطی را ایجاد کنند که تا طبق دلخواه سیاستعای خوشهرا در بوجود آودن رژم آینده نیاهه داست بلکه حالیست که بعد از یك سلسله توافقات از طرف امریکا و شوروی بییان آمده تا با استفاده - بایست بخاطر داشت که این حالت جنگه یا ستاتوکو بصورت طبیعی در افغانستان و جعاد آن بوجود

د رامغانستان تحميل نعوده بتوانند . مداخله ورهنمائي دولت باكستان درا مورسياس مجاهد بن مقيم باكستان

٦ - عدم انفاق و همبستگی بین رهبران مجاهدین در پشاور.

٣ - اشتباهات بزرگ وهدم قدرت در اخذ عماسم واینکار از طرف حکوست مبوری مجعدین

بين رهبوان جهاد دريشاوروايوان مباشد ·اموزديده بيشود كه عدم موجوديت يك سازيان از طبقه روشنلكوان افغانستان بعيث يك خلاى بزرك در تعقق ودريافت وادحل مملع واستقرار دولت آينده ۸ - تائیر مخالفت بین ایران وعرستان سعودی بالای تنظیم های جعادی پشاور و ایران و رقابت شان انتظار وهدم حرکت جدی و بوتر یاد شاه سابق افغانستاناطیحضرت محمد ظاهر.
 استعدم هم نکری و اتحاد در بین افغانهای خارج از کشور (اربا و امریکا) که ناش از عدم توافق نظر د ر سهم گیری قد رشاز طریق پیروان حویش، رحکوست عبوری و حکوست های آینده افغانستان .

افغاستان معسوس يكودد . ١١ - نعاليت وگونت اينکارات حکوست نعمل کابل کرچه با استشاره سکو ميباشد به سويه مل و بينالطلو یل فکور شعرده شد ۵ میتواند .

۱ – پس)ز خرج مساکل شودی شاسفات تیام آرزوهای که مودم افغانسشان د رموزه آزادی کشور و اثبات شهاست و موه ایک با قویانی بیشتازیک طیون افغان د رمقابل جهانیان بسیر میپروزاشدند به یأس و نا ابيدي مبدل كرديد . شاهدانی که بسماز خرج تواه شودوی بدستآمده است نتیجه کیری بعمل آید ۰۰ با مطالعه موامل نوق که اسباب حالت جنگ و یا ستا ترکو را تشکیل د اد ه است بجا خواهد بود تا از

به اتحاد واقمي ويك هم آهنگي مونق كردند . ١ - شاهده كرديد كه با تتام بد بخش ها تا امرژر رهبران مجاهدين بشاور در بين خود نتوانستند

به شکل ریکارآ مدکه نه نمایندگی کامل از مرم افغانستان توانستند و ناقدرت وکفایت جنین وظیفه سنگین ويوازمستوليت راشتان دادند • ٦ - به تعقيب خرج عماكر شوروي حكومت عبوري يقيم پشاور د رائر عداخله باكستان وعربستان سعودي

۱ ــاتحاد درحکومتعبوری به منظورگزفتن کرس ها صورتگزفت به بروی یك پروگزام عشخص و واحد که كابل مورت كرف اتحاد كونيست ها و بعض از فرند اما تاليستانياد كرا) ها را نشان ميدهد . ٦ - دوره حكومت عبورى كه ششهاه تعين شده بود اموز بيشازيك سال ميكذرد بحال ركود عللق موانفت همه جانبه را دارا میبود و د رجرگکه تشکیل داده بود ندعیقا مورد غورو مذاقه قرار میدادند ۰ . • ــ امووز خوب ثابت شده که مسابقه برای اشغال قدرت در افغانستان است وکود تای اخیری که در

٧ - این حکومت مبوری د را نیر اشتباهات مدید ه امتبار و امتباد خوشهرا د رمنابل سالك دیگر از د ست داده و در نتيجه امريز بيشاز چار ملك هيچ ملك ديگر آبرا به رسيت شناختند .واضع استكه براي به رسيت شناختن شان مبايست شرط مهم يتمن انتقال حكوست ميوري در دراخل افغانستان ميوت ميكوف ۸ ـ از حال نفوته در بین مودم اهل تسنن واهل تشبع بروز نبوده است که بزرگترین خطایست در حفظ

1 - عدم گرفتن استشاره و دخیل نساختن اشخاص روشنفکر افغانستان و استفاده نکردن به هر نندور

ومقعدي كه باشد به ضروجهاد افغانستان شام كوديده است. ۱۰ - تشديد بروزاحساسات توس وتبيلون كه املا درجنك هاي داخل انمانستان همواره رول داشته است خطری را برای آینده وحدت طی ایجاد نبوده است.

١١ - د ر هر انقلاب يك ويا جند رهبر با كفايت كه مورد تبولاكتريت باشد تظاهر نموده اما شا سفاته د رطول این یازده سال مردم افغانستان به جنین نیاز مندی موفق نگزدیده اند

کته عنده و آساس اینسنکه با گزش این نامه نود همه افغانها سوال بیدا جنود که این سازمان از کها شروع شود و کشام کسان بوای پیشوف این مرام و تشکیل این سازمان پیسانشم گودند بسوایست بیجاً-به مداف نوق خوامد بود .

یک افغانستان آزاد . سلطان بازندگی میفیکه شایسته مید، خیور و بهجه افغدن نست پیشنهادگردیده . بایستاها وه کود که در حود مهاجمین افغان که در کشورهای شوکی نیست چکنند شد افغان درك کوده باشند که بو اسامیتاریخ و تجارب که از مهاجرت دیگراقوام بدست است مهاجمین افغان نیزیس ازگا میت یك مدت طولای همه ایشان حاضر نخواهند بود تا دوباره راه وخن را بیشگیزند -خاصتا نسل حای جوان با کسب تعلیم و تربیه وآمومین علق به سو به حای عالی د ریونیوزسیته حا پیشکل حاضر خواهند شد که از شوایط دست داشته مرف نظر نبایند - گرجه این موضوع در شوایط آموز افغانستان نظر به هيت سائر موضوات عده بعث مهم را يتنكيل نبيدهد - اما بيش بيش حفظ برقزارى وممكم نبود ن غيد وشيرخواهد بود دلبذا تانكل اين ليك جهانق انغانها دراين زيينه بهشوين وسيلعبرسيدن ارتباط وطلايق بالبين تسل هاي جوان براي آينده در ساحه اقتصادي سيباس و أجشاص أممانستان

ستان و در تشخیص و خصوصیات آنواع رفتم های که از نظر شرایط شدهست - تاریخی - اجتماعی وکمشوری میآدرد به آریو های دوم افغانستان موافقت کند خواهند بود - این سازمان وطیفه دارد تا به سویه طی و پین اللل شخصیت کسب کند و در سایل مربوط تغییه افغانستان سبم گیری و فعالیت میت خویشه این سازد - این سازمان بیتوانند که با خداکرات و موافقات جندین جانبه و شامیهای خویشیه دائر کردن لوی جرگه واقعی که نیایندگی از اکتریت مردم افغانستان کند پیشترتیم گردد -علايق وطن دوستق بوام ازبين بردن اين حالت جنگه يا ستانوكو و بنظور أستقوار ملح و امنيت در هد ت امل این سازیان کسب تدرت های شخص و شغعت مادی نبوده بلکه شها و شها بویی خشق و

در اخذ عمام خوش سنقل میباشد ۱۰ سازمان علاوه از رول برقراری ارتباط و نزدیك ساختن تمام امغانها میکان به مطالعه و تحقیق دریافت راه صلع و آزاد ی کشور و در تهییه مسوده یلایموم آینده افغا اين سازمان يا ليكه جهاس انغانها . خعوصيت حزيق نداشته و به هيچ يك مرجح ديگر وابسته نبود • و

برقزاری ارتباط بین گزیدها و تنظیم ها و مهاجوین وفعالیت دوباره برای جلب توجهٔ سالك دوست و اغاده پرستیز سیاسی سجاهد بدو تویه روابط شان به سویه ملی و بینالسللی به تشکل این مرکز واحد سیاسی زیراس * لیگ جهانی افغانها * در یک از کشورهای اروپایی اقدام لازیه نبایند : بعفية من بيشترازاين وت را تلف نكرد مبرأى توحيد لطاريات سياس واخذ تعايم مئشرك وبننظور

با گرفت،جوابا ت شما در موریکه تشویق کننده و توام با در خواست هفویت باشد؛ در مرحله اول تعنیف گروپ ها بر اساس محل سکونت ترتیب و در مرحله دی از هر گروپ منطقوی خواهش محل خواهد آند تا گرد هم جنع گرد ند و بصورت دیموکراتیك نظر به فیصدی کسائیکه قبول هفویت نبوده اند؟ نماینده گان خویشها

از اینجاست که بخود جرئت دادم تا به خدمت همه افغانهای که خارج از کشور زیست میکند این نامه را با فرزمه ضیمه آن احرامانه تقدیم نظیم و از آن کسانی که این نامه را میگیزند خواهشتندم تا در تکثیر آن

و دوی کار آورد ن یك سازمان موشر د راین مرحله سرزند .

همكارى سوده و يراى كسانيكه آدرس شان را ندارم ارسال اساستد تا موضوعه أكماهم عيم افغانها برسد

۔ بعیت پرنسیب یکبار دیگریاد آور میشن که این نوشته وابسته به هیچ مرجع وقدرت های داخلی و خارجی بهوده مطلب صده آنست که یك حرکت صادقانه و بالاخوه از طرف عده افغانها به منظوراتحاد و انفاق

اجكارخود انغانها باشد .

تعين واولين كينه ها را سنظورعلي ساخت اين سازمان تشكل دهند ٠٠ رموطه سم اولين جلسه مشترك كيته ها ترثيب جلسه داده؛ أهداف - تشكيلات وتنام موموقات مربوط به سازيان وا ترتيب داده و بمكك

خداوند بزرگ در تطبیق وعمل ساختن مرامهای این سازیان بیادرت خواهند ورزید . به این ترتیب موسس و رهنبای واقعی این سازیان کسانی خواهند بود که تعمیتآثرا قبول نبوده اند . خداوندا تو مردم افغانستان را در این مرحله خطیر کتك و در رسیدن به هدف و نجات ثبان رهنبائی

باعرض احترام ٠٠ وكتورعية الولى ذكر

آميّه به طبقه مهاجوين و ووشنگوان افغان شوجه ميا شد آست كه خواه آروي، برگشت به كشور غان دارند با ندارند اموز مسئولاند تا وجايب اييان واخلاق و با دين كه از كشور برعهده خان باقيست در داه انحاد افغانها سهم گونته وآن خلای بزرگ سياسه كه در طول سارزان جهاد احساسگود يده با شکل يك مركز داحد سياسي آن نقيعه دا از بين بوده و مجاهدين دا همواي و كملتنمايند منع برطبق خواسته حاى لمت ميباشد •

معین که سرنوشته آینده مودم افغانستان را تغسین کند ایشار وخود کک ری نشآن دهند ۲ بر رهبران جهاد خبه پشاور است که در این مرطه حساس ثابت سازند که بیتام وکرس وکسب قدرت همیت قائل بعيث يك مجاهد تا حال انجام داده اند انحاد و وحدت خوش را معكم ترساخته وبا نيريا كذايشن شيوده بلكه سارزانشتان نشها ونتها براى ازبين بود دوقع كمونيستق واستقواريك دولت مسلعان آزاد و هر تومنالف وتوقعات شنعص و نقاضت هاى قوص وقبيلوى و شـ هين د رزاه تعين يك خط المش

– بزسیب مین آنست که میچ کسیستر از بردم افغانستان نیستوانند شغمت مقیقی بلت افغان را درك کند . – بزسیب جاری آنست که ضرور بیست که مده مطالب مربط به تعین احداف و سبوده یلاتفون سیاسی سازمان در طی این نامه بحث شود زیرا معل بحث وغور و تعیق همان سازمان خواهد بود که زاده

- برسیب دون آست که حق تعین سرنوشت که حق مسلم طنهاست باید از طرف خود طبه هابوجود آید •

که موتعیت گوریجف را در خطر مواجه ساخت است واقعاطوریکه میصرین تذکر داده اند اکرگوریجف به ریفور های خویش بصورت سریح حرکت کندامکان آن میرود که بر سر تدرت باقی جاند و درغیرآن محافظه کاران و توه مسکوی تدرت را گزته و احتیال روی کارآمدن یک رتیم دیکتاتوری میرود ۲۰۰۰ آن صورت در تغيه انغانستان رهبوان شودى مكن دواره سياست بداخله وتجاوز مسكرى وشسلط حكوست كويستن وا على نايد البته دراين حالت به شها انغاستان متفود وحدمه خواهد ديد بلك سياست جهان نيز شائو

Leabelle de Montolieu 135 Leusenne 1010 SUISSE

زیست بیکنند احتیاج مین به همیستگی واتحاد دارند . در غرایط فعلی به جزا از تشکل این سازیان یا میگه جهانی اعتیام این مازیان یا میگه جهانی افغانها "کدام آلتزناییف دیگر میسر نیست . برای علی نبودن جنین اورگایزامیون سیم و اینزان فعال و دلاته بندی و تعیید هرافغان جیمات در قدم اول یاک امر خووی جساب میود . کباییکه علاقه بند به تشکل این سازیان باشند برای برفراری ارتباط با ایشان خووت به معلوبات میود . کباییکه علاقه از تعیم تان به آدربرزیر معلوبات دهید خواهران و برادران گزامی – با درك سطالب که در این نامه شاکر رفته یاد آور میشی که در این مرحله خطیر افغانهای که خارج از کشیر يحيراين نامه وارسال يليك نقل برأى أنانيك آدریمشان نژد تا میجود نیست تا را دراین یکارد یکراز معه دوستان خواهشندیم که با دوكورعبة الولى ذكى

وبرهم خواهد خورد . یس. راین مرحله خطیر وغیر تایت بر مزیم امغانستان است که به شعقب سیارزاش که بوای آزاد ی کشیو

است نظر به خاصه انعانها این روسهود علك و تودید قرارگزفته و سوالات زیاد ایشان خلق بیکد . بعقیده من بهتر است در این هود سوالها و برنسیب های زیر را مد نظرگوفت . -آیا اخذ تصبع در مود رفع وضع نعمل و گزفت اینکار از طرف کی بعمل آید؟آیا از طرف یك یا جند دولت خارجی و یا از طرف موشسات مانند موسسه علل شبطه و یا کشام موجع دیگر و یا از طرف خود

واقعا اكر درآغاز طح ريزى اين سازمان تبسط جاركلا كه بين هم نجود آسده باشتد شبيه نجود د متين

- امروز بعیث پرسیب چه طل شحد و جه سالك دیگر همه به این موضوعاعتراف دارند که یگانه راه حل

إقعن اتفاهم وارسيدان بيك تصبم مشترك ازطرف خود افغانها است

محترم احتاد محمد عثمان صدقى



پس از ده سالغونریزی و تباهی ما سکو باین نتیجه رسید که دست ازجنگ برداشته راه خود پیش گیرد و از کشور ما خارج شود ، پلان حمله بافغانستان در ما سکو در یك جلسه خاص شش نفری لیدران بلند رتبه شوروی که از ایشان یکنفر هم زنده نمانده است تحت ریاست برژنف کشیده شده ایشان نه بسابقه نظر انداختند و نه از تاریخ مشوره خواستند، جت و تانك و هیلیکوپتر بغرش در امد و عما كر سرخ از راه زمین و هوا بخاك مقدس ما که فاقد سپه و سلاح عصری بود بحمله آغازگردند، سالاران این حمله عقیده داشتند که آوای عظیم شوروی در ظرف هفت یا هشت هفته کار این سرزمین را یکطرفه کرده انرا با زنجیر تسلط خود خواشند بست ، ده سال در جنگ وخونریزی و تباهی سپری شد و آن قدرت عظیم در شکستن نیروی مقاومت سربازان و طنپرست ناکام گردید، بیست تا سی هزارجوان شوروی در اثر سیاست غلط ما سکو در دشت و دامن در دره ها و وادیهای افغانستان بخون علتیدند و ملیارد ها روبل صرف شندسیل آن مرام بیجا شد، در نتیجه حاصل شان چیزی نبود بجزناکامی و شرمساری،

همینکه حکومتها در سرزمین شوراها تغیر کرده رفت دفعتا احساس شد که زخمی دارند که ازآن خون میچکد باید بان مرحم گذاشت و دست از ویران کاری و تبه کاری برداشت، همان بودکه نگین فرمانفرمائی بلیدری رسید که بلیاس بشر خواهی طوه کرد وجهانیان را موقتا مسحور ساخت، او برین زخم خون آلود ناله کرد،سال ۱۹۸۷ فرصت خجسته و بود زیرا گوربه چف اعلان کو که عساکر خود را از افغانستان بیرون خواهد کرد، اقای الگزاندر پرخانوف (مربوط اتحادیه نویسندگان شوروی) در گازت ادبی شوروی نوشت :

 ا ارسال عسکر بافغانستان چنین عقیده داشتیم که فشار خارجی بی اثر شده و جنگ داظی، خاتمه خواهد یافت و پارتی دیموکراتیك خلق افغانستان باهدف انکشاف مسلی موفق خواهد شده ۱ اما پلان انکشاف وترقی موقع تطبیق نیافت و پارتی دیموکراتیك خلقافغانستانتوانست مقبول همه مردم واقع شود ۰

نسخه تاسیس سوشلزم چنانیکه در مناطق غیر افغانی و غیر اسلامی موشراست در افغانستان بشکل تحقیر عنعنات در امد، جور و تعقیب علمای دین بیشتر شده رفت و مراسم عنعنوی پامال گردید ، مجادله در بین خود پارتی آنرا مفلوج و روح باخته ساخت ، سیاست حکومت کابل تغییر کرد ، مجالس حکومتی با فاتحه و دعای اسلامی شروع گردید ورنگ سبز اسلامی دوباره در بیرق جای گرفت و ستاره سوشلزم بکلی از نشان حکومتی بر افتاد، پارتی دیگر از تشکیل جامعه سوشلستی حرف نزد و از مخالفین سر سخت که در بیرون افغانستان قرار دارند دعوت شد که در تشکیل حکومت سهم بگیرند،

چون ۱هداف سوشلستی بارتی دیموکرات برآورده نشد حضور عساکر شوروی معنی ومنظور خود را از دست داد ، بازگشت عساکر لازمی و منطقی گردید،

آیا ارسال عساکر بدون هیچگونه هدف بود ؟ حقیقت اینست که متخمصان ما سکو در سال ۱۹۷۸ در ارزیابی افغانستان راه غلط پیمودنده ۱۰۰۰ همینکه آخرین فرد عسکر شوروی از کشکی یا ترمید عبور کند ما موضوع جنگ افغانستان را خاتمه یافته گفته صفحه ۶ تاریخ را ورق میزنیم ۰ ۶۶

بازگشت عماکر یونیفورم دار شوروی از افغانستان طبق پلان از ۱۵ می ۸۸ تا فروری ۱۹۸۹ صورت گرفت ولی قوای پنهان روس مشتمل بر متخصصان ٬ صاحب منصبان وکاراً گاهان روسی بلباس افغانی اداره امور را بدست گرفتند که تا کنون همچنان دوام دارد یعنی ماسکو در اخرین ورق تاریخ جنگ افغانستان ضمیمه علاوه کردند که طبق این ضمیمه حکومت کابل را با اسلحه جدید و پول و موادخوراکه پشتیبانی و تقویه میکنند ـ و چنین بوده است فصل اول جهاد ه

فسط دوم جهاد تاسيس حكومت واحدوفسط سوم تشكيلات سياسي٬ اجتماعی٬ حقوقی٬ اقتمادی٬ صحی وعرفانی و امنيتی كشور است ، متاسفانه در بوجود آوردن حكومت واحدهای اقدام ما لنگ گردید، حكومتی ساخته شد كه ازتائید همگان معروم ماند ، بوجود آورندگان حكومت بجای اینكه دست اتحاد بهم داده زمینه را برای انتخابات آینده مساعد بسازند با تصادم منافع شخصی و خودخوا همها روبرو شدند كه این خود ساحه را برای كامیابی دشمنان مساعد ساخت ، وطن و كار وطن ورفع بدبختیهای ملت فرا موش گردید ، حكومت موقت كه می بایست علامه وحدت سیاسی واجتماعی با شد پایمال نفع پرستی گردید و قفیه افغانستان و ملت ببازیچه گرفته شد، لیدران ما در پاکستان وایران معروف جان خود شدندكه اگر جانبازی لیدران جنگی در داخل افغانستان نمیبود دیگر بر مسئله استقلال و آزادی افغانستان دعا میخواندیم ، اگر لیدران جهاد متوجه قسفیه نشوند زود باشد كه جها دوقدسیت آن معنی و مرام خود را ازدست بدهد وما بجای جهاد جنگ داخلی خواهیم گفت وآن ارزشی كه تاكنون برای لیدران جهاد قائل هستیم از دست خواهد رفت ، پس بیدار شویم وبهر قیمتی كه باشد باید

در طقه اتحاد راه ظفیر سبت زیبن حلقه اگریرون شدی بی شعرست زنسهار بسوی شفرقواراهسپوی جنز جاده اجماهدوا همه پسرخطرست

اگر چنین تصور کنیم که لیدران دست اتعاد بهم بدهند وجافر شوند که حکومت درستی تشکیل کنند (نه چنان حکومتی که تشکیل کرده اند) چه باید کوه شود ؟ کار اول انتخاب رئیس موقت است بهر نامی که قرار دهند تا جریان اخور بدور محور خود بسچرخند ، کارعهده رئیس موقت گرفتن ترتیبا تالویه جرگه است تا هرچه زودتر امور حکومت رنگ عمل بگیرد،

فسط دیگر جهاد کمارا باقفایای مهم ومشکل اجتماعی سیاسی اقتعادی روبرو میسازد ، یك شلث نفوس مملکت در سرزمین های پاکستان وایران وغیره درحال آوارگی بسر میبرند ، بازگشت ایشان بوطن بسته باین است که حکومت قابل اعتمادی بوجود آید، در تشکیل حکومت موقت لیدران بزرگ جهاد باید سیم بگیرند و جریان را در زیر نظر ملل متحقرار بدهند، در هنگا میکه عساکر روسی خاك وطن ما را تظیه میکردند بد بینان را عقیده چنین بود که با خروج نفوذ روسیه جنگهای داخلی درافغان متان شروع خواهد شد و لیدران برای حفظ منافع شخصی باهم در خواهدند افستاد، دلیل ایشان عدم اتفاق لیدران بود در گذشته ـ پس وظیفه لیدران است که ثابت کنند مجاهدند ومنظور شان ازجهاد بدست اوردن قدرت سیاسی نیست و مقام شان برتر از آنست و نخواهند گذاشت که پروپاگندهای زهر آگین ایشانرا ازجاده مستقیم منحرف بسمازد ،

بازگشت آوارگان اساس ساختمان افغانستان جدیداست ، متجاوز ازپنج ملیون افغان درحال اُوارگی بسر میبرند و روز شماری دارند تا وقت اَن برسند که بوطن مالوف برگردند، آوارگان در صورتی بوطن برخواهند گشت که بر حکومت اعتماد کنند، قنفایا یکی بر دیگر متکی است ، تا حکومت نباشند نظم و امنیت صورت نمی بندد و بدون امنیت و اطمینان آوارگان حرکت نخواهند کنرد،

وظیفه حکومت است که بازگشت آوارگان را سپل بسازد ومشکلات را از پیش پای ایشان بردارد. درین موضوع همکاری تمام ملت لازم است - برای اینکه آوارگان بدون ترس بخانه های خود بازگردند ما از معازنت به ۰۰ دم و قسدم ۰۰ دریخ نداشسته و همه بدون هیچگونه امتیاز یکی بر دیگر برادر وار معاونت کنیم ، از ملل متحد کمك بخواهیم و خود را برای ساختن افغانستان جدید آماده سازیم ،

در ساختمان حکومت عقل را بر احساس بایت ترجیح داد چه اگر احساس غلیان کند حال ما زار خواهد شد ، سالم وناسالم ٔ شکسته وریخته هسمه ازآن ماست ٔ بانها رسیدگی باید کرد، اگر حس با انتقام توام شود خانه ها خراب و خونها ریخته خواهد شد و هدف عمده جهاد که نظم و امنیت کشور است بدست نخواهد آمد و ما میدان برده را باخته خواهیم بود ،

ترتیب قانون اساسی جدید جمهورت اسلامی افغانستان کا ر مهم دیگر حکومات است ، مواد آن باید با روحیه اسلامی دستگاه های مقننه عصر موافق با شده در طرح جمهوریت اسلامی دستگاه های مقننه علیه واجرائیه باید بوفاحت تعریف گردند ، فرد افغان ازهرنژاد ورنگی که با شد افغان است وهیچیا را بردیگر ازنگاه قانون برتری و تفوق نیست ، در ظرف ده سال تهاجم و تجاوز خارجی بسیار سعی شد که وحدت ملی ما تجزیه شود و از ملت ما ملیت ها بوجود ارند و همان فورمول فرسوده انگلیسی را (تقسیم کن و حکومت نما) بکار بسندند ، ا ما از لطف خدا وندی روحیه اسلامی و افغانی مستحکم بوده و از باد و باران تجاوز گزندی نیافت ،

اصلاح مکاتب وپروگرام های تعلیمی کار بسیار مهمماست که هرچه زودتر بان پرداخته شود، کتب درسی وپروگرامهای وارده از خارج را که با روحیه اسلامی و ملی همنوا نباشد فورا منسوخ باید کرد و با تبلیخ مداوم از مفکوره هائیکه برای مغشوش ساختن فکر جوانان ما طرح شده طوگیری باید نموده اطفال و تازه جوانان ما باید با مفکوره ملت و وطن مجهز شده در راه اسلام استوار شوند ، برهمگان روشن است که در ظرف ده سال اغتشاش و تجاوز کوشن شد که جوانان ما را شست و شوی مغزی دهند وبر عنعنات ملی ما پای بگذارند اما شعایر و نوامیس دینی و ملی قوی تر از سعی دشمن بود، بر تعلیم و تربیه جوانان و نیمه جوانان توجه زیاد لازم است زیرا سرنوشت افغانستان آینده بدست اطفال امروز است ،

در ساحه روابط بین المللی سیاست بیطرفی و عدم انسلاك را باید اعلان كرد تاباردیگر مللعالم برما وسیاست بیطرفی ما بدیده احترام بنگرنده

صدماتیکه بی پیکر وطن ما زده اند از حساب بیرون است ، فرزندان ما شهید² خانه های ما ویران⁾ زراعت ومالداری برپاد فنا رفته است ، اما از لطف خداوندی عزم وهمت مردم ما همچنان درست و شکست نا پذیر مانده است ، ما میدانیم که اشك ریزی برویرانه و وطن موجب خوشنودی دشمن استه و دردهای ما را دوا نمیکند ، ما اصلا فرصت برای فغان و اشك ریزی نداریم ، وظیفه ما بزرگ است ، وظیفه ما بزرگ است ، وظیفه ما عزم ان داریم که دست بکار شویم و برکت را از درگاه ایزدی تمنا کنیم ،

تجربه ده ساله ٔ اخیر با همه تلخیها وناگواریهای آن ما را بیدارکرده و از حرص و آز ابر قدرتهای قرن بیست ویك برهند ساخته است ، اگر ما برای حفظ کشور خود ازین فرصت استفاده نکنیم می تسرسم روزی سیاست های پارینه جهانگیری ابر قدرتها رو گردان شودکه خدا مارااز آن نگهدارد .

ناميجواسير

باغلى محترم نسجيب الله ز

نامه چار صفهیی تاریخی ماه دلو ۱۳۱۸ شما که توسط نامه مورخ ۱۲ اپریل ۱۹۹۰ هیئت نمایندگی دایمی جمهوری افغانستان در ملل متحدیا درس سابق من در مرکز شرق وغرب پوهنتون هوائی فرستانه شده بود بالاخره بتاریخ ۲ ماه می در سان دیاگو بمن رسید ، تشکره

نامه شما از سه بخش عمده' مقدمه ' تجویزی برای طل قضیه افغان ' ودعوت از من برای رفتن بکابل غرض مبادله نظر در باره موضوع افغانستان تشکیل شده است ه

رفستن مین بکابل جنوء عودت ملیونها افغان مهاجر بشمار میرود که از روی دلائل معلوم موقتا ترك وظین کرده اند و با بیقراری منتظر مساعدشیدن شرایط زندگی عادی و مصئون درافغان ستان اند تا بوطن مالوف خود بر گردند ودر اعمار کشور ویران شیده سهم گیرند، بنابران اکنون قرار خوائش شما ازینجا نظر خود را با ارتباط به تجویز شما به ترتیب ذیل تقدیم مینمایم،

در مقدمه نامه که طویل ترین موضوع از موضوعات سه گانه را تشکیل میدهد بر وقایع دردناك وطن از دیدگاه خاص نظراندازی شده است ، لازم نعیدانم در باره آن درینجا بحث کنم ، بنابران در اینجا موقتا با شما همنوا هسستم که میگوئید ۴۰ تصور نمیکنم اکنون موقع آن باشد که روی مسئولیت های این یاآن طرف حرف بزنیم ۴۰۰ ولی میخواهم صرف همینقدر یادآور شوم که آنچنانیکه تجارب نشان داده سوایق در حل موضوعات انسانی تاثیرات فراوان دارد واین تاثیرات وقتی زیاد و شدید میباشدکه ابعاد موضوع مورد نظر زیادتر پیچیده تر ودرد ناکتر شده باشد ،

متاسفانه قفیه افغان امروز همین حالت تراجیدی را الرد بحدیکه ظاهرا شکل لاینطی بخود گرفته است ، موضوع بخاطری لا ینط مینماید که قدرت های خارجی بویژه اتحاد شوروی در موضوعات داخلی افغان ها مداخله نموده وهنوز هم مینماید و در اشر اینمداخله و مقاومت برحق افغانها که حق طبیعی شان است خود و وطن شان در معرض خطر احاسی واقع شده اند چنانچه تاکنون طوریکه شما هم بان مختصرا اشاره کرده اید بیشتر از پنج ملیون شان در وطنهای دیگران و در حدود دو ملیون شان در داخل خاک خود مهاجر شده اند ، بین ۱۲ لک و ۱۵ لک شان در جبهات جنگ کشته شده اند ـ شاید در حدود یکنیملک بندی و ممکن در حدود پنجاه هزار بندی اعدام شده باشد (از جمله معدوم شدگان ومهاجرین افغانها شیکه استعداد وقدرت طبحت احاسی و رهبری داشتند با در نظر داشت خلای سیاسی موجود طور خاص قابل یا دداشت است) ـ ممکن در حدودیک لک انقان معیوب شده با شند مزید بران ازکودتای شور تا حال شم تجاوز شوروی بر افغانمتان بصورت لاقید و از آن ببعد با کمی قید افغانها از احاسی ترین حقوق زندگی خود محروم گردیده بودند بحدیکه در دوره اول نه مصئون بودند و منازل شان بکرات از طرف قوه های امنیتی و اردو تلاشی میشده این حال با علاوه تخریب بیمایقه وطن معمور مان در مجموع به بی اعتمادی تام بر حکومت کابل تمام شد وحکومت از ملت بکلی تجرید گردیده

در عین حال در جبت اپوزیشن هم در دوره مقا ومت تعدا د بیشتر طرف های منظم برای سرنگون کردن حکومت و طرد تجاوز بکومکها بخصوص کومکهای اسلحه و پولی بر قدرتهای خارجی متکی شد ه و قدرتهای خارجی با استفاده از این حال گوشیدند با در نظر داشت منافع ملی خود آزادی عمل تنظیمها را تعدید نمایند، درینمورت عوامل خارجی دیر هردوجهت در قفیه افغان مهمتر شد طوریکه شما هم بان اشاره کوه میگوئید که ۴۰ عوامل خارجی بیشتر از عوامل داخلی در تشدید بحران نقش داشته انده ۱۰ در نهایت موضوع حل قفیه افغان عمدتا از قدرت افغانها خارج شده اساسا بر قدرت های خارجی بسته گردید ، با آنهم طوریکه پشتونها گویند:

که فیر لیوړ دی پیه میر پیې لار شته

نباید مایوس و حتمه دلسرد شـد وباید پیوسته پی طرقٌ حل بحران بود وبگفته خوشحال ختك :

کـه قسمت دی د زمــري په خوله کی ورکړی ۔ د زمري په خوله کی مــه پريـــزده هــمت

ازینجاست که مساعی شما برای جستجوی یك راه طی (قطع جنگ و تشکیل یك حکومت قابل قبول برای کافه هموطنان) که در آغاز سال ۱۹۸۷ بنام ۴۰ آشـتی صلی۴۰ علام نموده اید اکنون قدم های اولی در راه راست بحساب میرود ـ ولی از آنجا که هنوز هم مورد ق ول تمام طرفهای نیدخل افغان واقع نشده معلوم است باصلاحات احاسی ضرورت دارد ، چنانچه شما هم طور ضمنی این حقیقت را قبول کرده پیوسته نقاط اصلاحی دیگری بان میافزائید که اینك شكل آخری آن در این دعوت نامه بشكل نیل ارائیشره است:

۱۹ دولت جمهوری افغانستان نمیتواند که بامید تغییر ذهنیت ها و پالیسی های جانب مقابل در انتظار نشسته و ابتکارات طبح خویشرا باینده موکول کند، بادرك این حقیقت که تامین صلح و دیموکرا می نمیتواند بدون تعدد احزاب و پلورالیزم سیامی بمیان آید ما مصالحه و ائتلاف همه نیروهای افغانی را مطرح نموده ایم ۱۹۰۰

قع ما پیشنهاد کرده ایم که مذاکرات وسیع میان دولت جمهوری افغانستان وتمام نیروهای سیاسی جامعه ما در داخل وفارج کشور که فواستار تامین صلح وقطع جنگ استند آغاز شود، مقصود از این مذاکرات فراهم سافتن زمینه تدویر یك کنفرانس سرتا سری صلح باشتراك همه نیروها میباشد، در این کنفرانس روی ایجاد یك شورای رهبری کشور که از عقائد ونظریات همه نیروها نمایندگی کند موافقت بعمل فواهد امد، کنفرانس سرا سری صلح همچنان یك آتش بسس ششما هه راا علام مینماید که در خلال همین مدت حکومتموقت ائتلافی دا رای پایه های وسیع اجتماعی توسط شورای رهبری و تحت اداره ان تشکیل فواهد شد، شورای رهبری همچنان کمیسیون تصوید قانون اساسی جدید وقانون جدید انتخابات را ایجاد میکند همهنان

** شورای رهبری پس از تائید مسوده های قوانین مذکور لویه جرگه عنعنوی مردم اقفانستان را دعوت مینماید تابر معوده های متذکره غور نموده وانرا به تعویب برساند ، سپس انتخابات ازاد سری مستقیم مساوی و همگانی پارلمانی بر اساس قانون جدید دایر گردیده وحکومت جدید براساس نتایج انتخابات بوسیله حزب و یا ائتلاف احزاب دارای اکثریت کرسی ها در پارلمان تشکیل خواهد شد و اداره امور کشور را بر اساس قانون اساسی جدید بر عبده خواهد گرفت ، ما حاض هستیم تا برای جلوگیری از سوء اعتماد و بخاطر تغمین قانونیت در جریان انتخابات نظارت وکنترول یك کمیسیون بین المللی را بپذیریم هه عواد

** بمنظور طل ابعاد خارجی قفیه جمهوری افغانستان پیشنهاد کرده است تا یك کنفرانس بین المللی باشتراك افغانستان و همسایگانش کشورهای تغمین کننده موافقتنامه های ژنیو روسای جنبش عدم انسلاك و سازمان کنفرانس اسلامی وسایر کشور های نیعلاقه دائر گردد ، این کنفرانس در مرطه نخست بخاطر تقویت آتش بیس در افغانستان روی قطع ارسال همه انواع سیلاح بیطرفین متخاصم بموافقه خواهد رسید و در قدم بعدی کنفرانس مذکور موقف حقوقی جدید افغان ستان را بحیث یك کشور بیطرف دایمی و غیر نظامی که در قانون اساسی جدید نیز تسجیل میگردد برسمیت شناخته و انرا مورد حمایت و تغمین بین المللی قرار خواهد داد، ۶۶

هر افغان که ظرفدار حلل بحران از طریق مذاکره ودیپلوماسی باشد این پیشنهاد را خادیده گرفته نمیتواند، در عین حال یقین است شما هم باین فکر خواهید بود که تجویز شما انچنانیکه است برای تمام جوانب نیدخل قابل قبول بوده نمیتواند ،

پیشنها د بدو سبب اساسی باید مورد توجه قرار گیرد ، یکی اینکه پیشنها د ط مسئله را از طریق مذاکره بین ۶۶ نیر های ذیدظه ۶۰بر طریق نظامی ترجیح میدهد و دیگر اینکه این پیشنها د نظر به تمام پیشنها د هائیکه تا کنون از طرف شما پیش شده است منسجمتر بوده تعداد زیادی از موفوعات را که بحل مسئله ارتباط دارد در بر دارد و در نهایت بر انتخابات سرتا سری و مستقیم استوار است و بدینمورت یك شرط اساسی فیصله بحران مبنی بر اراده ملی را بوره میکند اما طریقه ایرا که برای تحقق اراده ملی تجویز نموههاید این مامول را براورده ساخته نمیتواند و این نقیمه اساسی ان شمرده میشود که بزودی بر ان بحث میشود ،

اکنون حل بحران ازطریق مذاکره بخاطری مرجع شده است که طرقهای درگیر در قضیه طی ۱۹ ماه که از خروج قوای شوروی از افغانستان میگذرد در حال بن بست میباشند ـ راکتها هم بر مردم کابل و هم بر مردم کابل و هم بر مردم اطراف چون فیصاهای کور حواله میشوند و تعداد زیادی از هموطنان زنده و مستحت زندگی با اطبحه های اجنبی از طرف خود افغانها کشته میشوند ، در فین حال امراض گونه گون از قسمی بی نظیر ودر بعضی حصص کشور قحطی زندگی افغانها را تهدید میکند ـ نسل جوان ازمعارف و حتی تحصیل ابتدائی محروم شده است و بگفته انجنیر محمد اسحق ۶۰ ملتی در حال مردن است د

دوام این آراجیدی ملی باید برای هیچ افغان بخصوص آنهائیکه خدمت بهموطنان را شعار ملی و اسلامی خود میدانند بیشتر از این قابل قبول نباشده البته اپوریسیون یا دست کم قسمت عمده و اسلامی خود میدانند بیشتر از این قابل قبول نباشده البته اپوریسیون یا دست کم قسمت عمده آن بنا بردلائلی هنوزهم بمذاکره با حکومت کابل ها فر نیست و پیشنهاداتیرا که شما ازتاریخا علام سیاست بنام ۱۰ آشتی ملی ۱۰ تقدیم نموده اید در اعلامیه های خود رد کرده وحتی عده ای صریحا بحل نظامی قفیه اصرار دارند ، محمد ظاهر شاه شاه سابق که قرار سروی ذهنیت مرحوم پوهاند سید بها والدین مجروح یگانه شخصی است که از حمایه کافه افغانها برخوردار میباشد میگوید ۱۰ تحمیلی کمونستی نظام لا هم په کابل کی باقی دی ۱۰ شاغلی صبغت الله مجددی رئیس حکومت موقت با الفاظ صریح بدوام مبارزه نظامی اصرار دارند و میگویند ۱۰ ما هرگز با دوگروه کمونست خلق و پرچم تحت هیچگونه شرایطی ائتلاف نخواهیم کرد بلکه با عمال فشار وتشدید مبارزه نظام کمونستی را در کشور خویش سر نگون خواهیم ساخت ۱۰ در حالیکه استاد برهان الدین ربانی امکان حل سیاسی قفیه افغانستان را ۱۰ سازش با کمونرم ۱۰ میخواند ،

پس طوریکه دیده میشود اختلاف بین موقفها بنیادی است و این یکی از اساسی ترین مشکل دوگانه در راه حل موضوع از طریق سیاسی بشما رمیرود، و شکل دوم مداخله قدرتهای خارجی درا مور داخلی انگرین کم مرددی بران بحث مرکزرد.

درینهال باید چه کرد ؟ موقف شما واضع است که میگوئید ، و دولت جمهوری افغانستان نمی تواند با مید تغییر ذهنیتها و پالیسیها ی جانب مقابل در انتظار نشسته ابتکارات ملح خویشرا به آینده موکول کننده و براستی هم با درنظرداشت دوام بحران وعواقب خطرناك آن اکنون بیشتر از هر وقت دیگر جستجوی راه طل از راه عدالت و سیاست لازمی شده است ، بن بست دوامدار کراکتهای کور کم بی اتفاقیهای آفتابی بین سران اپوزیشن شراجیدی های دلخراش تورخم کرفار وامثال زیاد آن عیصله قفیه را از جبه جنگا بمیز مذاکره و از قوماندان حزبی بمرکز سیاسی انتقال است ، پا فشاری بر حل قفیه صرف از راه افغان کشی و برادرکشی اهمیت و انجذاب خود را ازدست داده است ، امام خمیشی ایران علی الرغم موقف سخت خود در برابر عراق بالاخره بمذاکره حاضر شد ، پیغمبر اسلام حضرت محمد (ص) این روش را با پیمان حدیبیه سیزده ونیم قرن پیشاز امروز برای مطمانان سر مشق گذاشته است ،

اما ممکن نیست ۱۰ ابتکارات صلح ۱۰ شما و یا ابتکارات صلح مشابه ازهرطرف دیگریکه پیش شدود بدون همکاری تمام جوانب نیدخل و موثر ملی امکان عملی پیدا کند / طوریکه جنگ قطع گردد و حکومتی بر بنیاد قاعده وسیع بعیان آید» و امر اعمار کشور ویران شده اغاز گردد، درغیر این نوع همکاری و آمادگی برای همکاری طوریکه شاه سابق بحتی گوید ۱۰ زمونز د هیواد له منطقوی او بین المللی بعد نه را پیدا شوی جریانات د دامی خطر شکارندوی دی چی که افغانان بخپله به ابتکار گوتی پوری نکیری ۱۰ شای معالج بی شه چی حتی د افغانستان بقا د بین المللی او منطقوی گنو تابع شی ۱۰۰۰

برای اینکه ۱۰ ابتکارات صلح ۱۰ شمااساس مذاکره شده بتواند باید بحدی جامع گردد که ممثل واقعی دست کم بیشترین افغانها شود، بفکر من توقعات مردم کقطع جنگ تشکیل یك حکومت ملیا سلامی بدون آنکه اینطرف یا آنطرف یا قدرتهای خارجی در آن اعمال نفوذ کند کیعنی در کمال آزادی مرجعا تحت نظارت موسعه ملل متحد ویا کدام هیئت دیگر بین المللی قابل قبول برای طرف های نیدخل بمیان آید ، برای تحقق این مامول حتمی است که قدرتهای خارجی با انصراف از اعمال نفوذ در قضیه افغانستان زمینه آن را مساعد سازند تعدیلات لازم در ۱۰ ابتکارات صلح ۱۰ شما آورده شود و ملل متحد پروسه تشکیل حکومت را نظارت کند ،

در قسمت زمینه سازی عملی حتمی است که قدرتهای خارجی اصل حاکمیت ملی افغان را که در گفتار های خود بان اعتبراف دارند در عمل بپذیرند، قدرتهای ذیدخل در قضیه افغانستان به دییگو کوردوویز سابق معاون سرمنشی ملل متحد حین امضای توافقات ژنیو در اپرایل ۱۹۸۸ چنین وعده هم داده بودند، طوریکه کردوویز در یکی از مقالات خود در واشنگتن پوست (۱۲ اپریل۱۹۹۰) مینویسد، ۱۰ در ژنیو تمام انها ئیکه در مذاکرات اشتراك کرده بودند بکرات بمن گفتند که بعد از خروج قوای شوروی افغانها مجال آن را خواهند داشت که از حق سلف دیتر منیشن خود آزادانه استفاده کننند ۱۰۰ شاید نقش اتحاد شوروی درینمورد بیشتر از هر کشور دیگر باشد ، اتحاد شوروی باید بر طبق قوانین بین المللی بخصوص توافقات ژنیو که خود یکی از تغمین کنندگان دوگانه ان است در قسمت زمینه سازی باقدامات مشخص ذیل بپردازد ،

سرحد مشترك خود با افغانستان را بحيث سرحد بين المللى در رفت و شد افراد وانتقال اموال و غيره عملا احترام نمايد _ تعداد دپلوماتهاى خود را در كابل كه به تخمين مارك فريمن نماينده لاس انجلس تايمز در كابل (ه جون ١٩٠٠) در حدود ٥٠٠ نفر ميبا شد اگر با پرسونل افغانى در ما سكو برا بر نميسازد دست كم متعادل سازد _ تعداد تبعه خود را كه بنام ٤٠ مثا ورين ٤٠ در موسسات ملكى و نظامى در كابل وساير شهرها وبعفى موسسات ديگر بين سه هزار وچارهزار تخمين شده اند تقليل دهد وتعداد اعلى باقيمانده را يا خود يا حكومت كا بل اعلام نمايده تقليل انها به علتى لازمى است و خساره وارد كرده نميتواند كه بخدمت انها هم بخاطر محدود بودن پروژه هاى انكشافى و هم به سبب مخالف بودن افغانها با انها ضرورت احساس نميشود ، معكوسا وجودانها با اينقدر تعداد زياد انهم در شرايط موجود هر افغان را باين فكر مينمايد كه انها حتما كدام مطلب خاص يعنى مطلب خلاف مصالح ملى افغان را تعقيب مى نمايند و در صدد آنند كه وقتى پروسه مطلب خاص يعنى مطلب خلاف مصالح ملى افغان را تعقيب مى نمايند و در صدد آنند كه وقتى پروسه مشكيل حكومت آغاز مى يابد بنفع حكومت كابل و شوروى اعمال نفوذ كنند ،

اتفاذ این اقدامات از طرفشوروی بدون شك تا شیرات فراوان در قسمت زمینه سازی طل قدهیه از راه مذا كرات خواهد داشت ، از جمله در دو ساحه ذیل تا شیرات آن فوری و نهایت اساسیخوا هدبود. (الف) جمهوری پاکستان با اتفاذ اقدامات مشابه تشویق و اما ده خواهد شده بدون شك اتفاذ اقدامات مشابه از طرف اتفاذ سرای مساعد شدن زمینه طل قفیه از راه مذا كره ودپلوماسی باناندازه مهم است كه از طرف اتفاد شوروی مهم میباشده در صورتیكه شوروی باقدامات فوق الذكر ببردازد پاكستان هم باحتمال غالب بان خواهد پرداخت ، اگر چنان نكرد غالبا با فشاریكه ازطرف افغانها و كشور های دیدظ بخصوص امریكا و عربستان سعودی بران وارد خواهد امد تن خواهد داده اگر اینیم موشر واقع نشد درینصورت شوروی میتواند اتفاذ اقدامات خود را درزمینه با تفاذ اقدامات مشابه از طرفه پاكستان مشروط كننده اما انكشافات سیاسی اخیر نشان میدهد كه اقدامات سایر كشور ها درواقع عكس العملی در برابر پالیسی های شوروی در افغانستان میباشده بنا برآن استنتاج شده میتواند كه اگر شوروی باقدامات فوق الذكر ببردازد پاكستان به پیروی از آن باقدامات مشابه خواهد برداخت ، اگر اینچنین میشود گویا نسخه قفیه حل شده خواهد بود و این به سبس



NATIONS UNIES

POSTAL ADDRESS—ADRESSE POSTALE UNITED NATIONS, N.Y. 10017
CABLE ADDRESS—ADRESSE TELEGRAPHIQUE: UNATIONS NEWYORK

EXECUTIVE OFFICE OF THE SECRETARY-GENERAL CABINET DU SECRETAIRE GENERAL

REFERENCE

29 May 1990

Dear Mr. Hashemeyan,

On behalf of Mr. Giandomenico Picco, I would like to acknowledge receipt of your letter dated 7 March 1990 to which you attached a copy of the Peace Plan for Afghanistan.

As you are aware, the Office of the Secretary-General in Afghanistan and Pakistan (OSGAP) is involved in the search for a comprehensive political solution to the Afghan problem. Let me assure you that your Proposed Three Stage Peace Plan has been brought to the attention of Mr. Picco.

Yours sincerely,

Aleksandar Martinovic Political Officer Executive Office of the Secretary-General

Mr. Sayed K. Hashemeyan Afghanistan Mirror 5379 Granada Street Montclair, CA 91763

که نقش این دو کشور در حل قسفیه بخصوص هم میباشد چنانچه کوردوویز در مقاله یادشده ۶ خود گرید ۱۰ (حل قفیه افغانستان) مورت نگرفته به سبیکه توافقات ژنیو نه تنها خروج قوای شوروی بلکه فاصله گرفتن کامل بین المللی را در نظر داشت تا افغانها را قادر سازد که اختلافات ذات البینی خود را رفع کنند مثلیکه این کار را در گذشته چندین مرتبه اجرانموده اند ، اگر اینچنین میشود دلیلی وجود ندارد که مسئله افغان از طریق مذاکره ممکن نشود، ۶۰ (ب) اتخاذ اقدامات مشخص از طرف شوروی که در بالا تذکار یافت بحکومت شما هم اعتبار خواهد دالله حكومت شما مطما تا كنون از أعتبار و مشروعيت برخوردار نيست .. علت انهم وأضع و اين است که بعد از تجاوز شوروی بر افغانستان حکومت کابل بزور و قوه نظامی آن بمیان آمد افغانها هردو کار را منافی حقوق اساسی و اصل حاکمیت ملی خود دانسته علیه آن رزمیدند ، هرقدرکهقوای نظًا مّی شوروی در جنگه با آفغان ها در گیر شد بهمان آندازه حکومت کابل بی اعتبار تر و آز مردم تجرید ترِ شند ، معکوسا با بیرون شدن قواِ ی نظامی از این قطبیت واضحا کاسته شند بحدیکه سعد از آن بخصوص در این وقتها جبهات جنگ دیگر باندازه سابق حاد نیست و در دهنامیزم جنگ و ا پوزیشن کا هش محسوسی رونما شده است ، در این میان اقدامات که در کابل جمعا بنام ۱۶ آشتی ملكي وو ياد ميشود تاشير وارد نمود ولي برفع بحران طور اساسي كومك نكرد و گمان انهم نمي رود ، علت آن هم سابقه حکومت و هم اینست که آشعاد شوروی افغانستان را هنوز هم کا ملاترك نکرده؟ اتحاد شوروی علی الرغم بیرون کشیدن قوای نظامی خود از راه مشاورین و سفارت نهایت بزرگ و ا عطای انواع اصلحه های پیشرفته تر به پیمانهبیشترانسابق هنوز هم برحکومت کابل مسلط است ، موشر ترین کاریکه اتحاد شوروی برای رفع تشویش بر حتق افغانها نموده وزمینه حل قضیه افغانستان راً از طُرِيق سياسي مساعد سأخَّتُه ميَّتوانَّد هماناً اتخَّاذ اقدامات است كه درَّفوق نكر گرديد ، افغانها ِ در اظهار این تشویش حتق بجانب اند ، شوروی که یك ابر قدرت است بفکر اینکه سرحدات جنوبی آن نا مصنون بود برافغانستان تاخبت ، افغانها اکنون با این تجربه تلخ وبرخوردهای خونینی که با قوای شوروی نموده اند و در حالیکه شوروی هنوز هم به ترتیبیکه گفته شد بالای رژیم مسلط است چطور از آینده 'استقلال کشور و حاکمیت خود مطمئن شده میتوانند ؟ اکنون که علایم فیصله در حال ظهور است وپیشنها دات ملح برخی ازآن را تشکیل میدهد اتفاذ اقدامات یا د شده ضروری شده بغرر حکومت شما هم تمام نمیشود زیرا که خود شما میگوئید که ۶۰ قوای مسلح ما از هر زمان دیگر نیرومند تر بوده و قابلیت رزمی خود را طی یکسال دفاع مستقلانه دربرابر تها جمات بزرگا و وسیع قوای مشترک افراطیون قطعات اردوی یا کستان وا جیران وهایی سعودی به اثبات رسانیده اس^{ت ه ۱۶}۰

مساعد شدن زمینه حل قفیه از طریق سیاسی طوریکه در بالا بان اشاره شد بمعنی این خواهد بود که تمام نیروها و طرف های نیدخل داخلی که در سیاست ملی تأثیر دارند مذاکره باهمی را بحیث اصل قبول نمایند ، شاید بعغی طرفها هرگز حاض بقبولی این اصل نشوند ، اما اگر در پیشنهاد فوق شما و یا هر پییشنهاد دیگریکه باین منظور پیش شود اراده ملی افغان با تطبیق دقیق اصل حاکمیت ملی تحقق یافته بتواند با حتمال غالب از حمایه کافی افغانها وهمچنان از حمایه امریکا و شوروی برخوردار خواهد شد ، درینحال فیصله از روی کدام پیشنهاد یا تجویز مشکل نخواهد بود زیرا که افغانها از انجا که بحیث یک ملت دینامیک و تاریخی از کانوشنها؛ عنعنه ها وکولتور غنی برخوردار اند و بخصوص در گوندیماری (سیاستبازی) غنیاند، در ط قنفایای متنازع فیه ماهر میباشند، حکومت (یا دولت) هم اساسا نتیجه مقاوله طرفهای ذیدخل دینامیک است ، اما پیشنهادات هرچه واز هرجانب باشد از آنجا که بحران افغان بسبب خونریزی های زیاد و تشدید بی اتفاقی ها و تفاد ها و همچنان بسبب ذیدخل شدن قدرتهای خارجی دارای ابعاد مستعدد شده خاک آن در دو مرطه از هم متمایز که در پیشنهاد شما هم آمده است ، مطحت خواهد بود « مرطه موقتی (عبوری یا انتقالی) و مرطه دایمی ،

در مرطه موقتی میکانیزم و طرز عمل فیطه و در هرحال سلوك طرفها طوری باشد كه آهسته آهسته فضای اعتماد وهمكاری را بعیان آرد تا در نتیجه آن ظرفها روحا بقبولی مذاكره باهمی و فیصله با رقیبها و اپوزیسیون آماده شوند ، فضای نو خوش بینی كه در سطح جهانی پدیدارشده یقینا كه بر موضوع افغان تاثیر مساعدی وارد خواهد آورد، موفقیت مرطمه موقتی موفقیت مرطمه دومی را در بسطن خود دارد .

پیشنها د شما بنظر اینجانب طوریکه پیشتر تذکار یافت خوب منسجم بوده عناصری را در بر دارد که باید در طل موضوع موثر باشد ، اما در اصل بر اساسی استوار است که از روی چاردلیل نیل بحیث اساس مذاکره قبول شده نخواهد توانست :

- ا ول پیشنها دمسوقف حکومت شما را بر موقف ا پوزیسیون ا مستیا ز میدهد ،
 - دوم پسیشنها د در یك نقطه برا صل حاکمیت ملی استوار نیست ه
- سوم چون در پیشنها د حکومت موقتی در مرطه عبوری باید ۱ ز ۴۶ نیروهای ۴۴ مخالف تشکیل شده باشد ∕اینحال فضای سیاسی را عوض انکه برای رسیدن بمقصد نهائی مماعد سازد محتمل حاد خواهد ساخت ه
- چارم مزیدبران چنان یك قوه بیطرف بین المللی در آن پیشببنی نشده است که از شروع بروسه مرآن مِرْمُ الْطَارِبُ لَمَد -

۱ ـ بیشنها د به سببی موقف حکومت شما را بر دیگران معتاز میحازد که حکومت شما تا بمیان امنن حکومت موقت در کابل پابرجا خواهد بود و قوای چند بمحدی نظامی (اردوا ملیشا خاد' گارندوی و جویزجانی) و همچنان محاکم در دسترس آن خواهد بود ، این حال کم و بیش بعد خاد تا بیس حکومت موقت هم بهمین ترتیب خواهد بود ؛ در حالیکه محاکم و قوه های چند بُعدی نظامی بخومی خاد (یا واد) که در واقع پایه و محور اصلی حکومت کابل میباشد اصلا مرکباز عناص و هواخواهان سر بفرمان حکومت میباشد و هیچ تصور نمیشود که خاد با سابقه افغان کشی و شوروی پرستی که دارد و اکنون هم کی، جی، بی ، برآن محتولی میباشد و بیطرف مانده بتواند ، اگر شما واقعا مسمعم باشید قضیه افغان از طریق سیاسی حل شود وبیشنها د شما از طرف اپوزیسیون بحیث اساس مذاکره قبول شود باید دستگاه خاد از بین برود، خادیست ها شاید استدلال کنند که وجود یك دستگاه و بای استخباراتی و آنچنانیکه در سایر کشور های منطقه جیز و حکومات این منسطق غان درست معلوم میشود ولی اکنون حتمی شده است که عوش خاد بنان دستگاهی بموافقه شده کدر افغانستان هم وجود این چنین دستگاه برای خظ امنیت کشور ضروری شده است ، متاسفان عبر بایش مسلود و باید در برابر باشد باشد به بودجه آن صعین و صرف از خود افغانستان باشد ، امور آن طور منظم ازطرف محاکم طرفهای نیدخش و یا از طرف حکومت موقت بمیان آید که متشکل از کندرهای پروفیشنل غیر متعهد علی یا قوه مقتند انخفایی وارسی شود — و در هرحال وظیفه آن خط صعونیت ملی در برابر معونیت ملی در برا می در نرع اصل اخان می در برابر می در نرع اصل استخبار تا خراب سیاسی تبدیل نام حزب رسمی واعلد تمام ملکیت های ضبعی که قرار شایعات شکل آخری و آشتی مسلی و میباشد بدون الغای خادمفهوم وارد آوردی هر نرع اطاحات تازه بشمول متعدد بردن احزاب سیاسی تبدیل نام حزب رسمی واعلد داشته نمیتواند کریرا صرف نظر از سابقه غیر قابل عفو آن قرار گفته استاد سمندر غوریانی داشته نمیتواند کرون فراد کامل در حکومت بروجود امده در درکیب تا متواند فراد کامل در محکومت میتود فقط با یک اشارت ترکیب تا متواند فراد کرون اخرا سامل که و و هر به سببی که و و علاه بر ترکیب تا متواند فراد فراد نماند ترکیب با متواند از محکومت بروجود امده کرون در مقایسه با توانعندی آنها اساما هیچ است ۱۰۰۰۶۰

٢ ـ شما در پیشنهاد گفته اید که کنفرانس بین المللی ۴۰ موقف حقوقی جدید افغانستان را بحیث یك كشور بیطرف دایمی و غیر نظامی كه در قانون اساسی جدید تسجیل میگردد ؟ برسمیت شناخته و آنرا مورد حمایت و تفمین بین المللی قرار خواهد داده ۱۶۰۰ چنان فهمیده میشود که شما پیشاز پیش فیصله کرده اید که افغانستان باید ۹۰ بحیث یك کشور بیطرف دایمی و غیر نظامی۹۰ در آید و کنفرانس بین المللی این حالت را ۴۰ مورد حمایت و تسفمین ۴۰ قرار دهند، اگر این چنینمیشود وَ افغانستان غَير مسلحَ ء ۗ مورد حمايت ٤٠ كَثور ها مَنْحمله كَثور هاى همسايه قرار ميكَيرد أفغان ستان برای اید بیك مستعمره و كشور اسیر تبدیل خواهد شد ، آین نظر بنا بران منافی صریح حاکمیت ملی افغان است ، علاوه بران آیا غیر مسلح شدن افغانستان در حالیکه با کشور های بمراتب پر نفوس تر و قوی تر محاط است و این کشور های مجاور با انواع پیشرفته ترین اسلحه ها مجهز مُیّبا شند اَنتَخَارَ مَلیّ نخوا هد بود ؟ مَسلما در صورتیکّه افغانستآن غیر مسلح گردد و ۶۰ مورد حمایت ۱۰ دیگران واقع شود استقلال و حاکمیت ملی صرف بنام موجود خوا هد بود ، شواردنازی هم در پیشنهاد ده فقره یی خود که بتاریخ ۱۵ فروری امسال پیشکرده است مثل شما غیر نظامی ساختن افغانستان را تجویز نموده است ، البته هدف شوروی در باره افغانستان واضع است ، شوروی نتوانست باقوه نظامی افغانها را خلع سلاح ساخته زیر تاثیر خود قرار دهند ، اکنون بنام تفعین سین المللی میخواهد عین همان همدف را براورده سازد در حالیکه بر تضمین بین المللی هیچ ا عتبار شده نمیتواند و آیا شوروی هشت سال تمام بغیصله های مجمع عمومی ملل متحد مبنی بر اینکه قوای خود را از افغانستان خارج سازد گوش داد ؟ آیا افغانها تجاوز شوروی را بااطلحه و عزم آهنین خود از وطین طبرد نساخت؟ پس در حالیکه دیگران مسلح باشند افغان های هنوز هم قویتر ∕مسلحتر وهم بسته تر یگانه ضا من استقلال حاکمیت ملی و زندگی پر افتخار اند ویس ه در هرحال موضوعات اتخاذ موقف بيطرفي / غير نظامي شعف النظامي شعدن و امثال آن از صلاحيت قانوشی و حقوقی خود مردم افغانستان است که در صورت لزوم دریعه نمایندگان با صلاحیت وانتخابی خود آنرا مورد بحث ونظر قرار خواهد داد نه اینکه کنفرانس بین المللی و یا کدام هیئت دیگر خارجی حق و صلاحیت بحث و فیصله برآن را دارد ه

۳ - در صورتیکه قرار پیشنها دشیما حکومت موقتی از طرف ۴۴ شورای رهبری ۴۰ مرکب از ۴۰ تیمام نیروهای سیاسی ۴۶ بمیان آیسد این حکومت نه اینکه در مورد تشکیل آینده ملی بیطرف نخواهد ماند بلکه از عهده مساعد ساختن فغای سرد و آرام برای رسیدن بفیطه نهائی برا مده نخواهد توانست ، تشنجات و کشمکشهای جدید و شدید دا منگیر آن خواهد شد، درینصورت احتمال بروزوقائع ناگوار که اکنون پیشبینی شده نمیتواند میرود که ممکن تمام پروسه فیمله با می را عمیقا متاثر ساخته و شاید هم از بین بسرد، برای اینکه از این احتمال جلوگیری شده باشد بهترخواهد بود حکومت عبوری در مرحله انتقالی قرار تجویز کوردوویز یا کدام تجویز مشابه دیگر بمیان آید که امکان استکاك در آن بحد اقل بساشد، کوردو ویسز در تابستان ۱۹۸۸ برای تشکیل یك حکومت مرکب از عناصر عبی مبنی بر پایه های وسیع پیشنهاد کرده بود که در دوره انتقالی حکومتی مرکب از عناصر غیر ضنعهد اما وارد در کشور داری بمیان ایسد، معنی این تجویز این بود که حکومت کابل جای خود را باین حکومت واگذارد وخود مثل طرفهای دیگر در انتخابات سهم گیرد، چنان فهمیده میشود

که پیشنهاد شما بر مادل نیکاراگوا ساخته شده باشد ، بدون شک پلورالزم سیاسی وسیستم
پارلمانی ان قابل تائید وبرای افغانستان هم مصلحت وضروری شده است ، ولی از انجا که بین
سوابق ساندنیست وحزب ظبق کابل تفاوشها فراوان است و از انجا که شوروی بحیث همسایه تجربه
شده ۶ بی اعتبار و مغرض در بدیوار هنوزهم بر حکومت کابل مستولی میباشد مادل نگاراگوا
تا جائیکه بحزب رسمی و رژیم کابل تعلق میگیرد د رافغانستان عملی و قابل قبول نخوا هدبود،
در هر حال حکومت موقتی برطبق پیشنها د کوردو ویز موظف خوا هد بود مقدمات تشکیل حکومت ملی را
مساعد سازد ، چون اعفای هیئت رئیسه حکومت موقتی قرار تجویز در حکومت اینده ملی شامل
نخوا هندبود این حکومت بحیث عامل وسیط بنابران صادقانه خوا هد کوشید با حفظ بیطرفی و باهم
کاری وموافقه سران طرفهای ذیدخل با استفاده از کانونشنهای متداول از قبیل جرگه ها کمیسونها
و قانون اساسی جدید بالاخره حکومتی را مبنی بر انتخابات سرتا سری سری ومستقیم بمیان ارد و
بعد ازان خود محترمانه الوداع نماید ، البته حکومت موقتی موظف ومکلف خوا هد بود که برای
مساعد ساختن زمینه مساوی فعالیت برای تمام طرفهای ڈیدخل بخوشد و در شهرها واطراف چنان شرایط
مساعد ساختن زمینه مساوی فعالیت برای تمام طرفهای ڈیدخل بخوشد و در شهرها واطراف چنان شرایط
مساعد ساختن زمینه در ان برای تمام طرفها بموجب مقررات و نظارت موشر ملل متحد فرصت فعالیت
مساوی میسر باشده

٤ ـ در پیشنها د شما چنان قوه بین المللی پیشبینی نشده است که تا تشکیل حکومت ملی بر پروسه فیطله سیاسی نظارت کند در حالیکه بدون وجود اینچنین قوه مرجعا قوه ملل متحد شا پید فیطله سیاسی ممکن نشود ، شما کنفرانس بین المللی مرکب از کشورهای دیدخل وعلاقمند پیشنها د کرده اید ولی اینچنین کنفرانس نمیتواند مسائل حاد و جنجالی از قبیل اتش بسس قظع اسلحه به جوانب متقابل وغیره را در دوره انتقالی طور موشر نظارت و حل کند ، در شرایط موجود تنها قوه ملل متحد در این نوع موضوعات تجربه و سابقه دارد مورد احترام و اعتبار صلل است ، ویمورت خاص موضوع افغانستان ازجمله ۱۰ جندا و مسئولیت آنست ، متعاقدین توافقات ژنیو دیپگو کوردو ویز را مامور ساخته بود برای تشکیل حکومت دارای پایه های وسیع مساعدت بخرچ دهد ، از همکاری و حمایه خود با و وعده داده بود، کوردو ویز برطبق این وعده ها باطرفهای دیدخل در قضیه مذاکره نمود ویا لاخره پیشنها د جامعی پیش نمود که اگر عینا مورد قبول واقع نمیشد کم از کم اساسی برای مذاکره شده میتوانست ، بیشن نشد ایخاطریکه سران/وز تنظیمها اهمیت آنرا درك نکردند و اتحاد شوروی ویا کستان برخلاف توافقات ژنیو وهم برخلاف تعیدات خود که بکوردو ویز داده بودند در موضوع افغانستان بیشتر از پیشیدخلشدند ، اما پیشنها د هنوز هم برجای خود دارای اعتبار است ، تاکنون هر بیشنها دیکه در زمینه پیش شده است باندازه پیشنها د کوردو ویز واقعبینانه بیطرفانه و موافق بشرایط افغانستان در حالات موجود نبوده است ،

. في اخير رئوس مطالب اينجانب در قضيه افغانستان خلاصه ميگردد .

اول ـ قدرتهای دیدخل خارجی بخصوص ا تحاد شوروی و امریکا در حالیکه در بسیاری از موضوعات بزرگتر جهانی با هم به تفاهم و حتی موافقه نزدیك شده اند در قفیه افغانستان همچنان راه مشترکی اختیار کنند که افغانها در نتیجه آن مجال آنرا پیدا کنند که بر طبق اصل حاکمیت مشترکی اختیار کنند که افغانها در نتیجه آن مجال آنرا پیدا کنند که بر طبق اصل حاکمیت ملی به تشکیل حکومت و زعامت مشترك سیاسی نائل آیسنده اتحاد شوروی و پاکستان درینمورد نقش دیاد تری بازی کرده میتوانند ، آین بنفع آنها هم خواهد بود که در افغانستان آرام یك حکومت مستقل ملی حاکم باشد ، افغانستان نارام یا افغانستان متکی بر یکی آنها و یا حاکمیت آنارش دانری در وی برخوی بلخاظ انارش دانید در درون سرحدات آن مقید شده نمیتواند چنانچه بحران موجود هم آنها راسخت متاثر ساخته است اما آگر یا شوروی یا پاکستان و یا هردو با درنظرداشت بی اتفاقی افغانها آمیدوار بسط تسلط از راه طرفهای خاص خود باشند لازم است آینرا در نظر گیرند که طرفهای خاص آنها از اعتماد صلی بهره مند نخواهند خود باشند لازم است آینرا در نظر گیرند که طرفهای خاص آنها از اعتماد صلی بهره مند نخواهند شد مثلیکه حزب اسمی ورژیم کابل نشد ، استقلال طلبی چنان تمایل قوی سجیه و عنعنه افغان شد مثلیک میدهد که اکنون اتحاد شوروی هم بعد از تجربه مقابله نهایت سخت با آنها به آن اعتراف دارد و طوریکه نماینده یا نطاق آن گراسیموف گفت شوروی هرگز بار دیگر بافغانستان قسوه نظامی نخواهد فصرستاد ه

دوم - چون سران طرفهای متعدد افغان در مورد تشکیل حکومت موافقه نکرده اند و درینمورد حتی علایم اتفاق و ائتلاف و دور نمای ان هم دیده نمیشود و از انجا که افغانها بحیث یك ملت بمشکل ترین مفیقه حیات از ناحیه جنگ گرفتار شده اند و از انجا که احتمال دارد حاکمیت ملی واستقلال افغانستان تحدید و حتی طب گردد باید انها با سرمنشی ملل متحد همکاری کنند تا حکومتی به نظارت ملل متحد با رعایت کامل اصل حاکمیت ملی و بدون تاثیرات خارجی در فغای ازاد ودموکرا سی بمیان اید ، در عین حال از انجا که حکومت کابل اصاسا با قوه نظامی شوروی بریا شده صرف بر شهر ها و اطراف مجاور ان انجم به اتکا او قوه خاد حاکمیت می نماید و درینقدر میرجرقدرکه از کشتار دسته جمعی و انفرادی و اختناق سخت و از مدتی از سیاستی بنام ۱۹ اشتی ملی ۱۰ گارگرفته مشروعیت و قانونیت کسب نکرده باید مانند اپوزیشن غرض بمیان آمدن یك حکومت قانونی ملی با سر منشی ملل متحد همکاری کرده قبول کند که پیش از آغاز دوره انتقالیجای خود را بحکومت موقتی و منشی ملل متحد همکاری کرده قبول کند که پیش از آغاز دوره انتقالیجای خود را بحکومت موقتی و میگذارد، تنبا با و حاطت ملل متحد خواهد بود که خود مردم افغانستان از راه انتخابات سرتا

سری قضیه را رفع کنند، در غیر آن ممکن گذشت زمان مخالفتها و دشمنیهای طرفین را شدید تر و حل قضیه را هنوز هم مشکلتر نماید، چنان معلوم میشود که اینراه و یا کدام راه مشابه دیگر بالاخره راه حل قضیه افغان با شد، اما پیش از انکه وطنی ویران هنوز هم ویرانتر وهموطنان مصیبت زده هنوز هم مصیبت زده تر شوند َ و بنابران قضیه پیچیده هنوز هم پیچیده تر گردد ُ به آن اقصدام نعود، عقل طیم همین را تقاضا صبیکنند ،

دخیل ساختی بیشتر ملل متحد درپروسه بعیان آوردن حکومت به سببی مهمتر شده است که ملل متحد بنا برماهیت خود غرض خاص در باره افغانستان ندارد ویا آن کشور های علاقمند بخصوص کشور های همسایه در بدیوار مطمهٔ شن شده میتوانند که همیچیك طرف افغان علیه هیچیكی آن تحریك و یا استعمال نخواهد شد ، این حال حساسیت بین المللی بخصوص حساسیت کشور های مجاور را تا درجه آخری ممکن کم نموده امکان استقرار حکومت را بیشتر خواهد ساخت ، علاوه بران بملل متحد موقع خواهد داد که در موضوع مهم بعدی یعنی در باره اعمار مجد د افغانستان ویران شده سهم اساسی بگیرد، و برای عودت بیشتر از پنج ملیون مهاجر با جلب کومکهای پولی از سائرکشور ها وحتی وسائل و ممکنات لازمی فراهم نماید ، همرقدر که موسعه ملل متحد درینمورد دخیلترمیشود بهمان اندازه حساسیت کشور های نیدخل کمتر شده بخیر و صلاح افغانستان تمام خواهد شد ،

سوم ـ طرزالعمل ها و طرق بمیان آوردن حکومت ملی در صورتیکه طرفهای ذیدخل خارجی و داخلی برای آن مصمم و آماده باشند هیچ مشکل نخواهد بود، اما در صورتیکه طرفهای ذیدخل افغانی برای بمیان آوردن حکومت بین خود موافقه و آمادگی نشان ندهند و درینموضوع مصالح علیای مملکتی و ملی را فوق ملاحظات خاص گروهی و شخصی خود قرار ندهند و ممکن نیست بحران موجود رفع شود و هیئت های رئیسه طرفهای فیدخل و در واقع هر افغان انفرادی صاحب نظر وحساس درینمورد بدرجه اول مسئولیت دارند ، این سادگی خواهد بود که فکر شود دیگران نسخه ای غرض رفع بحران ما بیغرضانه مهیا و تقدیم خواهد نمود، اینهم غرور بیجا خواهد بود که از کومك لازمی دیگران درین حال مصیبت ملی وانسانی خود را بی نیاز دانست ، تا کنون نسخه های متعددی از هر طرف درین حال مصیبت ملی و انتخابات یکطرفه و تقدیم شده ولی هیچیك آنهم به سبب ناقص بودن و هم به سبب مخالفت طرفهای مقابل مورد قبول عموم واقع نشده ، تدویر جرگه ها وانتخابات یکطرفه و ناقبی که تا کنون از هر طرف بریا شده مشروعیت را به تدویر کننده گان آن نصیب ننموده و شاید در آینده هم نصیب ننماید مگر انکه آنها مللی و بدون مداخله و نفوذ خارجی و در واقعیت اصر ممثل اراده ٔ عنموم باشد ، و ما علینا الی البلاغ ، با احترام ، صحمحد حصن کاکی و

مهوست نگرامی با نمیب نه فعانسان مکانبه کنید ، نظرات و شخصا دات با زا برای شراسال بارید ساز منظوم و منورنولیب ندگال فعانی وجعال آگرمور دلیب زشا با شدار با ایفرای ایمب نه با دکرنام شانشرخوا برشد . ترصبه اس روا باریز بزانهای منی وطن فعالی سان برای شروی

رولېي سيگه بدمه چې . . . رول پارلاميشه



نوير نده كان وراكل وليت

اگر بینی که نابیناوچاه است ـ اگر خاموش بنشینی گناه است

دانشمند محترم دکتور هاشمیان ـ

هرگاه مدتیست چیزی ننوشته ام وخصوصا بمجله ائینه افغانستان که هر روز بیشتر کسباهمیت میکند و بموضوعاتی که هدف مبارژه بیست ساله ۶ ما است عمیقا تماس گرفته تا حال نوشته ومفصونی نفرستانه ام دوعلت دارد به علت اول مریفی و متعاقبا وفات ما درم که خدا وند (ج) روح شانرا خوشتود داشته باشد، علت دوم که دلیل اساسی این سکوت است سمت و جهتی است که درین اوا خر مباحثات اختیار کرده نویسندگان را بدانسو کشانیده از اهداف اصلی منحرف نموده است ، لذا به پیروی از یه بچه نا زانن به از انداختن شسماه جنین ۶۰ بعد از انچه پنج ماه قبل برای قلم در خدمت جهاد پیرامون نوشته مرحوم اقای میر محمد صدیق فرهنگ ارسال نمودم خصوشی را به حصه گرفتن در مباحثه و ما جرائی که در شرایط غیر عادی کنونی بزعم من ما را ازغایه دورساخته ترجیح دادم ، ولی اکنون که سکوت مرا بسته بملاحظات خویشی و فامیلی تلقی میفرمائید لذا برای رفع این ابهام انچه مدتی بود اساس مبارزه ام را تشکیل میداد و شما تا اندازه ۱۶ ز ان اطلاع دارید و با تاکید به علاقه خاص بخویشا وندی و اخلاص بدوستی اینک منجمله مطالبی است که بخوانندگان محترم جریده ائیت افغانستان تقدیم کرده و ارزو مندیم از طریق شان بهمه خواهران وبرا دران افغانم در میان گذارم .

انچه امروز در اروپای شرقی در جریان است و انچه دیروز در اکثر ممالکی که بعد ازمها رزه و طولانی ازادی شانرا از قید استعمار بدست اوردند ـ تا اندازه و از موقف فعلی ما بدور نیست و حتی جریانی که در فرانسه بعد از سقوط المان هیتلری در ختم جنگا دوم جهانی بوجود امد علیالرغم شرایط جئوپولیتیکی مختلف و متفاوت بازهم نقاط مشترکی با وضع فعلی ما داشته است و این حالت که یك واقعه اجتماعی یا (Social fac است پدیده و است که در نتیجه از هم باشیدن تعادلی که از طریق و بو سیله قوت وقدرت مسلط شده باشد بمیان می اید ، در حالات و شرایط عادی مدتی را در برمیگیرد تا تعادل دیگری مستقر گردد و نورم اساسی جدیدی که طرف قبول اکثریت باشد جای گیر شود ، مدت زمانیکه برای این استقرار بکار است بشرایط جئوپولیتیکی وابعادی که این از هم پاشیدگی بمیان اورده است مربوط میباشد، مثلا در فرانسه بعد از جنگ که در ان قوای مقاومت بدو سه جریان اصلی تعلق داشت (کمونستها وطرفداران فرانسه و زاد ـ گولیستها و سو سیالستها) در حالیکه قوای متحدین اخرین قوای المانی را از خاك فرانسه بیرون کشید و دشمن از پا افتاده و شرایط متحدین بروند ـ بازهم زمانیکه برای استقرار تعادل جدید بکار رفست تا جمهوریت چهارم توانست جاگزین حکومت ویشی گردد کمتر از یکسال نبود ،

در الجزایر که قوه ٔ مقاومت را تنها (FLNA) جبهه ازادی بخش ملی الجزایر تشکیل می کرد مقاومت ابعاد زیادی نداشت و هم منورین الجزایر که از انکشاف ذهنی و سیاسی برخوردار بودند توانستند استقرار وتعادل رادر مدت دوسال برقرار سازند ،

مطالعه نزدیك عواملی كه در این دو مملكت استقرار وتعادل در یك نظام جدید توانست در مدت نسبتا كوتاهی جاگزین گردد میرساند كه در هر دو مثال عناصر متنفذ غیر نظامی رول نهایت موشری داشته اند ، در فرانسه گروپهای مقاومت هركدام نسبت بقربانی كه دا دهوخساراتی كه متحمل شده بودند مدعی بدست گرفتن قدرت بودند به كمونستها از همه بیشتر تلفات داشتند و راییكه در زمان اشفال فرانسه توسط المان بازی كرده بودند چشم گیر بود ولی متحدین انگلیس و امریكا كه میدیدند در اروپای شرقی نسبت عدم سهمگیری مستقیم در مبارزه علیه نازبها چندان رولی نداشته اند وباید خواهی نخواهی شرایط شوروی را بحیث ازاد كننده این ممالك ازاشفال نازی قبول كنند با تقویه مادی و معنوی گروپهای غیر كمونست رول كمونستهای فرانسه را تفعیف كردند ، امریكا میخواست جنرال ژیرو را بقدرت رساند ولی انگلیسها قبلا زمینه را برای جنرال دوگول رئیس حكومت فرانسه ازاد اماده ساخته بودند ، لذا ابعادیكه فرانسه میتوانست بان مواجه باشد مداخلات انگلیس و امریكا و عناصر داخلی مقاومت بود، كمونستها راطوریكه گفتیم نه امریكا و نه انگلیس ونه ساش میاند وزیرال دوگول ، ولی چون ژنرال دوگول بكمك انگلیسها موسی فرانسه باقی میماندژنرال فرانسه با شرمان داشت و از شناطای بیشتر مردم برخوردار بود لذا امریكا نامریكا شیهاناگزیر در مقابل خواسته ملت فرانسه معترف بیشتر مردم برخوردار بود لذا امریكا نامریكا شیهاناگزیر در مقابل خواسته ملت فرانسه معترف بیشتر مردم برخوردار بود لذا امریكا شیهاناگزیر در مقابل خواسته ملت فرانسه معترف بیشتر مردم جهبور بود بخواسته های برسمیت شناختند، از طرفی ژنرال دوگول برای استقرار نظام سیاسی خود شده وژنرال دوگول را

مردم فرانسه ارج بگذارد و بکمونستها در اولین حکومتش پستهای وزارتخانه های مهم و متعددی بدهد. دوگول به تنهائی در مقابل کمونستها فعیف بود وسازمانهای مقاومت فرانسه طوریکه در بالا با با اغاره شدهرکدام ارزومند بودند قدرت را بدست ارند ولی همه میدانستند که هرگاه برای این امر بزور متوسل شوند نزد ملت فراخسه که پختگی سیاسی دارد و تا زه از زیر باریك دیکتا توری بیرون شده است از ارزش خود میکاهند وجای خود را در انتخابات برقیب خود خواهند داد. لذا هرکدام کوشش میکرد رقیب و حریفش را متهم بداشتن ارتباط با قوای اشغالی المان نماید و به نحوی از انحا حریفش را در نهنیت عامه خورد و ذلیل سازد وجای را برای خودش و کاندیدش خالی کند ، این عملیه چنان هرچ ومرجئ بمیان اورد و سوه تفاهای خلق کرد که حتی بای اشخامیرا که واقعا دشمن سرسخت دیکتا توری بودند ومخالفت شان در مقابل قوای اشغالی اظهر من الشمس بود در میان کشیده شد و متهم بهمکاری با دشمن گردند ، درین وقت است که منورین فرانسه خاصتا انانیکه در مسائل نظامی و سیاسی دخیل نبودند احساس مسئولیت کردند ، چنانچه فیلسوف و نویسنده و میور فرانسه ژان پول سارتر در کنفرانس بونسکو ۱۹۶۹ منعقده پاریس در فیلسوف و نویسنده و نویسنده در اجتماع در شرایط بن بست از به بیانبه رول نویسنده در اجتماع در شرایط بن بست از به قرار است توضیحاتی داد ، از همین لحاظ است که ژان پول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ جه قرار است توضیحاتی داد ، از همین لحاظ است که ژان پول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ جه قرار است توضیحاتی داد ، از همین لحاظ است که ژان پول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ جه قرار است توضیحاتی داد ، از همین لحاظ است که ژان پول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ جه قرار است توضیحاتی داد ، از همین لحاظ است که ژان پول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ به قرار در در داد ه اند ، از همین لحاظ است که ژان بول سارتر رامفکر بن بست های تاریخ به قرار استونید در احتمان داد ، از همین لحاظ است که ژان بول سارتر در امفکر بن بست های تاریخ با در در احتمان در در احتمان در در احتماند ،

شرح انچه به تعقیبیا همزمان ران پول سارتر سایر نویسندگان فرانسه در تشریح و توضیح موقف انسان (در جامعه که ارزش های اساسی جای خود را بارزش های تحمیل شده سپرده مقا ومت و مبارزه انسان در برابر ان یاتسلیم شدن برخی در مقابل فشار و قوه با تهدیدی کم این قوت در آزار و از بین بردن زن و فرزند و عزیز ترین کمان او وارد میکند فیم این موقف و بخشیدن عجز کسانیکه نتوانستند در برابر ظلم و احتیداد میارزه و مقا ومت کنند) بعمل اوردند گرچه برای ما سودمند است ولی بدرازا میکشد و بیمین علت است که بمختصر انچه در باره الجزائر گفته امد نیز اکتفا میکنیم و متوجه انچه در شرایط کنونی که هر روز بعد جدیدی با بعاد میارزه ما افزوده میگردد نویسندگان ما چه مکلفیت دارند، میشویم :

(۱) باید از خود پرسید نویسنده چه کسی است چه امتیازی به تناسب دیگران دارد وچون هیچ حق و امتیاز بدون وجیبه و مسئولیت وجود ندارد چه وجیبه نویسند، ما در برابرمردم وجامعه دارد و چه نوع مسئولیتی در نزد تاریخ ؟

برهان قاطع نوشتن را (بفتح ۱ ول و کسر ثانی) بمعنی چیزی نوشتن وکتابت کردن و به فتح اول و ثانی بمعنی در نوردیدن طی کردن و پیچیدن اورده است ، هرگاه نوشتن مراد ازچیزی نوشتن وکتابت کردن باشید که انرا سواد داشتن نیز میگویند ما بان کاری نداریم ولی هرگاه نویسندگی که امروز فین است وهنر وکاری برعلاوه کتابت کردن است مظرح باشید مورد نظرما است ،

در گذشته در وطن ما کتابت کردن را میرزاش میگفتند ومیرزا بدوطبقه تقسیم میشد، میرزا بنویس و میرزا بدان ، البته میرزا بنویس همان کا تب عادی بود که در برابر انجه مینوشت ودر واقع دیکته میشد وجیبه و مسئولیتی نداشت ولی انکه میرزا بدان بود امتیازات خاصی داشت و هم در برابر انچه می نوشت در خور بازخواست بود (منشی دربار و مستوفی المعالك ازین نوع میرزاها بودند) ولی امروز که بنای ارزشها ویران شده و هرکسی بخود حتی میدهد هرچه بخواهد بگوید وهرگاه سوادی دارد هرچه میخواهد بنویسد وملاحظه بازخواستی هم در میان نیست تنها و تنها انانیکه واقعا میدانند چه می نویسند وچه باید بنویسند در خور اهمیت هستند، ژان پول طارتر نویسندگان را بدو دسته تقسیم میکند بنویسندگان متعید (ecrivain engage) ما مدانده وخواننده و نویسندگان آزاد، نویسنده و متعید کسست که به پیروی از یك ایدیا لوژی ویا مسلك خاص وبرای اثبات مدعا مینویسنده بخو نویسنده روش و منطل قیاسی (deductive) داشته وخواننده اثبات مدعا مینویسنده بکجا می انجامد وبچه نتیجه میرصد، این روش رامانزدنویسندگان موئد رژیم کابل و در انتفارات مازمانهای پشاور ونمایندگان شان در ممالك غربی می بابیم ولی نویسنده آزاد از درد و رنج آوارگان ضجه وناله اطفال معصوم) بی پدر ومادر) ازبمباردمان دوبران کننده وخاتمانسوز از واماندگی بیوه وناله اطفال معصوم) بی پدر ومادر) ازبمباردمان از محیط شان سودا میشوند) از تفرقه وخانه جنگی وبرادرکشی متاثر میشود) الهام میگیرد از محیط شان سودا والام وارده و استغلاص معیبت زده ها از بلای خانمانسوز جنگ قلم بدست میگیرد و عواطف دیگران را از انچه خودمعاش شده متاثر میسازد و تحریك میکند.

نویسنده ۴ آزاد دومکلفیت عمده دارد: اگر واقعه نگار است بایست واقعات را بکمال امانت داری ترسیم کند تامنیع معلومات موثق برای کسانیکه تعمیم میگیرند باشد ،مکلفیت دوم آنست که از غرض شخصی بپرهیزد چه غرض شخصی دامن عفتقلم را لکه دار میسازد ونویسنده را بی ارزش فیم و تطبیق این دو مکلفیت است که امروز در دنیای آزاد در مطبوعات بحیث قدرت چهارم درکنار سه قوه تقنینی اجرائیه و قسفائی غرض اندام نموده است ه

لذا برای ما آوارگان افغان که بقول استاد سفن مرحوم خلیل الله خلیلی: شکسته بال تر از ما میان مرغان نیست که پا بطقه ٔ دامیم و آشیان مفسقود که می بینیم برادران ما در سنگرهای داغ خاکی ابر قدرتی را با اهن و پولادش بشکست مواجه ساختند تامجبور شد خاك ما را ترك کند ولی امروز ثمر این فتح و ظفر نصیب ما نیست خیلی طاقت فرسا است - ما اوارگان در دنیای مدنی فرب تنها زجر معنوی می کشیم ولی زجر این نا امیدی و ناکامی را برادران ما که در پاکستا^ن و ایران اواره اند و یا در داخل خاك هنوز برای بقای خود به برادر کشی ادامه میدهند بیشتر متعمل میشوند ، زجر این ناکامی را بیشتر در چهره های دو ملیون برادران ما که گروگان رژیم کایل هستند میتوان مشاهده کرد که در شرایط کنونی نجیب الله را بر حکمتیاری که هر روز راکت کور نشار شان میکند ترجیح داده اند ،

در چنین شرایط است که نویسنده آزاد افغان قلم بدست میگیرد عناصر در گیر در مبارزه را متوجه نقاط ضعیف شان ساخته و هدف را که اتحاد عمل برای ازادی وطن است از هرچه بالاتر قرار میدهد ، انگشت تنقید روی موضوعات اساسی میگذارد ، بخاطر اغراض شخصی و یا مطالب بس کوچك متعرض نمیشود چه میداند تعرض طرف را باصلاح نمیکشاند بلکه موقف گیر میسازد وبه دشمنی احمقانه سبق میکند که مطلوب نیست ،

برادر محترم دکتور هاشمیان ـ جریده تان با مطالبی که در بر دارد میتواند ما را یك و یا چند قدم بیشتر و سریعتر بمرام و غایه نزدیك کند و مسئولین امر را متوجه مکلفیت شان ما زده جواب شما را بنامه دکتور نجیب الله خیلی معقول مناسب و بجا یافتم ، ما که دا عیه برخ داریم و از پشتیبانی بین المللی بر خوردار بودیم از چه هراس داریم که نتوانیم یك اقلیت نا چیز را (که از یك فیعد ملت هم نمایندگی نمیکند) از طریق سیاست منطق و مذا کره بواگذاری ازموقف بیدوام شان قانع مازیم ، شکی نیست که دکتور نجیب الله و دار و دسته اش در و یسرانی کنونی وطن طوریکه شما قشنگ تشریح کرده اید او عوامل عمده بوده اند و بایست یک روزی در بیشگاه فظاوت ملی قرار گیرند ولی هرگاه امروز او حاضر است از برادر کشی دست گیرد وقدرت را به پیروی از اصل اراده ملی واگذار بخواسته مردم مازد ما نباید برای مصلحت دیگران بجنگ ادامه دهیم ، من شخصا فکر نمیکنم تنبها بظواهر متکی شد و برای انکه نجیب الله داد از اسلامیت می زند بحرف او اطمینان کرد ولی یقین دارم وقتی مراجعه بارا عمردم شود و این عمل در زیرنظارت بین المللی صورت گیرد دکتور نجیب الله با انکه پنجاه یا صد هزار نفر طرفدار داشته باشد بین المللی صورت گیرد دکتور نجیب الله با انکه پنجاه یا صد هزار نفر طرفدار داشته باشد نخواهدتوانست یله ترازوی ملی را بنفع خود متمایل مازد ه

برادر محترم ـ انچه شما در مورد باو پاسخ نوشته اید و من تائید میکنم تا دوسال قبل کمی جرئت اظهار انرا حتی در مجالس خصوصی نداشت زیرا انقدر چون عنکبوت احیر تارهای خود تافته خود بودیم که تصور دوام حکومت کابل بعد از خروج قوای شوروی نه تنها در مخیله ما گنجایش نداشت بلکه انانیکه میتوانستند اوضاع را از ناحیه افاقی بر رسی کنند ما را عمدا بیشتر درین اسارت فکری تشویق کردند هٔ

معین وزارتخارجه امریکا ضمن سفرش در پاکستان در مطاحبه ای گفته بود که حکومت نجیب بیش از یکماه دوام نخواهد کرد ، امروز همه میدانیم برادران ما که در صدر امور در پشا ور تشریف دارند اسیر سیاست (I.S.I.) پاکستان هستند و نمیتوانند هر قدر هم خواسته باشند مکلفیت و وجیبه ملی خود را با درنظر گرفتن مصلحت ملی ازپیش ببرند، برخی هنوزهم در انتظار آنند که اقای بوش و گوریا چوف در مورد سرنوشت ما چه تجویز مینمایند ، افسوس ، ،

ایا ندیدند که هیچکسی بخاطر منافع ملت کوچکی معالح خود را بعخاطره نعی اندازد ؟ هرگاه فراموش شده باشد که دیروز دولت امریکا رژیم کابل را برسمیت شناخته بود ولی امروزمشاهده میتوانند که در استقلال طلبی دول بالتیك امریکا المان و فرانسه چه موقفی گرفتند، موقفی مایوس کننده برای انانیکه انتظار داشتند امریکا ومتحدین غربی اشبه داد شان خوائند رسید ولی موقفی است اموزنده برای مردم ازاده و لیتوانیا کا باید خود بااراده شابت تعمیم بگیرند ه

ما نباید از پاکستان غیر از انچه تا حال عمل کرده انتظار و توقعی داشته باشیم یا از عربستان سعودی یا از ایران در حالیکه از موقف انهاری شان قدر دانی میکنیم ولی باید بدانیم هر کدام از خود مطحتی دارند و بایست منافع ملی خود را مرجح دانند ، نوشته بزرگوار محترم هر کدام از خود مطحتی دارند و بایست منافع ملی خود را مرجح دانند ، نوشته بزرگوار محترم اقای مجروح که بحیث نویسنده واقعی احساس مسئولیت میکند و در بحث در اطراف مسئله اسلامستان چند موضوع عمده را از هم تفکیك کرده و در اطراف هر کدام انچه لازم است گفته است واقعا چنانکه میفرمایند ۵۰ دولتهای مانند مسمر ایران و افغانستان پیش از اسلام هم موجود بودند و بعد از اسلام هم با کمی تغییر و تبدیل قیافه موجودند و ثابت میکند که یگانه دلیل وجود انها دین نبود ...۵۰ ولی بایست علاوه کرد که ملت افغانستان که ملت مسلمان است همچنانکه بافغانیت خود بسته است و افتخار دارد با طلمیت خود نیز با ایمان عمیق بستگی دارد ، افغانها یك ملت آزاده بوده و همیشه برای ازادی خود در برابر کشور کشایان مبارزه و مقاومت کرده استقلال خود را حفظ نموده اند ـ ملت مستعمره نبوده اند که برای جدا شدن از خاکی و یا ملطه ٔ بنام دین و ائین خاص تشکیل دولت کنند و اسم خالسمتان یا پاکستانی روی آن بگذارند ، افغانیت ما در تفاد نیست بلکه فکر میکنم برای جیان اسلام که سالها در زیر بوغ

استعمار انگلیس و فرانسه زیسته مقاومت وجهاد ما افغانها کلانترین افتخار و منبع الهام برای ازاد ماختی سر زمین های اعراب از چنگال اسبرائیل کوچک وقاهب با شد،

محترم دکتور هاشمیان به ابتکار تان در طرح پیشنهاد مشخص و زمینه باز گذاشتن مجله برای پیشنهادت ساشر برادران قابل قدر و تعجید است ، هیچیك پیشنهادی طرحی نمیتواند صد درصد قابل قبول با شد وفاقد نكات ضعیف ، انچه در خور اهمیت است و دارای ارزش است جرئت ارائه ان است درین فرصتیکه به بین بیست بزرگ تاریخی مواجه هستیم ، هرگاه این صقوله واقعیت داشته با شد که در افغانستان عزیز زنده نیك نام و مرده بدنام کسیی ندیده است باید تاسف کرد و چنین استنباط نمود کسانیکه از ترس بدنامی کاری انجام نداده اند نه تنها نیك نام نخواهند بود بلکه در جمله مرده گان باید حساب شوند ،

خوا هران وبرا دران عزیز ـ خوانندگان جریده اثینه افغانستان بیائید باین مقوله نا درست پایان دهیم وبا شهامت اخلاقی از اطلاق تا به ابدنامی نترسیم وزنده های نیك نام باشیم ـ سرنوشت خود را بدست خود گیریم وبیش از این بیگانگان را موقع ندهیم برای ما عبا و قبا و به انداز قد و قامت ما و برای منافع خود بسازند ، بیائید در یك گردام آئی در یك مملکت بیطرف افغان های با احساس مسئولیت (برا دران ما در پا کستان وایران و در هر کجائی که هستند) بدون قید مقام و شخص محض برای ارضای خداوند (چ) و تنها بروی علاقه ایکه بخاك وطن دین و مردم خود دارند و درین یا زده سال مبارزه خود را چه با شمشیر و تفنید چه از راه تنظیم مقاومت و رس رسانی چه باقلم وزبان با شبات رسانیده اند جمع شوید و سرنوشت خود و وطن خود را مورد بحث قرار دهید، تمویل سفریه قوماندانها و سران قوم را تنظیمها که لله الحمد از مدارك مالی برخوردا رهستند بدوش بگیرند مها جرین امریکا واروپا خودشان از طریق ملل متحد ویا مراجع دوستدا ر قضمه افغانستان اقدام کنند ، من یقین دارم انچه کوردوویز گفته است هوا بندی نیست نافضه افغانها خودشان راه خود را در می یابند ه و است هوا بندی نیست نام دارد و این دارم انچه کوردوویز گفته است هوا بندی نیست نام دردا در می یابند و د

در انتظار بازگشت صلح و ارامش که یگانه شرط مراجعت اوارگان بوطن است و در خدمت مصلحت ملی باستهانت نات پاك البی ، دکتور امان الله رسول ـ ۱۲ جوزای ۱۳۱۹ ـ لوزان سویس ،

ر هیربر کارکتے ک

هموطنان مسلمان

هموطنی از اروپا سطور ذیل را بقسم تبریك عصید به آئینه افغانستان فرستاده است که ما با اظهار تشکر از آن هموطسین آئرا عینا بخشما انتقال میدهسیم :

برای اطلاع بیفتر بازما تماس بگیرید

مسیدی فیدا کی و همکا ران

عید سعید اضحی را بشما و فامیل محترم تان تبریك گفته آرزومندم ذا ت پاك باری تعالی قصربانی ملت افغان را پخیرفته و به مصیبت طولانی یازده ساله او آوارگان داخل و خارج و مصردم بیسچاره اما پاپان بخشد ، تنها در شرایط کخیرالابعاد موجود موهبت ذا ت باکشراه حل مشکل ما خواهد بود وبس ، او ایدارد.

ا داره .

PRINCE ...

PRINCE, INC.
18981 Ventura Blvd. ÷:
Suite 100

TARZANA, CA 91356

برای اظلاع در مور دهر گوند و ام ملکی با ما تماس بگیرید 1064 - 818 (818) خدمات مالی برنس از زانترین و ام ملکی را در گوتاهترین مدت در اختیار شما قرار میدهد.

خدماتمالی پرنس

- ي واممسكن
- د وام آبار تمان بيلدينك
- **د** وامبروزههایساختمالی
 - وامشابینگسنتر
 - 9 وام آئیس بیلدینگ
 - و وامتعميراتساختماني

مشكلات دورة استعال

در اثر توافق جدید میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا در مورد حل منازعات داخلی افغانستان از پرنسیپ اصل انتخابات جهت ایجاد یك حکومت مستقل باثبات و مورد قبول تذکراتی رفسته است ه

همچنان دا کتر نجیب رئیس رژیم کابل و رهیر حزب دیموکراتیك ظق درپالیسی جدید ایالات متحده حق کاندید را درانتخابات اینده افغانستان حاصل نموده است (۱) مشروط براینکه دردوره انتقال حکومت را بشخص شانی تخلیه نماید، انچه که درین موافقه منحیث عمده ترین مشکل هنوزپا برجا است برکناری دا کتر نجیب در دوره انتقال و انچه که بموافقه رسیده حق کاندید برای دا کتر نجیب در نظر گرفته شده است، درین شکی نیست که هرگونه انعطاف ایالات متحده امریکا که با عث نجیب در نظر گرفته شده است، درین شکی نیست که هرگونه انعطاف ایالات متحده امریکا که با عث روابط افغانستان وایالات متحده فراهم میسازد ،اما از لحاظ حقوقی و سیاسی انعطاف اخیر در سیاست دولت امریکا هنوز هم سوالاتیرا در ذهبی هر افغان ظق مینماید که در هر صورت قابل ارزیابی است، چه حق انتخاب و کاندید از حقوق مسلم اتباع یك کشور بوده که بجز درحالات خاص بالوسیله محاکم مربوطه درچوکات یك حکومت قانونی احیانا قابل سلب بوده در حالیکه قوانین اساسی هر کشور از لحاظ پرنسیب امکانات و شرایطلازم کافدید را تشریح نموده است،

اگر کمکهای وسیع دولت ایالات متحده امریکا باالوسیله دولت پاکستان در داعیه استقلال خواهی افغانستان چنین موقف را بایالات متحده امریکا سپرده باشد درینصورت اینیك امرسیاسیاست تا یك موضوع حقوقی، در هر صورت دولت امریکا موافقه نموده است کر داکتر نجیب میتوانددرانتخابات اشتراك نماید اما سوال عمده هنویزهم درمورد برکنار رفتن داکتر نجیب در دوره انتقال هسته و اختلاف را تشکیل میدهده

در پرتو منافع ملی افغانستان نه در زمینه هایرقابتهای شرق و غرب دوره انتقال ازحساس ترین مرطه تاریخ معاص افغانستان بوده که هر افغان با درك و وطنپرست اهمیت این دوره را در حیات ملی کشور خود بخوبی میتواند درك نماید ، افغانستان موجود بدومشکل عمده مواجه است حیات ملی کشور خود بخوبی میتواند درك نماید ، افغانستان موجود بدومشکل عمده مواجه است از ما سکو شروع شد و اکنون از طریق اسلام آباد ادامه دارد ، نه تنها از لحاظ منافع ملی کشور بلکه از لحاظ منافع آزمندانه دولتهای نیعلاقه همچنان دوره ۱ انتقال در تاریخ افغانستان سرحد نها ئی رقابت های خارجی در بحران سیاسی کشور است ، ایا لات متحده امریکا وحکومت پنجاب ازیکطرف اتحاد شوروی و حکومت کابل از جانب دیگر ناگزیرا متوسل باوربند با متداد خطوط اختلاف میگردند بخاطر انکه ملت افغانستان خمل مستقلانه در قضیه داشته و آگیه که مسلم است حق انتخاب درهر مورت بمردم افغانستان تعلق دارد اما در تعین حدود این حق دوستان و همسایگان نقش مثبت ومنفی را بازی میکنند ،

در حالیکه اعظای اصلی این بازی غم انگیز سیاسی در کشورهٔ ایا لات متحده امریکا واتحا د شوروی است که در هر صورت حکومت باکستان و رژیم کابل کم و بیش وسائل وابزار همین چبره های اصلی بوده در حالیکه ملت افغانستان فاقد هرگونه ستیژ حکومتی در حال حاضر منحیت وسیله ویا ابزار جبت انتقال بهتر سیاست خود است که صرف در جریان همین گیر ودارهای ناروا بیلانس استقلال ملی خود را حفظ میدارد، اما مردم افغانستان به نزاکت امر رسیده اند که حتما باید حکومت اینده شان مورد قبول چپره های اصلی و فرعی شده بتواند ولی حاضر نیستند به هیچگونه از موروت مرحدات درك وفیم از موقف ملت افغانستان مراز امرونهی واپسته اطاعت نمایند و در مرصورت سرحدات درك وفیم از موقف ملت افغانستان مراز امرونهی جریانات ساخته و پرداخته را در خطوط موازی به ترتیب قرار داده است که تمایلات ملت افغان مایه همانا سیاست عنعنوی افغانها در دو کلمه یعنی استقلال و روابط دوستانه میتواند این بیلانس را تامین کند ، اما کمال تا مف درین است که اطلاعات ایا لات متحده امریکا از منابع غرض الود حکومت باکستان تهیه میشود ، چه اگر دولت امریکا خواهان نقش مثبت در سیاست افغانستان است دیگروقد ت ان رسیده تا اهداف پاکستان وخواست ملت افغانستان را بصورت جدا گانه مورد غور قرار دهد، در حالیکه ملت افغانستان خواهان روابط مستقیم با ساس منافع مشترك بدون در نظر داشت هرگونه تهدید حالیکه ملت افغانستان کارمهم وساختمانی را انجام داده بتواند،

در هرصورت هنوزهم دوره انتقال در سیاست کشور سوال حساس عمده وتعین کننده است وجابجا نمودن وسائل و امکانات امنیت ملی سازنده این دوره بوده چه در فقدان امنیت ملی در هیچمورت اراده مردم قابل انتقال در اصل و پرنسیپ دیموکراسی میپوده و زمینه های تجاوز مجدد را فراهم میسازد ، اینکه دولت پنجاب همه امیکانات امنیت افغانستان را پیهم تخریب وتمام وسائل این امنیت را مغشوش میسازد معلوم نیست که لمیالات متحده امریکا انتظار چه توقع ازملتافغانستان

طبعا اگر ما پیشنها د میکردیم که بدعوت تواریش جنرال نجیب و بدیدن و مذاکره با او بکابل میرویم وی فورا حاضر میشد برای ما حتی یك طیاره مخصوص همبفرستد ولی ما که پیشنها د کردیم بزیر چتر ملل متحد و برای تماس مستقیم با مردم ستعدیده خود بکابل میرویم یعنی زیر تاثیر تواریش نجیب و گدی های حکومتی او قرار نمیگیریم واریش جنرال نجیب بارتباط این طرح صلح خود را نمی خارد ، پس از کجا تصور میکند که شخصیت های نا میرده و افغانی بدعوت او بدیدنش بکابل بروند و آیا لبیك آنها معنی برسمیت شناختن رژیم کثیفوکراتیك را نخوا هد داشت و ازینجاست که می بینیم تواریش نجیب صلحی میخوا هد که در استحکام موقف خود او بحیث زما مدار اجیر افغانستان مفید واقع شود در حالیکه برای مردم بمعنی قطع خونریزی و برا درکشیمیبا شدکه مستلزم استعفی خود او و حزب کثیفوکراتیك خلق استگیعنی صلحی که مردم میخوا هند برای تواریش نجیب در صلسله رجحانات اصلا شامل نمیباشده

طرف دیگر کنایه دپلومات روسی متوجه مجاهدین و مهاجرین است که گویا اینها نیز بین خود اتفاق واتحاد ندارند و سخن یکدیگر را نمیشنوند و اینهم یك حقیقت تلخ است ۱۰ ما پیشنهاد اخیر کمیسیون مشورتی پیشا ور که بدعبوت رسمی حکومت موقت پیشا ور دائیر شده بود امید است مجاهدین را تیکان بیدهد و موثر واقع گردد، مستن کامل این پییشنهاد انقلابی و بیموقی و همچنین رویداد دعبوت حکومت میوقیت و شاملین کمیسیون میشورتی را با تبمیره ائینه افغانستان تحت عنوان ۱۰ انکشاف بزرگ دروزنه امید ۱۰ در صفحات بعد ی مطالعه میفیرمایند، و من الله التوفیق ۰

بر میگردیم بعنوان این مقاله که ۱۰ تا کی چشم ما نگران فیصله دیگران باشد ؟ ۱۰ متا سفانه مردم ما به شنیدن اخباری از قبیل اینکه وزیران خارجه امریکا ـ شوروی یا سران امریکا ـ شوروی در باره افغانستان ملاقات و مذاکره میکنند عادت کرده اند تا بمجرد شنیدن آن این تبصره و آوازه را شایع کنند که گویا (اینبار فیصله میشود) و هرگروه بزعم خود تعبیر و تغسیر ی هم قبلا شایع میسازد ، ولی یکبار نشنیدیم که افغانها خود شان تصمیم میگیرند تا سرنوشت خود را بدست بگیرند ، باید ملتفت باشیم که فیصله امریکا و روسیه در باره ۱ افغانستان متنفین منافع خود انها خواهد بود و این دو ابر قدرت از ضعف و بی تصمیمی ما استفاده کرده خواهشات و مقاصد خود رابر ملت ما تحمیل خواهند کرد که در انصورت شمر و حاصل جبهاد ما را دیگران حست^ی دشمنان ما خواهند برداشت ، باید مستشعر بود که تا زمانی منافع حاصل جبهاد ما را دیگران حست^ی دشمنان ما خواهند برداشت ، باید مستشعر بود که تا زمانی منافع این دو ابر قدرت ایجاب میکرد جنگ و برادر کشی و تباهی رادر مملکت ما و بین افغانها کمك و تشویق میکردند و اکنون که اهداف منافع انها تغییر کرده یعنی روسیه محتاج یك دالر است و میخواهد شروت ملی خود را بالای مردم گرسنه و بیخانه خود صرف کند و امریکا میخواهد کمک میخواهد شروت ملی خود را بالای مردم گرسنه و بیخانه خود صرف کند و امریکا میخواهد کمک شدرقی سرمایه گذاری نماید هردو ابر قدرت روی منافع و مقتفیات خود شان عجله دارند مسئله شرقی سرمایه گذاری نماید هردو ابر قدرت روی منافع و مقتفیات خود شان عجله دارند مسئله افغانستان رادر بین خود معامله گری کننده

بنابران ما بحیث یك ملت زنده و مجاهد حتی تعین سرنوشت خود را خود ما داریم و فیصله های اجانب و ابر قدرتان را تا وقتی نمی پذیریم كه مطمئن شبویم منافع علیای ملت افغانستان در آن منفمر است ، موافقات ژنیو كه دو سال پیش بدون نمایندگی از منافع افغانها صورت گرفت فقط بقسم لكه های سیاه بروی كانحنذ باقی ماند و هر فیصله دیگری كه بدون رضائیت وموافقت مردم افغانستان مسورت بگیرد مانند موافقا ژنیو بی اشبر خواهد بود ، و ماعلینا الاالبلاغ ،

كنوني هنكام انجسسا

ا نتخابات درا فغا نستا ن

نا میدوگفت هنوز شوروی

نکرده است آا مریکسسا

آینده به عنیسیوان دا وطلب نمایندگیسی

فعالیت سیاسی شرکست کند، ۲ *گولای* 199۰

لنتخابات موافق

قبول کرده استکسست نجیب الله درانتخابات

٧ جولای ۱۹۹۰

تنها ختلاف باقیمانده مسکو و و اشنگتن در باره افغانستان سرسیکروزیرا سور مین میکروواشکت امریکا درگزارش را موضوع باقی ماسدن کسته روابیط نجیب الله در میسا

جیمس بیکروزیرا مسور خارحه ا مریکا درگزارش خودبه کمیته روابسط خارجی مجلس نمایندگان بین واشنگتن ومسکید برای حل مسئله افغانستان بسیا رجزئی است . وی تاکیدکردگه توافق های مهمی درگفت وگوی اخیس میخا ئیل گوربا چسسف میخا ئیل گوربا چسسف وبرزیدنت بوش بدسست آمده وحل این مسئلسه دورا زدستوس نیست . اختلافات با قی مانسده

هـموطـنان محترم

اینستیك مثال (ار روزنامه اسبح
ایران ا که چون تنظیمها به پیشامریکا
دهین پر آب هستند اکنون اقای وزیرخارجه
امریکازمام اختیار افغانها رابدست خود
گرفته از طرف افغانها باروسیه موافقه
میکند که ۱۰، نجیب الله در انتخابات
آینده بعنوان دا وطلب نمایندگی وفعالیت
سیاسی شرکت کند ۱۰۰ اگر ما از خود زعیم
میداشتیم باین روز نعیرسیدیم

در قبال سیاحت خود دارد ؟ وچرا دوستان دیروز ما با شکست وتردید مواجه اند ؟ چه سیاستهای زورگوئی و متجاوز ولو بهر اندازه فخیم هم باشد یك امر زمانی در تاریخ کشور ماست نه استیلا گر ملت افغانستان و یا وابسته ساختن بدولت پاکستان و یا اتحاد شوروی ، خلاصه اینکه پیروزی در رقابتهای دوره انتقالی از سیاست های منشاه میگیرد که حتما شرایط را در خود داشته باشده (۱) اعتقاد با صل دیموکراسی ورقابتهای مشروع سیاسی ، (۲) عدم وابستگی بدولت پاکستان ویا دولت اتحاد شوروی و یا هر کشور خارجی دیگر ، (۳) عدم امکانات استفاده سو ، از ماشین دولتی جهت منافع وابسته بخود و پارتی سیاسی مربوط بخود واحیانا وسیله فشار و تهدید مردم ، (۶)داشتن قوای مجرب نظامی در قبال پشتیبانی مردم در داخل افغانستان ، (۵) داشتن امادگی لازم جهت ایفای مقررات چهارگانه فوقه،

ترسیم میکانیزم فوق میتواند چهره اصلی دورهٔ انتقال را در سیاست کشور در میان کاندیدان ونظریات شان تثبیت نماید ، جهت ارزیابی موقف کاندید های دوره انتقال بهتر است لست انها را درین بحث در میان گذاشت هٔ

(1) حکومت موقت تنظیمها ی هفتگانه پشاور ۰ (۲) حزب دیموکرا تیك خلق در کرسی حکومت کا بل۰

(٣) اعلیحصرت محمد ظاهر شاه پارشاه سابق افغانستان در روم ۰

ملت افغانستان ممکن در بین این سه مرکز که شخصیتهای داوظلب را در حکومت انتقالی تشکیل میدهند تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید ۰ درین سلسله اجازه دهید یك ارزیابی مختصر ازاینداوطلبان بطور صادقانه بعمل اید •

بدری الف) حکومت موقت تنظیمهای هفتگانه به اصل دیموکراسی خصلت موافق نداشته در تعبیر (الف) حکومت موقت تنظیمهای هفتگانه به اصل دیموکراسی یك روش مار کسیستی تلقی شده است و عقیده دارند که همچو روشها باعث تضعیف ایمان میگردد حگرانچه را که خود خواسته باشند با صطلاح قانونیت دهندچنانکه در شورای انتصابی

مشورتی روشهای دیموکر ۱ تیك بصورت قطعی مرا عات نمگردید،

در بخش وابستگی بدولت پاکستان ایران و عربستان سعودی شهرت جهانی دارند، ایشان همچو وابستگیهای سیاسی را تحت ادعای اینکه اسلام هیچگونه مرزهای ملی را نمیشنا سدخوا هانسرسبردگی بیشتر اند، بهتر است اشرات مشبت و منفی این وابستگی را در دو بخشیعنی در دوران جهاد ملی مورد بحث قرار داد ، این وابستگی در اغاز و ادامه جهاد با عث خوابهای شیرین جنرال ضاالحق مورد بحث قرار داد ، این وابستگی در اغاز و ادامه جهاد با عث خوابهای شیرین جنرال ضاالحق و استیلای سیاست پاکستان در نهایت جلب سیاست غرب و بهمین طلعه حصول قابل ملاحظه کمکهای خارجی در جهاد گردید، اما فقدان درایت و پختگی سیاسی هیئت رهبری این تنظیمها و اختلاسهای دولت پاکستان که بسویه کرنیل وسرکا تب خود امور سیاسی تنظمیها را مراقبت مینماید و درنهایت دولت پاکستان که بسویه کرنیل وسرکا تب خود امور سیاسی تنظمیها را مراقبت مینماید و درنهایت فقدان زعامت استوار جهادی بالوسیله این وابستگیهای نا روا در تحت سترا تیژی استیلای ملت افغانستان در چارچوکات سیاست دولت پنجاب دلیل تسلط بیشتر دولت پاکستان در جهاد ملی واسلامی شهرده میشود ، بعد از اخراج عساکر روسی از امو تا به سنداین وابستگی بیك حالت اعمال تجا وز گرانه در سیاست پاکستان تغیر قیافه نمود وبدلخوشی وعده انتقال شان با مارت افغانستان بهر صورت سقوط لاقیدانه این تنظیمها در آغوش پر از خطر پاکستان فاجعه و سود تباه کننده برای خود شان وتهدید پنجاب بحاکمیت ملی کشور مان ،

اگرچه مدعیان دوستی پاکستان هنوزهم دربازار قسعه خوانی پشاور توضیحات در موردفدریشن وکانفدریشن دارند که اثرات این تعایلات از یکطرف و یافتن مارکیت برای تولیدات اضافه وکسس مخر پاکستان از جانب دیگر و همچنان روابط لاقید اقتصادی یکطرف که ازوجود تحارت ازاد حکومتهای سابق افغانستان که هنوزهم پابرجا است توام با اثرات دوجانبه مذهبی وفرهنگی از حمله فکتور هائی است که همیشه سیاست تنظیمهای هفتگانه ودر نهایت حکومت موقت شان انرا بمورت گمراه کننده تعقیب و سر انجام با عث وابستگی سیاست شان گردیده است ، نتایج این وابستگیها درحال حاضر بمهورت اشکار با عث مداخلات پاکستان و وهابیان عربستان سعودی گردیده چنانچه هنوزهم این وابستگیها و مداخلات ادامه دارد .

درمورد سواستفاده ازماشین دولتی جهت مقاصد تنظیمی واستفاده ازتهدید وفشاربالای موم بصورت دلخواه وعسش غیر قابل باور در استعمال قدرت که اکثر اوقات مردم خود را نیز به عذاب های سر کوب کننده مواجه ساخته اند، اما قوای نظامی تنظیمها بیشتر بداخل پاکستان تعرکزیافته چه در داخل افغانستان قوای اصلی را قومندانها ومجاهدین شانتشکیل داده که تنظیمها می مقیم پاکستان هنوزهم صرف ازنام انها بعنوان قدرت وسلطه خود را مستفیدمیسازند، قدرت نظامی حکومت موقت هفت تنظیم یك قوای سیار بوده که تحت قومانده دستگاه جاسوسی نظامی پاکستان بداخل فغان ستان با راکت بازی و دهشت افگنی رفت و امد دارند ، که نه تنها پشتیبانی مردم را درقبال ندارند برعکس با عث مواجه ساختی ملت افغانستان به قحطی وگرسنگی ازشعرات همین قوای نظامی میباشد ، زیان اورتر اینکه استعمال قوای مذکور شدیدا امکانات شرایط ممکن را برای حکومت دوره انتقال طرف تهدید قرار داده است ،

(ب) اعلیضرت محمد ظاهرشاه ازلحاظ اعتقاد بدیموکراسی بمورت نسبی شخصیت قابلا عتماد بوده حتی مردم خواهان همان دیموکراسی نیم بند شان نیز میباشند ، بارتباط وابستگی پادشاه سابق شخصیت شابت بوده اما این ثبات در سیاست عدم وابستگی شان در سابق بیشتر بمنظورا منیت سلطنت بکار برده شده بود تا بحیث یك سیاست اصیل ملی افغانستان ، اما درهر مورت حفظ و تقویه سلطنت هم در همان وقت مانع عظیم از یك تجاوز اشكار ازنظرزمان درکشور گریدیده بود درحالیکه شخص یا دشاه از هرنوی معاملات خیانت و وطنفروشی شخصیت شان کا ملا پاك بوده که همین حدود تقوای ملی شانرا میسسازد ،

بارتباط سوًّاستفاقه ازماشین دولتی به شیوه هائیکه اثرا^ت منفی در تنظیم ارادهمردم و تسهیلاتجهت انتخاب مردم گردد شخص پادشاه مورد اطمینان بوده در اداره مملکت نه تنها منحیث زیر بنای انکشافی بلکه از لحاظ پرنسیپهای حکومت داری دوره سلطنت شان از با شبات ترین ادوار تاریخ کشور بوده ومقدار اعتقاد مردم در مقایسه این و آن ازحیاتبا امنیت دوره صلطنت شان منشاءً گرفته که در این بخش شخصیت با وقار ملی میباشند ، اگرچه این امنیت ازلحاظ اقتصادی انقدر مغید ثابت نشد که مثلا نان جواری مردم به نان گندم تبدیل شود اما مردم افغانستان متحمل و صبوربوده نا امید نبودند واگر همان شرایط ادامه میکرد در مدت بیست سال گذشته ا شرات مشبت رويكا ر مى آميد ، رويهمرفته زعامت اعلىحضرت محمد ظا هرشاه بزرگترين نيروى فكرى جامعه را استیلا نموده اما تا اکنون مبدل بیك قوای مادی بنابردلائل نیل نگردیده است ، (۱) عدم موجودیت۱راده ٔ فعال و شهامت لازم سیاسی (۲) شدت مخالفت نیروهای تنظیمها بشمول دولت پاکستان که طرفدار رویکار امدن یك حکومت مستقل ملی در افغانستان نمیباشد، این دو عا ملعمده ترین تکلیف در زعامت ایشان میباشد که اثرات عمیق متقابله دارد وتا زمانیکه اطمینان بیشتر از طریق مخالفین تنظیم شده باکستان حاصل نگردد یابکدام حرکت بیکر و انقلابی نبردازند امید حرکت بیشتر از ابلاغیه های علید و سال نو درین زعامت بعید بنظر میرسد، وازطرف دیگر حمایت کنندگان با دشاه روزبروزبطرف مایتوسی رفته آز طرف تنظیمهای افراطی جلب میشوند. حتی حکومت کا بل که ۱ ز روی مجبوریت و بملاحظه محبوبیت پا دشاه بداخل افغانستان ا ز هوا خوا هان زعامت شان میباشند وازپا**دشاه سابق بتگرار خواهش نموده تا ا**ز روم بکابل عودت نماید درین اواخر بی حوصله و نا آمید بنظر میرسد چنانچه داکتر نجیب در بیانات اخیر خود گفته است که پادشاه سابق یك شخصیت سیل بین در قضایای موجود مِلی است ، بهر حال درحال حاضر اعلحضرت محمد ظاهرشاه فاقد قوای مجرب نظامی و یا حد اقل یك ارگان تنظیم شده سیاسی بداخل و خارج افغانستان می باشخد اما از حمایت و حصص نظر اکثریت قاطع مردم افغانستان َچه مصلح ّچه غَبْر مصلح مصتّفیدٌ بوده ا ذوقه و مواد خام براه انداختن یك زعامت ملی را بدست دارند فقط شهامت و ابتكارسیاسی باید بخرج دهند وهرچه زودتر دست بمیدان عیمل شوند زیرا همه مشاهدین میگویند که بمحردرسیدن پادشاهِ بَخَاشیه سرّحداً ت مملکت مها جرین و قومندانهای داخلی بحماً یت پادشاه میبرایند البته بنیا دگرایان آفراطی بشدت عمل میپردازند که جنبه موقتی و زودگذر داشته نباید قابل تشویش باشد زیرا بنیآدگرایان افراطی نیز ملت خود را میشناسند و ّاز قبر ملت میترسند که اگربرخلاف اراده ملی حرکت کنند ملت بمقابل آنها قیام خواهد کرده

(ج) حزب دیموکرا تیك ظق (که در بین افغانها بنام حزب کشیفوکرا تیك ظق شهرت دارد) یا رژی کابل از لحاظ پرنسیپ کمونزم شامل دیکتا توری دسته جمعی حزبی بوده واین طرزا لعمل با اصل دیگوکراسی همیشه در تباین بوده و دیکتا توریهای فاقد حد وحدود در نهایت تعلیم توده های عظیم ظق شده اند ، بنا * تا جائیکه حزب دیموکرا تیك ظق در قید کمونزم مطالعه گردد بجز یك وسیله سرکوب دسته جمعی علیه ملت افغانستان و گشنده آزا دیهای اساسی و نیشنلزم افغانی مفهوم دیگری نداشته و نیشنلزم افغانی مفهوم دیگری نداشته و نخواهد داشت و کشافاتیکه از این ها در عمل سرزده همان لقب کشیفوکرا تیك خجالت اور کمونزم در افغانستان عزیز بود از دیکتا توری و آدم کشی وا عمال ضد بشری رژیمهای مارکسیستی در گذشته اعتراف بعمل امده قدمهائی در طریق دیموکرا سی و خود ارا دیت برداشته می شود که یك تغیر قابل ملاحظه بوده در شیوه و پالیسی حزب کشیفوکرا تیك ظق رژیم کابل نیزندا مت ویشیمانی دیده میشود چنانچه بعد از خروج قوای متها جم رُوسی پیشنها دا تی از طرف رژیم کابل نیزندا مت شورت گرفته روش انعطاف پذیری نشان داده است که البته هنوز هم طرف قبول مخالفین رژیم قرار شهرت موازی به وابستگی تنظیمهای هفتگانه پشاور بادولت پاکستان دارد که هر دو باید منقطع شهرت موازی به وابستگی تنظیمهای هفتگانه پشاور بادولت پاکستان دارد که هر دو باید منقطع گردد ٬ زیرا اتکا عبیك در افغانستان موجود باشد از انطال حزب کشیفوکرا تیك ظق نزده است و تازمانی از جانب ملت مطلمان افغانستان بعید بنظر میرسد، با مید ازادی ودیموکرا می در افغانستان بعید بنظر میرسد، با مید ازادی ودیموکرا می در افغانستان بعید بنظر میرسد، با مید ازادی ودیموکرا می در افغانستان بعید بنظر میرسد، با مید ازادی ودیموکرا می در افغانستان بعید بنظر میرسد، با مید ازادی ودیموکرا می در افغانستان در حرصت ظفیر د

ر هِنْرِيدُ الراكع)

ببروملم جمع اورى وأكاى من عا ورافعانستان

در ماه می سال ۱۹۸۸ سرمنشی ملل متحد پرنس صدرالدین آغا خان را موظف ساخت تا کمک های شعبات مختلف ملل متحد به ارتباط افغانستان را تنظیم نموده و انسجام بخشده عمده ترین وظیفه این مرجع ملل متحد را آماده ساختن شرایط برگشت مهاجرین افغان در پاکستان و ایران تشکیل می دهده بقرار راپور ناظرین در پاکستان ۷، ۳ میلیون مهاجر ثبت شده و بیش از پنجمد هزارمهاجر ثبت ناشده وجود دارد و در ایران تعداد مهاجرین را بیش از دو میلیون تخمین می کننده کمیسیون آغا خان در خزان سال ۸۸ پلان طرح شده خودرا اعلام ونشر کرد ۵ در این برنامه مدنظر گرفته شده بود که در مرحله اول درمدت ۱۸ ماه باید مهاجرین به اوطانشان برگشت نمایند و برای آن ۱٬۱۶ میلیارد دالر بودجه را برآورد کرده بود ۵ در مرحله دوم در ظرف سه سال برای اعمار مزید افغانستان مبلغ ۴۰ میلیون دالر را برای عملی ساختن پلان خود اختصاص داده بود ۵ تطبیق این پلانها و برنامه ها تا حال رضایتبخش نیست چه در ظرف شش ماه و اخیر سال ۱۹۸۹ صرف ۱۲۰۰۰ افغان مهاجر دوباره به افغانستان

رضایتبخش نیست چه در ظرف شش ماهٔ اخیر سال ۱۹۸۹ صرف ۱۲۰۰۰ افغان مهاجر دوباره به افغانستان عودت نموده است، گرچه حکومت کابل ادعا می کند که در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر به وطن ابائی شان برگشته انده با وجود این خوشبینی ها در سال گذشته هزاران افغان در اثر ادامه جنگ وخونریزی و فیر راکتها به ترک افغانستان مجبور شده اند. پرنس آغاخان در ابتدا فکر می کرد که درسال ۱۹۹ صد ها هزار مهاجر وآوارهٔ افغان از کمپ های پاکستان دوباره بسوی افغانستان خوش برضا برگشت خواهند کرد، این نظر بحقیقت قرین نشد و پرنس نامبرده به اشتباه خود پی برده ودر را پور دوم در خزان ۸۹ تجدید نظر کرد.

ورین نشد و پرنس نا مبرده به اشتباه خود پی برده ودر را پور دوم در خران ۱۸ تجدید نظر درد.

جنگ تنها مانع بازگشت افغانها نمی باشد بلکه موجودیت مین ها و خرابی وویرانی زیر بنا ی اقتصاد افغانستان مانع بزرگ بازگشت مردم است. بقرار را پور ملل متحد (مضمون منتشرهٔ تحت عنوان " مزد ترس" در شماره ۲۲ ۸ جون ۱۹۹۰ مجله اشپیگل آلمانی) ۱۶ میلیون مین ها با تشخیص بیش از ۲۶ تیپ مختلف را روسها در افغانستان تیت و پرگنده کرده اندو مجلهٔ International Defense Review مختلف را روسها در افغانستان تیت و پرگنده کرده اندو مجلهٔ وحشت جنگخانمانسوز ددمنش روسی آواره شده اند حاضر نیستند در ساحه های مین گذاشته شده دوباره مسکون شده و فامیل خود وخودرا هلاک سازند. جنگ تحمیلی در افغانستان بقیمت جان ۱۰۲ میلیون افغان بیگناه تمام شده که اکثریت آنرا مردان کاری تشکیل د ندو تعداد بازماندگان بیوه ها و یتمان آنها را در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر تخمین می کنند. پروبلم معیوبین هنوز مشکلتر است و رقم آنرا سازمان ملل بین ۲۰۰۰۰ ۳ تا ۲۰۰۰۰ فرد حدس میزنند و در حدود ۵۰۰۰۰ را کسانی تشکیل میدهند که در جنگ خساره دماغی وروحی برداشته اند.

این جنگ خانمانسوز و تحمیلی بسیار و حشتناک بود وامکان صلحو متارکه بین مجاهدین و رژیم مزدور روسی در آیندهٔ نزدیک ناعمکن است ورنج وادبار مردم روزافزون است چه زیر بنای اقتصادی و سیستم آبیاری و زراعت از هم پاشیده و تهیه و تدارک مواد خوراکه و پوشاک بمشکل صورت میگیرد و مردمان باعاید کممایحتاج روزمره خودرا نسبت قیم بلند پرداخته نمی توانند، کمیته کمک سویدن برای افغانستان دراخیر سال گذشته را پور مفصل تحقیقات خودرا در بارهٔ امور زراعتی در شمال افغانستان نشر نمود و متخصصین نامبرده ابراز نگرانی نمودند که در آنبایر گذاشتن وعدم استفاده از زمین های زراعتی حشرات مضره از قبیل ملخ وغیره خساره شدید به مزارع وارد نموده وامکان بروز قحطی و گرسنگی در اکثر مناطق افغانستان پیش بینی کرده اند، امراض ساری مثل سرخکان و جذام وغیره در افغانستان شیوع یافته است، سیستم تعلیم و تربیه در حال رکود است و تعداد بیسوادان روزافزون است با آنکه امسال را سازمان ملل متحد سال سواد آموزی بین المللی اعلام داشته است (روی این موضوع در آینده قریب مضمون جداگانه خواهم نوشت).

افغانستان در گذشته صرف در جملهٔ کشورهای صادرکننده خام مواد مخدره محسوب میشد اما امروز مردم افغانستان نسبت وضع رقتبار ونامعلوم آینده کشور به مواد مخدره مثل تریاک و هیروین پناه برده و معتاد شده اند. پرنس آغاخان با بودجه بیش از یک میلیارد خود وظیفه سنگین را بدوش دارد و مخصوصاً جمع آوری و امحای مین ها تا وقتیکه صورت نگرفته امکان بازگشت خوش برضای پنا هدگان افغان میسرنیست . یکسال وچند ما ، بعد از خروج قوای ددمنش شوروی از افغانستان افتجار مینها در کشور ما ۴۰۰۰ نفر را و بیش از ۲۰۰۰۰ نفر را مجروح و عیبی ساخته است. ساخه های ماین گذاری شده را بشکل سیستماتیک پاککاری ناممکن است چه پلان های مکمل آن در دست نیست ومراجع قوای اشغال گر شوروی ۴۸ ساعت قبل از خروج آخرین قطعه قوای متهاجم خود آنرا بقوای نظامی حکومت دست نشانده افغانیش سپرد. پرنس آغاخان سعی می کند امسال راه را برای بازگشت بیش از چهار میلیون آواره افغان در پاکستان آماده بسازد. هفت کشور شامل سازمان ملل متحد (ایالات متحده امریکا ، کانادا ، استریلیا نیوزیلند، فرانسه، ایتالیا و ترکیه) به تعداد صد صاحبمنصب را در اختیار سازمان ملل متحد گذاشته است تا در پاکستان مهاجرین افغان را طرق جمع آوری وامحای مین ها را تدریس دهند. در کورس های دو هفتگی رضاکا ران افغان تحت سرپرستی متخصصین سیستم جمع آوری و امحای مین را فراه میگیرند ودر مقابل ۳۰۰ روپیه (۲۵ مارک) در هفته امزد ترس " ناچیز را حاصل می کنند، ملل متحد در نظر دارد تا ماه سپتمبر ۷۰۰ افغان را برای امحای مین تربیه نما بد چه بنا بر عقیده متخصصین بایستی هر ده و قریه چهار تا پنج امحاگر مین داشته باشد. چون افسران اعزامی کشور های فوق جرگروپ صلح ملل متحد نیستند حق ندارند داخل افغانستان شوند ازین لحاظ رضاکاران و اجیران امحاکّر مین را ملل متحد استخدام مینماید تا کار افغانهای تربیه شده برای جمع آوری و امحای مین را مراقبت و سر پرستی نمایند. برای اینکه از خرید وفروش مین ها در سرحد افغانستان جلوگیری بعمل آید شعبه سازمان ملل متحد دستور داده تا مین های یافت شده را فورآنابود کنند، متخصصین امحای مین بسیار معاش و حقوق هنگفت طلب میکنند که معاش آنها یک پرابلم عمده را تشکیلمیدهد چه هر متخصص در حدود و ۲۵۰۰۰۰ دالر سالانه معاش تقاضا مي كند كه اين رقم مبلغ يزرگ ودجه سي ميليون دالر امحاي مين ا احتوا میکند. اساساً این مبالغ مصرف امحاو جمع آوری مین ها بایستی توسط اتحاد شوروی که گذاشتن مین ها را در افغانستان انجام داده پرداخته شود چه این ابر قدرت بی رحم و وحشی کشور مارا به اساحات بزرگ مین مبدل ساخته است. یکی از وظایف بزرگ حکومت دارلی بعد وسیع در پهلوی دگر وظایف مساله غرامات جنگ تحمیلی است که درین راه باکمک جامعه بین المللی اقدامات لازمه صورت بگیرد و حکومت جابر شوروی را وادار بسازند که قسمت عمده مصارف خرابی های وارده در افغانستان جبران نمایند. بقرار تحقیق همکارما دکتور سمیع نور که در باره مصارف جنگ تحمیلی روس ها انجام داده و آنرا در سیمینار منعقده ماه می ۱۹۹۰ (از ۱۸-۲۰ می در شهر تریر آلمان غرب) با احصائیه ها و گراف های دقیق بیان نمود و خاطر نشان ساخت که مصارف کمر شکن جنگ را روسها نه بلکه خود افغانها متقبل شده اند و این مصارف را توسط صدور گاز طبیعی و دگر مواد خام زراعتی و معدنی وغیره از شروع لشکرکشی و هجوم روسها تا حال بیش از چهار میلیارد مارک پرداخته اند (روی بحث در آینده روشنی بیشتر خواهیم انداخت). همه اینها ممکن بیک شکل جبران شود اما نابودی قوای کار ملتجبران ناپذیر استو تعویض آن هرگز میسر نیست و تثبیت ارزش آن بپول های مروجه جهان امکان پذیر نیست. چه خوب میشد که کشور های دوست مثل آلمان غرب و امثال آنها که پلان و برنامه های بازگشت خوش

چه خوب میشد که کشور های دوست مثل آلمان غرب و امثال آنها که پلان و برنامه های بازگشت خوش برضا افغانهارا طرح کرده و روی دست خواهند گرفت تربیه پرسونل فنی امحا مین را در پلان خود بگنجانند و جوانان رضا کار افغان را برای این کاربصورت فنی واساسی تربیه نمایند تا پول های کمکی که هنوز اصلا پرداخت آنها در کسه ملل متحد صورت نگرفته است یک قسمت آن برای پروژه های مفید دگر بمصرف رسانده شود، اما مثلی که دیده میشود همه در فکر خودند وبرای آنکه وجدان خودرا آرام کرده باشند یک کار سطحی و پیش پا افتاده انجام میدهند و به اصطلاح کلوخ گذاشته و میخواهند از آب بگذرند، بهر حال کار امحای مین ها سال زیاد را دربر خواهدگرفت اما شرط اساسی آنست که صلح در افغانستان بازگشت نماید،

SECRET

Directorate General Inter Services Intelligence

No. 4120/JIA-6(a) 22 Fob' 89

Tor

Defence Attache
Pabasay of Pakistan

Dubjooti Pakistan's Options and Biratogy

The withdrawal of the Russian troops creates new conditions for solving the Afghan problems. After the fall of the Kabul regime the economic and political situation in the country will be extremely serious. Ho Islamic government will be able to govern country without extensive foreign aid. We are deeply convinced that Pakistan is Afghanistan's only purtner and even patron through which foreign aid can be channolled.

a. The formation of a new government operating from the very beginning on Alghan territory. The main task will consist in acquiring recognition from as many nations as possible and above all from Islamic countries. We must achieve the minimum particip .tion in this government of pro-Iranian elements. Another task should be the liberation of one of the main caties, for instance Jalalabad, where the new government would be installed and administer the entire country. The Mujuhideen will need all poseible military assistance. Military advisors should assist them in creating something like a regular army. The involvement of Pakistan is necessary in order to control the situation and safeguard our national interests.

SECRET

BECRET

b. The overthrow of the Kabul regime. This can be achieved in two ways: a siege of Kabul followed by . a direct assault, or a full-scale economic blockado resulting in the downfall of the Kabul regime. For this purpose we should attempt to penetrate into the military circles in Kabul. It is very important to ptrongthon our influence in the new government and to place our trusted people there. Of utmost importance is the creation of conditions in which the normal functioning of this government will be possible only in the presence of our advisers.

c. The freturn of peace and the beginning of the reconstruction of the country will be a painful and lengthy process. We have at our disposal the necessary means not only to control this process but to ensure in the future the gradual integration of our economic and political structure resulting in a close alliance between Pakistan and Afghanistan. Finally it could be a Pak-Afghan confederation. This idea has received wide support among the military and the public, although a skillful propagandu campaign will be needed to accustom both Pakistani and world opinion

3. The situation is still tense and require vigilance. More detailed info would be appreciated and should be forwarded to us at your earliest.

> Didradior for Director General of Intelligence (Hohamad Arshad Chaudry)

هموطنان محترم

در شماره پنجم (ص ٦٤) تحت همين عنوان خبری نشر و ارائه سند را بشرط وصول باینده موکول نموده بودیم ، اینك سند مورد بحث از روزنامه انیس منتشره کابل بدست امده متن انگلیسی سند وترجمه فارسی انرا همانطوریکه در انیس چاپ شده

برای مطالعه و قفاوت هموطنان تقدیم مینماشیم ، روزنامه های رژیم کابل این سند رابعیث ثبوت مداخله یا کستان مورد انتشاد شدید قرارداده تبلیغات نمونند-:2. Our policy toyards Afghanistan is based on three-factors

> Comment of the second of the s سری

مدیریت میو می ا سنتیسا ران کلا می اسلام آبسساد، شیاره ۲۰ آغای، ۲۰ بی ای ای للريخ ۲۲ فستېر و د ۱۹۸۹

هو ضوع اولویت ها و سشراً تیسیژی با کست

غرو عمساكر دو سي شر ايط جديدي والإلى مسسسل مساله افغا نستا زايجاد مي-کند، بعال ساو در ز پسیمکابل او طباع التسمیا د عوسیلس در کشور لها یت جدی غواهدبود ، هيچ حكو مستاسلامي قا در تقوا هد بسودبدون كمك و سيع لما د جسي برکشور حکو مت کند ما عبیگامتند یم که یا کستا ن یکا له شریك و حتی ما می ا فاسل

الله: تشكيل يك حكو متجديد از هيستان آنا ز د ركلبرو ا فنا لستان فنا ليت كند ، تصبين و قيله راكسهشنانت حتى البلد و رئند ا دزياد ملل و قبل از مست كشود ها ى اسلام تشكيسل خواهد داد، مابا يد دد يسسن مكو من كمتر بن ا شتسر الا عناصر طر فعا د ا یسبسر ا ندا تا مین لما لیم و طیفسسه دیکر با ید ازاد سا ختن یکی از شهر های عبده مناز جبلا لآیاد باشد که در ۱ ن حکو مت جدید نصب خواهدشد و ازانس. جا تما م کشور را ادا ره غو اهد کرد ، مجا هدین معتسساج به تما م کمکها ی ممکن نظا ـ می خوا هند بود ، با مسلمستشا ر ان تعلمی به ۱ نهادر ایجاد چیز ی شبیه بسته یاله اردو ی منام کیك نمسایشد،دخالت و شرا کت پیا کستا ن لازم است تا او ضاع كترورل بنود ، منافع ملسىماطلا كرود .

مدستو در ویم کا بسلمیتوا لدار دو طبتبریق مودت کیرد این کار با بسد از طریق معاصر ه کابل و به تعقیب آن تها جم مستقیستمیااز طریق معاصر ه کا مسل التصادي كه به السمعسلا لدريم كابل منتج كردها نجام يابد ، براي ا ين منظور سا بايد للاش كثيم لا هد حلقا تانظامي كابل للو لا لها ليسم. بسيا ر با ا هميت ا ست كــه سراست که در ۱ ن عملکرد عا دی این حکو مت مر فا در مو در ت حضور مشاو رین ما آمگا نبدیر کردد. ج: اعاد م ملح و ۱ فسا زاعمار مجدد کشور یك پروسه طولالي و درد نا ك خوا مدبود،

ماوساً بل لا زم رادر الحتیا رداریم تا له تنها این پروسه را کنتر و ل لها پیم بلکشه در آینده ادغام تنز پیجسی سا کتار ا فتصادی و سیستاسی مارا به چنان طر پلسسی من كنيم كه منتج به ا تعادلزديك بين باكستا ن و ا فغانستان اينامر سرائجام ميتوالد تُنْقُدا سُيونَ أَنْفَا نُستانُ وَيَاحُستَانُ بِيا لَجَاهِدُ ، أَ يُسنَالُدُ بِشُهُ مَمَا بِتُ وَ سُيعَ رَأَ در مَيَا نَ لَكَا مِيَا نُ وَ عَبُومُ مَرَ هُمْ لُسُبُ خُواْهُدُ كَرُدُ ، بَايِنَ وَمَفَ لِمَالِيْتَ تَرَكِيفًا تم مَا هُرّاً كُ كرُّ م خواهد بود تا ا تكسَّا رعامه بالسَّتا ن و جها ن به انعادت كند

"اً- و ضع فنو ز هـــــممتشنج است و مستلـــرما حيا طميبا شد ، ا طلاعات مفصل تر شما مورد لدر دا لىما خوا هد بود و با يد بــه زود ترين فر مت برا ي مــا

در فیلب مد بر عبو مسیاستغیارات. ډکروا ل معهد از شسسا دیودری .

SECRET

بخش مسايل فات الافغاني

صفحة	نـويـسنده	عــنــوان
٥٧	د، حجار	آوازی از دور
٥٩	ن • 1• نگارگیر	روءیای انقلاب جهانی اسلام همانند روءیای جامعه ء بسی طبقات است
٦٣	شـمس اله دا شـمس	تـحهیل شوی قیادتونـه د نجیب د اقــتدار د دوام مسئول دی ه
77	حـمید انوری	نخطری بر کابینه جحدید کابل
٦Υ	بوهاند دکتورفا روقا عتمادی	حـزب کثیفوکراتیك خـلق در پـی غـصب نام است ** وطـن ** نام ** جمعیت وطـن ** بـوده است
٦٨	منها جنز دهنلي	د ر د دل لالا مــستانه
۷٥	محمد کریم بابکر	تــشویــش۱ز مــرض ایـدن
٧٦	خبرنگار ائینه	سترنوشت جنبها ستقلال الملى افغانستان تعلين شند
ΥY	ا دا ره	تـــسليت بــملـت بــرا در ايــران
٧٨	عسدالرحيم جينزائي	د سـتــهـِـخن وزير خارجـه امـريكا
٧٨	رر رر	ً ا نـجـروتيا لـحاف قـورمـه اى
- A1	ع، سالك از المان	ا سـتـخراج نـجـو مـى
٨٣	عبدالواسع روشنا	قــیماق چای عـجب خان
٨٤	سسزا وا ر	د ر و غ مصصلحت آ میز
٨٥	محينا	تا یکجا بشکنیم اینهمه رنج زندگی ۰۰۰ (از کسیهان)
۲۸	محمد شعيبان المان	جــا س ــوس گــــيرو كـــن
٨Y	سخن پــردا ز	طسرح ديسوان لاف
٨٨	اداره	یادی از شبهید خلیل کبرزی
٨٨	اداره	عبرينه كننجاره خبواران بوزير صاحب داخله
٨٩	فحخريه الصفى	ا ئىتلاف حىكمتيار با خىلقى ھا
9 •	حصید انسوری	آ یا کودتا حسلال مسشکسل افغانستان است؟
9 7	دکتورعبدا لقیوم کوچی ۱ حمدزی	ححکمت و ا ئـتلاف ححکمتيار با خلقی های خون آشـام
	4	· _

مكاتب واريه

سفارش برای تعقیب طرح صلح ۱۰ راه حل قضیه افغانستان ۱۰ سید مسعود پوهنیار ۹۶ شسیسر آمسویسه

مفھ		عــنــوان
90	محمد نعیم عثمانی	ححسن نیت و ارسال ضربالمثلهای عامیانه دری
90	سید سرور ۱۵ شیمی	تائيد جواب هاشميان به نجيب الله
90	عسبدالرحيم جنزائى	<i></i>
97	نسبى مسعداق	ن ي هـيـلي
97	محمدجعفر ازكبابيان	و حسشت در کستر
٩٧	امان الله حيدرزاد	پیام حبین شیت
97	حسراج وهاج	پیام حصننیت و پیشنهاد
٨P	فحفريه الصحفى	یاک نیظر افسفانی
q ¢	حاجي عسزيزالله	هـا شعبان دا كـتر ماكتر نيست ٠٠٠
1	ا حـمد صـديق حـيا	نـــظريات و خـاطـرات
1.5	ا داره	مـنــد و ق حــيا ،
1.5	ا داره	ا علا نله ها
1 • 8	دكتور سيدعبدا لعزيزنجيبي	پـيام حـسن نيت و نظريات
1.0	ع ، فيا خيته	نامه ای از دهلی بنام مستعار
1.0	ا دا ره	نامه بی امضاءو تاپه نمیر نبیسلاح

الهشيف ملى

1.7	پایخنده محمد کیوشانی	قـــا تــل ســردا ر مـحـمد دا ود و فا ميلــش
۱.۸	محمد حسسن كسريمي	شاه آغای قلعه قاضی
111	سليف مسعود پلوهنيار	ا ساس مسعًا رف عسمری
111	یکعده هموطنان ازپشاور	ا جستماع پسشاور
114	شـا عر نامعلوم	هـمه در خـواباز آنـنـد که بـیدار کـم اس ^ت
114	ارسالى ،، حقيرالعباد،،	شاه شجاع ها در دو قسرن اخبیر

هموطنان محترم ـ افتخار داریم باطلاع صیرسانیم که سهم قلمی هموطنان الحمدلله رو به تزاید بوده همین اکنون برای دو مجلمه دیگر مواد داریم، مقالات وارده به تریب نوبت وصول نشر خواهد شده ، اگر خواسته باشند مضمون شما نوبت نشر بیابد باید اقلا یکماه قبل ارسال بفرماینده

معترم د. حجار ازالعان غربی اوازی از دور

اگر سوسیولوژی را در خدمت سیاست قراردهیم وجوا مع عقب مانده را داخل دراین ترمینولوژی در ارزیابی سیاسی بگیریم اکثر حکم بر این میگردد که روشنفکران این جوا مع عموما زندگی را در یکتوع بی مبالاتی گرفته و متکی قر موجودیت رژیمهای خواب الود وهوسران سیاسیی که اکثرانماینده استعمار و یا دست نشانده انها میباشند از قبول ویا تعین یك هدف سیاسی قسما بدورزندگی می نمایند، چون این کشور ها در عقب مانی شدید اقتصادی گرفتار میباشند فلهذا طبیعتا تلاش اولی انسانهای چنین اجتماعات برای پیدا کردن نان بوده که خانه ولباس همردیف بان ضم میگردد، یا بگفته فیلسوف بزرگ فرانسه ژان ژاك روسو که ۱۰ انسان وقتی بفکر آرامی دیگران می افتد که غردش ارام باشد،۱۰ البته مقمد این فیلسوف ارامش اقتصادی بوده که ارامش سیاسی را در قدم دوم قرار میدهد ، از همین ابست که ایدولوژی مارکسیستی در پیشقدمی سیاسی خود این احتیاج مادی را مشخصا درك نموده وجیزه ها و شعارهای اولیه خود را برای مردمان این کشورها عبارت از ۱۰ نان خانه و لباس ۱۰ تعین کردند ، این شعارها واقعا برای مردمان این کشورها که در ستم نا توانی اقتصادی گرفتار میباشند و موجودیت این سه فاکتور بنیان زندگی مادی انها را تشکیل میدهد شدید تخت این تاثیر امده و قبولیت انرا از شه دل میخواهند ،

چون موجودیت این شعار ۱۰ نان خانه لباس ۱۰ نه تنها وسیله بلکه در عین زمان هدف هم قرار میگیرد فلبذا برای بدست اوردن ان نیز جد وجهد خستگی نا پذیری بجریان میافتد طبیعتا هر قدر این ما مول براورده میشود همانقدر عبطش برای بدست اوردن افاقی آن زیاده تر میگردد چون این احتیاج اولیه در تامین خود لامحدود میباشد یعنی نان خشك میتواند باقسام غذاهای پر پر اخت و پرطعم تبدیل شود بهمان ترتیب موجه دیت خانه نیز عیارت میگردد از سرپناه عادی تاقیصر های با شکوه ولباس که نیز بهمین ردیف نهایتی لامحدود دارد، یعنی این احتیاج اولیه ازشکل ابتدائی و اولی خود تا سرحد تکمیل لا محدود بوده و هر آن شهوت تکمیل آن باقتفای زمان و مکان روبا فزونیو تکامل میباشد، پس می بینیم که احتیاج اولیه انسانی و یا دراجتما عات امروزی احتیاج اولیه انسانیای کشور های عقب مانده بشکل مریفی اجتماعی در امده و هرقدر که زندگی به پیش میرود این احتیاج نیز تکاملا شدید تر شده و این انسانها را چنان با خود معطوف میدارد پیش میرود این احتیاج اوردن و تکامل آن همه جواس و قوای خود را مصروف آن ساخته اگر تا جر است یا ما مور اگر اهل کسه است یا زارع در همین خطالسیر ترندگی قرار گرفته آندوخش ما دیا تر خراه هدف اصلی قرار گرفته تاندوخش ما دیا ترای هدف اصلی قرار گرفته تاندوخش ما دیا تر هدف اصلی قرار میدهند ،

این دیگر طبیعی است که این هدف مادی انقدر قوی میباشید که تعین هدف اجتماعی و خدمت به همنوع و خلامی از بردگی مادیات اصلا جای در دماغ این قبیل انسانها نمیداشته باشید ، چون جوامع عقب مانده سیر حرکت خیلیها بطی دارد فلهذا عمر این نوع زندگی خیلیها دراز و طویل بوده نسلها کار دارد تا چنین جوامع را شکان داده و بخود اورد ،

روی همین اصل بوده که سوسیولوژستهای اروپائی در بهلوی این سمه عنصر فاکتور آزادی را نیز اظافه نموده و شعاریکه برای کشور های تحت متم و یا در قید استثمار تیبه نمودند این بود از در خانه د لباسد و ازادی ۱۰۰ بعنی فرق اجتماعات انسانی را از حیوانی مشخص ساخته و تاکید کردند که انسان بدون ازادی برده ۱ است در قرن بیست ۱ در تحت همین تفکر و تصور مردمان کشور ما هم در تلاشاین سمه محنصر بوده منتهی بصورت احتیاج اولیه وبدوی که تقریبا دهات وقرا ۱ افغانستان تامین این احتیاج را متکی بر درك انسانی و شعور بشری احساس نموده و خود در پی تهیه ان گردیدند بدون انکه خارج از محوطه زندگی خود بحیث شعار زندگی شنیده باشند که بد بختانه این تلاشها هنوز هم ازتلاش انسانها ئیکه در تحت شعار خانه لباس ونان حرکت مینمایند بطی تر بوده و تکامل آن خیلیها ابتدائی و واقعا نان خانه و لباس درهمان شکیلهای اولیه آنیعنی قرون وسطائی و حتی گاهگاهی هم به دور حجر میرسد ه

جوانان شهری ماهم در تحت همین عنعنه تکاملی بزرگ شدخد وقدم بقدم این کتلاک کلاسیک را تعقیب نمودند، بی مبلاتی در مسائل اجتماعی بی تفاوت بودن در برابر هم نوع و هموطن بی اشتیاق بودن بر مسائل ملی عدم توجه بعمران بنیادی بهم نرمانیدن تفاهم سیاسی ناتوانی در نزدیک شدن و همکاری فکری داشتن حسابد بینی قبلی و نا رفایتی در برابر همدیگر وبالاخره عدم قدرت ۶۰ تعین هدف ۶۰ میوه هائی بوده است که از این درخت پربر بما بمیراث ماند ،

این مرض مزمن چنان دامنگیر ما شد که هرکجا این ارامش را یافتیم زندگی را هموارنمودیم وبالایشبا تبختر نشستیم ، اگر هموطنی امد و گفت ٔ ۱۰ اینجا کشور مان نیست ۱۰بروی قبر کردیم و از خویشش راندیم ، در کشور بیگانگان ارمیدیم و لمیدیم ازهوای الوده ان تنفس کردیم ودر زیباگوشه های تصنعی که در ساختمان انهیج حصمه وتعلقی نداشتیم هواخوری رفتیم ولذت بردیم ، خوابیدیم بلند شدیم خوردیم ویا زخوابیدیم ۱۰۰۰ وای براین زندگی ننگ آور (درین غلبتگاه بسر میبردیم که از غیب اوازی بگوش مان امد که (۱۰ ای بیگانه بیدار شو این جا وطن تو نیست و همدیار تو نیست ۱ اینجا شهر تو نیست و همدیار تو نیست ۱ اینجا شهر تو نیست و همشهری تو نیست ۱ اینجا شهر تو نیست و همشهری تو نیست اینجا شهر تو نیست و همشریه تو نیست اینجا نه وطندار تو در زندگی تو در ذلت است ۱۰۰۰ ای وطندار تو که نواده احمد شاه بودی او که گدائیگر نبود ـ تو که بازمانده میرویس بودی او که هدف عند بود ، تو که افغان هستی افغان که زندگی در ذلت نداشت با پس تو کیستی ؟ و کجا هستی ؟؟

ای روشنفکران کشور ـای وزیر ای وکیل ای سفیر ای والی و ای مامور وبالاخره ای هموطن ، در هرکجای اروپا وامریکا که هستی بگو که این درویزه گری تا بکی ؟ این پراگندگی برای چه ؟ ؟ این دوری چرا ؟؟؟ این تنقر از همدیگر بکدام دلیل ؟؟؟؟ واین نارهایتی از که و از چه و برای چه ؟؟؟؟ بیدار شو که در کجا هستی ! وطنت چه شد ؟ خانه ات چه شد؟ فامیلت چه شد ؟ دوستانت کجاست ؟ و وطندارت کجا شد ؟ بیدار شو که کشورت اسیر است إ

دهقان تفنگ برداغت وگفت زنسته باد آزادی ، دختر کمر بست وگفت سرمن وسرتو ای وطن، پیر مرد کفن پوشید وبخاك افتید ۱۰۰۰ما من و تو از همه چیز وهمه جا کندیم وراه دیاربیگانگان را گرفتیم تا زنده بمانیم این جان شیرین را در گرو زندگیپر محنت وپر منت قرار دادیم و از دستمزد دیگران انهم بیگانه ها در یعن و ارامش غنودیم ۱۰۰ این هم شد زندگی ، ؟

ای روشنفکران کشور مسئولیت شما در جریان موجود بزرگتر ازان است که بتوانید انرا روزی در برابر هموطن خویشدر کشور و یا در برابر عدالت خدا وندی واب بگوئید ، ایا توکه از خونان بیچارگان در خون فلتیده تصیل کردی و علم اموختی بزرگ شدی و در اجتماع دیروزیا نما ویا دار ملت بودی قصدر شدی وعزت فاشتی امروز نمیتوانی حصه ، از وققت را صرف کنی تا با هموطنت در همین دیار بیگانه ها همفکر و هم صحبت شوی و برای پیدا کردن راه حل سیاسی باهم اتحاد و اتفاق نمائی ؟ ایا نمیتوانی با دوستی و مروت با اخوت وبرا دری یکجا شوی تا با یك اواز در پهلوی جنگ وجهاد در حستجوی راه حل سیاسی برایی ؟ ایا نمیتوانی از خودخوا هیهای بیجا انهم درین مقطع خاص تاریخی که کشور در حال از بین رفتن است بگذری و با هم اتحاد نمائی و صدای افغانستانرا که در جهان بیرحم اروپا و امریکا رو بخاموشی است زنده ساخته و با پشت کار خستگی نا پذیر در تلاش نجات کشور باشسی ؟

ایا نمیتوانیم با هم متحد شویم و عمراین زندگی حاشیوی اروپائی و امریکائی را کوتاه ساخته و راه مراجعت آبرومندانه را در پهلوی هموطنان مجاهد خویش در داخل کدور جستجو نمائیم ؟ روشنفکران کـشور بنام ملت مظلوم افغانستان باهم متـحد شوید ، ۲ می ۱۹۹۰

اعلان تجارتی

طقعات روع سلطنت امان الله خان

ا صلاحات وانقلاب١٩٢٩

وُلن اليون لولادا مترجم داكترما في يوسنزي

یگانه اثر مستقلیست در باره ^وواقعات دوره ^و ملطنت اعلیضرت امان الله خان •

مثاهدات و تبعره های مترجم دانشمند نیز به ترحمه دری اضافیه شیده است ه

صاحبط فروش بکمپهای مهاجرین افغانی در پاکستان و پتیمخانسه ها توزیع میثود، قیمت : ۹ دالر (بشمول محصول پستی)

Baqi Yusufzai 1309 Pickwick Drive Bloomington, IN 47401

افغانستات رينج قرن اخير

سولف: سيرمحمد صديق فهنك

این کتاب باشر تقافای مکرر هموطنان وبا جازه و مولف وناشر آن در کلفسورنیا تجدید طبع گردیده جند جلد آن باقیمانده بقیمت تمام شد ۲۳ دالر در امریکا ـ ۳۵ دالر بکانادا و ۱۰۰ دالر به اروپا (توسط پسته فغاشی) دستیاب شده میتوانده تکثیر وتوزیم این اشر باشر تقافای روزافزین هموطنان معنی تاثید محتویات و مدعیات آنرا ندارد، نقدهای آبینه افغانستان درباره این اشر در آینده نشر خواهد شده

ادرس: ابينه افغانستان تلفون ۸۳۱۶ ۲۹۲٬۹۳۹

نوشترا ، ۲۰۱۰ تقارکر

كرشه تاحيند خويجق والمالشنوع بذكد الميصداء تاجزه ليزانع روياي دنية جهال الملاجا مندروياي جاحري فبقاست

حذال میں وج و چمر ، کیست و ناکیست چلل وحوارب جدالی کست اجی کم خداونومتی الیمند داری دیرین آن دور بر مورشه موکول کرده ست، ل کپش نامیش دؤیری جهان بهتررا باخوليشتن ويهشته بمستاديمها وفليمغ دربارة بجهان أن طوركه بالمياز كرد كالموجع مينيلدند كذست، خرب بوده دعى تلاش مى حدرزند باخبر وقدنة سلابي مودم به رسنته كرم كرخوب ميت مومود مي دانند بركردانز . اين كروه راتريون كراول كزشته كرقي کتاب کا برخهست وید. بی ردده تصد ندارد چرنی مباک نوشته ۲ بیغزا میهموینختش مغت خوٹ بیری ہے کر وخوجین بسرتر لدنہ کو ہم ہواحشد کدہ برجنتا ذہبیار قب کا خوٹ بینی با واقع بہتی کیٹا دوبائی می افتاد مویلا تیمود کراس کا فرح قب کا خوٹ بینی با واقع بہتی کیٹا دوبائی می افتاد مویلا تیمود کراس کا فرح امير ولامروص ديگرجه سيستند لاكلرمجانز اريزه بعمة خاحدشد ، بنهزين بدرلعود داي شند که جدن دیمل انکث ف یا جدن سعے را بهینج سوزان تبیمل کوه اندومن بیم بستعیادی کزائیزویران ، بفرزندفردا خدست كند و چهان دحيامها بق يندرغويشتى چهانى دي يى وفايغ لزدد دكركى بيت شمل كم ممذ شسته بهمتر موديا أيزه بهمتر خواعيشر نا ديرست بستوليج محقوان كذنى يجمنع يالمبصبا زنزكرايي كموه راكيروليكويان آييده كمسيه ويوه ومين دودته رؤننكران أشند

وبموى لنخيركامل جين برانيز.

درس خوانده فولیستش را «حلافمند» و «متحهو.»ی داند. او دربُمسترین حمدت درمیلرم وجنال خود متحصور» است کرامی اکٹےست جمل ا برموی آنچرخود کال مطوبی پندربراند چنگلی کی بیندایی اکٹریت طویکری داینم دیمان سوم اکثریت مدم لزیره ادور است کافی بده ذر زمین براین رو کلویکر

دلی با کیکٹنا وٹ ہائٹا ر ، جراح قبولا می داند کا کدائے خود ناسائے است وجارہ ای جز قلع کردندکند سازگاری ندلسدد . لدوخود را درقی فروجواحی می بیشند که برای تجاشت جان به میمنون سرل اوراق کمسیحی ند جاهم بدارا ده فود بهوی آن حدف نی رود بسشک بی خدرا لذیکت می دحد زیرا انگا به تقیع و تربید و تغيير قديجي نبادكى الجبتاج عمرنوح فمرايوب باكاردكدد كربابيعيت لتمسواي اين ستزخكوه لمنمده ل ریشندگی جونمد پرسبزتا جیچ میزنی دارند ومعیارا و مرکی خیعی کم لازنام کم باوردیاست حای عقيدوى يؤدش يامعيارى عرفأ ايديولوزيك أستايعني لذحدى خواعده نندلو فكركمنز واين تسميمكن کس تِن 6 نظروت یک تِن رز بزگرترین ترشینگران «حدفمند» یا مرسیرا این تبی دهین خودکه ملاگر ديع كالكمرطق حمان قدر بحياب و بي اب كرارديكون بجواجي امنزية جامز بهجسنديا فالجزيئة بعين يل بت دريث نفل معرفمند، ونياي سع برترادر يميل وژان في سمة مي گوديل نبروی رندگی مؤددا درگام ۱ رانطیاک سوزوشیم اندودی می پخشند تا برلژدیا تبولیکان کنز ماگوت، دون ، کاستمتر و وبالاخرهنستال ومین ، برک و نیسبغوده ن میگود. در وزمی بی شکا گرفت که غرب بافتر قبت بار اجتماعی کهت وگریبان نبود وکو دکان تا زمهزهٔ

ماکٹ تصارحق وبالحل از درجامعدائٹ نی درائیٹرا مبارزہ کمیتی پرتوافگن می دیدوهی جملاف و پرولز رب استون مغیره و مورژاس دیش برارگی این بود کریکی لذامی دوفرداز موطوعیاق خوبود استده بود و در سیمین نظر بود کرمل موفو فرشت درا برک نهستایس دشاکود بشرارش کرد مين دوفرد مع جلقه ايزشكي لينعبارزه طبقاتي مي يزاشت. منطر اوگرديمين پردترلغس) مطعائوی بسقست لذاشتاد ربودند دارد.

فكرى جامعه بركارى افتاده اكنون كرتاريخ لبخيذ تمشخ بركب دارد و بركوده كانتين رستحام يدئيستم فن أشعرسياى لمكرسياش وفن كتاجيده ترمين نيوى كرنان مركس را كا ديمت عقيدشان خل كريشعن طبقاتي بنزا شتنذ وناجيش كردندو دبيمي كرنيره ي كب ني و ملي جومعه كاي خوكيش لرميز مبها د دلم دند. كما مبزي كدام حدف جبرا كا

نلاشهای پی وربرای مشروعیت دادن خومت غیرفانوک

هموطان محترم

در شماره پنجم فهوت ۲۵ نفر هموطن را که شاغلی میفت الله مجددی برای اشتراك در حکومت مجوزه با مطلاح ۶۰ برا دبیس ۶۰ پشا ور دعوت کرده بود برای اطلاع شما هموطنان نشر نموده بودیم مجوزه با مطلاح ۶۰ برا دبیس ۶۰ پشا ور دعوت کرده بود برای اطلاع شما هموطنان نشر نموده بودیم هموره ای در برای طب اکثریت آنها با وجود تماسها و سفارشات مکرر تیلفونی بنا کا می انجامید از طرف دیگر وزیر های کوپونی پشا ور راجع بسرنوشت چوکیهایشان مشوش شده از طریق احزاب مربوطه خود فشار وارد کردند با بران الهجه و عنوان دعوت که قبلا اشتراك در حکومت بود به ۶۰ مشوره ۶۰ تبدیل گردید وبرای تحقق دا دن این هدف که منظور ازآن ظاهرا مشروعیت بخشیدن بحکومت غیر قانونی پشا ور میباشد شاغلی مجددی دست بکار شدو نامه دیل را بیك عده هموطنان که شخص مجددی و حکومت او ۶۰ ما حب نظر ۴۰ تشخیص دا ده بودند (وهر آئینه در بین انها شخصیتهای عالم) با تجربه و دارای شهرت نیك نیز شامل است) ارسال نمود ه

اء بسرا در عسزيز ٥٠٠٠٠٠ اسلام عليكم و بركاته

از مدتها قبل آرزو داشتم که از هموطنان دانشمند و صاحب نظر خویش دعوت بعمل آرم تا برای مشـوره راجع بقضایای مهم اسلامی و ملی میهن ما به پشاور تشریف آورده و با ابراز نظریات سودمند خویش ما را در امر تصمیم گیری در مسائل مهم سیاسی و ملی و تعین سرنوشت ملت مسلمان افغانستان مستفید گردانیده

چنانچه قبلالمبعضی از برادران رسما دعوت کرده ام ، درین ایام وضع کشور عزیز مابمراط خیلی حساس رسیده که امید است بمشوره و توجه اشخاص مخلص و خبیر راه حل معقول و مناسبی سراغ گردد، اینك بعد از کوششهای زیاد بالاخره زمینه تشریف آوری شما مساعد گردید وبا استفاده ازاین فرصت از جناب شما دعوت مینمایم تا در هفته ٔ اول ماه جون به پشاور تشریف آورده و در حل قصفیه وطن عزیز خود سهم بگیرند، با احترام ، صبغت الله مجددی ـ رئیس حکومت موقت اسلامی افغانستان ۱۰

بقرار اطلاعات موشوقی که آئینه افغانستان بدست آورده دعوت شدگان موقفهای مختلف اختیار نمودند، یکعده بغوریت رهسپار پاکستان شدند (اگرچه مقارن با همین گردهم آئی سیمیناری هم از جانب شاغلی کشککی در اسلام آباد دائر گردیده بود اما هدف اطلی رفتن بپاکستان اشتراك در کمیسیون مشورتی بدعوت شاغلی مجددی بستو د م) عده دیگر بشمول شاغلو دکتور محمد یوسف و دکتور عبدالصمد حامد اشتراك در مطلس مشورتی را سودمند تشخیص نداد ه معذرت خواستند ولی با صرار مکرر شاغلی مجددی که با تضمینات بین المللی توام بود با لاخوه برفتی موافقت نمودند و قرار مسموع شاغلی دکتور طبیبی نیز ابتدا چنین موقفی دا شتکه با شرتما سهای بعدی حاض برفتی شده

گروه سوم شامل هموطنانی میباشند که از هر دو دعوت معذرت خواستند ـ از انجمله صدای امریکا مصاحبه خود را با سه شخصیت افغانی یعنی جناب سید شمس الدین مجروح ـ جناب عبدالستا ر سیرت و جناب سلطان محمود غازی ـ نشر نموده است ، جناب مجروح پاچا گفتند که در مدت ده سال اقامت خود در پشاور پیهم مشوره داده اما رهبران نپذیرفته اند و اکنین نیز شرایط پشاور تغیر نکرده بنا بران از رفتن و اشتراك در مجلس مجوزه معذرت خواسته است ، جناب عبدالستارسیرت ابتدا بغارسی و سپس بجملات فصیح پشتو انعقاد مجلس مشورتی مجوزه را در شرایط حاض که تنظیم ها تغییر موقف نداده اند بیسود تلقی نمود، جناب سلطان محمود غازی متن نامه ای را که بجواب شاغلی مجددی به پشاور ارسال کرده بعدای امریکا چنین قرائت نمود ،

** (بعد القاب و صقدمه)

اصر بتاریخ ۲ جون ۱۹۹۰ تماس تلفونی توسط یکی از منسوبین حکومت موقت از پشاور جهت اشتراك اینجانب در مجلس مورد نظر در هفته اول ماه جاری مورت گرفت در حالیکه دعوتنا مه کتبی حاوی توضیحات مزید هنوز بدست نرسیده است ، متعاقب آن تلگرام متذکره ۶، مورخ ۷ جون نریعه پوسته عادی از نیوجرسی دیروز یعنی یکروز بعد از تاریخ انعقاد مجلس مجوزه مواصلت نمود ، معلوم شده نتوانست که این سهل انگاری در حالیکه حساسیت و جدیت مسائل مستلزم سرعت عمل بوده ناشی از بطائمت اجرای امور در دفاتر مربوطه میباشد یا سائر عوامل ۶ زیرا که انعقفای زمان معین فرصت اشتراك را از بین می بسرد ،

۲- باید اذعان کرد که با در نظر داشت موانع از مدت ۱۱ سال باینطرف یکی از بزرگترین آرزوهایم مسافرت بکشور برادر جمهوری پاکستان ۶ دیدن هموطنان ۲ همکاری و سهمگیری مزید در حصول آزادی کامل و قیام یك حکومت ملی بر مبنی اساسات دین مبین اسلام طبق آرزومندی کافه ملت مسلمان افغانستان بود ۶ مگر اشتراك در یك مجمع مذاکره و اخذ تصامیم لازمه پیرامون حل قضایا ی ملی واجد اهمیت حیاتی ۱ یجاب فیضای فارغ از هر نوع اختناق و محیل عیاری او وجود هرگونه فشار خاطر جوانان بلکار در متعود من این ہست کر مغرج کیتھا ب را لدویدگا، عرفان ہملاج مکٹش کلیم ، رداگا ریش خولیشستی را با جد بهیت لازمشنو چ حفرت مولانا بریایان بیارم . حمروم اسست دمجروح در فرتر کارج لازای تمودی ذیرعنوان دکلام محتث انونی چنم در بارد کامن جنست ارزی هنم در

, کرو حی لدکزا گان سشبی به دیدار میکذر دفته ولداو کرسیدند: د ای رحکذر! ما له مروز می لند همیان کرولدگان را سکنیدیم کر میخسس: مبدرژه م زدرافدمن بهست و زبرنظر رکزادی آن لذکرستخیس بهگر مراح ما انجاع نهتلاب کامل برده زمین آس و کلم ما یمیام این تهسسد بریاشین بهت بدگر مولیم تهشیلا به جمحرن کلام آست ؟ په

ای کزادگان با ای کزدست دور فرویده کلام کزست اکومین تمکیدب دانیک دریا بید ای کملام اگر چ خواصید لیزمت می آدمیست دور فرویده کلام کزید اکر مرزبان دا نیده زبان شم بخد چه کانه مید باید و ذرح خای محل خوش مدید ، دیرا اگر مرزبان دا نیده زبان مرخواه خوامی دید میرل خوامیزگردید و مرومول به راه خوامید اخاضت و ده میچه میرت به مینی دندک مرخوامیوکست و اگری را یونای محل خویش مرزبان بزید نوامیزگرد و اگری را یونای محل خویش مدید و میش کرداری درخوامید در خوامید و کرداری درخوامید درخوام

کور و زرعنی کمل خوریش باید باشت عینی کهت : « نهتلاب را بر راه باید انداخت به بش ازی بوج د با یکور - کزی راخلاه میل او دگزگون باید ساخت ، بر نور کیشد د باید وازخت تا در با برا مداخ نهتلا برکنسیدهم فریجنسا ایگیز دراین هست ؟ : نهتن ب را وسید ای عبده و دحد که جنگاز گیدن به هواف برترین به راه انداخته ههخود و ره ویژیت ارهمین پسیست نهتندب از میمناف خود میچه غرایی و فاحل ذارد دیمونهمیس نفیش خود نهتندب هست نبتندب از حدف یکی همت وای فتط خود بنتن به هست برترودبلاتر

پولاتی را درة لاب کا چلن خرق و جس را بزئر سخ قعب بدانغ بیر و بختازایان تعمب وکوته مین پروان کرئیدد و مش مبرج را نیز درجرهٔ ایمان کرک با خوی پار رومانی خودرا بعنوان تبک و دوای حزارگون دردی اث مند حواه دارند و ایم موت نشین درت بینتم نیز که شد. نشاعی بنیس مجبوزهٔ کسان گلایان گارشته دمن امید واری کویلین کا باتلیم ندارد همی به شد به در کیش می امید و می امید و درج این نگارش بتزاند

تخ دورلنگیشی وتعکرمنطق را به چی گزردگوق بیم رکوز وتبزارجوانی دروزیمهٔ

عملاسشته بگر روبره کهت و عربیان «عدور پهتملاب پهلامی خواحندبغیرته کسیف کهتلارگی ی

معرمورت لذمتعر وخولش دورينتم كم اكنون جيان ، وخاحة ونياى اسمام ؛خلاكده لألايي

دزخودمرلع ديگرى داني شنت سد.

قبل ايمان اختيار مع دلدد. براين ايره مبارك درمورة بيزه لتنا تسايع بير : خُسَمُ اللَّهُ عُمَى فَلُو بِعِمِ وعُمَلَ اسْتَجِعِمُ لَا وعُمَلَ ابْضَا رِعِم خِشًا وتَمَ وَلُعْمَعُزابُ

گذر خواصد کنده خیارت میرشد مداقت برمدیت نصمیهان خاصد بورمخت اسلام ایمان وانموکردیده واز متولا عربی یادگار روزگارتیم بیشتددی کمینیان خاصد بورمختان میتیان خاصد بورمختان میتیان خاصد به را بازی دقرانی برگار خواصر آمد، جنب میترگی خدمت ربیل زاشته خایشدد... استر خصابک و خصبک و مسترصبک زراه خویش دظیری خویش دخرم جایش دفتان گزیری دقرانی برگار خواصر آمد، جنب شدیم خدمت ربیل زاشته خدیشد... مطل این شد راینا روگرا د این ہے : دیراہ برین چواخیلوپ درجع و ترومیل پر ایران مؤنجیسٹوں ہے کی بقد کرتباط دررد وجمین میل در استعملیت با مسل عَظِيم ٥ ب برخداوندرج ومی بیشم کرخداوندرج کرادهٔ پزیش دیم مظامرده کال درآبرشيشتر مين إن التؤيين كغروا الخركم كمغركه بغير احتيار كهت بغوكا فوالثهبت داده بغیّدب ہسری دزفریق توسل بر زور وشونست اکن را وزنس ان مسبره کمنز و زمومن بلا خدا وند لداده و خت ر بذیرش حردورا بولیش داده بست لهزمین بست کهشار ابن آير نزين دره ره کا حزان که سخن می کويو مختلارش اين ہست کهشمان د باجلوه کافر ہست يين ابتميق كب يكا بهو كلا رفتانس وخشه دراية موردعت وكنيج المحاليمون برحين إحل حمد ئ كذلدد وميداينم كم درلحل تاريخ صعبن لديان ديم دقلود يملق بالمطخ زرئية الذوعدائ أسلامي ديانت دعي يا مرع عليم راحميز المسموقة وي خوليتوقرله

هة كر إشب ومجروح دربيل مون عميت نقلاب سوقي سخزكمة وبآمير كانسرولات (لرژدکاچ دی : دفرته رعمن ت ۲۰۰۷-۱۳۰۰ کرنت رکی ناسنسی لدناک برانخ کسیس با میسلام ممود : ۰ این کمس که دنده کموداین میکندش کی کا ەنىدايى كىت كە زىنەكردانىيە تا چىنىش كېپ نۇر... ولەسىخى تكۈرىي كى ليومىلۇرلىرلېقىلىپىكىلى تهريخ عقيده اسلامي ديرزمينه رباشد خرويت توسل بعبش وشونت وحدور ملتاج فكا كرى احت سرئ تعدديد/ بركان ممكم الملاء خود قرك كهشت كريث مرودهمكش ديگر (ناس) كدرگرميكان وكافر هردوك شاطى مفوع موج ميخود بنابرين دهن نداده كه وبازى دائم كوتل كيم ككويد: الكاظمين الغيظ والعافين عي الناس والله يُعِب المحسنين للح بهم اين أي ملام رز اکم السعب تانيسلابي باكريس واين قرال كريم جدارد اوج مح الديشي كافيروى

بهيه مختفز دين الميار: ئېتىرب نامپارېست ديمقام وشستاسىئى گردد وھۇنزنىزا نەمگا جىلىزائل فوا تىرگىزلىرد. مېينىگون چن نهتو ب خزاجی نخواجی نروتریشدد کهشت وجون نهتوب جوخ چزدا خدش خزددلددادین جا للام عرشب دایم دا برجان وتن آرمی جاری کی زد و قدرت مملق دا برک ندونو زوایدی ند ەبىن قىرىت مىلىق دھىغت كۆيى ،مىن رىزدكى مدايات يېيىنىك كىرىزىرىڭىڭا چۇدد ويتسندهان ناخود الهاه الدراع بلعد ودبخد فروى برد ف دېرې اندېڅه لېور به دېږې کې که :

لېغىلا بېيىنىمەن ، كان كېك ئەڭىمىن ئىڭ دىتلاش، ئەرىي راھىلادىمىل دارادۇ، دېڭۇن برتری سے را دال بہمتری کمشیع ح دائد وگویوحرشید! بدی کم درا ه مراجع لمعرب برمی اگیر كران وقربان بهم مطاهد أمد، جنيت شهرتي خدمت بديك يزديشة خاعيشد ... نفایند ، اُستان نوی نمی سازند ، بلگرکزاره ای را به بردهٔ فا قدرراره ای مبرّل جردانند. معنای لعدا کم زمندش لهشه نی ایست «اکامیل وارداد،گی ایست درش وی برون کاکندستا دین که کسلا ب پیشیدها ق ۱۰ میل دعزنان ۱۰ بیابان زمان ایز ۶ دربیج وخم راه زندگی درگمین میشینده ارد در در میزدد بازی دارید برسی بیابان شدک و دجان کیت نندوج مز

عبد کا گونگون کن ایرائیل ریش مغرده ک ولره لزدینی، بهام: ایمن جرب مندارج) کست ار برکس و عمل و کور وابدته باقیر این کم کسن در رویا

سی میگوید ومن برای نکمة فقط است ره ای گذرا میکنم معقب ندی وفق حاکم برجوام اسلامی جولنه مددر نعتسلعرب را ونفت للهجول محتر مسلب محند ومحل ديگران بهشين الجويند: » الدم له س الكر ده اى نموى مو مى داشت قبل لىز دي گراك ج را مرج درا مى كرد .. اكرى اگر العما اسلامی منون تعوی ودیس زه ن خورکن ی قبق دی گردید این سال خد دیگران را بهوی بزیش ارزش کی دسلامی شویق میکند ده گروگان کنیری وششونت نفزت را د من می زندوین می بيتي حيند ليذمشنوي مولانا دربار في حدّ الحق وباطل:

> تأقيامت ماند اين ودو لحم نيا يرمُستدع راممنيي عزت مخزن بود دنند بسسا المركب بشرقن كا عزت مقدر نود ۱۰یم متحن بيج بيج را هومتب وراهزك مخت کئیری وتعمیری وکت تاجنيني كارخون أكرتا ميات عشق برگر بحث را ای جان وبل ۲ زمختگومتود فره درسش هیچ کافررا، بفولدی منگرید المملان مريش باعداميد م خرداری، زختم عجر او که نگردانی ارزویکسیاره رو

> > ملت عسائق زملت؟ حداست عامشقان را ملت و مذعب خراست

معنى و تعبير آزاد بعضي از لفات وتركيبات خاص ابيات مولانا توسط ا دارة آئينه (بمنظور كمك بجوانان) :

هفتاد و دو چ کنایه انشعاب ابدی ملتها .

مستدع : بدعت کام ؟ گفتگ = درانداری کم نیاید = صبل با شد

عسزت مخزن ہے ارزش خسزانه

بسها = (درینجا) محتوی اداشته و اندوخته (ولوقفلهای بیشمار بردرب آن باشد) عزت مقسمد ی تا مین مقسمد

پیچ پیچ 🛥 دشواریها

عقب ہے جزای آخرت

راهسن _ قطاع الطريق

تا جنینی بر چنانکه نطفه (بخاطر قسید بودن و خامی خون می اشامد)

بَسَرٌ د 😑 قطع ونابود حازد

بخواری منگرید د کم و طیر نشمارید (و بامید مردنِ کافر نباشید)

ر چیرپر کارکی ک

تحييل شوي فيادتونه دنجيب لافتلار دروام سئول

براخناندًا ن باندی وکسونست رژیم دنسلط نرخود کی ورتشه درغه قصاب نظامشر(ترکی) پردیج سباب ستركيد ارعا وكره جد / ٩٨ مبواد والد درتيم يلومان دى او/ ٢ فى مفالف كى دغه دوفيصده (رمعانیون ، فیودالان ،سهایرواران) ری چرشخعینا فع کی پرخوکنی لوردی نووخیل ا خصت لدمخی نصونب تامیک مذکوی اود٪ ۹۸ ختکوله حمایت نه برخوردا ۶ رولت دوسیوکرایحد منتل دى ، ضرعه ننته چه دفرو كوند ويؤا ودلوته دفعاليت احازه وركړل ني ، نركه والودين تركى رغه غير واحتى اوسل به سلوكى علطه اريا بر دبرى بى تغا ولخد وصنل اوحتى امريكا جريخواتى بمغونب معضته محكومت وموسق دغويستنى ببررج ولوس اغامان درويسا لوجئ كمعك اخسوته ير مجبورولو دكمونين قرطابى كوك ديوجها بى لوى طاقت يه صفت ونكما ى مشول چه دعود بوت تجاوز برمقامل كنى نهونن دقه مان ملت بعقامة اندازه حتى نهونن تناريخ يبرهندا كني طالع كخصطا لحكم ى وصفه وخت حدهم رئيس ما رقس، تسليم كره جد افغانسان دقطبي حزي لركوج تبرين بايد دنون يشرفت نحيوى تى ويتني جدليتر (اخانسة ف كمف صوف وسائل شى دينام شى اوپرا فتصاى لحاظ تاط فى خىيى ، خولوي خلائى جرتو بى رفويونا نو برنهول واخفامًا من برزمه اينبى رَبَارِيخ يركُّ بِرَاوْتِي با هم تكمونليم دوجة حُواك رخامتي درن وظفه مون تررل برغاج كوه ، الاحتمام الله معنى مبارك دين داحكامواوا مغانى عنعنى بديار وكد لرشمال لاترمبوكه اولرشقه ترغايه يرت لاس خداسان برعدمه أوامعاف الروه جهاد بيل برسسا ووظه تندد اورريت نتها وَيَ خُونَتِهِ فِي وَرَبِينَ ، روسا نوب دِبري في شَرْعِم ريونِيم لِكُ عسكروا وَقَرُونِكُو وسلُّويِهِ فَأَ تاری وکه خربا ترمات د و بربدلو برکای و بارد لا طوفای شوا و به کاله کی د و بداو برده د مجا نصافیو نا کوانیو، نامردیو او تو طیئوبا وجود حهاد جای وسانه اویرندگرروسی تسنتى تىد محبوركها وسربوا كې راچه روسان كى درصوا ماتى سرومخ كول بلكه ركسوناز بلده بعجه اوجى محتولى نظريه فى دهنوكمونستوطا قتويؤمره جه لموله غرقى ربيا اورصغى يرسري مرايك خديم ديوه يبريد مي خويدكري اوبر ا ضطواره كني ايولي وه بله خا وروسن ه كرد ، خوا منوري يه يخيله اخامان برحبواد سنج دننه اوبهل برغويه لله والمونوكني بتكبل اور وكورترى وركاكي ا وصفه قه مان معاحد جه به حره أن توبيك ، تبركى او زنك وصلى قدى وتوب ما مك اوطراق س عبه دیسل کر بلورل شوی اوکا فرخلقیات اویرحبیان کی در می د محت با دار «رئیل »سره راويرزول نن سُبتاً بد مهروشرابطووسلوا ووسلوندشي كولهى ديوضعيف اويد كوندوشك برجیی رولت نه د حلاله ابا , خوبت اوقندها ر محاص سنوی ښاری ونسی ، کخیی لرها دیمونه ناخاب متخصصان (!) عج لردى جد اختامًا ف فى بله واقتى رول يتزيد في وى رحاله توريبيًا قد غَيْرِيْرَى كَرِي وِي دَبِرِينيب لِمَرْخَى اغْمَامَانُ دِيوَرِهِ بِرَتَلُهُ تَلَى اوَلِمَا ظَيْ كَوِي مَثْلًا يُوواكَى ؛افْمَانًا * دَكُورِيلائي حَبْلُونِوْ عَادِي دى اور عِسْمُلُم اوجبهه في حَلَيْ سِمْ ملِد مَرِي ، خَيْ حِنَانُ مِيارَضِيْو نيمكيتا و في كنانتوا و ١٠٠٠ بار به نفره ا جوى ا ووا في به دير حساس وفت كنى برمها عدير نَطَا مى مرسى مندى شوى اوروسا لذ بخيب زيات تقويه كر كُله خبره عزابه شوه ، ما يتر في بوجي

منى لاس وهنه خيل مشروع حق كى كله ئى مستض حكومتونه دكورتا كان يروسيله من كوي اوكله جربيا دكما توران د د دى به قوط نبردا رقويني با في را شى د موكرا مى اعارى بريله فى رايرزوى دروسانو د تا وا في كولواويدنامولو سع مرح فئ دمودم طوم واحبويره مكارك نصوب معارك أومعنوى تباعير يونوندهم توتيب اورطيق الدكومول ا خنانا و ديو واحد نصب العايد (وملعد دولت شكور ولي الاعطن كات) يرغوض حلاا وهره رق بساكرج ربرت عدك احدا فوكنى د ټولومها حرو ترمنځ چنځ ډول احتله ف نړوو يوک خوادکمونستی رق لخوا دکمونلزم تعليق ا ودروسا دود تسلط على على اوملي خوامتر داسله م مرلوكي او دعط الراري برنظر كني وه ، مجر دغه د واحدملام صفونه برالري دول تعقه لوته كلإكتول اوكمارك سوى كسان فى دهرى يتر يحق برراكس كمينى داخنا فالزارت بيم اوال دى برقر ددوى به سرنوشت صلطكرك تولى مستى د حدى ومسامله كردنو براختاك بوركوك ستوى حتى بردوى كمنى واستكسان هم وه جردسياست لدالف ما نه وداخبر كرسوس ى مقط عيلى سرويد بي كري وونه ى رصقا ومت الملاه لولدا ونروعها دعوجه ديروف برمعيارونو بور معتل بند مشول اوروی ممد ټولوانسای ارزه ښتو يوا واسلامي د سات پر قومي ساي اوسيمدا يزومعيا رويز صلوان ، روستان ، وطندارات اورسياسي سورابان وشرم كان يرخانونو را تولك د وسلو خرخول سل شول دمها جروحتوق بردېرى بى مهم غصب سول ٪ ٥٥ مظلوم اضارا وب ترې كلاسو ا وددع برحق بنطه منيصده المسانوى زوند سروع كردشكايت ليان حدة مدجع ندوه دتفيتن اوكنزول له نامدس خلك نا اشناوو ، خواخنانان محبور ووبروطن في يووحتى لبنكربرين كري ووحكوم آ في د يوسِّره بلوري كى باند پراختيار كنى وو پرښارويز ، كلوا دماندو كى د كوليو باران وه ، نورغه تولې عبدانسا فدا ونامرركد تحمل كرى اوحفارته فى الأمه وركون ، مونب بر رعوك سرع وايوجد بهكوموترابطو اخناما نوما لادىم رغه معوكم وكه له د ستريت ماريخ فى مثال ندستى ورايدى كولاى ، دكوندو رسيانو ا ومعیوبیو دیستنه نی خوک نه کوی بصهار وسلی فی خرخ بن کی درنگارنگ د شینانویرمی اصرایی دى، معاهد غيل سربرلاس كنى سولى ددين اوعطت له بانى حبذي سرشاره برد براخل سيل ستوی مشرقر ملاحعه کوی « حزیر دربار کسی باید به میا شتومیاشتوا مشطار وباسی سفار شود کرد ا ورخوت وركري چرددغه حباب ۱۱۱ نه دحها د ضروب چه دى تى خپل شفعى مال كنى لاسته را و ك رغه ټول خنډ دينرا دستونزي د ده مولارې اراره ند ما توي د دين ا ووطن س کی ره نون ترس وه ميله سر کسروری کیبری اور حیل مقدس ملام به لور وراندی کی، روسان شرمایری ,ستری کیری اود خيل حدف دلا س تيم را ورلو اميد لدلاسه وركوى د تينتى لار لټوى د بزى د بنى د ايسوولو ديار، خارف تداماده کیبری ، دلته بیا زمون برروا حقوقع تاری کیبی د مسئلی صلی ارخون (مجاحد, رو) لدنعلوه دیب ی او بورد ی مهونت به نعامید تحد دمیلورل ستوی رزیم من خبری بسل کوی ، رغه خبری کلونه کلونډدوام کوی ۱ ویه دی مذاکلانو کښی چی له ری چه دروسی قولو چې قیدا و شرطه و کل دامانما داسلای حیّی ، حیلوا کمر، ملی حاکمین دخمکی تمامیت برخبراساسی مسایل مطرح سی ، نوا فی د متعا ورو تواو دونلو برمضت ا وربيه مجت دوام كوى ، خلور كالم، روه كالمر، يوكال اورا الا عِره برنهوميا شتوخبن ختمايرجي اوروسان ورج ، پر دى ټوله موره كنى تحييل شوى مشوان ٢٦ من منكوى عس العل ندسائ جدد جنيط مجموله الكونك منصله لاس ك منوه رئ را وعوست ل ورا وليدي يريون والين سديان سنول او دنورول و خلاهم و تقوم علومت يرى ما شدستو خرجه وجابر بروكوم اومشور اورجابه وشار حريش دعداغوى لرخوا بررسميت وندية تريزل متودغه حكومتد!) د وعدى سمسم حرأت وكردا خناسًا ۱۸ ازادو المو توکی جه دم جا حدینو ترکنرول لامذی وی استمال شیاف انتهامات وکری، دهری د بی حبهى، دختروند القعطانلانان ديخوا برخبر حلاباتى شول العيل منعى حكمه لاشنت وموست مابد وعمل شى جه كله دروسانور عتلو خار حيور صورت وكونستان و حيد لوجنايا تواوع طف بلوريز يه سبت ادهيوا د نربه

و مرضی وطن ولي

ى لىمىلوم عاهدوورولۇس و يېغتلىغد دارىيونى مىتى كولى اودشلىطورساعدت بېرموت كنى بل د وسعدس سديد و د تعل سلمان ملت به شهول د ميلومها عرصا در و ورون رسد لوتربر ديره كي صاب يمرانتنا را ويت . خفه وشول ... ۴ د معاصدوس ناملی مهلماند د د برف نابا كوعزاييوس ملكری و برج بوبد منت لامعان وو دليوبز برخيري ومطلع واخامان برس ومال اوحى ابروجنگين تاله تمهيكه وصل مع ترك دو وترك ووا ولويل او دهيوادد كاملى تباعي در وكول م ورسرع وو، اخامالؤ وليداليم (دمون د میره میره) پر چ برمد منیت لارواند ره نهونب برجارونه نرگندی مالگه بری دوری در کسوستی طوخان نديونيم ولارديوك أوراباري غندهم نرول غوابي رلاس يرخا كاستوفى واوزور شربت في دی نداسله می ورورولی ده اوندانشوسی حدرجی مبلکه سیاسی سوداباری ده دوی حد دروسانوینجایر خوداخلی تماحوان مطان ملکری کرلی اوجعلی قبالی تی تری احیسی دی نورمیرویسی ، احمد شا محمود ، الوسلم ، سوی ، عفی اولودی د بچوویند پر عفی خنگ مشوع حاله نو برمبل دول نکسا ف ويه ، دوارد خواووته ۱ صلوا خنا ما نوجه د به بونا باک عزایم محسوس کړل حرخه متوقع پسول صغومتخمصينود!) اوتيوريتينانوله!) ترجروات اخفامًا مؤجرِيكي حَكِرِي كُولَةُ سُوى خردمنظم حَبَّ بَمِرِيهُ ى مدلوله بايد معالى معاصدينو برتش لاس كمرى دكموستى اردورمنطسوقواووا وسادروس كرد سن يه سويو منظم اومنامن حبكوندكري ، يتولى ،كنهكونه ، غور بعضا وفرقى في ما تى كړي ، خفلولي و فته کړي دی دروسانوله وټلونه وروسته د ننگرهار يوولسنه فرقه پرتسر خپلوکنی وه رغه منطقه طبعی استعکامات اولوه پخروند لرکی د لتر لس کاله د نسگرهای, کان ولغیان لپارع دری قواه و وسلو د دخيرى المعملات مرسوم المعرفي ديوكان اوروسى عسكر داوسدولهم باغرار سن تاسكات العوم في حري شوي وي ، نوولسله فرقه برنوه ورخ فته سوه ، ركنز ولاسته نه ل على (٩) فرقعه بر عبد الحنيلوكي حاى م حاى وه حده م غه تسليم الم عبد الحنيلوكي حاى م حده م غه تسليم الم عبد الحنيلوكي حاك م حاى وه حده م غه تسليم الم عبد الحنيلوكي حاك م حده م عده م عبد الحديد المناسق م م عبد الحديد المناسق م م عبد المناسق م حلال الماديمى موجد محرور قوت جرهيج دول طبي موانع اوبغد رفاعي ما سُيَات مذلوع تراصله معا معت كوكي ا ويدت في معدم رى جرباس ذكرسوج المعانان حيل مدواد عجالة اى بِرِي سَدِط جِربِهِ مِنْ مِنْهُ وَى نَرِشَى مُلَائَى نَوْبالِدِ وَوَالْوَجُو افْعَالُ مَعَا هَدِينَ بِرَمَنْظُنُو حبتکونوهم برمین افتیم تک کرنوهم مند دخون افانسان و به افتیم برمین کارکنی د بررگ حکمتونه

چر دسراسره ونهری دی

چرموسا مؤجيل مي وجالم مؤكلات (حلقايف برجيبات) نرواعي لاجريج مزكولي ملكه رجيلي كموسى ترياري برسند لاحوستولانون ساوه كمات ولي واسى طغله نه عونه وبني جريمه مبري علت ديمو بي ستعوج يبرو برحبله صلقه سنى الموسل غواي م لوى خلاى جرده رجه خالق اومالك رى نهوين يرمها درعلت كى ويندلوى أحدان كري جربواعى حديفة كلرمائى فات ترى من من من وسيم سرة يك رئ بورقى ورا وريخ يراود روكن ميخ وعول ترس ني قيت كي ، نهون واعقيد ده جه بحيب ديركى ، املي اوبابك برخار كموانت داخانا نو تاتل دروسى موّلوق لم ملونكما ومطن المورونكوي، حينج با عصلام احْما ن مردده طعمّلا رحوام اوباً بك قدرج كى دىوموي شكت ويدمى دا چه ولى تراوسه باتى وى دىورد سوداگرو ، دى كمنا ميم مولی مود گر محک تحرم امر بمن ن 000 ا وسودا با رجم نتيجه ره چه ؛

ورسك رود كما با اخاف ملت دفتر بسور من رو تود أند مراوعن ما

نؤكر باطاق والوناكامى حدهى سكري دائوزیا یی ملت ربی سوداگوان نیه صنی

دىل لاس يوغى مسراك خوامنان ئىدسىي عَام تهمنظوم ليدلان بيا اجبان ندمني

تطري سركابين حبريكابل

رژیم دستپرورده محسوروی در کابل بار دگیر جهت بیقا م خویش دست بمانورهای جدیدی زده و کابینه خویش را تر مییمکرد ه است تا باشید چند صباحی بیه عیمر نگبتبارش در عرصه محسیاسی کشور ادامه دهید .

انچه در اولین نگاه از کابینه جدید بمشاهده میرسد اینست که نجیب با زیرکی اشخاص با صطلاح غیر حزبی را در کابینه جدید طوری جا بجا کرده است که مهمترین پوست های کلیدی جون وزارتخانه های خارجه داخله امنیت دفاع و صدارت را بمشهور ترین پرچمیها و هوا داران شخصی خویش سپرده و متباقی پوست های کابینه چون وزارت خانه های آب و برق هوا نوردی ترانسپورت و غیره را که همه هم اکنون در حال فیلج کامل قرار داشته و یا نسیمه فعال آند و در سیاست خارجی و حتیدا خلی کشور نقشی ندارند باشخاص با صطلاح غیر حزبی را مار حزبی (که برای بازی دادن مردم آنها را چنین تایه زده ورنه سبر یك آدم غیر حزبی را مار گزیده که در چنین وقت محض برای دو سه ماه نام خود را بید بسازد () تغویض کرده است گزیده که در چنین وقت محض برای دو سه ماه نام خود را بید بسازد () تغویض کرده است

رژیم کابل از بدو کودتای نا میمون ثور تا امروز هیچکدام بجبه قانونی نداشته و از جانب قاطبه ملت مجاهد افغانستان بصورت عام و تام مصردود و غیر قابل قصبول بوده و یا زده سال جنگ شاهد گویای ایا حقیقت است ، جنگ مردم افغانستان بمقابل تجاوزگران روسی و سر سپردگان داخلی ان (باندهای خلق و پرچم) بمنظور تشغییر وتبدیل مهره هاو یا جابجا کردن الفاظ و کلما تنبوده و هیچگاهی با چنین تغیرات خاتمه نخواهد یافت و هم در ماهیت رژیم کابل تغیری وارد نمیکند ،

افغانهای غییور و با شهامت بیشتر از یك ملیون شهید در پای محراب آزادی تقدیم کرده اند و مسئول مستقیم این کشتار عظیم و ویران شدن بیش از هشتاد فییم د کشور صرف همین باند های وطنفروش وجنایت کار اند ، پیس بیجا خواهد بود تا از مردم توقیع داشته باشیم که با شمول چند نفر با مطلاح (ظاهرا) غیر حزبی در کابینه موقت سه ما هه دست از جنگ کشیده و سر تسلیم با سبتان حکومت کابل بگذارند ،

حکومات فرمایسشی پیشا ور که یکی بعد دیگر بوجود آورده شده نیز هیچکدام مورد قبول مردم مسلمان افغانستان قرار نگرفت چونکه ماهیت مردمی نداشت و همینگونه است حکومت جدید کابل که سبر دمیدار آن هینوز هم نجیب ۶۰ رئیس سابق خاد ۶۰ کمونست قیم خورده و کابل که سبر دردی را دوا نمیکند ، غلام دایمی روس است ، حیتی اعلان ۶۰ جمهوری اسلامی ۶۰ نیز دردی را دوا نمیکند ، حمید انوری از کولورا دو دینور - ۱۸ مین ۱۹۵۰

جسمارطنان محترم

باساس خواهش این مجله یکعده هموطنان توسط تلفون راجع باعضای کابینه جدید رژیم کابل معلومات دانه اند ولی تعهد گرفته اند که نام شان نشر نشود :

یك هموطن بدخشی از یكی از ایالات شرقی امریكا به تلفون گفت >ه محبوب الله كوشانی از مردم بدخشان بوده پسر عصمت الله خان مخدوم یك شخص فهمیده و با رسبوخ بدخشان است وی گفت اقای مخدوم یك شخص فهمیده و با رسبوخ بدخشان است وی گفت اقای مخدوم یك ستمی شناخته شده و زبر دست بوده پسر او محبوب الله كوشانی ابتدا ستمی بود اما پسان كمونستهای پرچمی او را جذب كرده بروسیه برای تحصیل روان كردند و در آنجا دماغ شوئی شده بیك كمونست دو آتشه تبدیل شده است و همكذا بسیر بغلانی اصلا از مردم بخارا بوده داماد عصمت الله خان مخدوم و شوهر همشیره محبوب الله كوشانی است و اوهم مردم بخارا بوده داماد عصمت الله خان مخدوم و شوهر همشیره محبوب الله كوشانی است و اوهم کمونست بلکه کی بی جی میباشد و این شخص افزود که اقای یفتلی اینها را خوب میشنا سد و علاوه کرد که مخدوم خودش و محبوب الله و هم بشیر بغلانی از دوستان بسیار نزدیك استاد ربانی میباشند و در مسائل حزبی و سیاسی همیشه با هم مشوره میکردند و

یك موسفید با تقوی که خودش گفت ۶۰ پایم بلب گور رسیده دروغ گفتی بازخواست دارد ۶۰ فسرمو د که خالقیار خودش ابتدا کمونست نبود پدرش یك پشتون مسلمان بود اما سردارنعیم خان پدر خالقیار را که حکمران پل خمری بود بجرم رشوت خوری زنجیر و زولانه بکابل خواست و ماقوف کرد و بعد ازان این خاندان عقده برداشته خالقیار را ببرك جذب کرده بود او شخصیت دو نیمه دارد و یك نیم ان کمونست است و از همین راه صدراعظم شده ورنه یك ادم عاطل وخشره است و یك دارد و یك نیم دیگر او مسلمان است و نماز میخواند ولی چون براه کمونستی رفته اسلام کمونستی را قبول ندارد ۱۰ و گفت ۹۰ فیصد اعضای کابیهه را میشناسد وافزود ۶۰ بجز عیال فاروق جان اعتمادی دیگران همه کمونست هستند و صالحه جان نیز کمونست بوی شده اگر نی باین سر سفیدی او چرا شحوق وزیر شدن میکرد، ۶۰

حزب كثيفوكراسي خلق دريي عصب نام است!

حـزب کشیفوکراتیك خـلق که توسط یکعده وطنفروشان بسردمداری تره کی مـلعون وببرك خائن تاسیس گردیده بود بحیث یك حزب مزدور بیگانه به مبلیخ الـحاد و ضد کرامت بـشری شناخته شده بود ـ اکنون بلطف و مرحـمت خداوند متعال (ج) این حـزب باندازه ای بی حیثیت و بیوسیله شده است که د خـائـر غـنی زبان دری برای آن نـامی عـرضـه کرده نمیتوانـد و بنا چار در پـی غـصبنام دیگران برآمده است ، مضمون دیل را که در روزنامه پیا م ارگان حـزبی حزب کثیفوکراتیك خلق نشر شده بـدقـت بخوانید ،

نظرات آزاد «جمعیت وط

صاحب قلم محتر ممد يــر رو زنامه «ييام»!

در شماره (۱۲۵) سال دوم مو ر نجار ۱۲۹ بر ۱۳۱۹ خورشیدی روز نامه معترم «پیام» طرح جدید اسا سنامه حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان را بنام «حزب وطن» به نظرر خوا می گذاشته بود ند، آنرا مطا لمه نمودیم .

نظر به مكلفیت و مسوولیتی طول بیش از سی سال ازنظر طول بیش از سی سال ازنظر سیا سی، اجتماعی، فر هنگی مرا منا مه و خط مشی جمیست وطن در شرا یط سخت و دشوا انجام دا ده ایم و از نظر شما نیز پو شیده نخوا هد بسود جسته نکا تی چند را در باره فعا لیت جمعیت وطن

در طول دوره تا ریخی تل کر مید میم : اماره .

پس از خا تبه جنگ بین الملل دو م ۱۹۳۹ - ۱۹۶۰ م
و پس از اعلامیه حقوق بشر
ملل متحد، جنبش های رهایی
بخش و ممچنان جنبش های
اصلاح طلبا نه و متر قسسی
ودیکر جنبش ها در کشسور
های آسیا ، افر یقا، امریکای
لاتین پیدا شد ، در کشور ما
مم جنبش های اصلاح طلبانه
و متر قی و طر فدا ران دمو
کرا سی و رژیم پار لما نسی

نظر به شرا یط وقت بو جود آمد . دو لت مستبد هنده سا له والا حضرت سر دار مخسسه

ها شم خان سقوط کرد و بجایش سر دار شاه معمود خان
سپه سالار نشست ، معبو ب
سین سیا سی آزاد شد ند،
زمز مه های دمو کرا سی
بلند کردید و حلقه میا ی
رو شنفکران کرد مم جمیے
کردید ند و خوا ستار اصلا

رو شنفتران گرد هم جسسه کردید ند و خوا ستاد اصلا حات و تفکیك قوای ثلا ثسه گرنه ند هر اولین کام را در یسسن راه والا حضرت سر دار محمد دارد کداشتند و آنها میخوا ستند تشیل کنند ، آنها جمعیتی بنام کلوپ ملی تا سیس کر دند و از اکثر وزرا و دولت فردان حکو مت از اقشار جا معسم ما نند : سر ما یسه دا زان،

دعوت بعمل آورد ند و چندین مفته و ماه به شور و بحث در باره اسا سنا مه و مرام کلوپ ملی کار کردند . یکی در کلوپ ملی ، تبعه افغان و مسلمان بودن تذکر رفته بود زما نیکه این ما ده در جلسه قرا نت کردید از جا نب یک عده رو شنفکران به شدترد

رو حا نیون و رو شننکــران

کردید و آنها جبهه کیری کرده واظهار داشتند که اهل منود افغان از با شنده کان بو می وطن بوده و نبا ید از حقوق سیا سی معروم شو ند و حق

سیا سی معروم شو ند و حق شور ند و حق شور ندر جمعیت را نداشته با شند ، میین مو ضوع سبب از هم کارب ملسی کردید ورو شنفکرا نکلوپ المی را تراد کردند و خود به

تشکیل جمعیت های بنام ویش محلمیان، ندای خلق، وجمعیت وطن، شد ند که یکی پسسی دیگر به وجود آمدند .

سوم:

به اثر فعا لیت جمعیت مسا
و رو شنفکران و جوا نسان
کشور و قبو لی شاه معسود
خان صد راعظم، از استول
دهو کرا شی، متدر جا مردم به
بعضی از جنوق خو یش ناله

کردید ند . اولین مو سسه و . اداره ایکه بصورت انتخا بسی در آمد، بلد یه ملی بود که

جمعیت وطن در آن چهار عضو داشتند که با رای مستقیسم و سری و آزاد از جا نسب شهر یان انتخاب کردیدم بود که عبارت بودند از

۱_ میں مخمد صد یق فرهنگ ۲_ سر ور جو یا ۳_ برا تعلی تاج 2_ محمد حسین نهضت

وكلاى منتخب بلد يه بسر علاوه کار های در خشا نی که در کشیدن جا ده میو تنسد و تعمیرات جد ید وعصری در و اسفلت (قیر ریزی) سر کها و غیره وظایف بسسزرگ را انجام دا دند ، از بر جستته نر ین آن مخالفت های انتخاـ بات دوره (۷) شورای ملی بود که تحت اثر بلد یه ملی ب وجود آمد که در دورهمفت جمعیت وطن هفت کر سسی در شورای ملی بد ست آوردند که اعضای آن عبارت بود از: ۱_ میر غلام محمد غبار

۲- سید معبد دهقان بدخشی
۳- معبد کبیر غور بندی
۶- معبد انور بره کی
۵- نور علم مظلوم میدا نی
۶- عبدالا ول قر یشی
۷- سخی امین
مبا رزه اعضای جمعیت وطن

ورو ول لالأستأنه

همعوطنان محترم

دوستی دارم رنجسدیده و از زندان برآمده که از آزار و نیشهای خادیستان رژیم کابل بهندوستان پناه برده به تداوی مصروف استه رابور یك شفاخانه معتبر دهلی که کاپی آن بها رسیده (و اگر آن دوست اجازه بدهد در آینده نشر خواهد شد) نشان میدهد که در اثر استعمال کدام آله برقی با ولتج بلند بمنظور شکنجه درچند جای بدن او بشمول قسمت تحتانی امعاء علائم سرطان نسجها بمشاهده رسیده است ، بهر حال این دوست محترم سه ماه قبل از فرار و رسیدن یکدوست خود در دهلی بمن اطلاع دا د وبدوست خود سفارش نمود بامن همکاری نماید، مین به دوست دوست خود که صردیست جهاندیده و مطلع از اوضاع و حالات کابل سوالاتی فرستادم و خواهش نموده در حدود امکان همکاری نمایند، آن دوست دوست لطف نموده بسوالات من تحت نام مستعار ۶۰ لالا مستانه ۶۰جواب داده است که اینك انرا ذیلا غرفر مطالعه هموطنان مهاجر تقدیم مینمائیم ه

صوالات از آئینه افغانستان جوابات از محترم لا لا مستانه

سوال اول ـ چطور وبچه مصرف و در چه مدت یا سبورت گرفتید ؟

جواب ـ نال با علانا تارا دیو و تلویزیون وروزنا مه اهای سرکاری شهر کابل (شهر مرده ۱۸ وا موا ت شهر نحتم واندوه شهر مصيبت وفلاكت شهر مريفان وعليلان شهرگرستگان وجيا ولگران شهر رشتوه كيرندكان وقطاع الطريقان شهر ظالمان وخونخوا رانخلقي ويرجمي شهرني نور و نمك و خلاصه شهر حزبیان وطنفروش و خادیستان و تسلیمیها)در مورد فراهم آوری تسهیلات برای مدور پاسپورت بالاخرة معلوم شدكه این اعلانات بهانه ایست برای صدور پاسپورت برای اغراد ومربوطین خادیستا نیها برهنمائی مراجع رسمی که بالاش یکتعداد زیاد آنها ـ همان هائبکه بقتلها و چور وآدمکشیها متهم بودند ـ به نحوی از انجا بعمالت خارجی بحیث ریفیوجی قبول شدند واین وظیفه افغانهای اصیل است تا بدون در نظر داشت قومی وخویشی و دوستی و رفاقت این کمهنستهای خاش را بهمه افغانها و مراجع رسمی دول خارجی معرفی نماینده بعد از آنکه رژیم بحزبیهای خود پاسپورت داد و سر وصدای زیاد بالا شـد انعده اشخاصیکه بمضظور سیاحت و یابرای تداوی ویا تجارت به شعبات پاسپورت مراجعه مینمودند از انهائیکه وسیله و واسطه حزبی داشتند ویا رخوه میدادند بعد از طی مراحل اصولی در مدت معینه پاسپورتبرای شان صحادر ولی از سائر کسانیکه بمقصد سیاحت مراجعه می نمودند ولی واسطه و پول رشوت نداشتند روزها وهفته ها را دربر میگرفت. ا كَش أَنها بُه بِها نَه هَا فِي ا زُطرُف شعبه خَا د َ رد مُيشدند ويس آ زَتَقديم عرا يضِ شكّا يا ت و دا دن رشوه پاسپورت شان ا جرا میگردید، من سه سال قبل جهت اخذ پاسپورت تجارت مراجعه کردم وکارهای مقدما تی در ظرف ۱۵ روز طی گردید وبرشوه دا دن هم احتیاجی احساس نشد دران سال آخذها سبو رت سیاحت خیلی مشکل بلکه نا ممکن بود اما پاسپورت تجارتی مرا خاد منظور نکرد،سال گذشته عربضه من برای پاسپورت سیاحت رد شدمرتبه دوم عریفه را باتعین ملکت (هندوستان وشوروی) دادم انهم قبول نشد مرتبه سوم بمنظور حج باسبورت خواستم مگر بازهم ممانعت بعمل امد، بالاخره با داین رشوه زیاد و کمك دوستانی که ارتباطات حزبی داشتند پاسپورت گرفتم،

گرفتن هر پاسپورت از ۲۰ هزارتا پنجاه هزارافغانی تمام میگردددرمورد آنعده اشخامیکه مامورسرشناس صاحب منصب و عسکر بودند ویا خدمت مکلفیت ویا احتیاط رانگذشتانده بودند رشوه از یک لک تا سه لک افغانی رسیده بود وحتی اشخاصی مو جودبودندکه گرفتن پنج لک الی ده لک افغانی فامیل سه نفری را تا حرکت طیاره تضمین شده به عهده میگرفتند مسلماً میدانید که ابن نوع رشوه گیرندگان وجود دارد که سرحد آن تا که ابن نوع رشوه گیرندگان وجود دارد که سرحد آن تا که اما میرسید، خلاصه اینقدر عرض کنم که در باره رشوه گرفتن هرقدر که درتاریخ افغانستان نوشته شده بطور مثال اگر تمام ظلمها ورشوه خوریهای دوره امیر حبیب الله خان و امان الله نود و نا درخان وظاهرخان را دریک پله ترازو قرار داده رشوه گیریهای دوره انقلاب

شگوفانی کمونسها را در پله دیگر قراردهیم پله ترا زویکمونستی آنقدر خوالت آور سنگین است که اگر ده سیر سنگ را در پله مقابل ان گذاشته شود بازهم برا پر نمیشود، تفاوت بارو درینست که درا فغان ستان اگر کسی رشوت میگرفت کا رطرف را اجرا میکرد ا ما درین دوره کمونستی بی شرافتی مودبا زا رشده کمونستها ازبعضیها پول زیاد دریافت وکار اورانکرده بلکه اشخاص زیاد وفامیل هارانا بودساخته انده دونفر یکی بنام زلمی صاحب منصب و دومی صوفی با ریش پین در رشوه خوری معروف بودند وهردو در شعبه پاسپورت قومندانی وضع در شعبه پاسپورت قومندانی وضع بدینمنوال میباشد گرفتن تصدیق از طرف کمیسیون صحی تحت نام مریضی فعلا پاك وماف بوده تقاضای رشوت بعمل نمی اید زیرا در کمیسیون مذکور یك پوهاند محترم عضویت دارد واین یگانه متخصص است

سوال دوم ـ دراواخر جنوری که شما ازکابل برامدید اوضاع کابل ازچه قرار بود ؟ الف) قحطی مواد خوراکه وضروریات زندگی (مثلا نان خشك تیل بوره چای گوشت برنج بسهولت وفراوانی وجود دارد یا چطور ؟

جبوا ب نان خشك با سانی بدست ا مده نمیتواند، قبلا قیمت نان خشك به شش ا فغانی بلند رفته بود ارد و تیل دیزل به نانبائیها از طرف مرج مربوطه بمقدار كم توزیع میشد ولهذا سروقت نان در نانبائی پخته میشد و در موقع فروش لین های دو سه صد نفره ای تشكیل میشد ، فوردسا لان وپیران موفق با خذ نان خشك نمیشدند وبرای انها گدان نانبائی فاص وجود نداشت زیرا انقدر تیله و تنبه صورت میگرفت و وقت فایع میشد که شكایات استا دان پوهنتون کابل که درجراید کابل هم نشر شده بود وانرایکباردیگر درمجله ائینه افغانستان خواندم یك مثال زنده است ، درین اوا فر قیمت نان جوره ای به ۲۸ افغانی رسیده بسا اوقات که در نانبائیها نان پیدا نمیشد زیرا فروش نان پخته یك با یکنیم ساعت را در برمیگرفت باقی اوقات نانبائی مسدود میشد، اما نان خشك فریداری شده قابل فوردن انسان نمیبود لیك شده قابل فوردن انسان نمیبود لیك چه چاره باید همه ازان سدجوع میکرد،

قیمت پطرول فی گیلن از یکهزار تا یکنیم هزار افغانی رسیده بود، ته وبا لاشدن قیمت انبسته بمسدود بودنویابا زبودن شاهراه سالنگ بوده است ،قیمت تیل دیزل از پنج تا هفت صدافغانی با تیل خاك هم با لاتر از قیمت دیزل زیرا اکثرا شهر کابل در ظلمت وتاریکی فرومیرفت بمجردیکه هواتا ریك میشند دکانها مسدود ودر سرکها عابرین بنظر نمیخورد ، اکثرفا میلها اریکین وجرا نمهای تیلی ولاتین های چهل و پنجاه سال قبل را از تهکابیها وتحویلخانه های خویش کشیده ازان استقاده مینمودند قیمت اریکین های سابق ولو کهنه هم باشد به یکنیم هزار افغانی رسیده است چه فا میل هائی نبوده که از تاریکین های بخواب میرفتندزیرا هیچ وسیله روشنائی نداشتند ،

قیمت بوره از سه صد به پنجعد افغانی فی کیلو رسیده اکثر فا میلها محروم بوده گاهی ازگر یا نبات استفاده میکردند مشما میدانیدکه فا میلها ی غریب کابل در گذشته هایگانه غذای ساده و فیلی کم قیمت و وافر آنها رانان خشك و چای شیرین تشکیل میداد اما این انقلاب شگوفان (قرارگفته کمونست ها) همین نان ساده و غریبانه مردم بیچاره وطن ما را از آنها گرفتند و باین ترتیب آنها را مجبور ساختند که به حزب و به سربازی و به خاد بمعا شبلند حزب جلب و جلب شوند (فدا و ندا این چه مصیبت عظمی است که حواله مردم غریب و بیچاره شهر کابل شده) در ولایات قطعا چای فشك و بوره بحثمان انها نمیخورد قیمت چای فشك سیاه قرارفی فورد ۱۳۶۰ افغانی و چای سبز فی فورد ۱۳۶۰ افغانی و گوشت گوسفندفی کیلو یکهزا را فغانی گوشت گاو فی کیلو هشتمد افغانی و سرخی گاو فی کیلو یکهزا را فغانی برنج با ریك از دوهزار تا سه هزار افغانی انهم برنج متوسط بزنج خوب واعلی پیدانمیشود و برن بیدا شود نسبت بسابق چارتا پنح چند بفروش میرسده کچالو فی چارك ۲۰۰۰ افغانی هم رسیده بوده

قیمت مواد خوراکه به تناسب دوسه سال گذشته بسیار زیاد بلند رفته اهل کسبه کارگران واکثر مامورین ازان مستفید شده نمیتواننده

سے میوه تازه ازقبیل سیب ناك وانگور ومیوه خشك از قبیل كلمش نخود چارمغز وبادام پیدا میشود ویچه قیمت ؟

ج ـ میوه تا زه خوب پیدا نمیشود ،و قیمت میوه متوسط ده چند گذشته وقیمت میوه خمک ۱۵ چند گذشته بلند رفته (مقصد از گذشته زمانیست که شما درکابل بودید یعنی سنه ۱۹۸۰)، طور مشال یک خورد نخود از پنجاه تا گفتا د افغانی بوده کشمش خوب وجد ندارد اگر متوسط موجود با شد قیمت ان خیلی بلند استه درگذشته اطفال بیک قران ویا یک افغانی کشمش نخود خریده میتوانستند واین میوه خشک برای غربا بهترین و ارزانترین میوه بوده که همه توان خرید انرا دا شتند و مثل نان وچای کشمش و نخود بخانه فقیرترین اشخاص پیدا شده میتوانست اما متاسفانه (دربین دوره نا شگوفانی وبرگشت بعقب انقلاب ظقیها وپرچمیها انقلابیکه کمونستهای ما سکو توسط اجیران وطنفروش با لای مردم بیچاره ما تحمیل کردند) کشمش و نخود بقیمت شگوفانی خود چنین افزوده تا دست کودکان واطفال بیچاره ما تحمیل کردند) کشمش و نخود بقیمت شگوفانی خود چنین افزوده تا دست کودکان واطفال بان نرسید، قیمت چارمفزوبا دام را نپرسید، هفت کیلو با دام از ۴ هزار افغانی با لاتر است ، پسته بدخشان ۷ کیلو ه گیلو ۱۲۰۰ هنانی ، کلفو شیف کیلو ۱۲۰۰ هنانی، افغانی، افغانی، افغانی، افغانی، افغانی، افغانی، دوره انگور متوسط فی کیلو بیش میم تا ۱۳۰۰ افغانی،

ازعربستان سعودى

جناب محمدها شم مجددی

جناب دكتورعبدالرحمن الفت

عوا مل ذیدخل منافع علیای وطنی عزیز را می نماید که بعقیده ٔ بنده تجدید نظر در محفل انعقاد و گردهم ائی متذکره رعایت این موازین را سبل و حصول به نتایج متوقعه ٔ ملت مجاهد افغانستا را بلا شبك مسمد و مثمر خواهد گردانید ،

با رعایت مراتب فوق اینجانب بکمال افتخار حاضرم تا در همچو مجالس بمنظور ادای خدمت بوطن که فریفه اسلامی و مالی فرد فرد افغان است بهر محل (باستسننی از کشور های همسایه و قدرتهای بزرگ) بدون قید و شرط سهم بگیرم ۰۰۰۰ **

سحنه د و م

بسهر حمال دو ستان شا غلی مجمددی و هم یکعده شخصیتهای خبیر و مصحئول دارای حمایت ملی و بین المللی بقرار ذیل در هفتم اول ماه جون به پشاور حضور بهمرسانیدند :

از اروپا

جناب دکتور محمد یوسف
جناب دکتور عبدالصمد حامد
جناب دکتور عبدالحکیم طبیبی
جناب محمد هیمایون آ صغی
(شا غلی همایون اصغی برخلاف
انچه بغلط شایع شده بحیث
نماینده پادشاه سابق نرفته
بدون اجازه وموافقه پادشاه سابق
در ماه مارج سال جاری بعد از
کودتای تینی بطور خفیه بکابل
رفته و بارژیم کابل مذاکرات
خصوصی انجام داده بود
مناسبات پادشاه سابق با او
برهم خورده واکنون شا غلی
ممایون آصفی از هواخواهان
ممایون آصفی از هواخواهان

از اسلام اباد

جناب صباح الدین کیشککی جناب راشید سلجیوقیی جنابولی احمد شیرزوی

از ایران

حجت الاسلام سید اسدالله نکته دان رر رر محمد اسحق اخلاقی رر رر دکتور سید مخدوم رهین (نماینده فوقالعاده دولت موقت در ایسران)

از امسریکا

جناب داکتر روان فرهادی جناب عبدالعزیز فصروغ جناب داکتر ننگیالی طرزی (افیرا لذکر باجه شاغلی صید احمد گیلانی میباشد)

از كلويته بلوچستان.

جناب داکتر محمد انور شیرزی (این هموطن طبق عرف محل معروف بداکتربوده اصلا کـمبوندر است) جناب انجنیر عبدالقا در نورزی (اصلا برا درمهتر وی جناب داجی محمد موسی نورزی دعوت شده بود اما او معذرت خواسته برا درخودرا معرفی واعزام نمود) جناب میرزا آغاجان (سابق میرزای کمیسیون میوه ونماینده مجددی در و زمری شهید و شاغلی عبدالاحدکرزی)

جناب عبيدا لاحيد كبرزي (سابق معين دوم ولسي جرگه

ونماینده سابق مجددی در کویته) جناب حاجی عبدالحی تبوخیی (سابق تاجبر ٔ معروف بتاجر بمبئی)

ا ز پــشا ور شـريف

جناب انجنیر محمد اکسرم جناب گلاب نسنسگسرهاری جناب جنرال محمد یحیی نوروز جناب انجنیر احسان الله مایار جناب سید اسحق گسیلانی جناب مولوی عنایت الله ابلاغ

مجموع تعداد دعوت شدگان شامل مجلس مجوزه و مسشورتی ۲۲ نفر بقرار شرح فوق و

ذوات فوق الذكر از تاريخ ٢٦ جوزا الى اول سرطان بجلسات و مذاكرات ادامه دانه كميسيون ٢٦ نفرى بتاريخ اول سرطان يك كوميته تسويد پنج نفرى متشكل از ذوات ذيل الذكر را انتخاب و وظيفه داد تا مسوده پيشنهاد كميسيون مشاورتى را تهيه نمايند اعفاى كميته تسويد قرارنيلاست وظيفه داد تا مصدده پوسف عناب دكتورعبدالدكيم طبيبي كمناب آقاى كشككى

وجناب عبهدا لعزيز فسروغ

-

س ـ معاش ما مورین ملکی به تناسب قیمتها حطور است (مثلا یک ما مور رتبه ۸ ورتبه ۱۰ چند معاش و ماکول دارد ؟

جـ معاشات ما مورین ملکی مثل گذشته ها بوده طور فوق العاد یا به تناسب نرج بازارعلاوه نشده چند مرتبه وعده داده شده بود محض یکمرتبه که علاوه شدخیلی نا چیز بود باید اینطور بشما معلومات بدهم که معاشا ردو وحارندوی با معاش ما مورین ملکی هیچ مناسبت ندارد ، معاش ها حب منصب از پایان رتبه تارتب بالا از ع هزار تا چهل هزارا فغانی است نرخ بلند بازاربمعاشات بلند عسکری کدام ارتباطندارد، معاش یکنفر وزیر فعلا حدود ۱۸ هزارافغانی است که برابر معاش یك کندکمشر میباشد و باین معاش تا اخیر ماه بمشکل گذاره میشود اگر برای وزراه و روسا عیر مشروع نرسد (امتیازات حزبی بذات خود عواید غیر مشروع است) ادامه زندگی برایشان مشکل میباشد خاصتا مصرف سگرت مشروب و بداخلاقی های دیگر حزبیها باید عواید غیرقانونی بدسترس شان به نحوی برسد و تا حل خوب رسیده است (البته در بین حزبیها باید عواید غیرقانونی بنام به نحوی برد و تا حل خوب رسیده است (البته در بین حزبیها نیز چند نفر معدودشان که بنام نیک نیک زندگی کرده استثنی است)، موضوع تفاوت ما مورین ملکی وعسکری در حقیقت نمونه روسیه ستالین نیک نددگی کرده استثنی است)، موضوع تفاوت ما مورین ملکی وعسکری در حقیقت نمونه و هنوز هم این سیستم در روسیه موجود است زیر، مردم ملکی در رژیم کمونستی اهمیت نداشته مردم ملکی بحیث سیستم در روسیه موجود است زیر، مردم ملکی در رژیم کمونستی بالای همین سه عنصر عسکر وخاد و حارندوی ساخت خود اینهاست و مردم ملکی که اکثریت کمونستی بالای همین سه عنصر عسکر وخاد و حارندوی ساخت خود اینهاست و مردم ملکی که اکثریت مریض باشند یا هزاران نفر بهیرد یا قتل عام شود بند و باز نیست فقط غم عسکر وخاد و پولیس را میخورد که بدرد شان میخورد و انها را حمایه میکند و توسط همینها است که ملیونها مردم ملکی کشته وقتل عام میشوند .

يكنفر مديركه اضافه كارى هم داشته باشددر صورتيكه خانه نداشته باشد وكرايه خانه بدهد نا ممکن است که بمعاش ما موریت زندگی کرده بتواند مگر اینکه رشوت بخورد، ا فافه کاری در هرا داره مود شده است ، در سابق موسسات دولتی تولیدی به پرسونل خود افافه کاری مطابق مقرره ای میدادند اما امروز نود فیصد مامورین بنام اضافف کاری ۱۰ اضافه ستانی۱۰ میگیرند، دولت هم میداند که معاش تکا فوی زندگی شانرا نمیکند این راه را باز کرده علاوتا ارد و روغن را در کوپون مامورین طور رایگان توزیع می نمودند لیکن مواد مذکور همیشه در مغازه های کوپونی موجود نمیبوددرظرف ششماه کوپون مجانی ما مورین و مستخدمین یك یا دو مرتبه اجرا شده خواهد بود، پس ما مورین و مستخدمین معبور بودند که مواد ارتزاقی خود را در حدود توان از بازار خریداری کنند ۱۰ گر یك ما مِور رتبه دوم ششهزا ر معا ش دا شته با شـد اِنرا دریک هفته بمصرف غذای فا میل میرساند و سـه هفته دیگر باید چرش کند، پول افغانی چونکه بدون پشتوانه در شوروی بی خلته چاپ میشودارزش خود را ازدست داده ، خلاصه اینکه یك فا میل متوسط در یك ماه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار افغانی مصرف دارد آنهم بقسم بخور و نمیره اکنون فهمیده میتوانید که فامیلها چگونه وبچه ترتیب زندگی مجبوری راادامه میدهند نا چار باید از اموال خانه خود یگان چیزکی رابفروشند چنانچه دکانهای فروش اموال کهنه در هربازار حتى كوچه ها رو به تزئيد ميباشيد ِ، من خود شاهد بوده ام كه بعضى مامورين ساعتِ بند دسَّت خُود و ريوراً ت خانم خَوَّد رًا ﴿ بِقَرِوش رُسانيده أَند و أَمَا ﴿ وَرَدْ خَرَبُيْهَا مُعَكُوسَ أَن صَا دق استَ یعنی در حالیکه خانه های مامورین غیر حزبی خالی شده میرود خانه های حزبی پروپیمان شده از خوراکه عالی گرفته تا فرنیچر عالی و پول وافر و جواهرات همه نزد انها وبخانه های انها راه پیداکردهیك قسمت را بپول و رضا و یك قسمت را در اثنای پېره داری ها و چپاولگری های هـبانه بزور کلشنکوف از خانه ها کشیده تصاحب کرده اند .

موضوع دیگر سوا ستفاده از پول ما کول ما مورین میباشد که باشر شکایات روزا فزون ما مورین ملکی چند بار نمونه های طبخ شده ما کول روی پروگرام تلویزیون بنمایش گذاشته شد، حتی غیر صحی بودن آن به شبوت رسید زیرا از سرجمع پول ما کول خورد وبورد میشد و نانیکه نه مزه داشت و نه رنگ وقوت بما مورین داده میشد اما دولت که قدرت جلوگیری از سوا استفاده را ندارد عوض انکه کیفیت نان را بهتربسازد ما کول را موقوف ساخت یعنی قطع کرد بقسمیکه عاضری ما مورین از صبح شروع و ساعت یك بچه ختم میشود و این ترتیب از دوسیه ماه باینطرف شروع شده ۱ اما اصل موضوع جای دیگر است چونکه در چند سال اخیردر ادا رات دولتی کار وجودندارد و ما مورین طور نمایشی با لای وظیقه میروند و روزها بنام خریداری نان خشك از نانباشیها ساعات متواتر از دفتر بیرورن میشوند، دسپلین و و روزها بنام خریداری نان خشك از نانباشیها ساعات متواتر از دفتر بیرورن میشوند، دسپلین و اداره بکلی از بین رفته و جای انرا انارشی خوش گذرانی عیاشی و روزگذرانی گرفته لیدا دولتیکه بدون احساس خجالت سخن از شگوفانی میزد مجبور گردید ما کولات ما مورین را قطع کرده عوض ان ساعات کار بستن به نیم تقلیل داد،

توجه بفرمائید در مملکتیکه هایق برای فارفان بکلوریا وفکولته هادر دستگاه دولت بمشکل کار یافت میشد الان به تعداد متقاعدین مامورین بیکار وکارگران بی معاش افزوده شده درحالیکه دولت کمونستی خود را یکدولت کارگری محموب مینماید اصلا ودر حقیقت حیات کارگروفامیلش درحال فنا و بربادی است اما از ترس و خطرجان و شکنجه و حبس خاد صدای خود را بلند کرده نمیتواند، افرادفامیل شان ازخنك وسردی هوا و عدم دریافت مواد فذائی و سرپناه و لیاس بمردن نزدیك هستند، از چهره اطفال نحیف رنگ پریده شانو الاشه های برامده و رنگ زرد شان این جنایت خوانده میشود، فقط یك استشنی موجود است که دولت کمونستی با افوش باز استخدام را عرفه میکند وان عبارت ازعسکری است که مهاشات بلند میدهد تا برا در را بمقابل برا در بجنگ تربیه کند اما چونکه تعداد تلفات بسیار زیاداست مردم گرسنگی را قبول ولی به عسکری نمیروند، اکثر کمونستها بشمول وزیران کابینه پسران جوان خود را که بسن عسکری رسیده با مریکا هندوستان واروپا روان کرده اند، خودم چند نفر وزیری را میشناسم که پسران خود را با مریکا روان کرده خودش وزیر معتبر کابینه بوده اما خود را کمونست محسوب نکرده میگوید من بیطرف هستم، حالا این سفن بسیار مود روز شده حتی کمنستهای دوا تشده همان هائی که در منزل ملعون تره کی قران مجید را زیرپاکرده و بمجسمه خوك مانند لینن سرتعظیم خیم کرده بودند حالا میگویند ما کمونست نیستیم، یکتعدا د وزیرها برای بازی دادن مردم در هرمطس که بوابر شوند بی وضو نماز میخوانند،

ِس ــ امتيازات ماموريت از قبيل كوپون مواد خوراكى و البحه وكالا ازچه قراراست؟

ج ـ امتیازات ما موریت حالا بلی بلی گفتن دوپرکه سلام زدن با مرین ما فوق ازترس اخطاردیدن فحش و ناسزا شنیدن تحقیرشدن مجبور هستند دو دست بسته وسرخم شده دقایدی متوالی حضور اشرف والاگهر امر صاحب که فیر از کمونست بودن دیگر هیچ ندارد بایستند تازمانیکه امرها حب سربلند کند وجوا ب سلام را با شاره سر بگوید زیرا اگر چنین اطاعت وبندگی از خود نشان ندهد فردابدون چون وچرا ما قوف است و یا به هیئت تفتیش محول میگردد و دستش از کار گرفته میشود ویا بدون معاش میماند و اطفال اش از گرسنگی میمیرد، این مردم بیچار ه پول وافر برای دادن رشوت و گرفتن یا سپورت ندارند تا از مملکت فرار کنند،

امتیاز کوپون ارد ورون بدون قیمت محض بهام وجود دارد زیرا نصبت عدم ورودموا دخورا کی به مملکتماه هادستگیری نمیکند وابن امتیاز روزها دویدن بمغازه ها وسرگردانی های متواتر بشکل امتیاز روی کاغد درامده است ، چند مرتبه از شوروی البسه و دریشی و بوت وغیره که سالها درتحویل خانه های شوروی انبار شده و برای صردم روسیه جنس کس مغر شده بود وهمگی با مطلاح ازمودافتا ده ویا عیبی بود روسها طور رایگان ارسال کرده اما دولت کمونستس انرا بقیمت با لای ما مورین بغروش اعلان کردند اما چون اکثر ما مورین قدرت خرید قیمت های بلند را نداشتند خریداری نتوانستند، بعد ازچند مدت قیمتها را پایان اوردند ولی این بار کمونستها و حزبیها بین خود تقسیمات کرده رش بردند و خریدند و بمستحق بی واسطه که روز ها در لین مغازه ها انتظار کشیده بود نرسید، حزبیها حتی ازین بابت سوا ستفاده کرده مواد برا که بقیمت نازل با ساس امتیازات حزبس بدست می اورند دوباره بقیمت بلند ببازار سیاه میفروشند، ببترین مواد قابل استفاده منزلها و یا اشیای خوراکی مخصوص دو طبقه با امتیار است حزبیها و کمونستها، از بوتلهای ویسکیو ودکا و انواع عطرها گرفته تا قطیهای سگرت و پنیر و چاکلیت و شیر همه و همه باختیار حزبیها و خادیست ها میباشد در حالیکه هر روز جراید و در هرمجلس سخن از عدم تبعیض میزنند اما واقعیت جز فریب و کذب چیز دیگر نیست ه

س ـ معاش و ماکول مامورین لشکری (سپاهی و ضابط) تولیمشر وجنرال ازچه قراراست؟

ج - تمام صاحب منصبان فعلی که مردم انها را بنام ۴۶ صاحب منصب ماشینی ۱۶۰ در میکنند یعنی یك شخص عادی در ظرف سه حچهار تا ششماه و بعضا یکسال بشرط قبول کردن عضویت حزب کمونست ویا شمولیت در دستگاه جاسوسو، امنیت دولتی (دستگاه مخوف خاد) فورا مستحق ۱۰ هزار ۲۰ هزار تا ۳۰ هزار افغانی معاش میشوند ، تعین معاشات بدست امرین بوده واسطه و خویشا وندی رول مهم دارد، این ما حب منصبان دونوع هستند یکی انبا لباس صاحب منصبی میپوشند وبادا شتن یونیفورم از ضابط تا جزال دردل مردم خوف و وحشت را پدید می اورند زیرا بیچاه مردم از بسکه زجر و شکنجه دیده ازیونیفورم خادیست های ادمکش میترسند، اگر یکی ازینها بمردم بیچاره از مامور و متقاعد گرفته تا کاسب وتا جر بگوید بایست یا ایستاده باش طرف مقابل باید فورا اطاعت کند وبامر وصدور هدایت صر تعظیم فرونمایددلیل وبرهان بمقابل انها بی معنی وبیفائده است بیك سیلی و مشت و لگد بدهن مقابل اوزا را درگلو وبرهان بمقابل اوزا را درگلو خشك میکنند و صلاحیت فیر و قتل را نیزدارند بدون انکه کسی با زخواست کند، ازبابت پوشیدن این یونیفورم ادمکشی اینها سه یا چهاربرابر معاش خود را هر ماه ازطریق جبر با لای مردم بدست می اورند خاصتا آن صاحب منصبان که در گروپهای تلاشی منازل و روی سرك ها اعم از حارندوی (پولیس) و یا افراد اردو که باین کار موظف هستند بمعاش و ماکول هیچ ضرورت ندارند (در اینده را جع به سوه استفاده های هیئت های تلاشی حارندوی اردو و خاد توضیحات دلیسب و مستند خواهم نوشت)،

توجه فرمائید از طرف شبا موال خانه ها ودکا کیت سرقت میشود وقتا که فردا صبح صاحب منصبان جنائی حوزه حارندوی همان مطاز صاحبان انها رسما تحقیق میکنند بیچاره ها گفته نمیتوانند که خود شما درد هستید زیرا از ساعت ده شب الی چار بچه صبح قیود شبگردی را اعلان میکنید هیچ زنده جانی حتی سگهای اواره از ترس شما از بازاروکوچه ها و سرکها حرکت کرده نمیتواند چه رسد به دزدها و اگر دزدها این کار شنیع را کدام شبی انجام بدهند حتما با شما دست شان یکی است و اما بیچاره ها گفته نمیتوانند و سکوت میکنند و با هرچیزی که پولیس و حارندوی دیکته کنند امغا مینماینده نویسنده این مغمون در مدت یازده سال گذشته در شهرکابل شاهد دزدیهای افراد حارندوی اردو و خاد بوده ام که با شتراك همدیگر اموال زیورات و پول نقد مردم دا غدیده شهرکابل را دزدیده و به غارت برده اند کو کجاست آن مرجعیکه گوش شنیدن شکایات و عرایض را داشته با شد ؟ قدم بخدا که دوره زمان حقوی بهتر از امروز بوده استه (در اینده قمه های دزدیهای این و طنفروشان صلحدان جاسوسان و شاگردان کی جی بی را وحتی از سربازان و صاحب منصبان شوروی را برایتان مینویسم بشرطیکه مجله شما جرئت

نشرانواع جنایات انها را که قلب هر انسانرا میسوزاند داشته باشد ، موقعیکه این جملات رامی نویسم چنان قلیم بغربان می افتد و العصایم نا ارام میشود که تشنج در وجودم رخنه میکندنا چار قلمرا از روی کا غذ برمیدارم و در دطی بدیدن تلویزیون هندی خود را لعظاتی مصروف میسازم تا استراحت نصبی نصیبم گردد، خدایا ۱۰۰ خدایا این خاد که خاك بر سرشان با د چه بلائی چه هیولائی قاتل با لای مردم افغانستان نازل کرده ای ۱۰۰ خداوندا باراده خود برما لطف ارزانی فرما واز شر این شیطان لعین مردم باقیمانده شهر کابل را و مردم تمام ولایات افغانستان را نجات بده ۱ ای خدای بزرگ و توانا از حضور تو با خضوع تمام التجا میبریم که اتحاد و اتفاق رانصیب هما ما کنی تا با یك مهت واحد و پولادین و با اتحاد فکر و اندیشه ای دور از هرنوع تعصب برفرق خادیست ها بکوبیم وبار دیگر نام نامی افغان های مطلمان را به تمام جهانیان با مفات حسه بلند حازیم،

س ـ ا جرت کا رگرعا دی وا ختصاصی روزمره (مزدورکا ر گلکا ر ونجا ر) چند است ؟

ع - سال قبل که بمزدور کار فرورت داشتم بمبلغ پنجمد افغانی با طعام چاشت پیدا میشد ا مامزدور کار جوان بمشکل پیدا میشود میدانید که جوانان افغان شهید شدند یا فرارکردند، مزدورکار پیر(مثل من و یا نوجوانان خوردسال) حافر بانجام خدمت مزدورکاری میشوند، گلکار ونجار مطکی و اختمامی مانند سابق میسر نیست ولی کمانیکه خود را گلکار ونجار میخوانند بمبلغ ۱۵۰۰ افغانی پیدا میشود، گلکار نجار ومزدورکار وقتا که بکار شروع میکنند در موقع دم راستی وهم درجریان کار ازغمو نحمه از شهیدان و ظلم و تعدی جابران ال تره کی امین کارمل و نانجیب و چور وچیا ول و دست درازی وبی ناموسیهای کمونستها قعم هائی سر میدهند که موی براندام آدم راست میشود و با ریختن قطرات اشک بیان میکردند، یکی برا در یکی خوا هر یکی پدر دیگری پسر یا برا درزا ده خود را از دست دا ده یا کسان نزدیک شان فرارکرده یا مفقود یا معبوس میباشد ویا زمین و خانه و زندگی شان تباه وچور و یا توسط بمهای روسی یا مین های پلاستیکی صدمه و تلفات برداشته اند، اینها توسط استینها یا دامن های فرسوده که بتن دارند اشکهای خود را باك میکنند یا از غم و شدت غمه مدتی مکث کرده برای نشریه خود چند داستان جالب تبیه کرده میشواند،

س ـ ا جرت تکسی (ا ز پل باغ عمومی تا میدان هوائی گوته سنگی و خیرخانه) چند است ؟

ج - تعداد تکسیها درشهرکا بلا ز رهگذر عدم پیدایش داشمی پطرول ودیزل خیلی کم شده اکثر تکمی را نها وظیفه و کسب دیگری برای خود پیدا کرده اند و بمشکل زندگی را از پیش میبرند، انها شیکه باقی مانده اندموتر تکمی ازخود شان نیست اکثر موترهای تکمی ازما مورین عالیرتبه وخاصتا ازما مورین ان شعبا تیکه رشوه بسیار دارند متعلق است ، طور مثال مدیران بواید ومالیه ریاست های ناحیه ما حب تکد شده اندیا مثلا مدیر عواید ومدیر تکس اماکن میرویس میدان اولی ما حب تکمی و دومی ها حب موتر سایکل شده هنگذا مدیر عواید ریاست ناحیه کارته چار صاحب تکمی است که هرکدام شان دراوقات رسمی وغیر رسمی خود را می چلانند زیرا در ناحیه ها کار وبار درك ندارد فقط چور و چپاول در جریان است (درباره سواستفاده های ما مورین ناحیت ومدارك که در اینده صحبت خواهیم کرد)،

اجرت تکسی از پل باغ عمومی تاصرویس میدان یا حینمای اریانا فینفر پناجه افغانی است ویك تکمی ششنفر را در موتر جآداده بعد ازان حرکت میکند ،زمانیکه تیل پطرول کمیاب شود فینفر صد ا فغاني وتكس در بحث مطَّابق بجور امد از ينجصد الي الى هفتصد افغاني درَّ بين شهر ميباشند البته ا ز طرف شام تا آو بجه شب یکمد آفغانی دیگر نیز علاوه میشود، بروزها وشبهای برفها ری وبا ران نرخ بالاتر میرود بلکه به ندرت تکسی دستگیری میکند، کمانیکه برایشان امور عاجل پیدا شود خاصتا مريضي عاجل وولادت عاجل بايد به تيلقونها ثيكه اعلان شده ومربوط حوزه هاى حارندوى است مراجعه شوَّد تَا بِوسِيلَهُ ۖ مَوتَرَ نَوْكُرِبُوا لِبِشَقَا خَانَهُ ۖ وَزَا يَشَكَّاهُ حَمَلَ شُونَدَ خَهُ ۖ بَسَّا ا تَفَّاقَ ا فَتَا دَ ۚ كَهُ نَسِبَ عَدَّمَ رَسِيدَنَ موترنوکریوال شفا خانه مریق یا حامله درا ش خون ریزی یا حمله قلبی وفات کرده ویا د را شر دیررسیدن ان طفل در راه تولد شده ، اگر بخاطر داشته باشید قبلا سرویس عاجل ا مبولانس که توسط وزا رت محیه از طرف شب فعالیت میکرد تا سپس وفعالیت مینمود در زمان دوره شگوفانی کمونستها آن بلانها وا داره وحزبيها درامدهببخسيد كه بازحاشيه رفتم ولى بيجا نخواهد بود درينجا تذكر بدهم كه از شروع سال ۱۳۵۷ به بعد تمام فعالیت های ادارات دولتی ظاهرشاهی و داودخانی بیك چشم برهم زدن لغو و دگرگون نموده میگفتند و م نوشتند که در گذشته ها هیچ کار وفعالیت نشده در آین رشته و دران ساحه آینك اکنون ما (کمونستها) خدمات جدید را باین نام یا بان نام احیا مینمائیم، انهاخیانت کریند اما ما استکار وخدمت میکنیم ، اما درین اواخر نیده میشود که درجوشیکه قبلاً اب روان بود و در دوره کمونستی قصدا ابرا بند و جوی را خشك ساخته بودند اینك دوباره ابرا بیمان جوی ها رها کرده اند یعنی همان تشکیلات ادارات سابق را دوباره قبول کردند، طور مثال در دوره شگوفانی انقلاب كمونستى كه ابن همه فلاكت وبدبختى بمردم افغانستان رخ داد در يك وزارت چندين معين بى کفا بت حزبی و ده هارگیس نا لاگی موتر سوا ر ومفت خوا ر پدید ا مدکه هرکدام کلاشینگوف دا شته وا زطرف َ^ب

چور وچپاول یا شکنجه وقتل میکردند ،درین اواخر تشکیلات قبل از کودتای کمونستی را با یك یا دو معين وچند رئيس قبول كرده اند ، استثنى درين مورد وزارت خانه هائى ميباشد كه اهداف عزبى و ايديًا لُوجِي كُمونستي رَا تَبليغ ميكنند از قبيلٌ وزارت الطّلاعًا ت وكلتورِ كُه چند رياست انرا بسّويه وزارت ارتقا عدادند مثلًا رياست را ديوتبلويزيون را وزارت ساختند اكرچه نام انرا رياست عمومي كَذَا شتند اما امر ان رئيس عمومي چوكي وزارت دارد و دونفر معاون (برتبه معين) ومديريت هاي عمومي ان بریاست ارتقا عیافته چند شعبه یا ریاست نو نیز به آن افاقه شده است ، هر رئیس دا رای یك موشر یك درایور یك معافظ وخودشنیز كلاشینكوف دارد ، همینطور است ریاست عمومی (وزارت) ازانس باخشر ریا ست عمومی (وزارت مطابع) ریاست عمومی نشرات و چه وچه وچه که هرکدام ان دارای ریاست ا داری و مديريت عمومي ما مورين ورياست خد مات وغيره ميبا شده وزرا و معين ها فغل فروشان نا لائق و بی استَطَاقی میباشند که جز کمونست بودن و وطنفروشی وروس پرستی دیگر صفتی ندارند ، وزیر فعلیه ابين وزارت كه دوباره انرا اطلاعات وكلتورنام مآنده آند شخصيست بنام بسفير كه يك محصل خشره بوده در آثر نا کا میهای متوا تر شها دتنا مه خیراً شی گرفته بود وغیر ازکمونست بودن دیگر صفت و فضيلتي ندارد بلکه شخص بي صفت وبدفعل ميبا شد ، در چوکي رياست آداري يکنفر تايپست و درچوکي مديريت عمومي يكنفر كارگر بيسوا د كه لينن را (بلاتشبيه)خداي خود ميداند مقرر ميبا شند، درين ده سال و قبل بران یکتعداً د را درفابریکه های داکتر سازی روسیه قباله های داکتری داده اینها نه علم دارند نه سواد ونه عوّاطف وطنپّرستی اما صفت فارقه آنها لینن پرستی روس پّرستی و جاسوس کی جی ہی ہودن است که مانند میکروہہای سرطانی انہا رآ ہادارات دولتی ہاشیدہ آند تا کسی خود را شور داده نتواند، بعضی ازینها که خانم روسی و پایه قوی کی جی بی دارند سه چهار وزارت را کا رمیکردند مثلا یکنفر ازینسها کسه ۱۰۰۰ وزیر را دیوتلویزیون بود در عین زمان منشی کمیته مرکزی در را س وزارتها ی تحلیلات عالی ومسلکی تعلیم و تربیه صحت عامه و اطلاعات و کلتورقرا ر دا شت یعنی چها روز آرت را کا رمیکرد ولی آگر یکورق کا غذ را بدستش میدا دند خوانده نمیتو آنست ، كسى تا كنون كدام مقاله يا نوشته أو را نديده اما بالأبين درجه اول ونفر دوم حزب است ،واويلا وعجبا باین مسلك بحت و بیشرافت لیننی که انسانها را بی شرف و وطنفروش میسازد افغان مسلمان ا زخانوا به های سزرگ را درخدمت کی جی بی و روسیه قرارمیدهد وّاز انها بهد مرّدم ووطن شان کار میگیرد. (دربارهٔ اینگینین اشخاص و کارنامهٔ های وطنفروشی شآن در اینده صحبت خواهیم کرد) . وزارت ۱ منیت ملی بدست یك شخص بست وطنفروش که او وبرا در بزرگش هر دو از قدیم کی جی بی وجاسوس وطنفروش بوده برادر كلانش بعد از اناهيتاى بدنام وزير معارف شند ميباشند ودر اين وزارت خاديست های حرفوی تربیه یافته کی جی بی زیر نظر مشا ورین روسی کار میکنند ، وزا رت داخله نیز بدست حزبیان و پولیسان شکنجه تحصیلیافته شوروی زیر نظر مشاورین روسی قرار دارد ، در هردووزارت فجایع انسانی از قبیل شکنجه لت وکوب حبس وتوقیف حتی قتل اشخاص جریان داشته هیچ فرقی با سابق ندارد بلکه در دوره نا نجیب تلاشی شبآنه خانه ها و چور وچهاول و دست درازی بالای خانمها ازطرف شب بسیار بیشتر شده است ، مها جرین خارج باید بگههای چرب ونرم ونطقهای را دیوئی نا نجیب با زی نخور نداً وهنوزهم رئيس حزب كمونستاً ويكي الزبيروان سرسخت لينن است كه لينن را الاتشبيه) خداى خود میداند او میخواهد افغانستان دایم مانند یک بودنه بیجان به تور روسیه کمونستی باشد مجًا هدين بايد حكومتً ابن غدارنا مسلمان وتشكيلات و حسَرْب كمونستى او را ازبين ببرند انوقت يك افغانستان ازاد رويكار امده ميتوانده

س ـ نرخ تسعير دالر چند بوده وايا دالر بوفرتيافت ميشود ؟

ج ـ دوماه قبل از آمنتم دالر ٦٥٥ افغاني بودوكلدار هندي ٢٧ افغاني فروش ميشده دالر بوفرت پَيدا يشَ دا شت ، فَقط درا شر بعنى حا دشات قيمت دالر دفعتا صعود مينمايد، مثلا همان روزيكه عساكر پیرهن وتنبان دار وبعضی آیشان بالباس مخصوص خودشان مربوط گرّوه ملیشیا شی جوزجانی که اکثرشان از زمره مردم ازبلك شوروى بوده وطورگوريلائي تربيه شده اند در سراى شازده وماركيت تيمورشاهي حمله نمودند ویکمقدار دالر را بتاراج بردند ویدکانهای زیور فروشان لب د یای کابل هم حمله کردند قیمت دا لر دفعتا بلند رفت ولی برای دوسه روز دوام کرد، ناگفته نماند کهدولت هم میخواست خرید وفروش دالن را كنترول كند كه يك هدف جا هلانه بود زيرا بمجرديكه صرافان ازين موضوع اطلاع قبلى حاصل نمودند درطول یك هفته نرخ دالربسیا ربلند رفت حتى بسپولت دستیاب نمیشند، تما دفا درهمان روزها من برای خریداری اسعار بدگان یک مراف دوستم نشسته بودم که تیلفون وزیر مالیه امدوتا جر مذکور به بی اعتنا نیوجسارت طوری با وزیر مالیه سفارش ونعیحت میکرد سئلیکه خودش یك وزیر باشد تا جر بوزیر درمورد کنترول اسفا رتوسط دولت دلایل خود را اقامه کرد واخطار دادکه اگر فورا در موضوع تَجَديَدنظُر نَصُود درَّهَاليكه آداً فغانستان بانك يا بانك مركزي روبَسقوط است واكثر ازماً تا جران بازارٌ دالر قرضَه میگیردُ اگر شما کنترول دولت را بالای فروش اسْعار ّاعلانٌ کنید بانك ّتانُ کاملا ٌسقُوط میکند وبی اعتبار وبی حیثیت میشود ومشوره داد که اعشب اعلان کنید که معاملات اسعار مأنندهایق ازاد میباشد، چونکه دالر از راه تجارت بافغانستان نمی اید بلکه ازطریق مجاهدین پشا ور ببازار سیّاه کابل میریزددولت همان شُباً علان کرّد که معاصلات تبادله اسعار مانند سابق ازاد خوا هد بود،

موضوع دیگریکه بهنزول نرخ دالر تاشیرفوری درمارکیت کابل دارد اخباربین المللی وفوتوی محترم محمد ظاهرشاه پادشاه عادل ورعیت پرور افغانستان در روزنامه های دولتی به نشر میرسد و پادرتلویزیون به نمایش میگذارند میباشید فردای ان قیمت اصعار پایان می افتد، برادرمحترم بسر شما قسم ومرا میشناسید کهبی سبب تعریف کسی را نمیکنم ومجبوریتی هم ندارم، بمقدسات سوگند که

که در اکثرخانه ها از مشاهده تصویر پادشاه عزیزومهریان خویش روی پرده تلویزیون ازخوشهزیاد به چک چک زدن ورقصها میپردازند وفردای ان که بچهره وقیا فه دوستان وهموطنان اقارب وغیر دیده ام در احوال فاقگی و محرومیتها خوش وخندان بوده اند بلکه یکی بدیگر احوال میفرستند وپرسان ميكنند ايا ديثب برق داغتين ايا تعوير اعلمضرت بابه ظاهر راديدين ؟ هكر الصدللة صحتمندبنظر میرسید ،خلامه تبصره های مثبت و ۱ میدواریها برای چند روز درفضای کابل پدید می اید، بهمین دلیل است که حکومت کمونستی کا بل محفی با زی دا دن مردم کا بل وبا صطلاح پل فلط دا دن مردم عکسها ی پادشاه را وقتا فوقتا درجراید یا تلویزیون نشر میکنند وباین وسیله میخواهند طرفداران پادشاه را جذب کنند اماطرفداران پادشاه که اکثریت قاطع در کابل دارد باید بفیمند که این هم ازحرام زادگیهای رژیم کمونستی کابل است که هروقت یك مشکل بزرگ بیدا میشود ومردم بستوه می ایند عکس یا دشاه را برای تطّی و امید واری مردم نشر میکنند ، قیمت روزنامه ها فورا بازار سیاه پیدا میکند بخاطر تعویر یا دشاه اخبار درفرفه ها نایاب میگردد ویك شماره آن به بیست افغانی فروخته میشود، برای چند روز ازهرزیان خاص وعام شنیده میشود که انشا ۹لله بادشاه امدنی است زودباشید که آین کافران وملحدان گم خواهند عد و به دار اویخته خواهند شد مثل رئیس جمهور رومانیه که سگا واری چانواری شده همین خوشی زایدالومف مردم است که بالای بازار اسعار تاثیر ونرخها برای دوسه روزیایان می اید محتی برای همین منظور هم دولت کمنستی عکس پاچارا چاپ میکند، توجه فرمائید که چاپ شدن فوتوی شاه سابق ویا استماع یك خبر او و یا شنیدن اواز او از رادیوهای ممالك غربی چه شعف وخوشیهمردم کابل که سالها ستم کشیده و رئج دیده اند دست میدهد ، و همچنان قراریکه با اکثر فا میلهای هراتی گندهاری کوهدامنی وسمت شمال مملکت نشست وبرخاست داشتم عین احساسات مردم کابل را انها نیز دارندو کمونستها اینرا خوب میدانندورلیدا همه مردم واکثریت ۹۰ فیعد(بجز پنج **فیمدان حزبیهای دوا تشه که پیروان لیننِ بوده دوام نوکری روس را خواستار میبا شند) طرفدار پا دشاه** هستند حتى ضرورت بخودش نيز نيست توسط فوتويش بحفور هيئت هاى بين الملليو مليل متحد براى او راى خواهند داد لاكن از حق نگذريم كه بهازگشت او بمملكت فعلا وعجالتا طورعا جل وخيلي عاجل بامدن وبودنش دربين مردم ستمديده كابل بحيث سرپوش ملت افغانستان اشد ضرورت احساس ميشود در حضور و عيابش برايش راى ميدهند، خلاصه مطلب اينكه شهركابل بايتخت افغانستان عزيز اكنون يك خرابه بوده بمثل یك مریض خیلی رنجور علیل ونا توان بیك تا بلت ویتا مین فشا رش بلند میرود وبغیریك را كت فشا ر ونبخش پائین می افتد ومشابه انوقائع متذکره نرخ دالر هم ببالاوبه پائین صعودونزول میکند ومسلما که در ظرف یك دوهفته كودتای وزیر دقاع حسریی بیست اشه كمونست لیننی (که ما در دهلی شنیدیم) و باقدرت ترین عضو کا بینه نجیب بی اللّه یعنی تنی نوکو روس صورت گرفت نرخ دالر شاید چندین مرتبه بًا لاتر خَيرِن زَدَّه با شد، ازطرف ديگر كاريكه دوبار شده مومَّى نيز پيش بيني شده ميتواند كودتاي حومی برای برانداختن نا نجیب بی الله وحرنگونی او حتمی صورت میگیرده

ناگفته نماند که نوتهای صد پنجمد و هزار افغانیگی حاوی تصویر پادشاه سابق قرار معلومات واثق که دارم ودرهندوستان بچشم سردیدم درپاکستان هند وابران وهم در شود کابل بقیمت بالاتر از ارزش اطلی ان بفروش میرسد حتی مردم دوسه قطعه انرا طوریا دگار نگه میدارندوبعضیها میبوسند در هند که رسیدم چند قطعه انرا جوانان از من هدیه گرفتند واین کاملا صحیح است که جوانان افغان بمحمد ظاهرشاه خوشین هستند ومیگویند ۴۶ ظاهر ویاطنش یکی بود ۴۶، (باقی دارد)

یا دداشت ـ اثینه افغانستان از افغانهای مهاجر در دهلی پشاور وکویته که روزمره ازاوهاع کابل اطلاع حاصل میکنند خواهشمندیم لطفا شنیدگیها و انکشافات مهم رایا دداشت نموده برای نشربفرستند، نوت ـ اصلا وانشا ۶ کلمات همانطوریکه در متن دست نویسی است تایپ شده است ه

ا دامهٔ ص ۹۸

برچیند ، اما البته شاغلی عزت الله مجددی میتواند در همان مسجد یا مسجد دیگر یا موضع دیگر بروزیکه محلل فاتحه منعقد نباشد امر ونهی بگوید یا سخنرانی سیاسی بکند و یا اینکه مطابق به سنن اسلامی در خطبه های روز جمعه مسائل اجتماعی و سیاسی را مورد بحث قرار دهد که مشروعیت دارد، و ما بکمال خوغی برای شنیدن بیانات او حاضر میشویم، و اما اگر شاغلی عزتالله مجددی در بیانات خود قران مجید را غلط ترجمه یا تفسیر کند (که اکثر اوقات کرده ولی قسمدی و عمدی نی بلکه اشتباه کرده است) انوقت وظیفه هر مومین مسلمان است که در همان محفل سبو او را تصویح کند و اگر مسلمانی به سبو او را تصویح کند

از جانب دیگر متصدیان معترم مسجد شریف بخاری و مساجد دیگر نباید ا جازه بدهند که پایان محفل فاتحه به تقریر سیاسی یا امر ونهی مذهبی بانجامد ، قا ریان موظف مسجد خودشان بقرائت بپردازند و اگر ازجمله هموطنان فاتحه دهنده کس چند آیتی بنویت میخواند مجاز و مقبول بوده لاکن فاتحه اخیر را قاری موظف مسجد خودش انجام دهد و ختم فاتحه را اعلام نماید ونگذارد که کسی بعد از ختم فاتحه بتقریر یا سیاست بپردازد ، باین ترتیب هیچوقت در محافل فاتحه سر وصدا بلند نخواهد شد ، در غیر آن هر عملی عکس العملی بار می آورد ،

معترمه فخریه الفی ـ ۱۰ نظر افغانی، شما را نشر و رویداد رابازگو نمودیم، میگویند دیوانه هم بکار خود هوشیار است، فکر نمیکنم که من یا شاغلی مجددی دیوانه باشیم وانگهی اگر شماخواسته باشید تست روانشناسی تانرا بفرستید جواب ارائه خواهم کرد ، با احترام ،

تتستويش ازمرض ايدر

Consider of the consideration of the faction of the faction of the consideration of the faction of the faction

بم تشمارج ارج

بذار و کوت کاملا

نزنة درج مشرمين ترموم مدين وري رمي لا ويرك ن الدريان بهرون ميف و مرسه مذات مير عيد الله المان الله الله و تعذب كذب المراب على وورك وطول المعارف المرائي والمؤرَّان المرائية المرائية والمرائية فالمرائية فالمرائية فالمرائية فالمرائية The Estimate of hill is in it will will and it is it in it is it i пистерия повети по подать по предостой в в да Убераний проводить прина ва да в до верей Уна вай منعن وريخ عنيز حرمتندي وتبتق لوع غيت دريار والمست غيزا عو قرن برييل - Eiter find find on in a wind in the series вобрения прина водения - Sauce of the a little in pipe in the site of the second تبح تسم موك ريعت لاي كاي تغيل تر مدخيت جيت عرف بغ The same of the same of the same of the سنين أعيد برميد وكاعتز ويوم و من والمناف كالمان مدو مدو مدو المان المنزي رد ب مسئولیت مینون کاری کاری کاری کاری بروس معدد کرفت - سريسه منيز مرسمنة برفن مع منيسان منيز من معلاقط موف درست معت باشدن وب رستي شده در در در ما متعالم وق در دون الما مسادات У принамина принамина подать предости in the file in the series in the series in the series a contraction of the contraction of the said of the sa is it was it is in a resident of the interior - نزون نو عرسان المرزم مان كروز م جوز لاستا الماني عده Experiment in sister of the continue of the second it iles some in in the interest of in the second The singe is a sile is it is in the con it is it estella in ani o dans la go prisition Управо до ти и в в сторовомой ваний where to this the was and his wind it is in the

wood of the state of the sound of the state of the state

سرنهشت جبهة استقلالها فغانستان تعيين شد

طبق اعلان تاریخی ۳ شنبه ۳ جولای ۱۹۹۰ رادیوصدای افغانستان در لاس انجلس و اطلاعیه تحریری که توسط دارلانشای موقت جبهه استقلال ملی افغانستان توزیع شده بود با ساس فیصله مورخ ۱۰ جون ۱۹۹۰ سی نفر از اعتفای موسس جبهه مذکور ح جرگه عمومی افغانهای مقیم لاس انجلس و نواحی دور وپیش آن بتاریخ هفتم خرلای ۱۹۹۰ در شهر سپولودا (بادرسنمبر ۱۰۵۱۵ واقع خیابان چیس) بمنظورتصویب مرامنا به و اساسنا مه جبه استقلال ملی افغانستان که توسط کومیته تسوید تکمیل گردیده بودوهمچنان برای انتخابات هیئت های اجرائیه و ننظار جمع شده سودند ،

خبر نگار آئینهافخانستان اطلاع میدهد که جرگه عمومی جبهه استقلال ملی افغانستان بساعت ۷ شام ۷ جولای ۱۹۹۰ بعد از تلاوت آیاتی از قران عظیم الشان تحت ریاست رئیس موقت (اقای محمد حسین کریمی) و منشی موقت (دکتور سیدخلیل الله هاشمیان) بکار آغاز نصود ۰ جمرگه عمومیی ابتدا میسوده مرامنامه و اساسنامه جبهه را که توسط منشی موقت قرائت میشد ماده بماده مورد بحث و نحور قرار داده بعد از مباحثات چند ساعته هر دو سندمذکور را بابیا ره ٔتعدیلات تصویب و منظور نصود ۰

سیس با ساس اساسنامه تصویب شده ۱ نتخابات هیئت های اجرائیه و نظار براه انداخته شد و انتخابات مذکور بروجیه دیموکراسی توسط کارتهای مخصوص بطور سبری و مستقیم اجراشده ۶ جریان انتخابات و صندوق آرا ۶ توسط دو نفر مشاهد مراقبت میشد ، نتیجه انتخابات قرار در الله الله الله در الله

جناب آقای محمد حسن کریمی باکثریت آرا ، بحیث رئیس هیئت اجرائیه انتخاب شد ،

رر ٠	رر	رر	رر معاون رر	, ,,	 ر محمد وردك	حناب آقای تا م
•••		~	33			

- جناباًقای غلام سرور نوایی ازر ازر این اند و این از از از ا
- حناباًقای ضیا منورزی باتفاق آرا ۴ بحیث منشی رر رر رر ده
- جناباًقای ضیاالله کمالی باتفاق آرا ٔ بحیت منشی رز این این ا

هـيئت نــظار :

(جون شباز ۱۲ گذشته وهوا سرد شده بود انتخاب دو عضو دیگر هیئت نظارتکمیل شده نتوانست ، فلیمله شد که شورای عالی دونفر را انتخاب کلند)

آدرس جبه استقلال ملی افغانستان که قبلا در جریده مجاهد ولسنیز اعلان شده بود قرار Afghanistan National Independence Front دیل است:

P.O. Box 1014 - Sepulveda, CA 91337 U.S.A.

جبرگه عصومی جبهه استقلال مبلی افغانستان را کیك سازمان غیر انتفاعی منظورنموده حتی العضویت اعضای آنرا قرار فینفر ماه ده (۱۰) دالر تثبیت نموده است ، دورهٔ کار هیئت های اجرائیه و نظار از تاریخ ۸ جولای برای مدت یکسال بوده در ختم این مدت تجدید انتخابات صورت خواهد گرفت ، عضویت در جبهه مذکور بقرار مؤاد اساسنامه بروی همه افغانها (که سابقه کمونستی نداشته باشند) باز است ، هموطنان محترم برای کسب معلومات در باره حصول عضویت ودیگر مسائل به آدرس فوق و یا تلفونهای ذیل تماس گرفته مهتوانند :

3520 (213) (محمد حين كريمي) 995 (818) (تاج محمد وردك) (محمد حين كريمي) (818) (قاج محمد وردك) (فيا المورزي) (فيا المورزي) (فيا المورزي)

تسكيت بمات برا در ايران

زلزله اخیر که شهر کوهستانی رودبار و شهرهای گیلان و زنجان واطراف رادر مملکت برادر ایبران ویران ساخته حدود پنجاه هزار نفر مقتول یکسدهزار نثر زخمیی و صدها هزار بی خانمان شده اند در طقه های مها جرین افغانی در کالیفورنیا وسائر ایالات امریکا موجبات تاثر عمیق وتالم را فراهم آورده ـ افغانها بوسائل مختلف با برادران ایراشی اظها رتسلیت و غیمشیریکی نموده اند ،

پیامهای نیل برا دیر ابران در لاس انجلس تسلیم و نشر گردیده است: (۲۰ حون)

يحسمالله الرحمن الرحيم

ا عینای موسیس جبهه استقلال ملی افغانستان در کلفورنیا به نمایندگی از جبهه استقلال صلی افغانسیتان بمناسبت حادثه العناك زلزله اخیر و تلفاتناشی ازان باابراز تالم وتاثرات عمیق مراتب تعزیت و تسلیت خود را بملت برادر ابران تقدیم داشته ترقی و سعادت ملت تریفو مسلمان ابران را از بارگاه ایزد منعال مسئلت مینمایده

بحسم الله الرحمن الرحيم

صدیر مسئول و ۱رکنان مجله ۶ آئینه افغانستان تاشرات عمیدی خود را دمناسبت وفات برادرانو خواهران ایرانی در حادثه المناك زلزاه ۱ خیر ایراز داشیته بملت شعریف ویراد ر ایران تعزیت و تسلیت تقدیم صدارند ۰

> (دکتور سید خلیل الله هاشمیان منحشی موقت جبهه استقلال ملی افغانستان)

مستصدیان رادیو ایران پیامهای فوق را با شکرات و امتنان علمتق و تذکار روابط حسنه برادری و غمشریکی بین ملتبن ایران و افغانستان نشصر کرده است ۰

متعاقبا چند تنی از اعظای موسس جبهه استقلال ملی افغانستان (اقابون محمد حسن کریمی محمد هاشم نورزائی ٔحاجی غ ،سخی نصیری ٔ غلام سرور نوابی ٔ تاج محمد وردك ٔ عبدالعزیز عابدیلخ ٬ سسلیمان جلال و دکتور سیدخلیل الله هاشمیان) باداره کیبل تلویزیون ایران رفته مراتب تعزیت و تسلیت مهاجرین افغان و ملت مسلمان افغانستان را بملت برادر ایران از ارایی کیبل تلویزیون تقدیم کردند که بتاریخ جمعه ۲۶ جون ۱۹۹۰ از امواج تلوییزیون بخش ٔردید درین مخل دکتور هاشمیان به نمایندگی از جبه و افغانها بهرادران ایرانی تسلیت گفته سپس اقای محمد حسن کریمی منظومه ایرا که باین مناسبت سمروده بودند قرائت کردند ٔ قرار ذیل :

رسین جاك شد ناگهان از فضا فروریخت یکدم هزاران بسنا و هزاران زنده بیكام زمسین برفتند و گشتند نقشنگسین عرا دار شد ملت ناصدار بنالم که ابران بشد خواروزار ملت ایران دلا رنجور شسد ده هزاران بیگناه در گور شد ملائك بیگریه بیاصد چینان که تاریك شد روزن آلمان خشم آسمان است یا خشمزمین ناله برخاست از آه حسزین ناله برخاست از آه حسزین

ابسر رحمت تو بران مردم بهار

بنی آدم ا عفای یکسدگسرند که در آفریشش زیل جوهسرند جو ایرانوافغان دوبال وپرند بیشادی وغم هردو یك پسیکرند درد ایران درد ماراتازه کرد این مصیبت صدورق شیرازه کرد نگه کن خدایا تو ایرانسیان زآفات جمله زمین و زمان صدهزاران چشم تردرماتماست چیشم آنان درسخای حاتماست وقت همدردیست ای نورالبهسر ناله هاست از شام تا وقت سحر بها الچی حفظ کی ایرانسیان

ای برا درخوردی سیلی روزگار توبرخیز وبرپا شبو واستوار عزم انسان درتنا زعللیقاست غیرآن هرآنده با شدزبریاست ناامیدی آورد آخر زیبان این نیبد درفطرت پیشینیان بیتاریخ زرین ایبران نسگر بغرهنگ پیرا زغناکن نیبطر بایران زمین تاحدا رانبدند بایران زمین تاحدا رانبدند شهنشاه شاهان وکیهانبدند بیسروراست بگریم که امروز دردآوراست بیسروراست درد مستند دامیکنم تا شود سر بلیند

ىقىيەددى مە

وست برخن وزمرض رحه المركط (

دوست معترم و دانشمند گرامی هاشمیان صاحب۔

مجله رسید و این دومین مجله است که میرسند ـ دوی دیگر تاهنوز نرسیده زخمات تان قابل قدر وپاداشانرا از خداوند (ح) برای تان میخواهم ۰

مضمونیرا تحت عنوان ۱۰ انسیجسروت ۱۰ و مکتوب سر کشاده برای شما روانه کردم دیروز صدای امریکا از قول وزیر خارجه امریکا خبری داشت که گویا نجیب هم میتواند در انتخابات افغانستان سهم بگیرد ، آینست قفا وت یك وزیر خارجه یك مملکتی که ادعا دارد ازخوودیموکراسی پشتیبانی میکند وهمین حق خواهی شان بود که بعد از یك عملیا تنظامی خونیسن رئیس جمهورنظامی پانامته را از مخفیگاه او در مسجد مقدس مسیحیان بدست می آورد وبامریکا می آورد،

اما اگر یکنیم ملیون افغان در افغانستان بشهادت رسیده قیمت ندارد ، اگر روسها بافغان ستان تجاوز کرده قیمت ندارد ، اگر تمام افغانستان تباه شده قیمت ندارد ، و اگر براورد تَخْمِينَى تَبِا هِي ٓ افْخَانَسَتَانَ بِهُ ﴿ ٣٢٨) مِلْيَا رِد دالر الصَّريكَا عَي رسيده قيمت نَدارد ، اكر تمام آين عملیات در زمان ریاست خاد نجیب در زمان عنفویت حنزب دیموکرا تیك خلق نجیب در زمان منشی گری حزب نجیب و د رزمان ریاست جمهوری نجیب صورت گرفته قیمت ندارد ، زیرا نحیب این جنایات راً نسبت بافغانان و ّ افغانستان کرده ّنه نسبت با مریکا و امریکا ئیان

ا مروز نزد بیکر حسن روابط بیوش و گوربا چیف مطرح است نه حق نه عدالت نه حقوق بشر نه حتق افغانان نه خون افغان و نه تباهی افغانستان ، در کدام قانون و در کدام قسمت دنیا یك جانی یك قاتل یك مجرم وبالافره یك ۱۰۰۰ میتوانید قبل از طی محاکمه واستحصال برائت در چنین انتخابات سرنوشت ساز اشتراك کنید ؟

آیا معیار امریکادوام قدرت است ؟ آیا اینهمه و تمام جنایات در افغانستان ازنظیر قانون امریکا بخاطر گل رّویٰ مناسّبات حسنه بوش و گوریا چف قاٰبل علقو ه است ؟

جرا افغانسها از يسخن وزير خارجه كسش نميكنند ؟ جرا ِ افغانها روز را ميگذرانند ومسى مانند که هر کس هرچه میخوآهد در حتق ما از حتق و ناحتی بگوید وبکرسی بنده ؟

هاشمیان ماحب بلخاظ خصدا از دانشمندان و افغانهای انجا <u>یك تصحصرك بكار است جمدی</u> چه انهامانند بیچارگان اینجا زیر تسهدیدات شرور قسرار ندارند ، بااحترام ، ۱۷ / ۲/ ۱۳۱۹

يسم الله الرجين الرحم

اذ ؛ عىدالجم جنزايى

リア 69 ノアノバ

مَسْرِب كُرْتُ،

انجروت لحات قريمه سياست ملانفىرالدىنى!

درىك مىحىت اھلىل

كَى لَّعْتُ كُو : روكها درددارده ساليكودما ، باكستن ، باكستن ، بالرزال دفيق ، بالمعدمات وغره ، مورستند

ناه مای خودرا محکم کند . دگری گفت که برخورس ، از مرکت مربران معمانه ، مرر ورمحکم مرمود . کی گفت که : لین ومرکارگران جمان مانظام نومی ، عرب بزرگ مرای شرب نجام داد ؟!

وكرى حواب دادكه : بركسة وش در كريز > أمزر بكن إ كى تركيد عرا منظيهاى جادى رقناق مُخِدْر تفور بريد إ د كُرِيكُف : فَبَيْرِ فِي وَهَافَ مُ مِيدِ لَذِي تَنْفِلُ لا يُحْكِدِم مِلْاتِ لا يَحْدِي مِنْمَات ؟ كدم مستولات ع ؟ درما أكر وركي حاب داد : القرمركل إذ حال نغمت بايد حدي ورشته الله، شايرا جثم مكي موند ؟ كمي تَعْت: وركهٔ مشه ؟ اگر كمنفر ترار و دار از كمك وسها مهوس فارجی درارای خدست گرفت، تحت فشار رکنهٔ مثیر علیه وت درتون فرا محره مردید و فامن می موفی میند ، اما امروز ... ؟؟؟

درگری بیش بزگی کوه گفت ؛ ادرای و اکوفت کی تعراد انفت بی شخامی و تعداد اگشت می و سان از می نیم میرکسید ، اما امروز کسان می کوفت و موتر کای دارای شویشه کای کور میرکسان کای جاموسی از (ستعفر دیگر ، مقامات ؟) غدت امروز کسان می کاد کیرسان کای جاموسی از (ستعفر دیگر ، مقامات ؟) غدت غدا ارتبا علکت اوشاومن ورنس دمک طوشا را از ترورت گزاری بن مذت گزاران مرار گزاران ماری مات بدید؟ آمن ارب بعالمن (از فرها سران ، اوز اور موان خوان خواكندي مدا تجذيم) يا جروعا مرين -کی تفت: شرکت روش درانفانستان نتجرسه فهای امراکهای بود ؟ می تفت: برد رفت این تقد کا گرد که بر مرتوی مرتج سام امراکها در دستام میزی شکستانده بورند! ان بج فنان رت ، این امن انعان رت ، این مستور الاین رئت ، بی مت مجامع مقر الفنان و بد که برامهایی مُ فَتَذِ ، بِي ابِي وبازِم بِي إلى مت معن انغال من دردوف وفارع حيان عرد إلى عبارة يرد فتذكر درايخ لطر انزاكتي نأن مت ا نفان به شهادت مَريخ خايمن على ما بخ المحكوم كوده ومتعادرين را كوشما بي داده ايذ رميد ميز-كي تعت كم و خدار تر مكومت آيدوث روش عات رمير ٠ وتُحْرِيكُتُ : مذاور از شَر كومات الدورسة معي نات رمبه . ی پرکسند که دیوان م مورمند درا نوانستان کومت اله وت درشه باسند؟ در ي توكيد : برد ادبي ، يد المقط الله كي مرمني ، اگر شاك مركزت محب يود ، وت فيون برد ، اما باكستان رأق علاقه و دليكي قرى وادد در دفا فستن مومت الاردت ورات الدر علستان موزمر البترية والمك يك داى ، والمية والدناف ما يايه لذ .

صحنته سوم

بعد از آنکه کمیته تسوید مسبوده پیشنهاد را ترتیب و بکمیدیون مشورتی تقدیم کرد و کمیسیون مشورتی بعد از نحور وبحث و تصویب مستن نهائی پیشنهاد ۲ بتاریخ ۹ سرطان ۱۳۹۹ پیشنهاد مصوبه کمیسیون مسفورتی در شهر پیشا ور بیشا غلی صبغت الله مجددی رئیس حکومت موقت پیشا ور سپاه ور سپاده شد ۰ قرار معلوم پیشنهاد مذکور باکشریت ارای اعضای کمیسیون تصویب گردیده ۲۵ نفر رای مثبت داده اما جناب دکتور عبدالرحمن الفت رای منفیی داده است مستن پیشنهاد قرار ذیل است :

مستن پیشنها د کسیسیون مشورتی

۴۶ هیئت طین است متعدد در فیفای نهایت صمیمانه و مخلصانه پهلوهای مختلف حالت موجوده ۶ افغانستان را بر رسی و را جع بنوع برخورد بان با احساس مسئولیت در برابر خیدا و مردم مسلمان و مجاهد افغانستان تجاویز مقدماتی اتخاذ نموده این تجاویز که با کمال اخلاص و صداقت گرفته شده بدینوسیله تقدیم میشود :

۱ ـ خدا را سپاسگذاریم که بعلت مسلمان و مومن افغانستان توفیق عنایت فرمود تا با اخراج قوای متجاوز شوروی از افغانستان یکی از اهداف عمده جهاد را براورده سازند ، درحالی که تجاوز ظلحت ظالمانه شوروی را در حق حاکمیت ملی تمامیت ارضی حق خود ارادیت ازادی و مقدسات دینی مردم افغانستان ضد موازین انسانی میدانیم و یقین کامل داریم که بلطف خداوند بزرگ و ایثار و فداکاری فرزندان مجاهد این سرزمین اهداف دیگر جهاد نیز تحقیق می یابنده با انکه جهاد ملت مسلمان افغانستان منتج بیك سلسله تحولات عمیق سیاسی در ساحه بین المللی و منطقه گردیده است که تاثیر آن بیش از سائر نهضت های ضید استعماری در جهان معاصر بوده مناسفانه بنابر فقدان یك سازمان موشر سیاسی ملت مجاهدا فغانستان تا کنون از شمره و جهاد خویش بهره صند نگردیده .

تطیل اوضاع سیاسی و نظامی افغانستان موید انست که کشور ما در مسیرجهاد ۱۲ ساله خویش اگنون در مرطه بسیار حساس بغرنج و خطیری قرار گرفته تنظیمهای جهادی با وجود سعی قابل قدر در جهاد تا کنون نتوانسته اند یك واحد سیاسی موشر را که مورد قبول تمام یا اکشریت مجاهدین مهاجرین و سایر بخشهای ملت مسلمان افغانستان باشد در داخل و خارج کشور ایجاد نماید و حکومت موقتی که توسط شورای مشورتی را ولپندی در فروری ۱۹۸۹ تحت شعرایط خاصی بمیان اصد و در آن تنها هفت تنظیم جهادی مستقر در پشاور عضویت داشتند تا همین اکنون که مدت الم از اغاز تاسیس آن میگذرد به تحقق اهداف مشخصه خویشنائل نشدند با وجود سعی و تلاش از مذاکرات طولانی بین این سازمان سیاسی و تنظیمهای مستقر در ایران نتایج محسوس حاصل نگردیده زمینه تفاهم و همکاری مشترك با سیائر طقه های با اعتبار جهادی وعناصر در پستاور که یگانه عنصر متشکل سازمان سیاسی موجوده میباشد ابعاد گسترده تری کست در پستاور که یگانه عنصر متشکل سازمان سیاسی موجوده میباشد ابعاد گسترده تری کسب نموذه است که هرگاه خداناخواسته بهمین منوال ادامه یایدداعیه جهاد افغانستان وممالحعلیای کیشور را باخطرات جدی مواجه خواهد ساخت ، برعکس انچه در سنگرهای اتحاد افرین جهاد بملاحظه میرسد عقیده عمومیبرین است که ابتکار سیاسی در ماحول جهاد تا همین اکنوندردست برادران ما در سطح منطقه و در سطح بین المللی قرار دارد و هیز (ز امغای موافقتنامه های ژنیو کر میدان ما در سطح منطقه و در سطح بین المللی قرار دارد و هیز (ز امغای موافقتنامه های ژنیو کر انعکاس دهنده و تفاه بین ابر قدرتها بوده و با توقعات و منافع مردم افغانستان مطابقت کامل در سطح منطقه و سیعتر گردید ،

این عوامل توام با مسائلیکه قبلا بان اشاره شد اثرات منفی برجریان جهاد وفعالیتهای سیاسی مربوط بان برجای گذاشت ، در چنین شرایط و احوال حکومت دست نشانده شوروی در کابل با استفاده از کمکهای متنابع نظامی و اقتصادی ما سکو بحیث حامی آن و هم با استفاده ازفیفای سیاسی حاکم بر اوضاع و بکار بردن تکتیکهای فریبکارانه برخلاف پیش بینی طقه های جهادی افغانستان و محاسبه برادران و دوستان ما تا کنون بحیات خویش ادامه داده است ، باساس این تطیل فیشرده از اوضاع عمومی کشور باردیگرتاکید می نمائیم که جهاد افغانستان اکنون در یک مرحله حساس وارد شده واز نگاه دورنمای سیاسی بنا بر ارتباط این وضع و نحو برخورد با ان دو امکان مطرح بحث قرار میگیرد ،

- ۱ ـ ادامه و ضع و حالت موجوده سياسي ٠
 - ٢ ـ ايـجاديك حالت جديد سياسي ٠
- بعضی از افراد و طقه های سیاسی نیعلاقه ممکن است باین اعتقاد باشیند که :
- (۱) وضع موجوده سیاسی فعلا قنا عت بخش است و اینکه با تغیرات اندك در سازمان سیاسی موجوده اهداف جهاد تحقیق می سابیده

الران مواهد الم بندست مع أله وست در مور فغالستان درتي ورشته الثر دمين عريفان خود را ناكام كهذ . ملان روش دسی مدی محمد ، زیر محمد مرشت محمد بازر سیای معادت در کاراید . آن ما ، این عا مهرها! مردستان به نغ ریش دکان درمحهٔ مست من مللی د نسک مزند! ا معنی میاند کر به تمذ درختی دلسیمان بیچ دلسته شده اشد . میومدوی کرسنرخی راه ص ۱۶ د مرى كورد : دادن حل بمستحق بمستحق مت معان رما عبرنه في به به . مُوْمِدْ: كام كوت ؟ مَرِين ، ظالم معاوروسيد تعاور روش را نغانستان مكوت بخيفًا ليك ونيم ميون مردم بنين أنها نستان . در روت الم منتی ٤ ، برجی ٤ ، دروسط الر دوسها ، برهی ٤ ، هنتی ٤ ، شمی ٤ ، تمام گردههای جی ممارد دولت ارکست تخب ى يركند: مرميت؟ ج حواب ز خاینت می د فروش ولن مرکتمول ، طردین ، خون احق ، تخریزاران فار رُهات میرا که ریناسته) بعداب ز سوال: بغركم جوابم از جود وزما د تغتير... حاب: أدمذه م يمويم م رعى امم قاروال م ما فالتهم وم مرار التوليم. مرای موجد، در ری سنش نون مها فرموجد، تخریب دل موجد ... رای انو معلوم شود که دعوی منده در شال تا کها جنمیت مورن رت باید منتی ۲، برهی ۲ برستی و رشعدی ۶ کسانیم در رزع موجدة فن كان وووالذي موماً الزكار مركار تويد. هومت سولون تما مينا من ، الكان مهاجرين ، دء تاوير فركه دغيره را به عهر ، نگر د مازمينه مراي كمك بتخارت آزاد مبرود بعاز أن دىدار فعيوميم مترى والله عادى وسولوت وخرجواه مدمورد مانين مت تقميم مرد . موال: رَدِّع موجود كان كُور : درمورد حميف دمن تنظ ؟ وقل وقرق ل دحبي من بن بن من من من السيار وجدرك وابن عام ش اب جذا ما روالم دارند ال عوالد در انعابت استراك كند ؟ جاب ؛ رغرامن تأ برنم مي من نتخاب ارماع منزد الله! ؟ رسير سير كي توكير: كرَّاوِف وسيمت بازمت! ا و آرش با کمک مربه فن امرِا وری تراری را نعش زمن کد در مزار کای آن نظام دخی ارکسیزم به درنزم ما راخت و مفاديكل مانيغ (قال كنشت. جرج ای برانی مودرا ورمشترک بمنانع ارام آرام دورود کروست وقع کود. بأعال دوم ده كا دهد كا مون كرمسكة نظام نوس أبه كردن فول سرايه (امريكا) مرمى وعابين ا دوخت و حدمات اندمان بريد . ديو مند روزخت الركان عيد كم بمُحِدّ ، يا مثان بعر في المحري المحر



ر - عجب بیادر چند ماه ده هندوستان پیش جوگیها نجوم خاندم یك دنیای دیگه پیش چشمـم وا زشده ه

ع ـ جيزي آم ياد گرفتي يا نه؟

ر ـ بسیار نی خو ۱ آما ده یك حصم آسمان دسترس پیدا كندیم و بعضی چبز ها ره بیشگوئی كنده میتانیم ۰

ع _ خی سگو که چی سوغات آوردی ۰

ر ۔ بیادر یک استخراج نجومی کدیم اینہ بربت میگوم ، خوب گوش کو ، اگر بعضی جابہارہ نفا میدی پرسان کو که فامیدن ای مسایل ایقه آسان نیس،

ع ۔ خبو پناہ بخدا ۔ شروع کو بگو دیگہ،

- ر ـ بیآدر ـ دولت قاره وی هندوستان ده پنای دال و چپاتی بم اتو میك خوده بنام كمر باریك ده وسط زمین منفجر ساخت ، چونكه مواد قندی آن زباد بود انفجار وارونه آمد و در مجرای اصلی خود معكوسا متناسب واقع شد و گردش زمین را ازمحور قمری خارج و در گردش شمسی قرار داد ساین گردش نظام سیارات را مختل نموده حرارت آفتاب را بالای زمین عمودی ساخته یخ گیر افغانستان را شدیدا زیر تاشیر گرفته و چنین پیدا است که پیر یخهای سیاسی را بطور اتی آب خواهد ساخت :
 - ع ـ رجب بیادر که نجوم همیطو گپهای کتابی میزنین یا خودتای تقریره از خودکشیدی ؟ ای افتیو و ای امودی چی مانا داره ؟
 - ر ۔ مانایش آیسکھ بازیک چیپہ گرمك شدنی اس۔ حالی دیگہ گوشکو کہ بربت بگویم ،
 - ۱ _ ظاهرخان پاچای سابق باز بحیث ریش سفید قوم داخل افغانستان میلشه _ یعنی که :

دوش رفتم به در میکده خواب آلوده خرقه تر دامن و سجاده شراب آلوده آمد افسوس کنان مغ بچه با ده فروش گفت بیدار شبوای رهروخواب آلوده

ع ۔ بیادر آلودہ آلودہ گفتی مہ خیالم کہ فالودہ ہم ہمرایش می آیہ ، خدا خو ای پاچا رہ بخیر ہُبرُہ کہ پشت فالودہ وطن بسیار دق شدیم کہ ہریم و دمو شوربازار یك فالودہ بخوریم

- ر ۔ خدا مہربان اسبیادر نا امید نباش، پاچا پروگرام خودہ شور دادہ بی هیچ نمیمانہ ، اینه پیشگوئی های دیگیشہ گوش کو ،
- ۲ ـ حکومت انتقالی تحت ریاست یکی از سیاست مداران میانه قـد بشمول مجاهدین وکمونستاساخته میهشه یعنی که :

الهی چنان کن که پایان کار تو خشخود باشی و مصا پیسه دار نگه دار ما را ز پیتی ودال رسانی بما قورمسه استی ز وال

ع _ او بیادر اگه کمونستا ره ده ای حکومت شامل کنن مثل آزیست که ده پیاله قیماغ های چند قاشق دال سیر داغه باندانن ،

ر _ بیادر نشنیدی که پنبه گل ده ارگ ترشی و مربا ره قتغ کحده میخورد،اینه دگیشه بشنو . ۳ ـ تنظیمهای پشاور بمجردرفتن باونخانستان از هم پاشیده از سیاست به ۴۰ سـی یاصـد ۴۰ تقسیم میشن ـ یعنی که 🕯

این چه کس گفت که او مولوی یا ملا بود ؟ سالها زندگی ما حر امریکا بود نیکی مردم ما بین که چون ما بدمستان هبرچه کردیم بچشم کسرمش زیسبا بود ه

٤ ـ كمونستاى كابل در تاريكى ما تـو پنا برده روزهاى جومه خوده ده چشم مردم ده شوداى مالحين ميزنسرر کيعنى كه :

یاد باد آنکه کریملی پرست بودم و مست وانچه در مسجدم ا مروز کمست آنجا بسبود حلقه سرخ نجلامی که مرا در گلوش است تلو بلدانی که با بلیوطنی همراهبود

ع ۔ مقاصد ای بیته خوب نفامیدم ، یانی که اونا وطنفروش بودن یا بعد ازی میاشی ؟ ر ۔ بیادرجان مقصد ایس که بعد ازتاسیس حکومت اسلامی صلی کمونستا هم بخیر هجرت میکنن ،

ه ـ مولوی محمد نبی و مولوی خالص بعد از چپن بدلی و ریشه الی در نابلدی سیاسی گیرمانده زندگی عادی سابقه خوده با تغیر شکل مادی از سر میگیرن ـ یعنی که : اسباب جوانی همه برباد فنا رفت ایهات حالا که بما میرسد این ریش دوتا راست ویس ۰

ع _ صوفی ها خَو وختی چین بدل میکنن که با جه میشنن کم یعنی از دوخوا هر هرکدام یکی را به نکاح میگرفت ، آیا کدام خویشی لرصورت گرفته ؟

ر ـ نی نی ، یکی از مولوی صاحب ها طلبگار والده بینظر جان اس ، اما آی، اس ،آی، منظورنمیکنه یك جوگی ره از هندوستان خواستنی که بحساب طلسمات کاره برابر کننه، والده بینظیرجان تقریبا شمت سیر کابل زیورات طلا داره جمعیت هم امبر ما حب خوده کاندید کرده - و اما

٦ سـرکار حکمتیار و بی پیزار ریانی در تپ وتلاش سیاسی باقی میمانند اما درجوکات منطقه
 و لـسان ـ یعنف که .

ر ندی بجوال گندم چنهان نموده تریاك دردا كه راز چنهان خواهد شد آشكارا ه

ع ـ خوب نفا میدم که ده کُرد تریاك گندم میكارن یا ده کُرد گندم تریاك ؟ ر ـ چونکه موسط نظارت بین المللی همرای طیاره مراقبت وعکسبرداری میکند ده پروگرام اعمار مجدد افغانستان تاکاویهای کلان در نظر گرفته شده که طیاره دیده نمیتانده ، دیگره بشنو:

۷ ـ دو پیرخانه دیگر یعنی مجددی و گیلانی علاوه بر جایدا د سابقه هر کدام دوسدهزا رجریب زمین بشمول چه کوه چار کوه بچه پنج تپه و یکنیم دریا حاصل نموده فابریکه های چف و پیف نیصب و بزندگی جنب مردم و تولید تعویذ مصروف میشوند ـ صا دا را ت تعویذ علاوه بر با کستان به بخارا هم شروع خواهد شد ـ یعنی که .

نهضت بدّست من ده لب را گذار بر لب اتا برتو عرضه دارم احوال ملك دارا ،

۸ - شیخ محسنیزیر بار جمهوریت اسلامی نعیرود اما تحت فشار خطامام ازمجبوریت سکه ای مخلوط
 ۱ ز مذهب وسیاست ضرب میزند و ملائم ملائم در تلاش لب نانی حرکت میکند _ بعنی که .

گر نباشد بخانه ات یك لب نان و فرزند باشدت نما جان سابه گویند کرته وایزار دخستر وبچه ات بسگریسه زا ر

۹- سیاف صاحب تخلص عربی را به شمشیرزن فارسی تبدیل و از قطع شدن پولهای زکوه و احقاط که بحصاب شفالان دریافت مینمود دلتنگ شده بالای چند بانك که دارائیهای او را ضبط کرده اند به محكمهٔ بين المللي ها كه عارض ودر عين زمان درخوا ستمي جهت استخدام بدولت سعودي بحيث قبركن در حظيرة وهابيان تقديم و منتظر جواب مي نشيند ـ يعني كه :

فلك از بيس كه غيم راليزلى دى دل كم طاقعتم پير سيدلى دى

۱۰ سها جرین پلوخور که از دارالمساکین ها تنخواه میگیرند کاسه را بکوزه زده چندان علاقه بیازگشت بوطن نشان نمیدهند ، یك سردار زاده ٔ معلومالحال در امریکا بکمك آنها شتافته بسرمایه یسہودی یك کمپنی ا مریكائی سازی تاسیس وبرای افغانها ستیزن شپ میگیرد ـ یعنی که 👶

خوت دالر برامد از دشت و کوه و صحرا دل میرود ز دستم صاحبدلان خدار ا ۱۱ ـ از کمونستهای مشهور کا بل چـند تا به مهمانی بزرگ حضرت عزرا ئیل شرکت و سـقط میشوند یعنیکه 🕯 يحكرون بالمحتسب گذشتيم زطرف كلخق ناليد كله بان كه چندتانا توان گذشت

۱۲ _ حکومتیکه از اشتراك رشكی ٬ بجلك ٬ دا توره وپنیرك ساخته شده در حال سقوط بوده قتل ۱۲ ختطاف٬ قطاع الطریق٬ غارت و دزدی رسیما میشروع دانسته میشود بشرطیکه چاریك سهم حکومت داران بدلالان شان در بازار مالگه منده ای داده شبود یعنی که

پاسیان خفته و ما غافل و دردان بکمین خواب این قوم گران است خدا خیر کند ،

۱۳ ـ تشکیلات حزبی بشکل قومی لسانی و مذهبی بشدت بعیان می اید و مجسعه پلاسـتیکی مولوی عبدالوهاب بارتفاع ۱۲ متر در کنر نصب میگردد ، تیرپرانی سیاسی بحساب ۶۰ ونیحه پلاره ۶۰ اغاز میگردد ـ یعنی که :

اوغلو وازبك و تاجك همه برار مله يله الكشي نلسوار مليه

۱۶ - کشور در آتیش جنگ داخلی بشدت میسیوزد و برای انکه اتش بانطرف امو سرایت نکند روسیه مجبور میشود موتر ها و هلیکوپتر های ضد حریق بفرسیتد به یعنی که ،

گفتم دل سنگت کی عزم صلح دارد گفتا خموش باشید زیرا که دالر آید گفتم ز صلح ورزان رسم وفابیا موز گفتا ز دالر و روبل این کارکمتر اید گفتم که راه راکترابسته مینمایم گفتا که شعبرو است آن از راه دیگرآید

۱۵ - در مملکت عراق کودتای وها بی رخ دا ده دولت جدید تعمیم میگیرد که مجسمهٔ ریش رهبر وهابی پشاور را در ماه محرم بدشت کسربلا آویسزان کسندا بعنی که هٔ

سرش کیل بندور زننخ چهار منو ببین ده کجا و درخبتها کجاست

١٦ - شخصی موصوم به ایاز که به کابل خدمات دلالی انجام صیداد در تشکیلات جدید بزیرنظر جنرال تنبی بحیث رئیس خدمات ارتباطات خصوصی حزب کاندید خواهد شد ـ یعنی که :

ایاز خاص حدت را بشخاص ورنه همو مشاطحه گری کوچه خخاش

۱۷ ـ در زمستان سال جاریکودتای حزب اسلامی در پیشا ور موفق خواهد شد^۱ یعنی که الغیب عضدالله ۰ (ع ـ سالیك از المان نصرت)

صحترم عبدالواسع روشنا ازنيويارك

فيماوجا يحب حال

پنجمینشمارهائینه افغانستان رادریافت واز عطش فراوان آنرا سرتایامطالعه ودریافتیم که بفضل خداوند بزرگ وطنداران بادرد اکثر صفحات انرا بامضامین دلجسپ اجتماعی پرنموده اند که علاقـه مندی شدید شانرا درین قضیه سیاسی واجتماعی نشان میدهد ۰

درخلال مطالعه اوراق مجله به دیالوگ ۶۰ نخات بیایه ۶۰ عجب خان ورجب خان مشهور برخوردم اُنرا بعد از مطالعه اول یکی دو بار دیگر نیز خواندم تانشود چیزیرا که دیده و خوانده ام باشتها ه خوانده و دیده باشم ، بهرحال نویسنده محترم این دیالوگ واقعا بموضوع بسیار داغ روز انگشت گذاشته بولاند که در مطلب وهدف همرای شان همنوا و هم اهنگ هستم ، انچه را که مردماز بزرگان وطنپرست خود دارند زود تر بشنوند وفعالیت و اشتراك خیر خواهانه شانرا در حل قفیه ملی و اجتماعی وطن عزیز شان بدون ضیاع وقت ببینند، خوشبختانه اخرین اعلامیه بادشاه سابق افغانستان را در شماره پنجم ائینه افغانستان دیدیم که نوید دهنده و یك حرکت مثبت در حل قضیه وطنعزیز مان بود و حالا نویت بعلی با شهامت افغانستان است که از آن پشتیمانی همگانی بعمل با ورند،

طوریکه قبلا بعرض رساندم در هدف با*زار نیه* همنوا هستم اما در استعمال کلمات اعطلاحات وتشبیها ت این دیالوگا که اجراگنندگان آن رجب خان و عجب خان هستند اختلاف نظر داشته زیرا انرا خالی از طنزگوئیهای پر معنی و نشر که خاصه راز دل گوئیهای این دوموجود شیرین زبان بود یافتم، ناچار قلم بدست گرفتم تاگله دوستانه را سر دهم وعقده دل را باز کنم ،

خدایا کجب خان ورجب خان هردوگك شان سرموضوع قیماق چای وحاشیه گوئیها چانه زدند ودو شلت مخده مجله را قربان سركردند بعد ازخل وفعل موضوع قیماق چای اشتها و خیال این دو موجود خوش لسان بیك قاب فالوده جانانه و دل افزای كابل شد و پروازی در ففای افغانستان كردند تا خوش لسان بیك قاب فالوده وژاله سرد وتازه بسازند ، در انجا كه رسدند افكاروطن دلك های گرم خود را بیك قاب فالوده وژاله سرد وتازه بسازند ، در انجا كه رسدند افكاروطن پرستانه و احساسات ملی گریبانگیر شان شد و طغیان بعیان اورد، غرق در فكر چاره جوئی شدند زیرا از یكطرف بدبختیها گرسنگیها قتل و قتالهای مردم بیگناه اظلم وتار اج روس اجنایات وطنفروشان پرچم وخلق كه نا جوانمردانه در مقابل وطنداران مسلمان خود كردند امانند تصویر پرده و سینما از مقابل چشمان حیران شان گذر كرد ،نا چار درفكر نجات وتلاش در پی یك نا چی شدند تاملت بیچاره را از پنجه وظلم نامردها خلاص كنند، با لاخره بسراغ پادشاه حابق افغانستان كه مرد متدین امدیر و برخوردار از پشتیبانی اكثریت ملت افغانستان هستند در عالم خیال سیر وسفر كردند

سخنها گفتند و در نتیجه او رامقص ساختند که باصطلاح این دو بلبل هزار داستان ۰۰۰۰۴۰ زمین بجنبه و او نمَّى جنبه ٢٠٠ آين خيالات كرمي قيماق چاي و سردي ژاله و فالوده چنان بهم مخلوط شتد که افکار این دو رفیق را پاشان و عتصاره ای از ان بدر شتدکه کمتر از یك معجون مرکب نبود ، خود اگاه و یا ناخود اگاه هرچه بدهان شان امد بدون در نظر داشت احترام طرف مقابل نثار کردند که در نشیجه نه دل خود شان سرد و تازه شد و نه دل خوانندگان بان گرم و شاد ه بهر حال چاره چیستانینه افغانستان ازاد است و ناشر محترم هم ازاد منش، هرچیز را ازاد گذاشته اند تا کسی اعتراض نکند که حتی در امریکا مطبوعات ازاد نداریم ۰

افغانستان را به قاب فالوده تشبيه كرده درحاليكه ملت افغانستان يك ونيم مليون شهيد که خدا وند عز وجل ارواح شانرا تا ابد شاد و نام شانرا جا ویدان داشته باشند در راه آوادی افغانستان داده ، برای بر انگیختن احساسات پادشاه سابق افغانستان که یك شخصیت ملی است چه ترتیبات و عملیاتی با قاب فالوده قاشیق و غیره گرفتند که همه آن خارج از عنعنه ملی یعنی احترام بموسفیدان و دور از انهاف و ظالمانه بود ، عجب خان و رجب خان فکر میکردند که این نوع تیز گوئیها هر روز در مطبوعات غرب گفته میشود غافل ازینکه این طنزهای بیمزه را عوام که اكْثْرِيتَ جَامَعَهُ افْغَانَسْتَلُنَ رّا تَسْكَيْلُ مِيدُهُد غَبِر قَابِلٌ هَـضُم دَانْسَتُه قَبُولُ نَدارُند ،

ا گر نویسنده محترم واقعا خواهان بکرسی نشاندن مطلب خود میبودند بایست سوالات خرد را طوری طرح میکردند که عجب خان و رجب خان در خلال گفتگوهای عامیانه و دوستانه با کلمات شیرین و نَفْزِ ازْ پادشاه حابق پرحان میکردند که مثلا برادر چه گپ احرکه ما از آن خبر نداریم، ما را خَبر کَن لَ چه مانعی سُل راّهت است که حرکت نمیکنی للّبا ما با راز دل کُن ما هم هموطَنتُ هستیم و انتظار بیش قدمی اترا داریم و امثالهم ۰۰۰۰

در انصورت به یقین پادشاه سابق احساس دوستی و از خودی میکرد میفهمید که برادرانش در انتظار حركت و پيشقدمي اش هستند مثليكه اعلاميه خود را بدسترس ائينه افغانستان گذاشته دلا ئل معطلی و عدم حرکت و مشکلات سیاسی و اجتماعی که بیش پا دارند بشما حالی میساخت ویبکار دیگر جنایات عوامل خارجی و مغرضین داخلی را که اتش بی اتفاقی و ادامه جنگ وخونریزی را برای منفعت خود و با داران خود دارند برملاء ميساخت درينصورت دو نتيجه قابل ملاحظة بدست ميا مد ، ا ول اینکه بسوالات عجب خان و رجب خان که نمایندگی از افکار مردم میکند جواب دا ده میشد دوم اینکه بر محبوبین این دو ممثل آفزوده میشد ، بهر حال امیدم برین است که نوبسنده محترم و ارجمندیها عجبخان رجبخان ازین تبصره دوستانه رنجش خاطر پیدا نکرده زیرا این رائح مطبوعات ازاد و دفاع از اتهامات و توهینات است ، و من الله توفیق ، روشنا ، جون ۱۹۹۰نبویارك

هموطن محترم اقای روشنا ۔ نوشته فوق محض از نظر شخص خودتان نمایندگی میکند، بنظر مانوشته هموطن رسول خیرخواه جنبه اتهام وتوهین نداشته واقلا سه تبصره به تمجید آن ... باین دفت رسيدة كه تنظر بتراكم موضوعات مهم تنشر تكرديم، فكاهيات را نبايد بسيار جدى تلقى كرد، عجب خان وَرجبخان که شَما بَکابُل دَیده بودید بعد ازمها جرتباروپا وامریکا تغییر کرده اند ، لهجه وگفتار وآفاده ها و احتمارات شان نیر تغییر نموده است و بهرحال نامه شما را عینا نشر کر دیم و با آرام . و را مین این کردیم و دیا لوگ ارسال وخوا هش یا دداشت معرطنی از واشنگتن این کتنگ را با ترجمه و دیا لوگ ارسال وخوا هش

Back in the U.S.A.

han Jan Areef, an Afghan exile, was living the quiet life in Alexandria with his wife and kids. All of a sudden, Mr. Areef jumped on a plane for Peshawar and, before you could say "Kabul," he was made minister of mines and industries (as in lapis lazuli and emeralds) of the resistance's government-inexile.

Pretty soon, Mr. Areef was tootling around Pakistan in a brandnew, luxury four-wheel drive. And, feeling lonely, Mr. Areef took a new bride. His Islamic religion allows

up to four brides. But now Mr. Areef is back in Al-پشا ور مقرر شند exandra. Alas, his first family المان القاى حريف دريك موتر جدید ولوکس درا طرا فیا کستانstill on public assistance. And some naughty immigration folks are trying to prevent the second Mrs. احسا فرت پردا خت وچون احسا ستنها ئى Areef from coming to Alexandria. میکرد خانم جدیدیگرفته دین او Mr. Areef reportedly is trying to چهارزن رااجازه میدهد ه pass her off as his sister, but no- اکشون اقای حریف دوبا ره با مریکا

Hey, Mr. Lonely Guy!

نموده که در بخش عجبخان و رجبخان نشر گردد: النج گردد: وا شنگتن تا یمز مورخ ۲۱می ۱۹۹۰ Es- ۱۹۹۰ مراج مفحه لایف (زندگی آ برگشت با مریکا

> ءً در باره خوشگذرانی سخنبگوه ایشانجان حریف (یاعریف ـ اریف هریف) یك افغانمها جرباخانم و ا ولادها ی خود زندگی آرا می در الكزاندريه حويرجينيابسرميكرده دفعتا حریف بظیاره سوارشنده راه پشا ور به پیش گرفت وقبل ازانکه حد ءء کاہل ءء را کند ہمیث وزبر معادن وصنائع (گدا مهای لاجورد و زمرد) حدّومت موقت

ر ـ نى ، هرچه ميكنى فقط فتوا ى شرعی شـه درست کده بـتانی وفـتوای هم به بیع ِارزان بدست میایه ۰ ع ـ خی دیگه فتوای همی وزیر صاحب ر _ كدام وزير صاحب؟ ع ـ همو که عیال نو خوده بحیث

خوا هر خود قلمدا د کنده ه ر ـ ای موضوع یك دروغ جزئیست به فتوای ضرورت نداره .

ع ـ بیادر توکه شله احتی که به داوت 🎚 حضرت ما حب به پشا ور برویم ده ا ونجه

برای وزیر ما حیا چه امتیازات میتن؟ ر - با در گل - چندتا موترکه یکی إِرْشَخْصَ وَرْيَبُوا سَ ، كُرابِهِ خَانَهُ ، و دَسْتَ كم ده هزاركلدار تنخاه حق وحلال،

عاً بدات هم سربا لاه ع با زخاست اس؟

آن باور ندارد،

آمده در حالیکه عیال اول او همرای ع ـ بعنی ده اسلام دروغ حزئی رواست؟ ا ولادهایش هنوز هم از ویلفیر (کمکهای رّ ـ نخـر ۱ اما دروغ مملحت آميز ضرورت به خیریه دولت ا مریکا) معاش میگیرند . فتوی نداره م ع ـ دروغ مصلحتآميز چه **قسم درو**غ ا س؟ بد بختانه یکنن از مامورین شوخاداره ۴ مها جرتِ ا مریکا سعی دارد مانع آمدن خانم

ر ـ كه نقص و فايده اش **بكس د**بگه نرسته •

ع ــ مشلا ؟ مثلا که یك آدم بگویه که بعد از یکسال استسفا میکنم ـ استعفی مبکنم ـ استتعفی میکنم و باز نکنه، فآیده و نقصش بمردم نمبرسته بخودش مربوط است •

وزير ما حب خو استيفا نلكده ؟

درستاس، اما وزبر ماحبای دروغه بیك دولت خارجی گفته کهگویا زنم خواهرم اس ۰ فالده و تقصيص به السللام ومجا هدين تميرسته،

خیی دولت امریکه که مسلمان خیس ای دروغه قبول ملكنه 🗣

جان بیادر ای موضوع تالق به داد وگرفت داره ما گه وزیر ما جب قبول کنه که برای سی آی ای کارمیکنه کجیب خوده میگیرن ۰ ده غیر ازون دوکار کنده میتانن؛ آ (۱) با سیورت و ویزه امریکائی وزیر صاحبه

ازییشش میگیرن (۲) عیال سابقشمه هم کشیده میتانن مگم ایکه خود خانمش خوا هش ماندن دایمی بامریکا ره بکنه، چونکه او دروغ نگفته و گناه نداره مانده میتانه ۰

ع ـ او بنادر نه ایمنصورت وزیر ما حب خو دیگه بامریکا آمده نمیتانه مسئله دید و وادید

حنظور میشه ؟ دید و وادید اگه عبال اول وزیر ما حب خاسته

باشمه ده باکستان شمیه میتانمه .

حان سیا در ای موضوع ره کی با سمیگرشی اطلاع دا ده من زنم که دیگر بیدار گشتهام بخدا مالوم اساما میگین عبال سایقشاطلاع داده، با نگاه تیزبینم همه چیز را در شب سیاه کشورم دیدهام

ع ـ دسگه کدام راه حل وجهد داره ؟

بای ، اگر وزیر صاحبٌ خارسته باشـه که مثل سایق آزادانه بأمرسكا رفت وآمد كمده وعليله اشاز و للفسر تشخّاه كوفّته بتانه خانم نو خوده طلاق بته من عروساني را ديده م كه با دستان حنابسته ،

ع ـ والله راه كوتاه خو هميس ١٠ ما مسئله دروغگوئي حطور مبیشه ؟

ر ـ حکومت بشاور پشتای گبها نمیگرده و بامریکا ازی دروغها اسقدر گفته شده که دوسته ها پر اس من در میان مقاومت ها، دلیری ها و حماسه ها دوباره زاده شده ام تجلوبين سرا وا ر

بنيان گذار جمعيت انقلابي زنان افغانستان

تا يكجابشكنيم اینهمهرنج زندگی و همهبند بردگی

جدید آقای حریف با مریکا شود قرارمسموع

اقای حریف (یا هریف ـ اریف ـعریف)

خانم دوم خود را بمقامات مربوطه بحيث

همشیره ع خودمعرفی کرده است ا ما کسی به

ای آقای یکه و تنها چطور هستی ؟۰۰

ترجمه آزاد توسط سزاوار

من کودکان پابرهنه، آواره و بی لانه را دیدهام لساس سياه بيسوه كى بەتىن نمسودەانىد

من دیوارهای قدکشیده زندان ها را دیدهام که آزادی را در شکم های گرست، خود بلعیدهاند

من در آخرین نفس ها در میان امواج خون و در فتح و پیروزی

فریادهای نیمه شبی مادران بی فرزند در گوشهایم خوخا کردهاند

سرود آزادی را حالا دیگر مرا زار و ناتوان مپندار، هموطن و ای برادر! من در کنار تو و با تو در راه نجات وطنم همنوا و همصدا گشته ام صدایم با فریاد هزارآن زن برپا گشته پیوند خورده است مشتم با مشت های هزاران هموطنم گره خورده است من در کنار تو و در رآه ملتم قدم گذاشته ام تا یکجا بشکنیم این همه رنج زندگی و همه بند بردگی

من ان نیستم که بودم هموطن و ای برادر ا من زنسم که دیسگسر بیسدار گشستسهام من راه خود را یافتهام و هرگیز برنمیگیردم

ادامر ص ۷۷

ملت ایران از این گرز گران قسدعلم دارد دوباره درجهان ای کریمی تاتوانی کی فغان دا شود روشو، حراغ≥مکشان تا جهان باقبست ابرانزنده ساد آفيدًا باطالعش فرخنده بسياد ،

تلفن آگهی های کیجست کشی در آلمان غربی

جاڭۇ كىڭىروكن

معترم اقای داکترها شمسیان

اقای کوشانی را خدابرکت بدهد که چیزهای مزه دار روی کاغذ میریزد مثل اینکه به شـوروای افغانیسلاته قتغ شـود، ازطرف دیگر این قسم اشنخاص های لافوك در هروقت وزمان بوده یك غنیمت هستند و من دعا میکنم خداوند به تعداد شان اضافه کند چراکه اینطور نمونه ها بسیار کم پیدا بوده در یك وقت و زمان فقط یکی دونفر پیدا میشود ،

قریب چهل حال پیشاز این مرحوم صفدرجان اغا حیات داشت و مردم کابل از مجموعه لافهای او یك کتابچه حافته انرا ۱۰ صفدرولوجی۱۰ میگفتند، چند تا لافهای مرحومی را من خود شنیده ام عجب جرئت داشت آنطور عادی و متین صحبت میکرد که شنونده نابلد خیال میکرد همه را حقیقت میگوید، اینك چندتا که کمی بحافظه مانده برایتان مینویسم ،

صفدر جان مرحوم که سالیان متمادی در فرانسه تحصیل کردهبود در باره ان مملکت و تجربه های خود داستانهای عجیبی میگفت ، مثلا میگفت که بر علیه دولت فرانسه یك کودتا ترتیب داده بود ووقتی حکومت خبر شند اورا محاکمه کرده اصر اعدام صادر شند تا به توپ پرانده شود ،

صفدرجان میگفت: مرا بمیله توپ کلان انداخته دهن میله را بسته کردند اما هوا و روشنی از چند سوراخ میرسید دیدم درون میله توپ جای کلان است ابتدا ازخاك آن تیمنم کرده چهار رکات نماز نفل خواندم ، همینگه خلاص شدم توپ را از پاریس فیر کردند ، دیدم در هوا دست ویا میزنم کلمه شهادت و شکرانه خوانده باخود گفتم صفدر از فیر توپ خو خلاص شدی سلامت برامدی بازهم خدا مهربان است ، همینوقت بود که در بحر افتلام، تقریبا دو حاعت بزیر آب خود را مخفی ساختم بعد از آن از عقب یك کشتی انگلیسی گرفته بانگلستان فرار نمودم ،

داستان دیگر صغدرجان ، همرای سردار شاه محمودخان غیازی وزیر حربیه برای شکار بعفحات مال رفته بودیم، در یك دشت نسبتا هموار موتر لندروور ـ که قوی وکلان بود ـ متوقف شد، موتر وان هرقدر گیر تبدیل کرد وکوشن نمود موتر حرکت نمیکرد بلکه عرابه های پشت سر سلیپ کرده بریگ گور شده میرفت، موتر وان گفت بمقابل عرابه پیش روی کدام سنگ کلان بند مانده اگر بیشتر فلسا ر بدهم شاید اکیل میده کند، انگاه سپه سالار ها حب بمن گفت صغدرجان بچیم پایان شو ببین که چی شده ، وقتی از موتر پایان شدم دیدم که یك گردم به بزرگی یك گوسفند یك تایر پیش روی را قایم گرفته دوتا نیش خود را بدرون تایر داخل ساخته تایر را پنجرکند، سپه سالار ها حب میخواست پایان شود مدا کردم خطر است ، تفنگ را از دست حاضربا ش ازعقب موتر گرفته چند فیر کوم تا گردم نیشهای خود را از دورتایر دور کرد انوقت توسط ریسپان و زنجیر گردم مرده را اززیر تایر دور کردند تا موتر بحرکت امد ، سپه سالار ما حب همان تغنگ را بطور جایزه بعن بخشیدند،

داستان سبوم و در پاریس مسابقه آب بازی بین المللیبود و من در ان شرکت کرده بودم چونکه ابیازی زیر آب را بسیار پرکتس کرده بودم میدانستم که جایزه خواهم گرفت ه

وقتی مصابقه شروع شد من از ابتدا بزیر آب رفتم و مثل یك ماهی مصافه معینه رابعد از چندبار رفت وآمد طبی نمودم و از زیر آب میدیدم که دیگران بصیار پسس مانده اند، چند دقیقه زیر آب انتظار کشیدم مصابقه کننده ها نرسیدند، برای رفع خستگی یکدانه سگرت را روشن کرده خلاص نمودم که آنها نزدیك شدند ، آنوقت از زیر آب برامده اولتر به تناب رسیدم و جایزه قهرمانی گرفتم،

یك مرحوم دیگر موسوم به غلام حسن خان نیز از لافوك های زمان خود بود، او که صاحب منصب عسکری بوده و مدتی هم به ترکیه تحصیل کرده بود میگفت در تعلیمگاه عسکری ترکیه اولین تانك تقیل را طرح و از برنج وقلعی ساخته نمونه انرا به اتاترك پیش کردم ـ اتا ترك همان تانك نمونه را بیك ملیون لیره بالای جرمنها فروخت و بمن پنجهزار لیره جایزه داده بود ،

در خصوص ا غای لافوك كه گوشانیها حب معرفی كرده شناخت كافی ندارم لاكن یك لافوك دیگر دركابل بود شاید حالا هم حیات داشته باشد كه شوق شكار داشت و در باره شكار خود بسیار لاف و باق میزد، میگفت بالای خیل مرغاوی فیركردم در یك فیر شصت دانه بزمین افتاد و میگفت بادام را همرای گلوله موش كش از فاطه ،ه متر خطا نمیكند ، اما مردم میگفتند كه بعضی روزها او دراطراف كابل دو صه صد روپیه كارطوس فیر لاكن یكدانه گنجشك شكار نمیكرد و در راه بازگشت بطرف خانه شام روز بدكان گنجشك فروشی متمل پل خشتی ایستاده شده دو سه جیل گنجشك حلال شده را فریداری میكرد و خانه میبرد،

قسمه شکار پلنگا او را بسیار مرد م شنیده است ، اغای شکاری میگفت که در سمر خیل جلال اباد بشکار مرغاوی رفته بودم چند خیل مرفاوی رسید وفیر کردم اما خطا خورد ، روز ناوخت شده بود و نزدیك شام بود که یك خیل انبوه رسید وبالای آن چند فیر کردم تقریبا پانزده یا بیست دانه مرغاوی به اب و نیزار افتید ، عقب انبها روان شدم فوتا مرفاوی هم بدستم بود که دیدم یك پلنگ روبرویم اصد ، تفنگ را نشانه گرفته فیر کردم اما کارتوس خلاص شده بود ، خداگفته همرای قنداغ تفنگ به کله پلنگ زدم و انرا زیر گرفتم بعد از آن چند قنداغ دیگر حواله پلنگ کرده انرا کشتم ، انگاه چند نفر را از سرك اورده پیسه دادم تا پلنگ را بموترم انداختند ، فردای آن والی و قومندان امنیه و شاروال جلال آباد برای دیدن پلنگ امده عکمها گرفتند و در اخبار جلال آبادچاپ شده است ، یکنفر میگفت که در آن مورد از مظبوعات و شاروالی جلال آباد پرسیده بود وبرایش شده است ، یکنفر میگفت که در آن مورد از مظبوعات و شاروالی گرگ همدر منطقه سمرخیلدیده نشده

یا دداشت ـ املا و انشا ۶ عینا مانند متن دست نویسی است ه

محترم سخن پرداز

محترم دا کتر صاحب ها شمیان

خوب شد که عقده اقای کوشانی از همه اولتر ترقید اگرنی اگر یك چند وقت دیگر صبر میكردند تا دل ما به ترقیدن می آمد خدا میداند که چه کثافتها میكردیم ، راجع بمضمون ۱۰ لافوك دیده درای ۴۰ در شماره قبلی مجله اثینه حرف میزنم ، یك روز در یك مجلس بحضور این احتقر گفت که پدرش یكروز با لای امیر امان الله خان قهر شد و او را دووس خطاب کرد ، بارها شده که بمجالس دوستان بخاطر حضور همین لافوك خان نرفتیم ، چون میدانستم از سر شب تا به صبح کسی را مجال حرف زدن نمیدهد و از غیبت ما دوستان از ما خفه شدند ، در کابل جان که بودید مخان وردك و ماما کریم خان (جلت ماده) داشتیم حالا خانان ما شكر نكتائی پوش شده اند ،

یك شاغلی دیگر هم الحمدلله هست که او این لافوك خان را حتی بشاگردی هم قبول نمیکند ، او خود را جراح پلاستیکی معرفی میکند و با مریکائیها میگوید که در افغانستان وزیر صحیه بوده ، یکی از قسمه هایش که خودم شنیدم اینست که وقتیکه در ایران بوده دا کتر خصوصی ملکه ایران بود (خدا کند که بینی فرح دیبا رانبریده بلشد که ان بیچاره دربدر شده خواهد بود) و میگوید که اطاق خواب او در قص گلستان پهلوی اطاق خواب شاه ایران و ملکه بوده و بعضی شبها هم ، ، ، ، ایا حیف نیست که این دردانه های کلتوری ما به طاق فراموشی بروند ؟ ما تصمیم گرفتیم تا این حکایتهای شیرین را جمع اوری کنیم و اگر خدا خواست مجموعه قسمه های این شخصیت های غنیمت ملی را بمورت کتابی بحازیم ، باین ملحوظ یك پوست بکمی باز کردیم ،

Cultural Treasures 6201 Sunset Blvd #184 Hollywood, CA 90028

از هموطنان محترم خوا هشمندیم قصمه ها و شنیدگی های خود را بدون ذکر نام و ادرس به ادرس پوست بکس فوق الذکر روان کنند تا ابد ممنون میشویم ، با احترام سخن پرداز ،

ر هیربد الاقع)



جناب مولوی خالص گفت ما انتخابات ملل متحد راقبولندا ریم مامها جرین خارج را در پارلمان افغانستان جای نمیدهیم چرا که پارلمان غیراسلامی میشود، ما انتخابات خودما وپارلمان خودما واسلام خودما رامیخواهیم،

در فارسی ضرب المثل است که میگوید *۶ تواضع کم کن و در مبلغ افسزای ۶۶ حالا جادارد به امیرها حب اسلامی و وزیر ها حب دا خله حکومت پشاور گفته شود که ۱۰ از تغنگ بازی کسم کمن و در کفایت افزای ۶۰ زیرا درولایات شمال افغان ستان که بقرار مدعیات حکومت اسلامی پشاور تحت نفود رژیم سرخ کابل قرارنداشته بلکه بدست مجاهدین میباشد ازاش شرخ کابل قرارنداشته بلکه بدست مجاهدین میباشد ازاش قحطی مواد خوراکه و خوردن گنجاره و حیوانات تاکنون عدود دوهزارنفر انسان براد ران خواهران و اطفال مسلمان خوص افغانستان بهلاکت رسیده لاکن امیر ها حیان گوشت سینه مرغ را تفاله و خیره هسابات بانك را چاقترها خته انده

ای وزیر صاحبان بدانید واگاه باشید که در روز معش بحیت بندگان گناه گار برمیخیزید که عوض ما هیندار نامه اعمال بدست تان خواهد بود هٔ

وطن جهنم سوزان شد وتودر غربت

رسوس مربع تنیدی ازهوس هرزه رشته ۱ آها ل

نمانده است کمالی بجز زر اندوزی

ز بسکه مضحکه گردید سعی استکمال

چه ذوق میزند ا زفکر رهبری واعظ به سود اندك خودمیت میشود بقال،

یادی رز

شهيد المعق خليل المكرزي



درعسرصنه پیکار زیسس مست وطن شسد

از خون شهید تو در و دشت چمن شد آنسرا که بپروردیش از ناز بداما ن آخس به بسرش دا من پاك توكفن شيد . فسرمان خندای است که با کشفر برزمید بسنهاد سسر خویش بدین امس و زتن شد آن بلبل شوریده بسستان وطسن ر ۱ بسر نسخسه آزادی تو خون ز بسدن شسد بـشکست قــفا را دل سـنگی که به بــرداشت عشرتكنه دهن به تناراح منحن شند از بسس بخيالش غم دل تازه نـــمـودم بسر دیسده گریان من او آصد و مین شید پیکار تو خون در جگر خمم فسرو بسست آ ئین تو افیحانه اعیمار و زمین شید چندان بسس است آتشش سبودای تو چونشمع کنزقافله اشك صرا پای رسسن شسند (از همایون رهیار)

ائتداف حكت مر باخلتي م

محترمه فخريه الفحى

قبل از اینکه باطل موضوع بپردازم اولتر از همه باید متذکرشوم که یکعده ازافغانان ما در شماره ۶ ائینه افغانستان ازمبارزات قلمی و شعور سیاسی وجهادی زنان افغان یاداور شدهاند تا بدینوسیله از حق خودارادیت زنان افغان دفاع بعمل آید مفصوصا ازمعترم ولسمل صاحب ومعترم نذیر نورزوی در مورد اظهار امتنان مینمایم، وبهمین ارتباط باید افافه کرد که بعد ازمصاحبه رادیوشی اخیر من یکعده از افغانان با احساس ما تیلفونی از معتویات کنفرانس و صراحت لهج قدردانی بعمل اوردند ، از اظهار احساسات هموطنان عزیز صمیمانه سپاسگذارم ولی باید گفت بنده صرف وظیفه ایمانی وجدانی انسانی و افغانی را بجا می آرد ویس ،

اصل موضوع اینست که از مدتی ۱۰ ائتلاف ۱۰ حکمتیار صاحب با خلقیها افکارم را متلاشی ساخته و یکبار دیگر بیاد ماهها و سالهای اول ۱۰ انفلاق شوم شور۱۰ ان روزهای تلخ گذشته می اندازد، از محاصره خانه های عزیزان ونزدیکان تا زندانی ساختن انها از ضبط دارائی های شخصی عتی موتر وتلفون تا شکنجه وازار پلچرخی وخاد وشها دت انها وبالاخره ازچرا غان کردن خانه شخصی ۱۰ رهبر انفلاق شوم ۱۰ تا خانه شخصی ما ۱۰۰ (برای اینکه کامه چرا غان خانه ما ۱۰۰ برای خوانندگان محترم مجله ائینه افغانستان معما نماند صوف همینقدر میگویم که خانه شخصی ما در نهر درسین مقابل فابریکه حجاری و نجاری مدتها قبل خانه ۱۰ رهبر انفلاق شور۱۰ بود ۱۰ در سال دوم خلقیها درست سه روز قبل ازهفت شور کمیته مرکزی خلق تصمیم گرفت که خانه از ما گرفته شود و بحیث موزیم تاریخی قرار گیرد زیرا خلقیها ادعا میکردند که تاسیس اولین حزب دیموکراتیك خلق افغانستان در همان خانه صورت گرفته و اینکه من و نجیب (شوهرم) تا مردار شدن ترهکی و هم مسموم شدن امین چطور تحت نظارت در بیرون و نیمه بندی در خانه خود بودیم یك قصه طولانی ۱۰ ما هه صیبا شده)

به یقین ائتلاف اقای حکمتیار با جناح ظق به هزاران هزار افغانیکه مخصوصا از شور ۱۳۵۷ تا اوا خر ۱۳۵۹ متغرر و شاهد حال این حوادث دردناك مستقیما بوده اند خیلی دردناك و کشنده است . اوا خر ۱۳۵۹ متغرر و شاهد حال این حوادث دردناك مستقیما بوده اند خیلی دردناك و کشنده است . و این ائتلاف انها را یکبار دیگر بیاد کمونستهای ظق این ادم کشان قرن ۲۰ و این سادیست های خون اشام و ملحد چون تره کی (ها) امینی (ها) و سروری (ها) یعنی (اسدالله ها) و بالاخره تنی (ها) و ملحدان امقال شان می اندازد که در اصل عامل همه بد بختیها و در بدریهای ما افغانها شده اند ایا کافی نیست که از هر خانواده افغان حد اقل یك عزیز وجگرگوشه شان قربانی این مکتبیها (پیرو افکار اجنبی) شده اند ؟ ۰۰۰ بلی خانواده هائی را میشناسیم که همه مردان خانه شان در دوسال اول زندانی و تحت شکنجه و بعفا شهید شدند که از شرح حال شان کتابها پیر میشود که از انجمله حبس شکنجه و شهادت دگیرجنرال قهرمان و با شهامت محمد عیسمی (نورستانی) با افتخار ومردانه وار در راه حفظ میبن خود نمونه بارزی از جنایات کشیف خلقیها بخصوص (اسدالله ها) میباشده

اگرچه نمیخواهم که نوشته ام را شخصی بسازم ولی صرف با ذکر چند نام دیگر طور مختص میخواهم جنایات وحشیگرانه خلقیها را یکبار دیگر طرف قفا وت خوانندگان محترم اثینه افغانستان قراردهم، از جمله شها دت محمد کبیر نورستانی اسمعیل نورستانی عبدالقدیر نورستانی جنرال ظفرغرزی ورستانی جمیل نورستانی خورد وبزرگ دیگر و جمیل نورستانی خورد وبزرگ دیگر و همچنان شها دت هدایت عبدالله (پاینده) غلام سخی پاینده محمد انور معصوم پاینده (جوان معیوب) احمد مجیب نوری (ستاژر طباننگرهار) خیر محمد (استاد پولیتخنیك) و دها نفر دیگر که از نزدیك میشناسم همه قربانی خلقیهای ادمكش ورخون اشام شدند،

به یقین وجدان امیر اسلامی بجوش خواهد امد که ائتلاف با ادمکشان وطنفروشان کمونستهای خلق جرم محض تلقی میشود و تخطی از اسلام برحق و همچنان لطمه بزرگی بمقام والای جهاد ملت قبرمان افغان است ، ائتلاف حکمتیار با کمونستها کا خلق جرئت ائتلاف با دولت کابل را میدهد (زبرا دولت کابل هم از مدتها باین طرف طور علنی در تلاش یك اشتی ملی میباشد)، باید گفت که تنی یك کمونست دو آتشه او خو ازکمونستی توبه نکرده در حقیقت خواست از همکار و همرزم خود چون حکمتیار ما حب برای شکست رقیب سیاسی خود در صحنه سیاست و احراز قدرت برای گمراه ساختن اذهان عامه این بار زیر نام اسلام سبب قربانی ملیونها افغان بیگناه دیگر شود ،

از طرفی مغالفتهای حکومت موقت مجاهدین مخصوصا رئیس دولت موقت (حضرت صاحب) و مولوی محمد یونس خالص که علیه ائتلاف حکمتیار با تنی صورت گرفته قابل نهایت تمجید و در خور ستایش میباشد، زیرا حضرت ما حب ودیگر سران مجاهدین عمیقا درك کردند درصورتیکه ائتلاف با کمونستهای ظق مجا زباشد ائتلاف با حکومت کابل نیز مجاز است پس چرا در این ۱۲ سال تمام این همه کشتنها اوارگیها و منت بیگانگان را پذیرفتیم ؟ وهمچنان مطلع شدند که حکمتیار با وابستگیهای شخصی خود با کمونزم (دشمن اسلام افغان و بشریت) موجات ناگامی حکومت موقت مجاهدین ومقاومت هرچه بیشتر حکومت کابل را فراهم ساخت چنانچه از در خفا و دور ازقفاوت ملت مجاهد افغان جهت احراز قدرت بشخص خودش با کشیفترین انسانان تاریخ و سر سپردگان کمونست جهانخوار روس دشمنان واقعی مردم افغانستان ائتلاف کرده که به مشکل میتوان گفت جن بجانب میباشده

۲ ـ از تطیل واقعیت ها ودلائلیکه قبلا ارائه گردید چنین بر می اید که حفظ و دوام حالت موجوده ۶ سیاسی نه تنها موجبات حصول اهداف جها د را طوریکه توقع برده میشد میسر نمیسازد بلکه خظر ان موجود است که جها د پر افتخار ملت افغانستان هم از نقاط نظامی وهم از نگاه سیاسی بمشکلات غیر قابل حل مواجه شبود ، عقیده علمومی برین است که تا موقع که زمینه انتقال قدرت بدست ملت مجا هدو شهید پرور افغانستان میسر نگردد جها د مسلحانه ا دامه یابد، البته در موازات این حرکت که مسئولیت تلفات و تباهی ان بدوش شوروی و علمال ان است با پیروی از اساسات و الای دین مبین اسلام از اقدا مات سیاسی برای رسیدن با هداف جها د نیز استفاده اعظمی صورت گیرد،

ما اصل انتخابات ازاد را برای دائر شدن شوری لویه جرگه و امثال ان بحیث وسیله سبهگیری مردم افغانستان در حیات سیاسی کشور تائید می نمائیم ، تطبیق این اصل در یك مرحله معین در صورتیکه فیفای مصفون و مساعد میسر باشد و وسیله اغراض نا مشروع وبر خوردهای مسلحانه قرار نگیرد بمقصد تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی جهاد ضرور است ،

با در نظر داشت مطالب فوق بعقیده ما یگانه راه کو تاه و موثر بمنظور رسیدن با هداف جهاد و تحقق خواسته های ملت رنج کشیده افغانستان همانا ایجاد یك حالت جدید سیاسی است که بوسیله ان زمینه تفاهم و اشتراك مساعی در بین مجاهدین مهاجرین و سائر بخشهای جامعه مسلمان افغانستان (باستثنی گماشتگان شوروی و سائر عناصر الحادی) فراهم گردد، همچنان یك سترا تیژی مشترك بمنظور هم اهنگ ساختن همه امركانات بمقیصد سقوط دادن رژیم کابل وبمبان آوردن دوره انتقالی فیراهم شود تا از این طرق زمیدنه انتقال قدرت به هیمت ملت مجاهد افغانستان فراهم گردد ،

ما معتقدیم که سازمان سیاسی موجوده میتواند در تاسیساین حالت بدید سیاسی مفید واقع شـود ، مشکل واقعی حالت موجوده درین نهفته است که سازمان سیاسی موجوده از همان انجاز احتوای مکمل نداشته وتمام عـناصـر قابل رعایت جامعه افغانی را طوریکه ملت افغانستان توقع داشت تمثیل نمیکرد ، بعقیده ما برای تحقق اهداف والای جهاد باید شرایطی ایجاد گردد که زمینه را بمنظور طرح یك سترا تیژی مـشترك غـرض تا صـین اهداف اتی مـیسـر سـازد :

۱ ـ ایجادتفاهم و اشتراك مساعی در بین عناصـر قابل رعایت جامعه افغانی بشمول عناصریکه در شورای منعقده راولپندی در نظر گرفته شده بود

 ۲ - ظرح یك پروگرام همه جانبه سیاسی تا بعلت مسلمان و مجاهد افغانستان این اطمینان حاصل شبودکه اهداف جهاد که همانا حفظ استقلال و تمامیت ارضیی و تاسیس نظام مبتنی بر اساسات اسلام و ثقافت افغانی عاری از هبر نوع تعبصب و تبعیض میباشید تا سیس شبود .

۳ ـ در چوکات ستراتیژی مشترك باید بملت مسلمان افغانستان این اطمینان حاصل شود که درشرایط سیاسی جدیدبرای همه افراد کشور زمینه اشتراك ازاد و بدون هر نوع تبعیض در امور سیاسی اجتماعی فرهنگی واقتصادی فراهم میگردد ،

٤ بمیان اوردن تفاهم همه جانبه و ایجاد فضای مصطون برای دائر نمودن انتخبابات ازاد عصوصیوعاری از فیشار خارجی تا باین ترتیب با انتقال قدرت بمردم مجاهد افغانستان استقرار و صلح سیاسی کشور مییسر گردد، هرگاه یك حالت جدید سیاسی متکی بر سترا تیژی مشترك ایجاد گردد امکان ان میسر خواهد شد تا شرایط لازم در ساحه ملی و بین المللی جهت انتقال قدرت سیاسی بملت افغانستان از طریق یك میكانیزم قابل قبول که بمنافع ملت مجاهد افغانستان مطابقت داشته باشد در اسرع وقت فیراهم شود .

متوقع هستیم سازمان سیاسی موجود این پیشنهاد را بطور مسئولانه با رعایت کامل واقعیت ها و شیرایطلففانستامورد بررسی عمیق قرار داده و نظر خود را در زمینه در مدت کمتر از یك مساه ابراز نسماید ه

هرگاه سازمان سیاسی موجوده جهاد راجع به تطبیق این پیشنهاد که همانا لزوم یك حالت جدید سیاسی و طرح یك ستراتیژی مشترك میباشد و ۰۰۰۰ (تدویر) امور ان توسط اشخاص خبیر و مظمر با هداف جهاد و غیر وابسته به تنظیمها براه انداخته شود توافق داشته باشد در انمورت ما در موقفی خواهیم بود که در مورد تحقق این اهداف و نحو تطبیق ان سهمگیری نمائیم تا بدین ترتیب با بتکار و حمایت سازمان سیاسی موجود زمینه برای تشکیل یك حالت جدید سیاسی فراهم گردد ، و من الله التوفییق ، »

یادداشت ٔاین متن که توسط تلفون از پـشاور بدست امده (بتاریخ ۶ جولای) ۹۹ فیصد قابل اطمینان است ، در بعضی جاها حروف ربط شاید مانده باشـد ، هکذا ۵ و همین صفحه در پاراگراف نهم فقره (شرایط افغانستان) شاید (شرایط زمان) و در پاراگراف اخیر جائیکه نقطه گذاری شـده کـلمه متن اصلی شاید (بُـعـد) باشـد که ما در بین قوسـین کلمه (تدویر) نوشته ایم،

معترم حمسید انوری از کالورادو

رياكورنا مول شي وفانسية المست ? إ

بعد از شکست کودتا درکابل وحمایه گلبدین حکمتیار از فراریان خلقی رژیم پوشالی کابل نظرات مختلف در مورد ارائه شد ، بعضی ها این ائتلاف را به نفع مردم و آزادی افغانستان و ایجاد یك حکومت ائتلافی در کشور ارزیابی نسسموده و از آن استقبال نمودند ،

محترم محمد هـن کاکـړ نیز درمورد نظریاتخود را ابراز داشته وکودتا و ائتلاف را از زوایای مختلف موفی بر رسی قرار داده اند که در شماره چهارم ائینه افغانستان به نشر رسید ، ایشان طی همان مقاله یادآورگردیده اند که همکاری حزب اسلامی با نظامیان خلقی شاید سرانجام بجنگایازده ساله خاتمه داده ویك حکومت ائتلافی در افغانستان زمام امور را بدست گیرد،

آیا آقای کاکیر که خود یکی از مورخین برجسته کشور اند و مطالعه کافی در تاریخ دارند این مطلب را هرگز از لابلای تواریخ کشور و جهان درك نکرده اند که کودتا بهر شکلی که باشند و از هر جناحی که صورت گیرد خلال مشکل یك ملت شنده نمیتواند ؟

در هیچ کشوری از جهان سرپلندی و آزادی باسیا ورده و هیچگاهی در عنوصه تاریخ صلح امنیت و عدالت با خود با رمغان نداشته است ، حکومات کودتا درصوا سر جهان وحشت و ترور با را ورده واختناق و دیکتا توری نظامی را در قبال داشته است ، حقوق ملیت ها را پامال نموهه و کشور هائیکه کودتا در انها صورت گرفته یك سیر قبقرائی را پیموده و از هرگونه پیشرفت و انکشاف بدور مانده اند ،

مثال های برجسته آن حکومت نظامی جنرال فیا ٔ الحق ، کودتاهای پیهم در کابل ، کودتای جنرال پینوچت در چیلی کودتای ساند نیستها درنیکاراگوا و کودتاهای مختلف در افریقا اسیا وامریکای لاتبین اند که همه و همه جنگ وبربادی باخود داشته انده اینها هیچکدام صلح ببار نیاورده وکشور های مذکور دچار یك جنگ داخلی تمام عیار گردیده و مملکت را به ویرانی و نابودی سوق داده انده

البته تمام این کودتاها توسط جناح های معین و مشخص نظامی که یا وابسته بامریکا بوده و یا از جانب روسها و هم پیمانان اش حمایه گردیده اند صورت گرفته است ۰

طل اگر ائتلاف کودتا چیان ظقی را با حزب احلامی گلبدین مورد ارزیابی وبررسی قرار دهیم مفاهده میشود که جناح ظق رژیم مزدور کابل که از بدو کودتای منحوس شور بکشتا ربیرحمانه مردم مسلمان کشور پرداخته و عده وبیشماری از روحانیون برجسته علمای دینی و خلاصه هر کسی را که علاقمند دیبن و مذهب بود در قدم اول نیست و نابود کرده و بعدا طبقه روشنفکر و منورین آگاه و شرافتمند را وحشیانه و با قسماوت تمام به دم تیخ سپرد ، امین جنایتکار با بی شرمی تمام لست دوازده هزار زندانی را بدیوار ها آویخت که بوسیله آدمکشان ظقی بدون هرگونه با زخواست ومحاکمه نیست و نابود گردیده بو دند، این حر سپردگان کرملین جهت خوش خدمتی به با دار روسی شان و در نشه ودکای روسی میبن ما را به جهنمی مبدل ساختند که فرد فرد ملت مظلوم ورنجدیده ما تا کنون در آن میسوزند ،

در همه این جنایات هولناك كه شرح آن كتابها میشود ظقیهای بد سرشت دوشا دوش رفقای پرچیمی شان ابتدا بامر حزب وزعمای كثیف و خاشن خودمانند تره كی وببرك قران مجید را زیر پانمونه د ر مرحله بعدی كه قدرت سیاسی را نحصب نمونند از هیچگونه چور و چپاول بی ناموسی وطنفروشی و خیانت دریخ نكرنه و حتیبوای خوش خدمتی بیشتر با رباب روسی شان در چاكر منشی با همطرا زان پرچمی خود برقابت برخاسته و وحشت آفریدند و اكنون هم سر سختانه در تلاش كسب قدرت از رقیب اند ه

جناح دیگر این ائتلاف شوم حزب اسلامی گلبدین خان حکمتیار است که همه در مورد شخص وی گذشته اش و کارنامه هایطلائی وی از بدو کودتای شور و اغاز جهاد تا کنون اطلاع دارند وحزب وی هم از افراد متملق چاپلوس وبلی قربان گویان و تروریستان متشکل گردیده که همه شان بصورت عام وتام درخدمت پولیس مخفی پاکستان قرار داشته وحامی منافع نظامیان پاکستان درکشور ما میباشند،

اکنون خودمشاهده میکنیمکهائتلاف این دوچه معجون مرکبی خواهد بود که ما ازآن انتظار نجات و ازادی افغانستان وبرقراری طح و ارامش و ایجاد یك حکومت ملی و اسلامی را داشته باشیم ؟ از کجا معلوم که کودتا وفرار جنرالان رژیم کابل وائتلاف انان با حزب اسلامی نیرنگ دیگری ازجانب حکومت مگار کابل نبا شدتا در بیان مجاهدین و تنظیمهای شان نفاق و چند دستگی ایجاد نموده و مجاهدین فیبور کشور را درحالت شك و تردید قرار داده و سبب پسردی گردانیدن جنگ شوند وجنرالان فراری خلقی نیز دست به تمرینات و سبع در بین مجاهدین داخل کشور زه اوضاع جنگ و موقعیت نظامی مجاهدین را بحورت منظم بحکومت کابل را بور دهند،

بقيه درص ۱۰۷ (قمت وکه)

عرف العلق على في المعادية الم

ودشمنی ان با محمد ظاهرشاه پادشاه سابق وقشر منورین افغانستان نیت و شخصیت اورا یکلیهرملاساخت

حالا مصلم گردیده است که نظام های سیاسی و اقتصادی کشور های اروپای شرقی در حال ورشکست و سقوط قرارگرفته است ، اساسات و اصول عقائد کمونستی که بر مبنای ماده بنا عیافته و درطول چپل سال تطبیق جبری بالای مردم سرزمینهای اروپای شرقی غیر عملی و ناکام ثابت شده است ، بیشاز این حلال مشکلات و پروپلمهای توده های بشـری نمیباشـد،

ا تحاد شوروی معترف است که نتایج هفتا د ساله نظام کمونستی در ان کشور سبب عقب مانی اقتصادی و ایجاد بیعدالتی های اجتماعی و سیاسی در ان کشور گردیده است ، حکمت حکمتیا ر بحیث یك تن از رهبسران برازنده جهاد مقدس اسلامی در مقابل کمونست های روس و افغان بعد از پانرده سال جهاد و مقاومت با لافر باین نتیجه و منفی و دلغراش گرائید که با کمونستهای خلقی که در مسئله تقسیم قدرت با پرچمیهای کمونست سازش نداشتند اتحاد و ائتلاف نموده و در صورت موفقیت و کسب قدرت سیاسی باز هم بکمونست های خونخوا ر خلقی موقع دهد که خون مسلمانان بیگناه آفغان را ریختانده و به نظام ظلم و وحشت دوام دهنده

ایا منطق یك مطمان افغان بعد از اینهمه خونریزی و تباهی در افغانستان اجازه میدهد که با کودتا چیان حرفوی خلقی و پرچمی که در کشتار و اعدام ملیونها مطمان افغان سهیم اند و هزارها خانواده را با قتل شوهران و برادران و پسران و یا عزیزان شان بماتم نشانده اند یکجا شده و در طرح نظام سیاسی و تشکیل حکومت حر و آزاد همکاری نمایند ؟ منطق بسیط یك انسان عادی در هر گوشه ۱ ز جهان که باشد بهیچ صورت قبول ندارد که محنف برای قدرت رسیدن و رفع عنطش قدرت طلبی مرتکب چنین ظلم و گناه گردند ه

ایا حکمتیار واقف نیست که همین گروه ظقیها ی خون اشام و یا کودتا چیان حرفوی بودند که بخکم با داران روسی خود در انجام کودتای ۱۹۷۳ محمد دا ود برای سرنگونی محمد ظاهرشاه کمر همت بستند و بعدا که میانه شان با محمد دا ود بخاطر انکه او حاضر نشد تحت تا شیر ایشان قرار بگیرد و به ساز شان پایکوبی نماید برهم خورده این کودتا چیان با تره کی و امین و ببرك یکجا شده و با نجام کودت تای خونین خود اسباب قتل عام محمد دا ود و تما می اعفای خانواده اش بشمول نواسه های خورد سال و را فراهم نمودند و با کسب قدرت سیاسی و نظامی تا توانستند دود از دماغ ملت ستمدیده و مظلوم افغانستان محض بخاطر انکه خدا پرست اند و از احکام سنت حضرت محمد مصطفی (م) پیروی می نمایند کشیدنده ایا حکمتیار اطلاع ندارد که محمد دا ود ولی نعمت ظقیها ئی از قبیل با چا گل وفا دار و وطنجار و گلاب زوی و شهنواز تنی و مسزدوریا و و سروری قاتل و یکعده پرچمیها ی وطن فروش و فروخته شده ۶ دیگر بسود ۲ این پا چاگل وفا دار که حالا طف وفا داری به حکمتیار داده است و در حصایت تنظیم اسلامی او قرار دارد توسط محمد دا ود پرورش یا فته و بمسند قدرت رسانده شده بوده داگر از موضوع دور نشویم و یك کمی بر گذشته و اخلاق و اطوار پا چاگل وفا دار که با محمد دا ود و دیرگران چه خیانتها و جفاهائی نکرد روشنی اندازین بیجا نخواهد بوده

پا چا گل خود معترف است که توسط محمد داود در حالیکه پابرهنه در دره های پکتیا به چوپانی مشغول بود (البته چوپانی یا هقانی به هیچ وجه قابل شرم و خبالت نیست در مورتیکه مرتکب خیانت و جنایت با ولی نعمت و مردم پا برهنه وکشور ازا ده خود نمیگردید) بکابل اورده شده و در لیسه عمکری میتاب قلعه تحت تربیه گرفته شد و الی ختم مکتب عمکری در هر دو هفته یکبار بمنزل شخی محمد دا ود در روزهای مرخمی حافر شده و مورد نوازش و محبت قرار میگرفت ، با ختم لیسه عمکری با اعطای یك بورس فوق العاده برای کسب تحمیلات عالی توسد محمد دا ود با تحاد شوروی فرستا ده شد، در انجا در حالیکه میدانست یك افسر نظامی نمیتواند با دوشیزه خارجی ازدواج نماید در خفا بایك دختر روسی وطلت جست و حتی از آن دختر روسی ها حبیك ظفل گردید ، با ختم بورس بوطن با زگشت ودر نیروی هوائی بحیث فابط مخابره بایفای وظیفه پرداخته و نظر بهدایت و رهنمائی با داران روسی خود زمینه ارتباطات ما حب منصبان جوان و پر عقده و دارای عقاید چپی را با محمد دا ود تنظیم وبرقرار نمود، محمد دا ود با طاس اختلافات خانوادگی و احساس بدبینی و دشمنی که عبدالولی دا ماد مصدظا هر نمود، محمد دا ود با طاس اختلافات خانوادگی و احساس بدبینی و دشمنی که عبدالولی دا ماد مصدظا هر نمود، محمد دا ود با طاس اختلافات خانوادگی و احساس بدبینی و دشمنی که عبدالولی دا ماد مصدظا هر نمود، میدواست قدرت را از طریق کودتای نظامی بدست اورد، همین سبب بود که از اشخاص مغالف سلطنت و رفدار تفییرات سیاسی در اف انستان استفاده نموده و مرام خود را برا ورده سازد، چون پاچاگل را از مالیا بانظرف میثناخت ولی هرگز تمور نمیکرد که در برابر زن و بول و مقام بروسها فروخته شده باشد مورد اعتماد قرار داده و توسط ان بطب و جذب یك عده افسران نظامی پرداخته

زمانیکه محمد داود بقدرت رسید پا چا گل را نخست وزیر سرحدات وبعدا بحیث مفیر در بلغاریه و لیبیا مقرر و در جمله اشخاص نزدیك و مقرب و مقرب خود قرار داد ، محمد داود میخواست خلقیها و پرچمیها را برای برا ورده ساختن اهداف سیاسی خود استعمال نماید و خلقیها و پرچمیها میخواستنند از نام وشهرت او استفاده نموده و خود را بمقامات عالی رسانده و بعدا او را سرنگون وقدرت را بدست اورده و افغانستان را در جمله اقمار شوروی قرار داده و از آن یك تا جکستان یا مغلستان شانی بسازنند،

انچه که پاچاگل و همکارانش از محمد دادو توقع داشتند برا وردهنشد بنابران درفکر سرنگونی او افتیده وبا حیله ها و شیطنت های از نوع روسی دست زدند و از همین موقع طرح کودتا برعلیه محمد داود توسط همین گروپ پاچاگل وا طم و طنجار قادر هراتی که بعدا بمقام وزارت دفاع ارتقا یافت ریخته شده زمانیکه اعتبار و حیثیت قادر و طونجار ودیگر خلقیها و پرچمیها در حکومت محمد داود ماقط گردید و در وظائف اداری در وزارت دفاع بکار و وظیفه گماشته شدند خلقیها همین پاچا گل بیوفا را که نزد محمد داود هنوز هم هایز رسوخ و اعتبار بود نزد او فرستا دند و او با چالها و نیرنگهای خود نتوانست محمد داود را اغفال نماید ولی با تملق خاص رسولی وزیر دفاع را تحت تاشیر خود قرار داد و مرام خود را که عبارت از تبدیلی اشخاص مورد نظر از وظایق عادی بوظائف عمده و سترا تیژیك نظامی در اردو بود برا ورده سازد، پاچاگل به همکاران سفارت خود که اشخاص مسلمان وملی بودند گفته بود که او به رسولی اظهار داشته بود که وی (رسولی) یك شخصیت ملی و قبرمان است و نباید قبرمانان و همکاران زمان کودتا را ازرده سازد بلکه ایجاب مینماید که ایشان دوباره بکار های عمده و پر مسئولیت گماشته شوند، زیرا دشمنان در کمین اند واحتمال کودتا برعلیه انهامتصور است و

رسولی فریب نیرنگا او را خورده و قادر ودیگران را نزدخود خواحته ونوازش داده ویکارهای عمده تعين ومقرر داشت ، همين كه محمد داود قانون آساسي نوين را آز لويه جَركَه گذشتاند هاچاگل را که خانم روسی داشت احفار نموده وبرایش دوستانه اظهار داشته بود که نظر بقانون اساسی همسه ه اشخاصیکه با خارجیها ازدواج نموده اند نمیتوانند در کابینه عضویت داشته یا بحیث حفیر و یا در اردو و مقامات پلیس و وزارت خارجه ایفایو ظیفه شمایند، پاچاگل قبلا از موضوع اطلاع حاصل شموده بود و با کمك مقامات روسی خانم روسی خود را بروسیه فرستانه و در شهر لیننگراد بآخریداری یك ا پارتمان مقیم نموده بوده امروز در اتحاد شوروی با وجود تغییرا تابنیادی بسوی دیموکراسی ازنوع غرب وتمايل بطرف اقتصاد ازاد ورقابت تجارتي هنوز هم خارجيها نميتوانند بخريداري ملكيت غيرمنقول از قبیل خانه و اپارتمان بپردازند ، انهائیک از رسوخ واعتبار زیاد در نزد مقامات جاسوسی بر خوردارند از قبیل پا چا گل وفادار مستشنی بوده تحت این مقررات قرار ندارند، پا چاگل (بیوفا) با دیده درائی به محمد داود اطلاع داده بود که از خانم خود جدا شده ودر فکر ازدواج با کدام دوشیزه افغان است ، این مسئله سبب شد که محمد داود مجددًا آو را بحیث سفیر در لیبیا اغزام دارد ، زمانیکه پاچا گل سفیر افغانستان در بلغاریابود گاهگاهی که د ر محافل دیپلوماتیك اشتراك میورزید وتوسط سفیر شوروی که مقام نائب السلطنه را حاین بود پدیگران طوری معرفی میگردیدکه گویا شخصیت نهایت عزیز و نزدیك بروسها است ، انعده مامورین سفارت افغانستان در بلغاریه که با زبان روسی اشناشی دا شتند چند بار شا هد چنین صحنه ها ئی بودند که سفیر شوروی مین معرفی پا چا گلہدیگران میگفت کها و نه تنها در شوروی به تحصیل پرداخته بلکه او متعلق بروسها است و نقل معتمد ایشان میباشد وباید ا ز هو جهت مورد اطمینان قرار گیرد، پا چاگل وفا دار انقدر نزد پوزانف سفیر شوروی در کابل نزدیك بود که حین مراجعت با چاگل بکابل و زمان عودتش بسوی ماموریت که اکثرا از طریف ما سکو صورت میگرفت بخًا طر پنیرًا ئی ا و بعیدان هوا ئی حاض میشد ، آین موضوع حتی سبب رنجش خاطر پا چاگل میگردید زیرا ما مورين وزّارت خارجه وديكر رجال حكومت انوقت اين صحنه ها را مشاهده كرده و ميدانستند كه ايسن شخص سرد روسها مقام خاص دارد ه

زمانیکه جمهوریت محمد دا ود سرنگون گردید وقدرت بدست کمونستها افتاد وعنا سر تعلیمیافته و ملی همچنان تمام شخصیتهای مذهبی یا اعدام ویا بزندان ها انداخته شده و تحت شکنجه و عذا ب قرار گفتند یا چاگل (بیوفا) با زهم بحیث سفیر نظام کمونستی افغانستان در هند تعیین گردیده و حفیظالله امین در یکی از مما حبه های خود او را یك شخصیت برازنده معرفی و در مدحش اظهار داشته بود که او قبلا بعضویت حزب دیموکراتیك خلق نائل شده بود ولی اینك این افتخار برای طرفین حاصل گردیده است و زمانیکه سفیر در هند بود صر وکله خانم طلاق شده اش مجددا پیدا شده و با نهایت غرور درگنار شوهر خود قرار گرفت و با لاخره در یك واقعه قا چاق هیروئین در هالند توسط پولیس بین المللی تعقیب وگرفتار و برای چهار سال محکوم به حبس گردید ، بعدا که امین توسط روسها سرنگون گردید وقدرت بخست ببرك و نجیب انتقال نمود این شخصیت شناخته شده بخاطر انکه خانمش از با بت قا چاق موادمخدره شهرت افاق گردیده بود برای مدتی در خانه نشست و بعدا در حکومت نجیب با مساعدت گلاب زوی واسلم و طنجار بحیث وزیر ترانسپورت عزتقرر حاصل نمود .

اینك بعد از یازده سال جنگ وخونریزی وتباهی در افغانستان که همه اش محصول تخریبکاریهای همین کودتا چیان حرفوی برای کسب قدرت و برقراری سیستم کفر و لحاد بود همان شخصیت بین المللی شناخته شده ٔ دنیای کمونستی بجهاد افغانستان می پیوندد ویرای ادامه تخریب و تباهی ملت مسلمان و مظلوم افغانستان حکمتیار و تنظیم پرقدرت و با دسپلین او را انتخاب میکند، ایا حکمتیارحکمت این معما و اینهمه چال ونیرنگ را درك مینماید و از عواقب ان اگاهی دارد ۱۱۱ یقینا حکمتیار از سوابق کارو طرز تفکر ظلیها وپرچمیهای شناخته شده معلومات دارد ولی عطش کسب قدرت سیاحی و نظامی و در صورت پیروزی رهبری اقانستان او را با این همکاری وتعاون واداشته است ، ایا حکمتیار از وقایع و حوادث بقدرت رسیدن وسرنگون شدن وقتل عام محمد داود وخانواده اش درس عبرت نگرفته است ، یقینا حکمتیار بخاطر دارد که محمد داود نیز با عین چالها وتکتیکها دست زده بود ولی نتیجه اش نه تنها موجب سرنگونی رژیم و قتل عام اطفال ونواسه های معسومش شد بلکه تمام هست و بود مردم افغانستان بخاك وخون یکسان شده

انچه مایه تعجب همگان گردیده اینست که حکمتیار چرا این دار و دسته ظقیها را که عجالتا شهنواز تنی در راس آن قرار دارد ولی در حقیقت کودتای تنی در اثر چالها ونیرنگهای ها چاگل صورت گرفته است بر همه دیگر افغانان مجاهد و قهرمان و همچنان منورین ترجیح داده است ، ایا حکمتیا ر واقف نیست که تمام افغانان اگاه و تعلیمیافته در هرگوشه وکنار جهان که بحر میبرند ندای برخی جهاد افغانستان را بلند نموده ویا وسائل محدود مالی واقعیت آنرا واینکه روسها وکمونستهای دست نشانده آنان چه مظالمی را برملت عذاب کشیده ما وارد اورده اند بسمع حلقه های خبیر بین المللی رسانده و احساسات بشری آنان را به نفع جهاد برافروخته ویر ضد فعالیت های تبلیغاتی روسها در هرجا جبه گرفته آند ، در نتیجه همین فعالیتهای تبلیغاتی و سیاسی بود که کشور های ضد شوروی کمك مالی و پشری خود را بطرف مها جرین افغان در پاکستان و تنظیمها وسران آنها سرازیر ساختند وحکمتیاربیش از سیی فیعد مجموع این کمکها را حاصل می نمودپس چرا کینه و بغض حکمتیار در مقابل این قشسر منورین که بیش از پنجاه فیعد آن توسط کمونستها معدوم گردید مرفوع نمیگردد،

اگر بی پرده در مورد شخصیت محمد ظاهر شاه یادشاه سابق اظهار نظر صورت بگیرد وبیطرفانه و با نظر وسیع گذشته های زمامداری آن ارزیابی گردد ایا با این واقعیت مواجه نمیشویم که محمد ظاهر شاه در طول چهل سال سلطنت خود حتی حاضر نمیگردید حکم شرعی اعدام ا نیان و تبهکاران را امضا عناید ، ایا جانیان حرفوی و کودتا چیان ادم کش خلقی وپرچمی در مقایحه با محمد ظاهر شاه درمقام بهتر واطمینان تر قرار دارند ؟ شکی نیست که یك سلسله اشتباهات در مورد نعب و عزل اشخاص در دوران زمامداری پادشاه سابق صورت گرفته خواهد بود و ممکن است اشخاص مستحق و فهمیده بكار های حساس وپر مسئولیت گماشته نشده باشند ، همچنان از امکان بعید نیست که یك عدم اشخاص نا اهل و بیكاره قبیله محمد زائی بكار های نا درست ونا مطلوب دست زده باشند و یقینا که موجبات ناخوشنودی پادشاه سابق ونارفایتی مهم با عقیده و پك نفس وبا شخصیت کشور را فراهم نموده اند، ایا در تستظیم حکمتیار و در جبهات جهاد اشخاص زرنگ و بی شخصیت وپول پرست و نا اهل وخویش خوریها وجود ندارد ؟ ایا یك زمامدار میتواند از حالات و شرایط قرد فرد دستگاه اداری با خبر باشد ؟ ایا ناشای شریعت غرای محمدی حضرت محمد مصطفی (می) و عدالت بشری و اساسات عنعنوی جامعه افغانی از انعاف دور نیست که با این همه بد بختیها شیکه از دست دار و دسته کمونستان خلقی و پرچمی برجامعه انعان وارد امده بازه بکودتا چیان حرفوی وخون اشام خلقی و پرچمی ترجامعه افغانستان وارد امده بازه بکودتا چیان حرفوی وخون اشام خلقی و پرچمی ترجامه

ایا حکمتیار تاریخ جهاد مسلمانان اسیای مرکزی را در دهه بیست و دهه می عیموی درمقابل قوای سرخ شوروی و دسیسه های ان مطالعه نموده یا خیر ؟ مسلمانان اسیای مرکزی مانند مسلمانان افغان بیست سال مردانه وار در مقابل حملات هوائی و زمینی کمونستتان روسی مقاومت نشان دادند ولی زمانیکه رهبران شان در اشر خودخواهی و خود غرضی و شهرت طلبی در مقابل یکدیگر جبه گرفتند و تخم نفاق در بین شان ریشه دواند وجاسوان روسی در جبهات انا نفود نمود فعیف ویرا گنده شدند وتوان مقاومت را از دست دادند تاریخ مبارزات وجهاد مسلمانان اسیای مرکزی گواه است که روسهها وتوان مقاومت اینان اسیای مرکزی گواه است که روسهها دعنی رهبران انانرا توسط کمونستان داخلی و کودتا چیان از نوع پادها گل و شهنو از تنی بشهادت رساندند ، علت اساسی و مهم دیگر حقوط مقاومت ایشان قطع ارسال سلاح از کشورهای دوست وعلاقمند شد روسها موفق شدند بر خطوط سرحدی ها کم و جریان سلاح و مهمات نظامی به جبهات مقاومت متوقف بها وجودیکه هردو حزب جمهوریت خواه و دموکرا تها در کانگرس امریکا در مورد کمك با جهاد افغانستان با وجودیکه هردو حزب جمهوریت خواه و دموکرا تها در کانگرس امریکا در مورد کمك با جهاد افغانستان کابل و مخصوط ائتلاف تنظیم حکمتیار با ظلقیهای خون اشام احتمال قطع سلاح را بجهاد افغانستان ساخته است ، اگرچه در ناکامی پلان معاصره و تسخیر شهر جلال اباد دستگاه جاسومی(آی اسآی) کابل منصوط اشار میکاش هم صورت گرفته است که در افاز مطلات قوای مجاهدی بر شهر جلال اباد در ارسال سلاح تعلل وغفلت هائی ازجانب موسات دیملاح امریکائی هم صورت گرفته است که مورد انتقاد شدید نمایندگان کانگرس امریکا واقع شده است که در افاز قبیل جلال باد محسوب گردیده است ه

با تطیل موضوعات فوق الذکر وانکشافات اخیر در داعیه افغانستان ایا برای حکمتیار شایسته تر نبود که با شاه سابق که هنوزهم حاض نیست با خلقیها و پرچمیها داخل مذاکره شود وجداً قواهان وحدت مفوف جهاد است و یا صبغت الله مجددی که بیش از طول عمر حکمتیار در مقابل کفر والحاد جنگیده است پیوند وائتلاف مینمود و در یك صف واحد در مقابل قوای شیطانی با هم موقف میگرفتند و امکانات نجات ملت بیچاره افغانستان را از شعر نفوذ کمونزم فراهم می نمودند

بقيردرخم ١٠٧ (مَمت رُمِر)

مكاتيب وابرية

داکتر محترم و دانشمند عزیزم آغاما حب

نعیدانستم که نامه شخصی مرا در مجله اثینه افغانستان (شماره سوم) درج مینمائید والا سر وبر ان را کمی جلم و جور میکردم ، بهرحال دانشمند محترم بعد ازتراش واصلاح لازمه آنرا بهتر آراسته برمن منت گذاشتند ،

شماره چهارم ائینه افغانستان را باشتیاق تمام گرفتم که هم از حیث فخامت و هم از حیث محتوی و کیفیت طوری وزین و گیرا است که از صفحه رو^ی جلد ۴۰ بیا د توحید په مناروکیسی د تکبیر چیسفی دی ۴۰تا صفحه اخیر ۴۰ بهار مهاجر ۴۰ همه دلچسپ و خواندنی است ۱۰ زخدای مهربان برایتان صحت خوب و توفیقات مزید مسئلت مینمایم که درین خدمت بزرگ و جهاد سترگ کامیاب باشید ۰

درباره طرح مجوزه شما برای طل قفیه اقانستان وطنداران معترم بعضی موافق برخی مخالف و چندتن از دانفندان نظر و طبق جداگانه ارائه کرده اند که در مجموع آن نوشتجات نکات خوب و دلجسیی بنظر میخورد که التفات بان خالی از فایده نیست ، بهر صورت توقع میرود که با شهامت و سینه فراخی که شما برای شنیدن هر درشت و کرشت آماده دارید کمترین اثر سوودر جهت مساعی شما نداشته با بد ، بلکه ساحه دید شما را در پیشبرد پروگرام حلل قبضیه متذکره انکشاف بیشتر بخشد، چیزیکه درین موقع بی اندازه زیان آور و خطرناك است رکود و جمودی است که هم اکنون ففای سیاحی مسئله افغانستان را فراگرفته که باید آنرا شکست و یك حرکت دینامیکی نمود تا توجه جهان رانسبت با فغانستان یکبار دیگر جلب نماید ، آن حرکت در اول هرچند کوچك طره کند اما چون سیلی که از با فغانستان یکبار دیگر جلب نماید ، آن حرکت در اول هرچند کوچك طره کند اما چون سیلی که از فراز دره ها سرازیر میگردد در مسیر شیله های دیگر بان عیمیق و پیهنابخشیده بالاخره شکل طوفانی را بخودمیگیرد که هیچ سدی مانع ره کنفائی آن شده نمیتواند ،

مجال ودرنگانا مواب است جامعه ایکه در تلاطم حوادث دستخوش دگرگونیها شد هرگاه شعورملت از استعداد های منور برخوردار بود میتواند که با درایت و هوشـمندی چـهره آن دگرگونی را بشکـل وجیهی در آورد واگر فاقد آن بودجبر زمان هرشـکلی که به آن وارد آورد مروز زمان آنرانـضج داده نـقش فی الـحـجر مینماید ، آنگاه قرون متمادی بکار است که آن شـکل کـریه تحجر یافته را تراش زیـبنده بخـشـد،

قسرنها باید که تا یك سنگ اصلی زافتاب

لسعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یسمین (سنائی)

خلاصه اینکه ابتکار و ششبت شمارا درین طرح عاطل گذاشتن و یا بمساهله گذشتن گناه احت وهرکه توان دارد و درین راه تعلل ورزد در نسزد وطنن و وطنداران مسئول بوده خدا و مهترلام صاحب هم او را نمی بخشده والصلام • صید مسعود پوهنیار •



انکشافات زراعتی که برای ممالک پسمانده مسئله حیاتی است در پهلوی منافع بزرگ ان بعضی ضرر های کوچک نیز در بر دارده هموار کردن ساحات بزرگ جنگل ها و نیزارها جهت زراعتی ساختی زمینهای ان بعضی از اجناس حیوانات حشرات خزنده و پرنده را مسستاصل میسازد و همچنان نصل برخی از نبا تات و اشجار را نیز از بین میبرده چنانچه در امریکا افریقاو آسیا بوقوع پیوسته است ه

قبل از رفستن شیرخان (مرحوم شیرمحمد خان ناشر) بحیث نایپ الحکومه یا رئیس تنظیمیه ولایت قطغن و بدخشان حاحات بزرگ قندز بغلان و پلخمری را نیزار ونیستان تشکیل میداد که پرورشگاه بزرگ ترین شیر جهان بود بنام ۴۰ شیر آ مویسه ۴۰ که بتدریج نصل آن حیوان درنده وزیبا منقرضگردید، تقریبا تا پنجاه وپنجسال قبل نیز آخرین نصل شیر آمویه در نیستان قندز زنده بسسر میبرد، شخصی که چندین شیر را در قندز شکار کرده بود افسفل خان نام داشت مشهور به شیر افگن ، من او را در خان اباد در حال (۱۳۲۶) دیدم ، با وجوداینکه بیش از هفتاد سال عصر داشت هنوز هم سوارکار خوب و پیلوان چاپ انداز بسود ، او میگفت که شیر افغانستان بزرگترین شیر جهان بسود ،

در آن نیزار های وسیع ملیونها مسرغ دشتی (pheasant) نیز آشیان داشتند که امروز نصل آن تقریبا از بین رفته است ، همچنان خوك یا کسراز فسرخار قندز و بسغلان از بزرگترین خوکسهای وحسمی جهان مسیدا مسعود پوهنیار ،

محترم داکتر صاحب هاشمیان

با مطالعه دوشماره اول ودوم ائینه افغانستان تحت اقدام نیك شما ما را بخاطره های گذشته وطن عزیز ما انداخت و دعا میداریم که خداوند متعال انرا از چنگال این ظالمان وطن فروش رهائی بدهدومردم اواره ودربدر ان سرزمین کهن وتاریخی را دوباره با وطان شان سکونت بخشده این اقدام شما نیك بوده والبته زحمت قابل قدری را در پیش دارد ، به همه دوستان وبرا دران افغان ما بخصوص اهل تقلم ومطبوعات لازم است تا در این راه برای تقویه نثراتی ان همکاری بدارند، بنده گرچه از کارمندان مطبوعات نیستم اما دائم با دوستداران اهل قلم ومطبوعات دیداری داشته و دارم ، روی این احساس با وجود بکه رشته تحسیل و کارم امور اقتصادی و مالی است مگر علائق من بیشتر مطالعه مضامین و کتب و نشرات تاریخی و کلتوری افغانستان عزیزما است ،

یك سلسله ضرب المثلهای كلتوری و عنعنوی مردمان نجیب سرزمین ما را كه جمع اوری نموده ام و به عقیده و بنده اكثر دارای پند مفاهیم ونكته سنجیهای عالی است و برای اینكه ازخاطره ها فراموشنیشودوزنده بماند لازم دیدم تا انها را بدسترس شما بگذارم اگر نشر انرا شما از نگاه مطبوعاتی لازم بدانید و به عقیده بنده كار مشبتی خواهد بود ، در كلمات دری وسبك جمله بندی انها اگر اشتباهاتی باشد امید دوستداران ادب با اصلاح نمودن آن بنده را مفصوبدارند، با تقدیم احترامات ، محمد نعیم عشمانی ،

برا در محترم اقای عشمانی

از حسن نیت و همکاری شما ممنونیم ، ۱۶ ضرب المثلهای عامیانه ۱۶ ارسالی شما را دربخش زبان و ادبیات بطور مسلحل نشر میکنیم، لطفا این سلحله را دوام بدهبید کار بسیارمفید و غنیمت است ، اف تمات ما را بپذیربد،

هـموطن گرامی اقای ها شمیان سلام

نا مه جوابیه شما را عنوانی نجیب که در یکی از شماره های ائینه افغانستان نشر شده بود یکی از دوستانم برایم فرستاد مطالعه کردم خیلی ها بجا بود خیلی خوشم امد، انعکاس صدای واقعی مردم افغانستان شنیده میسشد ـ انعکاس صدای مردمانی که ضدیت شان با نجیب ویرچمیان سیاه بخاطر گرفتی قدرت نبوده بلکه بخاطر تاریخچه ده سال سیاه شان در مملکت ما میبانده ، اینك میخواهم بمجله ائینه افغانستان اشتراك کنم اگر امکان داشته باشد حند شماره از گذشته را برایم بفرستید ، موفقیت شما را میخواهیم ، بااحترام، سید سرور هاشمی.

دوست محترم و مبارز دا کتر ما حب ۱۵ شمبان

بعد از تقدیم احترامات مجله ۱۰ ائینه افغانستان۱۰ که بمفهوم خوبان ائینه وقائع افغانستان شخهرسید ـ زحمات وتلاشهای شما در نشر مجله قابل قدر است وبرای شما ازبارگاه (عاحب قلم) توفیقات مزید میخواهم ۰

نامه نجیب و جواب شما را خواندم باید گفت که جواب اعلی و دندان شکن برایش دانه اید، نظر بنده را خواسته بودید با اعتذار بابد عرض کنم که نسبت مصروفیتهای بیحد جهادی پخشاور تقدیم جواب کمی بتاخیر افتاد ،

ا مروز شنیدم از را دیو که شجیب شام حزب را تغیر میدهد وغافل از آشههت که عارفی گفته بود ۶۰ بهر رنگی که خواهی جامه میپوش ـ صنی از طبرز خرامت میشناسم ۶۰۰

تغیر نام و همه تلاشهای نجیب و دسته جانیان خلق و پرچم نمیتوانند با این دسایس از جنایات ریختاندن خون یکنیم ملیون نفر افغان لکها نفر معلول و معیوب ملیونها مها حرکه خانه وجای و زندگی و اسایش و وطن مقدس خویش را از دست داده اند با این توظئه ها ازبین بروده و باید از کار برکنار شوند و جرابم خویش را در برابر محاکم جواب بدهنده

۱ ـ در همین مورد قبلا خدمت پوهاند صاحب اصفرخان نامه ای نوشته بودم کاپی آنرا غرض نشر بشما هم تقدیم میکنم ۰

۲ در مورد مبارزات تباه کن پشاوریها مخصوصا استاد ربانی صاحب که بر اعلامیه المحتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه سابق افغانستان شریه ناروا نشر کرده بودند بنام مکتوب سرکشاده بتاریخ ۲۹/۳/۱۰ نوشته ام یك کاپی خدمت شما تقدیم شد امید است اگربه نشر سپرده میشود جلی تر و خوانا تر باشد ۱۰۰۰ بااحترام عبدالرحیم چنزائی خریب ابا دیشا ور ۲۲-جوزا محترم چنزائی صاحب نامه شما وقتی رسید که صفحات مجله شم بسته میشد فقط دوصف اول جوابیه شما را پیرامون اعلامیه پادشاه سابق افغانستان درین شماره نشر میتوانیم ، یا رزنده و صحبت باقی استان درین شماره نشر میتوانیم ، یا رزنده و صحبت باقی استان درین شماره نشر میتوانیم ، یا رزنده و صحبت باقی استان درین شماره نشر میتوانیم ، یا رزنده و صحبت باقی استان در بیرا می با در با

محترم هاشمیان صاحب

هیله ده زماسلامونه ومنی و له دی نه چه ۱۰ د افغانستان د هنداری ۱۰ مطه دی نشر ته رسوی دیر خوشحاله شوم و د افغانستان خلك د خپلو روشنفكرانونه توقع لری چه د قلم له لاری د هغو خدمت په غاړه واخلی محکه زمونز جبل شوی ملت نسن د گاوندیو هیو ادو او دهغو گوداگیانو په لاس یرغمل نیول شوی او که مونز هر خومره پدی لاره کشی خدمت وکړو چه اوسنی جنگ پای ته ورسیزی او زمونز آواره مها جر بیرته گای پیرلحای شی نو لوی خدمت سه تر سره شوی وی و

ستا سو هلی تحلی پدی هکله د قدر وړ دی او هیله ده چه دا مجله ماته هم راولیزی ترخو ستا سو له نظرته هم باخبره و ۰ ستا سو د وطندار ۰ نبی مصداق ۰ بی بی سی ـ لندن ـدپیتوسرویس

محترم مصداق صاحب

ستاسو د حبي هيلي نه صننه كوم، دير معذرت غواړم چه په اوسنى حالت كى ستاسو خواهش نشم تر سره كولاى، لندن ته د مجلى استول په هره گخته كى شپيزنيم دالره پوستى مصرف ايجابوى چه دمونز داوسنى اقتصا دى طاقت سره برابر ندى، بهتره به داوى چه تاسو د بى بى سى موسسى ته د اشتراك په هكله سفارسبت وكئى، په كال كى يواځى سل دالره حق الاشتراك ددغسى يولوى دستگاه دپاره دومره گران كار نه جكارى، ستاسى د جم صحت اوموفقيت په دعا، په درناوى ،هاشمبان،

وحشت دركمنر

محترم هاشميان صاحب

یک جنایت دیگر ازجمله هزارها جنایات مسلمان نمایان هلاکو صفت را برایتانقصه میکنم، جند سال قبل یکنفر بنام معلم محمد امین که عضو حزب اسلامی حکمتیار بود بعدا با تحاد اسلامی جند سال قبل یکنفر بنام معلم محمد امین که عضو حزب اسلامی حکمتیار بود بعدا با تحاد اسلامی رفت در گروب وهابیان فعالیت دارد مین جنایت لعنت گفتند واینرا یک عمل کاملا غیر انسانی دانستند، در ماه رمغان سال جاری معلم محمد امین با چند نفر گروپ جانی اشدر همین ولسوالی روان بودند که با یک نفر با شنده آنجا برخورد می نماید ، این نفر با خانمش بطرف خانه خسرش روان هستند، محمد امین او را مخاطب ساخته میگوید در موقعیکه من قاریان را کشتم از یک کنج فیر صورت گرفت و پایم زخمی شد که این عمل از طرف خودت اجرا شده بود، او برایش میگوید معلم صاحب درموقع حادثه خودم درین منطقه نبودم بعدا از واقعه اطلاع یافتم ، محمد امین قبول نمی نماید ومیگوید اجلت رسیده ، او اظهار صنمایدوخواهش میکند که احازه بدهید خانم وطفلم را بخانه برسانم اجلت رسیده ، او اظهار صنمایدوخواهش میکند که احازه بدهید خانم وطفلم را بخانه برسانم ولی معلم محمد امین قبول نمیکند ، درین وقت عیال نفر مذکور اول طفل خود را بیای محمد امین می افتد می اندازد بعد ازان خودش قران شریف کو که گردن خود را بدست گرفته زیر یای محمد امین می افتد زیر بک درخت ایستاد نموده با ماشیندار فیر ویارچه یارچه اش میکند ، اینست و شده نظام اسلامی چند نفر اجیران اسلام فروش که مشت نمونه خروار عرض شده.

دیگر اینکه از برخورد ها و تبلیغات متقابل جمعیت اسلامی وبانی وحزب اسلامی گلبدین مردم خسته شده هر دو تنظیم یکدیگر را خاین جانی و نماینده حکومت کمونست و ایجنت کی جی بی میخواننده در تمام ولایات طبق اعلان قبلی گلبدین که جها د را بمقابل ربانی اعلان کرده بود جنگها و برخوردها دوام دارده حکومت موقت ساخت را ولپندی که از اول بدون نام تشریفاتی عملا جیزی نبود در حال شکست و ریخت قطعیست ، بیعدالتی / رشوت ستانی / غصب حقوق صها جرین بحدا علای خود رسیده از یکطرف مساعدت نا چیز معادل بخور و نمیر مها جرین مظلوم که اصلا چیزی نبودکمتر شده وزیر ها و مشاور ها از جیره مها جرین لقمه های چرب خودشان میگیرند و آنجه بسمانده باقی میماند مثل تنته جوار که بمرغان گرسنه داده شود از هزار نفر بیك نفر اگر چیزی برسده صد ها نفر در کمیها از گرسنگی هلاکت رسیده نه دوا است نه غندا در حالیکه قومندانان ساختکی که اقارب و شریکان حرم رهبران وخویشا وندان رهبران اجیر و فروخته شده میبا شند زندگی افسانوی دارند هرنفر شان جندین موتر ایرکاندیشن دار سوار شده روزهای گرم به صری و لب دریا میروند،

در داخل کشور نیز مداخلات ظالمانه وغیر عادلانه دوام دارد مگر ۱ عمال غیر انسانی و وطن دشمنانه اجنبی پرستان با عث شده که فی صد ۹۰ حمایت خویشرا در مهاجرین از دست بدهند، هر قومندان با ساس ارتبا طات فا میلی اشنائی و غیره چند نفر را بنام جهاد همرا ک خود می برد در حالیکه در ده سال گذشته مردم قهرمان ما داو طلب بجهاد میرفتنده بطور مثال در منطقه کا مه یک قومندان سال گذشته دوهزار مخاهد مسلح داشت و بجهاد ادامه میداد ، سه ماه قبل یکنز چشمدید خود را برایم حکایت نمود و گفت که در همان مرکز نمه نفر موجود بودند که شریکان و منافع شریک قومندان بودند ، ها شمیان صاحب چونکه ائینه را در پشاور بسیار مردم میخواند من فقط حقایق را که همه مردم خبر دارند برایتان نوشته میکنم دیگر وطنداران هم نوشته کرده خواهند بود، با احتراه محمد جعفیر از کیابیان ـ پشاور ۰

برادر نهایت محترم پروفیصر ها شمیان صاحب

ا ول از همه بهترین سلامها واحتراماتم را بخدمت شما وفا میل محترم تقدیم داشته ازخداوند بزرگ برایتان صحت و موفقیت بی پایان آرزومندم ،

از مطالعه مجله وزین اثینه افغانستان نه تنها شخص بنده بلکه فامیلم و دیگر دوستانم در نیویارک محظوظ و مستفید گردیدیم ۱۰ این ابتکار و زحمت کشی شما بدون داشتن وسائل کافی نزدهر فرد وطنپرست در خور ستایش و تحسین میباشد،

بعقیده بنده الله هر مجله اثینه که از طبع خارج میگردد و بدسترس وطن پرستان میرسد اهمیت این نشریه بیشتر از صد ها توپ و تفنگ بوده و خود یك جهاد مقدس است، تا جائیکه اطلاع دارم مجله اثینه علاقمندان زیادی در یك مدت کوتاه پیدا نموده است زیرا از یکطرف در عالم مسافری بعد از ده سال بالاخره مجلهای بطبع میرسد که در ان مفامین در ساحه سیاسی اجتماعی هنری وادبی و تقریبا بهر ذوق بنظر میرسد،

از جانب دیگر بیطرف بوده آزاد با جرئت وخالی از تعصب قسومی مذهبی و در خسدمت همه مردم وطن پرست و مسلمان افغانستان قرار دارده

فاضا مخوم واكثر فاشميان إ

نخست به فرام از قاف می به نوفه ای نیزکسموانه یا برنکسی موض در بمرها به قول دادم که (درنگاه بنوه) شا پریشتر مورد نوم قرار گرد :

است مجود ارز تارهٔ اخر کمانی کرده بسیرخل یک جمان طختم دمید آنز برسیوا انبین کرمیک وافعاط مجان شاسب طختم . وراخیرست چند آی دیگر برمقرار توفرهٔ افزاده ، دیخش زبرن جماح العیان نمودم آه جریک از عاقم بدان بتواید کمی در توفرهٔ با باسپریت قطع دا مذکرند .

آلبت عوارد نبره بفری نبیت که مزاید مثل آخ ددست عزیز را فیج کند ، ول مرای مبیب توم میرانمانیک بیفیده اقتصادی مواجهٔ بسند وفیدت ، ایل دوب ونیز عاقمید لذرایخ مبلغ ناجزرا درام دی تر درست مخرم دم اینام ،

جارم ۱۰ دوجمنتی کر ۱۹ آن چرزای بی ارش می نوایست ، کمی صور دمره بهت که بهتر توصهٔ طبیب، نام آبر فش رزاد داد. کرد ، آنهم اگرخامن خرش آن باید دبرای باکومیس مجان شور خردنی مجیس کمید ، بنده حار بهت ، مشروط برآ کد اگر مشتبهی بنج داد ، آبان بهاز مجیریه و مین اعراض کلسید ۱۰ محر ایزا خدست آبچری دیمه بزیگ نشوان خوش بشه آورد خرشی ام کر آزا مفایعهٔ تسکیم ، بهسایه بی فرادار :

سسررج وتجبج

هـموطن صحترم اقای وهاج

حسن نیت و همکاری شمارا بجان خریدارم ، دستخط مقبول شما زیب صفحات این محله میباشد ؟ حسینهای خوش خط و دارای حسن خط (جناب استاد بینش خودشما وامثال تان) همه در شحال و ما در جنوب گاهنگاهی ازین حسن برخوردار میشنویم، انگشتان شما در پناه خدا باشند تاافگارند آنهارا فیشار نمیدهیم و بعد ازآن اگر فشاری منحث سهمگیری در جهاد فرهنگی برآنها وارد شود همان بهسنده بوده خدا نکند که دست کمك را از باب ۴۰ ناخن افگار ۴۰ بگیریم ،

انتعقاد شمایرجمله ۱۰ هر نویسنده مسئوول نوشته خودش میباشید۱۰ وارد وبجا است ، در شهاره پنجم آقای داود ملکیار نیز همین مطلب را بشکل دیگر گوشزد نموده بود، از شماره ششم ببعد این جمله غیر عملی را حذف مینمائیم و مسئوولیت مفامین منتشره را خود متقبل میشویم،

جملهٔ غیر عملی را حذف مینمائیم و مسئوولیت مفامین منتشره را خود متقبل میشویم، از رواداری و زحمات آن برادر محترم با انگشتان افگار در دیزاین و تهیه اعلان اشتراك م باآنهمه صفائی و زیبائی که بعید از ذوق نا رسای من میباشد ممنون و متحسسم برمای نفایان نمایان



محترم هاشميان صاحب

امیدوارم صحت تان خوب با شده در فاتده نوابی صاحب عدای تانرا از دور شنیدم ۱۰ برخورد بین شما وعزت الله خان مجددی متاشر شدم چرا نمونه از بی اتفاقی ما افغانها میباشد و هم از طرفی چون مجلس فاتحه بود اگر مراعات میشد بهتر بود، اگر چه از نظر روانی و روانکاوی ما افغان ها جسما و مغزا و روحا و احساسا زیاد صدمه دیده ایم که ۱۲ سال طاقت فرسا میباشد ولی اگر بر خوردها بعوض جدال و مناقشه به بحث و مذاکره روی اختلافات صورت گیرد بهتر خواهد بود ، به یقین همانطوریکه انسانها مختلف هستند افکار و نظریات و انتقادات همه از شخص بشخص فرق میکند ، پس بهتراست اشخاص فهمیده و روشنفکر چون شما و غیره از نظر زیست با همی و احترام بنوع بشر بعضا برای جلوگیری از مناقشات دامنه دار بشکل (پاسیف) باشند ، یعنی روشهای ملایم در بعضی مواقع حساس بهتر از (اگرسیف) بودن است ، اگرچه میدانم در شرایط ما وشما بسیار مشکل است ولی اگر با طرف مقابل ، ز طریق نوشته مقابله کنیم حد اقل مجالس غم و خوشی ما در امان خواهد بود زیرا درد وخوشی از همه مشترک است ، کردار و رفتار عاقلانه در عقل سلیم و درید ن سالم است ، متاسفانه باید گفت که حوادث ناگوار از ۱۲ سال باینطرف بقدر کافی تاثیراتش را بوجود همه افغانها تزریق کرده است که اشخاص ورزیده مثل شما و امثال تان از مقاومت بیشتر برخوردار میباشید، امید که طرز تغکرم را شخصی فکر نکنید صرف یک ابراز نظر افغانی فکر کنید ، اگرچه در نظر داشتم تا یک (بهران محترم شما و مجددی صاحب بغرستم ولی بخود حق ندادم ، بااحترام فخریه الفی ،

محترمه فخريه الفى

چونکه شما در اطاق زنانه متعل اطاق مردانه نشسته بودید بهتر خواهد بود برای معلوما ت خوانندگان محترم رویداد اطاق مردانه بازگو شود ، حوالی نیم ساعت قبل از ختم فاتحه بنده اخدا عزت الله مجددی باطاق وارد شد و سر راست بطرف بالای اطاق متعل محراب مسجد جائیکه دو تین از قارئین رصمی مسجد (بخاری) نشسته و بقرائت معروف بودند رفت و پهلوی انها نشست ، قاری رسمی مسجد ملتفت شد که بنده قدا عزت الله مجددی آرزوی تلاوت و تقریر را دارد چون جای فیق بود بعد از تلاوت آخرین آیه قران مجید جای خود را ایله کرده بعشقوف مقابل در بین مردم نشست وجای خود را ایله کرده بعشقوف مقابل در بین مردم نشست وجای خود را به وی گذاشت ، انگاه شاغلی مجددی ابتدا بقرائت چند ایه مبارك پرداخت وجهار بار نسبت فعف حافظه اشتباه کرد و غلط خواند تا که قاری دومی که پهلوی او نشسته بود قران مجید را زیر چشم مجددی قرار داد و بعد تعدیح بقرائت ادامه داد، سپس برای تقریر بها بایستاد ، درینوقت اقای فرید نماینده جمعیت اسلامی با جرئت اسلامی بها ایستانه مجددی را مخاطب قراردانه گفت که ۱۰ در فاتحه نباید مسائل مباحی مطرح بحث قرارگیرد ، ۱۰۰۰ و اینرا همه (در هر دو اطاق) شنیدند و سپس تقریر شاغلی مجددی را که بخواهش متصدی صحد ترتیب اثر نداده کنایه های سیاسی گفت نیز شنیدید ،

سپس شا غلی مجددی با مر و نهی پرداخت و مثالها شی در فغیلت ماه مبارك رمفان و روزه ارائه كرد كه یك مثالیان قرار ذیل بود ، ۱۰ ای مردم من در كابل از زبان مردم كابل شنیده بودم كه میگفتند كه رسول خدا (طعم) روزه را برای مردم غریب عرب مقرر داشته است _ یعنی روزه برای مردم توانگر نبوده برای غربا وفقرا است _ و بدانید كه این غلط است زیرا روزه برای هر مومن مسلمان وبرای همه امت حضرت رسول اكرم (طعم) فرض میباشد و ۴۶۰۰۰ وقتی تقریر شا غلی مجددی بپایان رسید همه امت حضرت رسول اكرم (طعم) فرض میباشد و ۴۶۰۰۰ وقتی تقریر شا غلی مجددی بپایان رسید چنانكه شنیدید من اجازه خواستم كه توضیعی بعرض میرسانم و قبل از انكه وی فاته اخیر را بخواند مسلمان فرض است كه اگر مومن دیگری قصدا یا اشتبا ۱۰ در مورد اسلام یا گفتار وكردار پیخمبر (طعم) اظها رات خلاف واقعیت میكند به تصحیح او بپردازد ۱ انگاه عرض كردم كه ۱۰ ای هموطنان جد من حضرت سرور كاینات (صلعم) امی و بسیسوا د بود و آنحضرت غیر از آیا تیكه توسط جبرئیل امین باو نازل میشد از خود چیزی بعردم نمیگفت و پیخمبر اسلام (طعم) هیچوقت نگفته است كه روزه برای عرب میشم وغیر وغریب فرض شده است ۱۰۰ و افزودم كه ۱۰ منكه بیشتر از شعت سال عمر دارم هرگز از زبان میده و مسلمان و خدا پرست كابل نشنیده ام كه بالای پیغمبراطلام (ص) تیمت بسته باشند و ازقول پیغمبراطلام (صلعم) گفته باشند كه گویا روزه بالای غربا وفقرا فرض میباشد نه بالای دارنده و توانگر ۱۰ و این توضیعی بود محض بخاط اسلام ۱۰۶۰

متاسفانه این بار اول نیست که وقتی شاغلی مجددی بتقریر گرم می اید زبان او میلفزد وچیز هائی میگرید که با متن قران وتاریخ اسلام متناقض میباشد ، چند سال قبل در محفل فاتده مرحوم داکتر ولید حقوقی بعد از انکه مطمانان حاضر در مسجد را متیم قرار داد که در خانه هایشان قمار وشراب و د،، باشد خداوند حضور ندارد و وشراب و د،، باشد خداوند حضور ندارد و وشراب و د،، باشد خداوند حضور ندارد و این متناقض با آیه و کریمه است که خداوند میفرماید و پروردگار شما پشما نزدیکتر از زنجیر گردن شما است ۱۰۰۰ وانگهی شاغلی عبرت الله مجددی در بین مردم خصوما همسالان خود شناخت و سوابقی دارد که خودش در همینطور گناه ها آغشته بوده است ، ما نمیگوئیم شاغلی عزت الله مجددی و علق و نمیمت نکند بلکه پیشنها د مینمائیم محافل فاتد را دمیشون و محترم شمرته این بدعت ترویج امرونهی در محافل فاتده را که اکثو اوقات بسیاسی حتی مناقشات می انجامد بدست مبارك خود

میگویند که شما در فاکولته استاد بوده لاکن جناب حضرت ما حب عزت الله جان اغا مجددی صاحب چند وقت پیش در یك مجلس ختم قران شریف که خانگی بود چیزهائی گفت که بمن غرض نیست لاکن حضرت ما حب چندبار تکرار فرمودکه هاشمیان داکتر ماکتر نیست گفت که حتی مکتب درست نخوانده ، حونکه شما نام خود را داکتر نوشته میکنین صوبت (صحبت) حضرت ما حب بیادم امد که پرسان کنم شما بکجا داکتر بودین یعنی بکدام شفا خانه کابل کار میکردین ؟ والسلام حاجی عزیزالله از اناهیم ، ناگفته نماند که اگر شما صید بوده از کدام جای میباشید ؟ عزیزالله از اناهیم ، ناگفته نماند که اگر شما صید بوده از کدام جای میباشید ؟

هموطن محترم حاجي صاحب

من دا كتر طب يعنى طبيب نميبا شم ، بنده خدا عزت الله مجددى سرگذشت مكتب را درست گفته زیرامارا از صنف هشتم استقلال در اثر اغتشاش شینوار (که برادران شینواری مرحوم محمد علم خان و محمد افضل خان بان متهم شدّه بودند و اینها به برادر وپسر عم من خوبشی کرده بودند باساس همین خویشی)از مکتب خارج ساختند بنا بران من مکتب را بسیار پسانتر خلاص کردم ، سپس فاکولته ادبیاترا خواندم وبعداران چانس تحصیل بامریکا میصبر گردید ، دپلوم های ماستری و داکتری را در رشته تعلیم و تربیه زبان و ادبیاتاز بوهنتون دولتی ایالتاندیانای امریکا بدست آورده آ مکه کاپی آنها را نیلا ملاحظه میکنید ، در با بانسب خود چیزی نمیگویم زیرا نهایت خجل و گنهگار بوده لیاقت این نحسب را نخواهم داشت ، ولی اینقدر بشما اطمینان میدهم بها سنام اجدادماکه کشردرکنر مدفون میباشند مردم شریف ولایات مشترقی افغانستان وقتی را بشناسند هنوز هم پاچا صاحب گفته دست ما را میبوسند و این شیوه را من خود در۱۹۸۱وتیاز راه جلال اباد به پشاور فرار کردم و همچنان در سال ۱۹۸۷ که برای تحقیق و مشاهده بکمپهای شاور رفته بودم مشاهده نمودم ، بشما اطمینان میدهم که اگر من قسمد فریب دادن مردم را داشته باشم و یك ریش مصنوعی و عنبا ۶ وقنبا ۶عنربی یا هندی بپوشم و از طریق تعویذ و چ بت بیك عده ا ما تورها ے کردن کثافات دھن یا لای زخمہای مردم ہول بدست آرم راتب موفیقتر خواهم بود، اما انفیقای خاندان ما چه انهائیکه در راه تصوف رفته اند وجه آنهائیکه در خدمت اجتماع بوهه اند. بسرمانه اندوزی نبرداخته همگی بدون استثنی در حال فقر اقتمادی پدرود حیات گفته اند ، بطور مثال از متاخرین و معاصرین ، مرهوم سید عبدالصمد با چا (لوا مشر در عصر ا مان الله خان كه در بدو سلطنت محمدنا درخان استعفى داد و به تصوف كرائيد و به پاچا صاحب باشخه دار در باغ علیمردان مصمی بود) ـ پـدرم مرحوم سید محمد سرور که در علهد امانالله خان مقرب و معزز بود ولی در دوره محمدهاشم خان در اثر نقاضت شخصی سالها توقیف منزل بود ـ سید عبدالله خان كفیل معین حربیه دوره امان الله خان (برا در مهترمرحوم سید شریف خان سریاور) ـ کـاکـایم سید عـمر پاچا پدر سید حفیظالله پاچا که باپسر خود در یک خانقا ازندگی دا شُتُ و فقیربود له مرحوم سید حفیظ الله پاچا (معروف به پاچا صاحب شهدرك و بعلدا سلیلو) که مریدان او هنوز هم حیات داشته عده ای در امریکا مهاجر میباشند ماپسر عم دیگر، مرحوم دکتور سید عبیدالله روغ (و شوهر همشیره ام) که دو ماه قبل وفات کرد -مرحوم سید جلال پاچا کاکایم سابق حاکم کّلان **گنرها و پسرش** مرحوم سید ام**یرفا**ن **ق**وماندان اص ولایت مشرقی ـ مرحوم جنرال سید محمد عالج سابق لوی درستیز و مرحوم جنرال سیدشریف سریا ور که یکماه بعد از وفات او اولادش نفقه نداشت و امثالهم همه در شرایط فقر اقتما دی این دنیای مادی را ترك گفته اند، این بنده خدا حقیر سید خلیل الله علاوه سر ۱۲ تا ۱۳ ساعت وقت روزمره نفقه ایرا که عیال و اولادم بزحمت کمائی میکنند یك قسمت انرا بالای مصارف محلم آئینه افغانستان که انرا خدمتی در راه ارزادی وطن عزیز و موفقیت جهاد می پندارم صبرف مینمایم در حالبکه مجددی عاحبان شوربازار *اکْتُر* آز مدارك عایدات جهاد طفیلی گویا زندگی لوکس دارند بلکه از همین راه انواع تجارتیشمولَ اسلحه فروشی و قاچاق پودر انجام داده ملیونر بودند وملیاردر

Indiana University

School of Education

To all who may read these letters. Obserting: hereby it is certified that upon the recommendation of the Jaculty, the Trustees of Indiana University have conferred upon

Sayed Khalilollah M. Hashemeyan

the degree of

Master of Science in Koncation

in recognition of the fulfillment of the requirements for this degree. In Witness Whereof, this diploma is given at Bloomington, Indiana, May 12, 1974.







Indiana University

Graduate School

To all who may read these letters. Greeting: hereby it is certified that upon the recommendation of the Jaculty, the Trustees of Indiana University have conferred upon

Sayed Khalilollah M. Hashemeyan

the degree of

Pactor of Philosophy

in recognition of the fulfillment of the requirements for this degree.

In Witness Whereof, this diploma is given at Bloomington, Indiana, August 31, 1977.





ر انکشاف بزرک -روزنر (مید

'طلاعاتیکه از پشاور بدفتر مجله ائینه افغانستان رسیده مشعر است که اعلامیه مورخ ۱۲ می پادشاه سابق افغانستان حمایت و هیجان عمومی رابس انگیخته در اثر آن از یکطرف تموهای علنی توام با کنایه ها کارتونها و شعارهای طغیانی برهبران و اعضای حکومت موقت پشاور درکمپها وبازارهای پشاور بهشاهده میرسد و ازجانب دیگر باوجود شدت عمل رهبران تنظیمها مظاهرات بیضد تنظیمها و بحمایت پادشاه سابق در بین مهاجرین توسعه یافته است ه

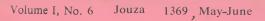
مساهده این وضع حکومت موقت را دست پاچه ساخته برای خریدن وقت بمنظور دوام حکومت غیر قانونی پشاور بطرح کمیسیون مشورتی مبادرت ورزیده است چنانکه در نامه شاغلی مجددی به عنوان یك عده هموطنان ملاحظه مبغرمایند وی نوشته است که ۶۰ بعد از کوششهای زیاد بالاخره زمینه تشریف اوری شما مساعد گردیده ۱۰۰۰ درین جمله ۶۰ کوششهای زیاد ۱۰۰۰ سباری و سقوط زیاد) بکار رفته زیرا با وجودیکه شاغلی مجددی برهبران همکار خود از بی اعتباری و سقوط حکومت موقت پیهم اخطار میداده اما مولوی صاحبان نو بدولت رسیده که هر کدام آرزوی دربار کردن بارگ کابل را بدل می پرورانند این اخطار ها را جدی نگرفته هنوز هم طرفدار حفظ موقف کنونی (status quo) میباشند چنانچه این ضعف و طرز تفکر انها توسط اعفای کمیسیون مشورتی درك و در پیشنهاد انها تذکار رفته که عده ای هنوز هم باین عقیده اند که ۱۰ وضع موجوده سیاسی فعلا قناعت بخش است و اینکه با تغییرات اندك در سازمان سیاسی موجوده اهداف مهاد تحقیق می بایده ایده ۱۰۰۰

ولی دوستان شا غلی مجددی از چند ماه باینطرف پیهم با و گوشند میکنند که اگر حکومت موقت در شکل و اهداف خود بدست خود تخول فوری مطابق بخواسته مردم افغانستان وارد نیاورد در تحت فشار بین المللی بطور آنی از بین خواهد رفت وانگهی در صفحه تاریخ جهاد افغانستان تا په بد نامی ابدی بنا مش شبت خواهد گردید ، ازینجاست که اگرچه همه اعفای حکومت او با طرح کمیسیون مشورتی موافق نبودند (چنانچه شا غلی سیاف صدراعظم حکومت موقت پشاور با کمیسیون تماس نگرفت وبدین ترتیب عدم شناخت خود را وانعود ساخت) معهذا شا غلی مجددی بحیث رئیس دولت انتما به پشاور که میداند همکاران او مفکوره و و دولت دارای قا عده و وسیع و ایمی پذیرند طرح مشوره را به پیش انداخت و با بتکار شخصی خود هیئتی را که اکثرش دوستان شخمی خودش میبا شند برای مشوره دعوت نمود شاید به تصور انکه (۱) دوستان او را در یک موقف مشکل قرار نمیدهند و (۲) در نهایت در رد مشوره مختار اما در قبول ان مکلف نمیبا شد ،

یك نگاه به هیئت مشاورین وانمود میسازد که از جمله ۲۳ نفر دعوت شدگان کمیسیون مشورتی فقط سمه نفر ان (یعنی دکتور محمد یوسف دکتور عبدالصمد دامد ودکتورعبدالحکیم طبیبی) غیر وابسته بوده و دونفر دیگر (یعنی شاغلو سید اسدالله نکته دان و محمد اسحق اخلاقی) شاید به تنظیمهای ایران مصربوط باشند متباقی همه با تنظیمهای پشاور ارتباطات تنظیمی داشته و دارند بلکه اکثر انها خصوصا انهائیکه در تحت عنوان مهاجرین پاکستان (اسلام اباد لله کویته و پشاور) دعوت شده اند از دوستان نزدیك همکاران تنظیمی وهوا خواهان شاغلی مجددی یا اعضای حکومت او میباشند که باین حساب بملاحظه معیارهای نمایندگی از ملت مجاهد افغانستان بسیار فقیر است ، ولی همه انها افغان و الحمدلله مسلمان و وطندوست بوده واین صفات را با وجود روابط و ملاحظات شخصی در پیشنها دیه کمیسیون مشورتی تبارز داده اند که قابل تمجید و مصرت و تصبریك مصیباشد ،

بنظر ائینه افغانستان پیشنها دیه کمیسیون مشورتی پشا ور یك سند اسلامی انقلابی وملی است که برای امط مخنندگان ان یك افتخار بزرگ و برای مردم ستمدیده افغانستان یك روزنه و امید قوی بشمار میرودکه در پایان دوازده سال جنگ و خونریزی شاید بزودی مرغ صلح را به اغوش بگیرند اگر چنانچه سائرجوانب نیعلاقه با عین روحیه اسلامی وایثار افغانی بمندرجات آن ارچ بگذارند ،درین سندملی واقعیتها بطور برجسته تبارز یافته برای بار اول بعد از تاسیس حکومت موقت پشا ور می بینیم که حکومت امیران پشا ور را که خود آنرا دولت اسلامی افغانستان مینامند و می بینیم که حکومت امیران بشا ور دا که خود آنرا دولت اسلامی افغانستان مینامند و دولت اسلامی موجوده و دولت اسلامی

پیشنها د کمیسیون مشورتی پشا ور با میران پشا ور خاطر نشان میسازد که ۶۰ حکومت موقتی که توسط شورای مشورتی را ولپندی در فروری ۱۹۸۹ تحت شرایط خاصی بمیان امد و در ان تنها هفت تنظیم جها دی مستقر در پشا ور عضویت داشتند تا همین اکنون که مدت ۱۸ ماه از انجازتاسیس ان میگذرد به تحقق اهداف مسفده خویش نائل نشدنده ۶۶





G H A N I S T A N M I R R 0 R



1990

مغادت منشده الأفرات الرونية بخ_{رار} ناب زلي نن عـــــ ــوان صفح

صفحت نحات و آزادی افغانستان
تاکی هم ما نگران فیمله دیگران بانید ؟
بازگانی این وربرای مروعیت دادن حکومت غیرقاندنی ه
انتشافی برگانی روزشه اصد
بسرامری اعلامی بادناه بابی افغانستان ۱۱ ـ ۳۰
انتخابات آزاد (استادعمدالرحمی بروران) ۲۱
طرح لیک جهانی (کاتور عبدالرحمی بروران) ۲۲
طرح لیک جهانی (کاتور عبدالرحمی بسروران) ۲۳
طرح لیک جهانی (کاتور عبدالرحمی بسروران) ۲۳
طرح لیک حمیانی (کاتور عبداللی الله (سرفانددگیر کاکر) ۳۷
ساحه حوارسیم تحییالله (سوفانددگیر کاکر) ۳۷

شوضسح کارتون دول فد سنگه سمه فی شرخسشگان واقطاء سمیالیت (دکترر اطانالله رسال) وی قسعت عملی (اداره) مشکلات دوره اشتقال (دکتور رحمت ظهر) وی صرحالی فضت ادری و امخان سختها فرافتانستان وی

بنخستر مسائل قاب الافتءانيي

آوازی از در آدر حیار) در حیار) رزیاد در آدر حیار) رزیادی اندار در اعلام هماشد رزیادی در اعلام هماشد این به معطولات ۱۳ مع

ستأسف سطت سرآفرز الراق فست به صفى وبحر كارخه امريكا (متدالرجيم حسنزاشی) ۱/۸ المنفراج نسخام ای روز ۱/۸ المنفراج نسخام از عالت از المحال ۱۸ المنفراج عدمان (عدالمامج روشنا) ۳/۸ فروغ عملجدا صفر (سنزاوار) علا تكوان م

نا یکھا چشکنیم انتیمہ رشحؑ ۱ منا) ها سوسر گلروکی (محمد شمیدا، المان) | ۱۱ طرح دبیران لاف (سفن برداز) پادی از شهید طبل مرزی

مسريفه كنداره خواران بحضور وزير عاجه داخله المسادلات بالمسادلات المسادلات ا

یکبر زبان بادسیات نقدها بنظربات انسار و نشر ۱۱۶ −

<u>سخت هنسری(استاد حمدراد کنسرت لاس انطس) ۱۶۰ – ۱۲۵</u> <u>بختر نشد ومعرفی آشار (نقد سر سه اثر) ۱۶۶ – ۱۵۰</u>

نخستن انگلسسی(از جب براست) حماب نگارکر به حمقری د، نام، حمصید دهلی بسرمتشی ملل متحد ۱ – ۱

شهاره سسم ساله اول جوذا ۱۳۲۹ ی حدوث ۱۹۹۹